

وحدت و هویت بخشیدن به شیعه لبنان و ایجاد همزیستی و احترام متقابل میان پیروان ادیان و طوائف سیاسی در آن کشور از سویی، و صراحت در معرفی رژیم غاصب صهیونیست به عنوان «شتر مطلق» و اعلام حرمت همکاری با آن از سوی دیگر و بالاخره ابراز ارادت و صمیمیت نسبت به رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، چه در عرصه فرهنگی و نوشتاری و چه با همکاری با عناصر مبارز ایرانی در مدتی طولانی، از این عالم بزرگوار که فرزند حوزه علمی قم و بازمانده یکی از خاندان‌های بزرگ علمی در جهان تشیع است، شخصیتی همه‌جانبه پدید آورده بود، و چنین بود که امام‌را حل بزرگوار ما دل‌بستگی و تکریم خود به این شخصیت معزز را از اوائل پیروزی انقلاب با بیانات گوناگون ابراز داشتند.

یقیناً محروم شدن صحنه لبنان از حضور چنین عنصر ممتاز و ارزشمندی یک خسارت بزرگ بوده و هست که متأسفانه عکس‌العمل مناسب خود را از سوی مدعیان طرفداری از حقوق بشر در بافت نکرده، و امیدواریم بی‌خبرها در این قضیه با همت صاحبان همت و مسئولیت پایان یابد.

بخشی از پیام مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

به کنگره بزرگداشت امام موسی صدر در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۸



آن چیزی که همه مطالب را آسان می‌کند، این است که ما و ملت ما و آقای صدر (سلمه الله تعالی) به دنبال مکتب، یک گرفتاری پیدا کردیم... آقای صدر که من سال‌های طولانی دیدم، بلکه باید بگویم من بزرگ کرده‌ام ایشان را، من فضائل‌شان را می‌دانم و خدمت‌هایی که بعد از آن که به لبنان رفته‌اند، کرده‌اند، آن را هم می‌دانم؛ و آن چه که لبنان احتیاج به ایشان دارد، باز آن را هم می‌دانم و... خداوند به همه عائله ایشان در این فراق صبر بدهد و چشم همه را به وجود ایشان - ان شاء الله - روشن کند، تا ایشان برگردند و به خدمت به مکتب موفق بشوند و شیعه‌های لبنان هم از وجود ایشان استفاده بکنند؛ بلکه همه مسلمانان، ان شاء الله.

از بیانات حضرت امام خمینی (ره) در دیدار با خانواده امام موسی صدر در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۵۹ (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۶۶)



دبیر

مدیر مسئول: سید مهدی تقوی

سر دبیر: حبیب‌الله ترکاشوند

دبیر تحریریه: محمد پارسایان

جانشین دبیر تحریریه: مسعود فهامی

معاون تحریریه بین‌الملل: مریم رجبی

مشاور علمی: غلامرضا حسین پور

مدیر هنری: احسان حسینی

دبیر اجرایی: سمیه ابراهیم خلیلی

اعضای هیئت تحریریه: اشرف بصیری، داود عظیمی، زینت

السادات جلالی، جواد پارسامهر، سید یاسر موسوی، جواهر بوعلنار

دبیر عکس: محمد نمازی

عکاسان: نقی خوش خلق، محمد نجفی، حسن آقا محمدی،

سجاد خطابی

چاپ: چاپخانه همشهری



این شماره از رایحه با مشارکت و حمایت شهرداری تهران (شورای عالی قرآن) و مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر تهیه و تدوین شده است.

نشانی: تهران، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵، خبرگزاری

قرآنی ایران (ایکنا) تلفن: +۹۸-۲۱-۶۶۴۷۰۲۱۲

پست الکترونیک نشریه: Rayehe@iqna.ir



۳۷-۶

زندگی نامه و بررسی آثار



۳۸-۶۵

روش‌شناسی و مبانی تفسیری امام موسی صدر



۶۶-۹۷

نگرش اجتماعی امام موسی صدر



۹۸-۱۱۵

رویکرد تقریبی امام موسی صدر

سخن چمنست



سی و پنج سال پیش هنگام جنگ داخلی لبنان، یکی از روزهایی که پدرم منزل بودند و همه خانواده ساعتی را کنار هم نشسته بودیم و سخن می‌گفتیم، یادم می‌آید که به برادرم می‌گفتند اگر فقط امکاناتی برای تحصیل یکی از فرزندانم را داشته باشم آن را صرف تحصیل دخترم می‌کنم، به یاد دارم که وقتی برخاستم که نماز را بخوانم به من گفتند: «حورا جان، فکر نکنی چون دختر سید موسی هستی نمازت از دیگر دختران قبول تر است.»

در مورد پدرم، امام موسی صدر، سخن‌های بسیار گفته‌اند، هر کس او را به گونه‌ای توصیف و تعریف کرده است، برخی او را مجتهد مصلح می‌دانند و برخی دیگر روشنفکر دینی، برخی او را معمار گفت‌وگو خوانده‌اند و برخی دیگر پرچمدار تقریب، امام محرومان، مؤسس مقاومت، منادی حقوق محرومان و مظلومان، پیشگام مبارزه با صهیونیسم، تاریخ‌ساز لبنان، هویت بخش شیعیان، رهبر موفق و تاریخ‌ساز و... دیگر تعریف‌هایی است که درباره امام موسی صدر گفته و شنیده شده است. هر کس از ظن خود یار او شده است.

معمولاً در توصیف و معرفی شخصیت‌ها، دیدگاه‌ها و اولویت‌های ذهنی معرف تأثیر قابل توجهی دارد کما اینکه گاه معرف، آرزوها و آمال تحقق نیافته خود را در شخصیت مورد نظر خود مجسم می‌بیند و او را برآورنده آرزوها و منجی محرومیت‌های خود می‌داند. اما تصویر من؛ تصویری که از امام موسی صدر در ذهن من نقش بسته و شکل گرفته تصویری است که ترکیب خلوت و جلوت، زندگی بیرون و درون خانه، تطبیق علم و عمل، یگانگی اندیشه و رفتار است. آنچه مردم درباره امام می‌گویند و تاریخ می‌نویسد، درست است اما همه امام نیست.

او همیشه و همه جا یکسان است، یک شخصیت دارد. از یک سو منظومه فکری او منسجم و همگون است؛ وقتی سخنان او را درباره موضوعات مختلف و در شرایط متضاد و یا زمان‌های دور و نزدیک کنار هم می‌گذاری، یکدست است و متناقض و متضاد یکدیگر نیست. پیدا است که از یک منظومه منسجم و یکپارچه فکری تراویده است. از سوی دیگر فکر و عملش یکسان است، رفتار و گفتارش آینه اندیشه و اعتقادش است و اندیشه و اعتقادش علت موجد عمل و گفتارش. او امروز و دیروز ندارد، بیرون و درون نیز ندارد. آنچه در خلوت خود می‌اندیشد، عیناً در جامعه عمل می‌کند و آنچه در برابر مردم و برای مردم می‌گوید، چون به خلوت می‌رود و یا در خانه و دور از چشم مردم همان را عمل می‌کند. دو شخصیت ندارد. ریاء بلد نیست. او اعتقادات خود را عقلاً و قلباً باور دارد و به آنچه می‌گوید، واقعاً ایمان دارد. در کردار و افکار و فکر و رفتارش تظاهر راه ندارد. به آنچه می‌گوید، اعتقاد دارد. به هدف می‌اندیشد، هیاهو و جار و جنجال نمی‌کند. می‌خواهد

کاری انجام شود. مشکلی حل شود، زندگی مردم سامان و بهبود یابد. به فکر اسقاط تکلیف نیست. گناه را به گردن دیگری نمی‌اندازد. فقط برای محرومیت مردم غصه نمی‌خورد، بلکه اطلاعات و آمار درست را جمع می‌آورد و برنامهریزی می‌کند و همه امکانات خود و جامعه را در قلمروهای گوناگون به کار می‌گیرد تا برای توسعه همه‌جانبه جامعه کاری کند. وقتی علت مشکلی را شناسایی می‌کند و نیاز را می‌شناسد، فوراً با همفکری دیگران طرح درمان متناسبی را تدوین می‌کند و دست به کار می‌شود. مثلاً:



اگر به این نتیجه می‌رسد که برای حل مشکلات شیعه و یا انسجام شیعیان باید، مانند دیگر طوایف لبنان، سازمانی برای شیعیان تأسیس شود، فوراً تلاش مطالعاتی و عملیاتی را در همه ابعاد آغاز می‌کند. از دولت و پارلمان لبنان تأسیس چنین سازمانی را درخواست می‌کند، اما خود نیز آستین بالا می‌زند، در دل کار می‌رود، همه امکانات خود و طایفه را بسیج می‌کند، لایحه قانونی تأسیس مجلس را می‌نویسد، و... و تا قانون تشکیل مجلس اسلامی شیعه در پارلمان تصویب نشود، از پای نمی‌نشیند. اندیشه را به عمل تبدیل می‌کند.



اگر برای احقاق حقوق محرومان، محرومان هر دین و طایفه‌ای فریاد می‌زند، از سختی و طولانی بودن راه و موانع و کارشکنی‌ها نمی‌هراسد. او همه وقت و توانش را در طبق اخلاص می‌گذارد. شب و روز، خستگی و تشنگی نمی‌شناسد. همه امکانات انسانی خود را به کار می‌گیرد، فریاد می‌زند، خواهش می‌کند، حمله می‌کند، مذاکره می‌کند، قدرت





امام مبحث گفت و گو و دعوت به گفت و گو با ادیان است. اعتقاد ایشان به گفت و گو و همزیستی با ادیان یا وحدت مذاهب اسلامی یک تاکتیک موقت برای رهبری و یا جلب قلوب و ابراز روشنفکری و کسب محبوبیت نیست، بلکه اصلی اعتقادی و دائمی و مستحکم است که اصالت و قدرت خود را از ایمان قلبی و شناخت دینی و فهم امام موسی صدر از اسلام می گیرد. تشکیل هیئت یاری جنوب تجلی عملی اعتقاد قلبی ایشان به گفت و گو و همکاری میان ادیان و مذاهب است. این هیئت را امام صدر برای دفاع و حمایت همه جانبه از جنوب در مقابل تجاوزات صهیونیست ها تشکیل داد و رهبران مذهبی همه مذاهب مسیحی و مسلمان جنوب لبنان را برای عضویت در آن دعوت کرد. اعضای این هیئت، مسیحی و مسلمان، در کنار هم طرح ها ریختند و اجرا کردند، برنامه ریزی کردند و کار کردند. دوش به دوش یکدیگر در کنار مردم حضور یافتند و سعی در حل مشکلات آنان کردند.



سخن کوتاه کنم. امام موسی صدر اعتقاد قلبی به توانایی اسلام در پاسخگویی به نیازهای روز دارد و از این رو برای تطبیق دین و زندگی، آشتی دنیا و آخرت و پیوند ایمان به خدا و خدمت به مردم طرح و برنامه دارد. تجلی و انعکاس این دو اعتقاد در وجود امام موسی صدر، انسجام و یکپارچگی اندیشه و عمل و یکدستی و اتحاد فکر و گفتار و کردار در اوست. او همانقدر به فکر تحصیل دختر خود در دنیای امروز است که به فکر نماز و خلوص در نماز اوست.

حورا صدر

رئیس مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر



یکی دیگر از موارد انسجام فکر با رفتار و اتحاد اندیشه با عمل امام موسی صدر در تبیین مفاهیم قرآنی و در تفسیر قرآن متجلی می شود. به ذکر یکی از مصادیق آن اکتفا می کنم. او در تفسیر آیه «وما تنفقوا من خیر یوقف الیکم و انتم لا تظلمون» علاوه بر بیان نظر مفسران درباره پاداش اخروی و سپس بر شمردن تأثیر انفاق بر زندگی نیازمندان، نظر خود را درباره انفاق می گوید: «انفاق کننده، با توجه به نوع زندگی و فعالیت گسترده اش بیش از انفاق گیرنده از جامعه پیشرفته تر بهره می برد، و در حیات دنیا بیش از آخرت و از زندگی مادی پیش تر از زندگی معنوی» در همین راستا، از تعبیر قرآنی انفاق، تفسیری عملی برای زندگی عینی انفاق دهنده و انفاق گیرنده ارائه می دهد. او برای اعتلای سطح جامعه و توسعه آن افراد متمول و متعهد و یا متخصص و توانای جامعه را با مفهوم انفاق آشنا و توجیه می کند و توجه آنان را نسبت به نتایج مثبت و منافع دنیوی انفاق برای انفاق کننده ها و آثار سوء انفاق نکردن جلب می کند. امکانات مالی، علمی، تخصصی و هر قابلیت دیگر ایشان را گرد می آورد تا در خدمت اصلاح جامعه و اعتلای سطح اقتصادی و اجتماعی شهروندان قرار گیرد. در این پیوند می توان از اقدام معروف ایشان در ریشه کنی پدیده گدایی و تکدیگری در شهر صور که اتفاقاً از اولین طرح های اصلاحی اوست، نام برد؛ برای اطلاع بیشتر از کم و کیف ماجرا می توانید به توضیحات خود امام صدر در کتاب نای و نی صفحه ۵۶ تا ۵۸ مراجعه فرمایید.



یکی دیگر از مصادیق انسجام فکر و عمل

را با هوشمندی و لطافت در هم می آمیزد. در جایش قهر می کند و به موقع آشتی می خندد، گریه می کند... تا مسئولان و دولت هوشیار شوند، تا از عهده مسئولیت و وظیفه خود برآیند. اما او فقط به فریاد و مطالبه اکتفا نمی کند. بلکه برای خودش و پارانیش طرحی کاربردی و جامع و برنامه ای برای مبارزه با محرومیت تدوین و اجرا می کند. در این مسیر با موانع بسیار و کارشکنی ها و تهمت ها و افتراها و سوء تعبیرها روبرو می شود اما از پای نمی نشیند و مطالبات خود را ادامه می دهد تا پیروز شود. تکلیف خود و دولت و کارشکنان را قاطعانه روشن می کند و در مصاحبه ای با یکی از روزنامه های لبنان می گوید: «فعالیت های دینی من قبل از هر چیز، با هدف ارتقاء زندگی اجتماعی مردم به طور عام و فرهنگ دینی مسلمین به طور خاص صورت می پذیرد. بر این باورم که تا وقتی زندگی اجتماعی مردم در این سطح است، وضع دینی آنان را نمی توان بهبود بخشید.» و سپس اعلام می کند که در صدد تأسیس مؤسسه ای اجتماعی است تا برای بیکاران اشتغال ایجاد کند، به نیازمندان یاری رساند و یتیمان را پناه دهد و با استفاده از شیوه های جدید به انسان حرفه و صنعت بیاموزد. بیانات او فقط در حد کلام و سخنان رسانه ای متوقف نمی شود. بلکه کلام خود را با عمل همراه می کند. او مدرسه می سازد، مراکز آموزشی گوناگون تأسیس می کند مدارس فنی حرفه ای بنیاد می کند، دارالایتم و درمانگاه و بیمارستان و آزمایشگاه و مراکز بهداشتی و درمانی برپا می کند. جا خالی نمی دهد و مسئولیت را بر دوش دیگران نمی اندازد. به تعبیر دیگر همه زیرساخت های ضروری را برای رفع محرومیت و اعتلای سطح فرهنگی و اجتماعی مردم تأسیس می کند.





فصل اول

زندگی نامه و بررسی آثار



سرفصل‌هایی
از زندگانی

امام موسی صدر

امام موسی صدر در روز ۱۴ خرداد سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در شهر مقدس قم دیده به جهان گشود. پدر ایشان مرحوم آیت‌الله سید صدرالدین صدر، جانشین مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم و از مراجع بزرگ زمان خود بود. جد پدری ایشان مرحوم آیت‌الله سید اسماعیل صدر، جانشین مرحوم آیت‌الله میرزا حسن شیرازی و مرجع مطلق زمان خود، و جد مادری ایشان مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسین قمی، جانشین مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و رهبر قیام مردم مشهد علیه رضا خان بود.



امام موسی صدر پس از اتمام سیکل اول و بخش مقدمات علوم حوزوی، در خرداد سال ۱۳۲۲ رسماً به حوزه علمیه قم پیوست، و طی مدتی کوتاه، ضمن بهره‌گیری از محضر حضرات آیات سید محمدباقر سلطانی طباطبایی، شیخ عبدالجواد جبل عاملی، امام خمینی (ره) و سید محمد محقق داماد، دروس دوره خارج فقه را به پایان رسانید. وی از ابتدای بهار سال ۱۳۲۶ وارد مرحله درس خارج شد، و تا اواخر پاییز سال ۱۳۳۸، یعنی قریب سیزده سال تمام، از مدرسان بزرگ حوزه‌های علمیه قم و نجف کسب فیض نمود. اساتید اصلی دروس خارج ایشان در قم، حضرات آیات سید حسین طباطبایی بروجردی، محقق داماد، صدر و سید محمد حجت، و در نجف حضرات آیات سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، شیخ حسین حلی و شیخ مرتضی آل یاسین بودند.

امام موسی صدر دروس فلسفی را نزد حضرات آیات سید رضا صدر

و علامه سید محمد حسین طباطبایی در قم، و نزد آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای در نجف فرا گرفت. دوستان اصلی هم‌بحث امام موسی صدر را در قم، حضرات آیات سید موسی شبیری زنجانی، شهید دکتر بهشتی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی و شیخ ناصر مکارم شیرازی، و در نجف آیت الله شهید سید محمد باقر صدر تشکیل می دادند. امام موسی صدر در طول زندگی حوزوی خود شاگردان برجسته ای را تربیت کرده است. معروف ترین آنان در لبنان شهید عباس

موسوی دبیر کل سابق حزب الله است. امام موسی صدر در کنار تحصیلات حوزوی، دروس دبیرستان خود را به اتمام رساند، و در سال ۱۳۲۹ به عنوان اولین دانشجوی روحانی در رشته «حقوق در اقتصاد» به دانشگاه تهران وارد، و در سال ۱۳۳۲ از آن فارغ التحصیل شد. امام موسی صدر قبل از عزیمت به نجف اشرف، از سوی علامه طباطبایی مسئولیت نظارت بر نشریه «انجمن تعلیمات دینی» را بر عهده گرفت. وی همزمان با تحصیل در حوزه علمیه نجف،

به عضویت هیئت امناء جمعیت «منتدی النشر» در آمد، و پس از بازگشت به قم ضمن اداره یکی از مدارس ملی این شهر، مسئولیت سردبیری مجله تازه تاسیس «مکتب اسلام» را عهده دار شد. از مهمترین اقدامات امام موسی صدر در آخرین سال اقامت در شهر قم، تدوین طرحی گسترده جهت اصلاح نظام آموزشی حوزه های علمیه بود، که با همفکری حضرات آیات دکتر بهشتی و مکارم شیرازی صورت گرفت. امام موسی صدر در اواخر سال ۱۳۳۸ و به دنبال توصیه های حضرات آیات بروجردی، حکیم و شیخ مرتضی آل یاسین، وصیت مرحوم آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین، رهبر متوفی شیعیان لبنان را لایک گفت و به عنوان جانشین آن



مرحوم، سرزمین مادری خود ایران را به سوی لبنان ترک کرد. اصلاح امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه شیعیان لبنان از یکسو، و استفاده از ظرفیت‌های منحصربه فرد لبنان جهت نمایاندن چهره عاقل، عادل، انسان دوست و با زمان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به جهانیان از سوی دیگر، اهداف اصلی این هجرت را تشکیل می‌داد. امام موسی صدر برای نیل به این اهداف، و با توجه به جغرافیای اجتماعی و سیاسی لبنان در منطقه و جهان، از همان بدو ورود فعالیت‌های خود را در سه حوزه موازی سازماندهی نمود:

بازسازی هویت، انسجام و عزت تاریخی شیعیان لبنان

امام موسی صدر از زمستان سال ۱۳۳۸ و همزمان با آغاز فعالیت‌های گسترده دینی و فرهنگی خود در مناطق شیعه‌نشین لبنان، مطالعات عمیقی را به منظور ریشه‌یابی عوامل عقب‌ماندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان لبنان به اجرا گذارد. حاصل این مطالعات، برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدتی بود که از اواسط سال ۱۳۳۹ و در راستای سیاست محرومیت‌زدایی، طراحی و اجرا شد. امام موسی صدر در زمستان سال ۱۳۳۹ و پس از تجدید سازمان جمعیت خیریه «البر و الاحسان»، با تنظیم برنامه‌ای ضربتی جهت تامین نیازهای مالی خانواده‌های بی‌بضاعت، ناهنجاری تکدی را به کلی از سطح شهر صور و اطراف آن برانداخت. وی در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۸ و در چارچوب برنامه‌ای میان‌مدت، با طی سالانه صد هزار کیلومتر در میان شهرها و روستاهای سراسر لبنان، ده‌ها جمعیت خیریه و مؤسسات فرهنگی و آموزش حرفه‌ای را راه‌اندازی کرد که حاصل آن کسب اشتغال و خودکفایی اقتصادی هزاران خانواده بی‌بضاعت، کاهش درصد بی‌سوادی، رشد فرهنگ عمومی، و به اجرا در آمدن صدها پروژه کوچک و بزرگ عمرانی در مناطق محروم آن کشور بود. امام موسی صدر در تابستان سال ۱۳۴۵ و پس از اجتماعات عظیم و چند روزه شیعیان لبنان در بیعت با ایشان، رسماً از حکومت وقت درخواست کرد تا همانند دیگر طوائف آن کشور، مجلسی برای سازماندهی طایفه شیعه و پیگیری مسائل آن تاسیس گردد.

مجلس اعلای اسلامی شیعیان که اولین بخش از برنامه درازمدت امام صدر به‌شمار می‌رفت، در اول خرداد سال ۱۳۴۸ تاسیس، و خود آن بزرگوار با اجماع آراء به ریاست آن انتخاب شد. امام موسی صدر از بهار سال ۱۳۴۸ تا اواسط زمستان سال ۱۳۵۲ با دولت وقت لبنان به گفت‌وگو نشست، تا آن را برای اجرای طرح‌های زیربنایی و وظایف قانونی خود

در قبال مناطق شیعه‌نشین و محروم آن کشور ترغیب کند. در پی امتناع دولت لبنان از پذیرش این مطالبات و نیز اتمام حجت با آن، جنبش محرومان لبنان در اوایل سال ۱۳۵۳ به رهبری امام موسی صدر شکل گرفت، و راهپیمایی‌های مردمی عظیمی در شهرهای بعلبک، صور و صیدا علیه دولت به وقوع پیوست. اوج‌گیری بحران خاورمیانه، صف آرایی احزاب افراطی مسیحی در برابر مقاومت فلسطینی، و به لبنان کشیده شدن برخی اختلافات جهان عرب، امام موسی صدر را بر آن داشت تا برای حفظ ثبات کشور و ممانعت از سرکوبی فلسطینی‌ها، توده‌های مردم را موقتاً از عرصه رویارویی با دولت کنار کشاند، و پیگیری مطالبات بر حق شیعیان را تا آمدن رئیس جمهور بعد به تاخیر اندازد. امام موسی صدر در سال ۱۳۵۴ علی‌رغم کارشکنی‌های شدید دولت، مجدداً با اجماع آراء به ریاست مجلس اعلای اسلامی شیعیان برگزیده شد. با آغاز جنگ داخلی لبنان در فروردین سال ۱۳۵۴، تمامی تلاش‌های امام موسی صدر مصروف پایان دادن به این بحران شد. وی در خرداد آن سال در مسجد عاملیه بیروت به اعتصاب نشست، و به پشتوانه مشروعیت مردمی و مقبولیت وسیع و شخصیت کاربزماتیک خود در میان تمامی مذاهب، آرامش را به تابستان لبنان بازگردانید. با شعله‌ور شدن مجدد آتش جنگ و پدیدار شدن ابرهای شکست بر آسمان جبهه مسلمانان، امام صدر در اردیبهشت ۱۳۵۵ حافظ اسد را وادار نمود تا با اعزام نیروهای سوری به لبنان، موازنه قوا و آرامش را به این کشور بازگرداند. حل اختلافات مصر با سوریه و متعاقب آن برپایی کنفرانس ریاض در مهر ۱۳۵۵، آب سردی بود که امام موسی صدر بر آتش جنگ داخلی لبنان فروریخت. این آرامش تا زمانیکه امام صدر در لبنان حضور داشت، ادامه پیدا کرد.

برچمرداری حرکت گفت‌وگوی ادیان و تقریب مذاهب در لبنان

هدف استراتژیک امام موسی صدر آن بود تا

طایفه شیعه لبنان را همسان دیگر طوائف، و نه مقدم بر آنان، در تمامی عرصه‌های حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن کشور مشارکت دهد. وی از اولین روزهای هجرت به لبنان در زمستان سال ۱۳۳۸، با طرح شعار «گفت‌وگو، تفاهم و همزیستی»، پایه‌های روابط دوستانه و همکاری صمیمانه‌ای را با مطران یوسف الخوری، مطران جرج حداد، شیخ محی الدین حسن و دیگر رهبران دینی مسیحی و اهل سنت آن کشور بنا نهاد. در طول حضور دو دهه امام صدر در لبنان، هیچ مراسم سرور یا اندوهی از شیعیان نبود که امام صدر در آن شرکت کند، و تنی چند از فرهیختگان مسیحی و اهل سنت در معیت وی نباشند. حمایت جوانمردانه امام صدر از بستنی‌فروشی مسیحی در اوایل تابستان سال ۱۳۴۱ در شهر صور، که به فتوای صریح ایشان مبنی بر طهارت اهل کتاب منجر گردید، توجه تمامی محافل مسیحی لبنان را به سمت خود جلب کرد. در اواخر تابستان ۱۳۴۱ مطران گریگوار حداد به شهر صور آمد، و از امام صدر برای عضویت در هیئت امناء «جنبش حرکت اجتماعی» دعوت کرد. از اواخر سال ۱۳۴۱ حضور گسترده امام موسی صدر در کلیساها، دیرها و مجامع دینی و فرهنگی مسیحیان آغاز شد. سخنرانی‌های تاریخی امام صدر در دیرالمخلص واقع در جنوب، و کلیسای مارمارون در شمال لبنان طی سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲، تأثیرات معنوی عمیقی بر مسیحیان آن کشور گذاشت.

امام صدر در تابستان سال ۱۳۴۲ و طی سفری دو ماهه به کشورهای شمال آفریقا، طرحی نو جهت همفکری مراکز اسلامی مصر، الجزایر و مغرب با حوزه‌های علمیه شیعه لبنان در انداخت. وی در بهار سال ۱۳۴۴، اولین دور سلسله‌گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت را با حضور بزرگان این دو دین الهی، در مؤسسه فرهنگی «الندوه اللبنانیة» به راه‌انداخت. وی پس از جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۶

به دیدار پاپ شتافت، و نشستی که در ابتدا نیم ساعت پیش‌بینی شده بود، به تقاضای پاپ بیش از دو ساعت به درازا کشید. امام موسی صدر از سال ۱۳۴۷ به عضویت مرکز اسلامشناسی استراسبورگ در آمد، و از رهگذر همفکری و ارائه سمینارهای متعددی در آن، انتشار آثاری ذی‌قیمت چون «مغز متفکر جهان شیعه» را زمینه‌سازی کرد. امام موسی صدر در بهار سال ۱۳۴۸ و بلافاصله پس از افتتاح مجلس اعلای اسلامی شیعیان، از شیخ حسن خالد، مفتی اهل سنت لبنان دعوت کرد، تا با همفکری یکدیگر برای توحید شعائر، اعیاد و فعالیت‌های اجتماعی طوائف اسلامی، تدبیری بیندیشند. وی در همین رابطه طرح مدونی را به اجلاس سال ۱۳۴۹ «مجمع بحوث اسلامی» در قاهره ارائه کرد، و متعاقب آن به عضویت دائم این مجمع درآمد. امام موسی صدر در سال ۱۳۴۹ رهبران مذهبی مسلمانان و مسیحیان جنوب لبنان را در چارچوب «کمیته دفاع از جنوب» گرد هم آورد، تا برای مقاومت در برابر تجاوز رژیم صهیونیستی چاره‌اندیشی نمایند. وی در زمستان سال ۱۳۵۳ و در اقدامی بی‌سابقه، خطبه‌های عید موعظه روزه را در حضور شخصیت‌های بلند پایه مسیحی لبنان در کلیسای کبوشیین بیروت ایراد نمود، و اگر آتش جنگ داخلی شعله‌ور نمی‌شد، در پی آن بود تا کار دینال مارونی لبنان را برای ایراد خطبه‌های یکی از نمازهای جمعه شهر بیروت دعوت کند. امام موسی صدر در زمستان سال ۱۳۵۵ و در جمع سردبیران جرائد بیروت، با پیش‌بینی صریح حذف فاصله‌ها و روند جهانی شدن در اواخر قرن بیستم، قرن بیست و یکم را قرن همزیستی پیروان ادیان، مذاهب، فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون نامید، و بر رسالت تاریخی لبنان جهت ارائه الگویی موفق در این زمینه پای فشرد. امام موسی صدر در اواسط سال ۱۳۵۷ موفق شد رهبران مسلمان و مسیحی لبنان را جهت برپایی یک جبهه فراگیر ملی متقاعد کند، و در

این مسیر تا آنجا پیش رفت که حتی موعد تاسیس اولین گردهمایی آنان را برای پس از بازگشت خود از سفر لیبی مشخص کرد.

تاسیس جامعه مقاوم و مقاومت لبنانی در برابر تجاوزات اسرائیل

امام موسی صدر از سال ۱۳۴۳ و یک سال پیش از تأسیس جنبش فلسطینی فتح، در پی اندیشه تبدیل جامعه مصری لبنان به جامعه‌ای مقاوم در برابر تجاوزات آینده رژیم صهیونیستی برآمد. وی در بهار سال ۱۳۴۴ گروهی از جوانان مؤمن شیعه را به مصر اعزام کرد، تا در دوره‌ای شش ماهه فنون نظامی را فرا گیرند. با بازگشت این جوانان که اولین کادرهای مقاومت لبنان بودند، عملیات ایذایی مشترک رزمندگان فلسطینی لبنانی در شمال فلسطین اشغالی آغاز شد. بخش اعظم نیروهای رزمنده از جوانان شیعه لبنان، و فرماندهی عملیات بر عهده رزمندگان فلسطینی بود. این نوع عملیات مشترک تا اوایل سال ۱۹۷۲ ادامه یافت. اولین شهید شیعه در عملیات ایذایی بر علیه رژیم صهیونیستی، از جوانان شهر مرزی «ناقوره» بود که در سال ۱۳۴۷ به شهادت رسید.

در مهر ۱۳۴۸ مؤسسه صنعتی جبل عامل یا کارگاه کادر سازی امام صدر رسماً آغاز به کار کرد. در پی بمباران شدید جنوب لبنان توسط رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۴۹ و عدم واکنش مناسب دولت وقت، اعتصابی بی‌سابقه به دعوت امام موسی صدر لبنان را فرا گرفت، به گونه‌ای که دولت وقت را بر آن داشت برای بازسازی مناطق جنگی و برپایی پناهگاه‌های مناسب در آن، مجالس جنوب را تاسیس کند. از اوایل سال ۱۳۴۱ عملیات ایذایی جوانان شیعه در داخل فلسطین اشغالی شکلی مستقل به خود گرفت، هر چند تا سال‌ها پس از آن نیز به صلاحدید امام صدر، افتخار آن به نام «تیروهای مخصوص جنبش فلسطینی فتح» ثبت می‌شد. در شهر یور سال ۱۳۵۱

و کمتر از ۲۴ ساعت پس از اشغال ۴۸ ساعته دوروستای «قنای جلی» و «جویا» به دست سربازان رژیم صهیونیستی، نشست فوق‌العاده مجلس اعلای اسلامی شیعیان با حضور تمامی اعضاء دوروستای جویا برگزار شد، و از همان روز اولین بذرهای «مقاومت لبنانی» توسط امام موسی صدر پاشیده شد. یک ماه پس از این حادثه و به هنگام تجاوز نیرهای صهیونیستی به روستای «فاووق» در جنوب لبنان، اولین عملیات غیررسمی مقاومت لبنان به اجرا درآمد، که حاصل آن چند کشته و مجروح اسرائیلی بود. از پاییز سال ۱۳۵۱ آموزش نظامی جوانان شیعه شتاب بیشتری گرفت. اولین شهید مقاومت لبنان «فلاح شرف الدین» مؤذن چهارده ساله مؤسسه صنعتی جبل عامل بود که در زمستان ۱۳۵۲ و پس از به هلاکت رساندن چند تن از سربازان رژیم صهیونیستی، در روستای مرزی «بنت جبیل» به شهادت رسید. در خرداد سال ۱۳۵۴ و به دنبال وقوع انفجاری در اردوگاه نظامی عین البنیه در کوه‌های بقاع، که به شهادت ۲۷ تن از جوانان شیعه انجامید، امام موسی صدر رسماً ولادت «گروه‌های مقاومت لبنان» را اعلان کرد. با پایان یافتن جنگ داخلی لبنان و انتقال دامنه ناآرامیها به جنوب، واحدهای مقاومت لبنان رسماً در نقاط استراتژیک مناطق مرزی مستقر شدند. اولین عملیات بزرگ مقاومت لبنان علیه تجاوزات اسرائیل در اواخر سال ۱۳۵۵ صورت گرفت که پس از چند روز درگیری، به آزادسازی شهرک‌های «طیبه» و «بنت جبیل» منجر شد. امام موسی صدر اولین شخصیتی بود که در زمستان سال ۱۳۵۶، طرح سازشکارانه توطین پناهندگان فلسطینی در جنوب لبنان را افشا، و با مواضع شجاعانه خود از تحقق آن جلوگیری کرد. در حمله گسترده سال ۱۳۵۷ اسرائیل به جنوب لبنان و به رغم عقب‌نشینی احزاب چپ و گروه‌های فلسطینی، جوانان مقاومت لبنان و دانش‌آموزان مؤسسه صنعتی جبل عامل در منطقه اشغالی باقی ماندند، و به رغم امکانات اندک تا به آخر علیه اشغالگران صهیونیست ایستادگی کردند.

امام موسی صدر اگر چه لبنان را محل اصلی فعالیت‌های خود قرار داده بود، اما هیچگاه از دیگر مسائل جهان اسلام غافل نبود. انقلاب اسلامی ایران، امنیت حوزه‌های علمیه، اتحادی عربی اسلامی جهت مبارزه با اسرائیل و گسترش تشیع در آفریقای سیاه، مهمترین دغدغه‌های خارج از لبنان ایشان را تشکیل می‌دادند.

در پی دستگیری امام خمینی (ره) و در اوایل تابستان ۱۳۴۲، امام موسی صدر راهی اروپا و شمال آفریقا شد، تا از طریق واتیکان و الاژه، شاه ایران را برای آزادسازی امام تحت فشار قرار دهد. با آزادی امام در پایان این سفر، آیت‌الله



خوبی تصریح کرد که این آزادی، بیش از هر چیز مرهون سفر آقای صدر بوده است. در پی تبعید امام به ترکیه در پاییز سال ۱۳۴۳، امام موسی صدر اقدامات مشابهی را به انجام رساند، تا ضمن تامین امنیت آن بزرگوار، ترتیبات انتقال ایشان به عتبات عالیات را فراهم سازد. در نیمه دوم دهه چهل و پس از آماده شدن اولین کادرهای نظامی مقاومت لبنان، ده‌ها تن از جوانان مبارز ایرانی به لبنان آمدند، و زیر نظر آنان فنون نظامی را فرا گرفتند. در اواخر دهه چهل و مقارن با تاسیس مجلس اعلاى اسلامى شیعیان، امام خمینی (ره) در پاسخ برخی فضلاء ایرانی مقیم نجف، امام صدر را امید خود برای اداره حکومت پس از شاه نامید. در زمستان ۱۳۵۰ و بر اساس تقاضای مراجع وقت، امام موسی صدر درباره برخی زندانیان سیاسی با شاه گفت‌وگو کرد، که بعضی از آنان از جمله حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، اندکی بعد از زندان آزاد شدند. با به قدرت رسیدن حافظ اسد در سال ۱۳۵۰ و آغاز همکاری‌های تنگاتنگ وی با امام صدر، سوریه به امن‌ترین کشور خاورمیانه برای مبارزین ایرانی بدل شد. امام موسی صدر در تابستان ۱۳۵۶ جوانمردانه سینه سپر کرد، و با اقامه نماز، تدفین و برپایی مراسم چهلمین روز شهادت دکتر شریعتی در بیروت، از سست شدن پیوند جوانان تحصیلکرده با روحانیت، جلوگیری به عمل آورد.

به دنبال درگذشت مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی در پاییز سال ۱۳۵۶، وی پسر عموی خود شهید آیت‌الله سید محمد باقر صدر را بر آن داشت تا پیش از پیش به حمایت از امام خمینی (ره) برخیزد. امام موسی صدر در بهار سال ۱۳۵۷ لوسین ژرژ نماینده روزنامه لوموند در بیروت را به نجف فرستاد، تا با انجام اولین مصاحبه بین‌المللی با امام خمینی (ره)، افکار عمومی جهانیان را با انقلاب اسلامی ایران آشنا کند. امام موسی صدر در دیدارهای مکرر سال ۱۳۵۷ خود با رهبران سوریه، عربستان سعودی و برخی دیگر از کشورهای جهان عرب، اهمیت انقلاب اسلامی ایران، پیروزی قریب‌الوقوع آن، و ضرورت هم‌پیمانی آنان با این انقلاب را به آن‌ها گوشزد کرد. وی در شهریور ۱۳۵۷ و یک هفته پیش از ربودن شدن خود، با انتشار مقاله «ندای پیامبران» در روزنامه لوموند، امام خمینی (ره) را به عنوان تنها رهبر انقلاب اسلامی ایران معرفی کرد. بدون تردید بزرگ‌ترین خدمت امام موسی صدر به انقلاب اسلامی ایران آن بود که در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ و پس از قریب دو دهه ترویج ارزش‌های زیبای اسلام راستین در لبنان، عموم مردم، به‌ویژه شیعیان و بالخصوص کادرهای مقاومت آن کشور را با این انقلاب آشنا و مرتبط نمود. امام موسی صدر در ۳ شهریور سال ۱۳۵۷ و در آخرین مرحله

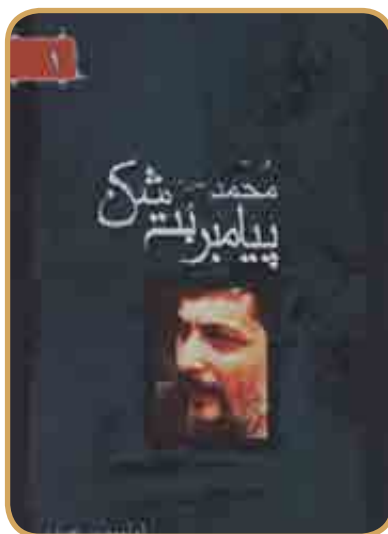
دارند که امام موسی صدر همچنان در قید حیات بوده و چون برخی دیگر از علمای اسلامی، شرایط زندان حبس ابد را می‌گذرانند. آخرین خبری که در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۰ توسط سایت «جبهه نجات ملی لیبی» بر روی شبکه جهانی اینترنت منعکس شد، مدعی آن است که امام موسی صدر در اواخر سال ۱۳۷۶ توسط برخی زندانیان زندان ابوسلیم شهر طرابلس مشاهده شد، و اندکی پیش از ماه رمضان گذشته به مکانی دیگر انتقال یافته است. والله علی رجعه لقادر.

از سفر دور ای خود به کشورهای عربی، بنا بر دعوت رسمی معمر قذافی وارد لیبی، و در روز ۹ شهریور ربوده شد. دستگاه‌های قضایی دولت‌های لبنان و ایتالیا، و همچنین تحقیقات انجام‌شده از سوی واتیکان، ادعای رژیم لیبی مبتنی بر خروج امام از آن کشور و ورود ایشان به رم را رسماً تکذیب کرد. مجموعه اطلاعات آشکار و پنهانی که طی دو دهه پیش بدست آمدند، تماماً دال بر آن هستند که امام موسی صدر هرگز خاک لیبی را ترک نکرده است. در این میان قرآن متعددی حکایت از آن

کتاب شناسی

امام موسی صدر

نام کتاب: محمد؛ پیامبر بت شکن
 مؤلف: امام موسی صدر
 مترجم: مهدی فرخیان
 ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام
 موسی صدر - نشر شهر
 سال: ۱۳۸۷، چاپ دوم
 تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
 تعداد صفحه: ۳۶
 قیمت: ۴۰۰۰ ریال



این مقاله که مهدی فرخیان آن را ترجمه کرده است، چنین آغاز می‌شود: «از سپیده دم آفرینش آدمی، ذهن او در پی شناخت بوده است. از همین رو، در خود و پیرامون خود، به کشف ناشناخته‌ها پرداخت و در طی هزاران سال با تلاشی جانکاه در پی حقیقت گشت. آنچه بیش از همه آدمی را به تکاپو وامی داشت و او را به اندیشیدن بر می‌انگیخت، ترس او بر سرنوشت خویش بود. زیرا که خود را در جهانی پر سطوت، که از زمین و آسمان بر او دشمنانی بزرگ چیره می‌کرد، ناتوان می‌دید، و یارای برابری با آنها را نداشت.»

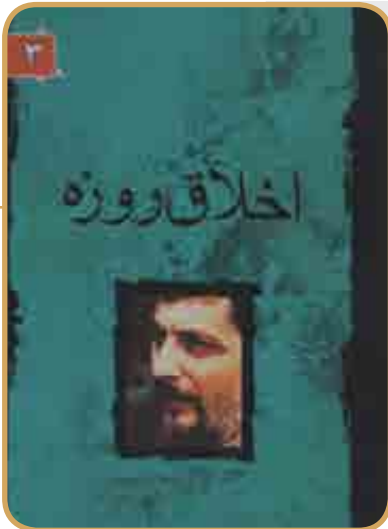
مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، با همکاری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و مؤسسه نشر شهر مجموعه «پرتوها» (گزیده آثار امام موسی صدر) را در ده جلد منتشر کرده است که نخستین جلد آن «محمد؛ پیامبر بت شکن» نام دارد.
 «محمد؛ پیامبر بت شکن» ترجمه مقاله‌ای از امام موسی صدر است که در دو هفته‌نامه «النهج» در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰ مطابق با ۲۳ شهریور ۱۳۳۹، به مناسبت میلاد حضرت رسول چاپ شده است.

نام کتاب: زهرا فصلی از کتاب رسالت
مؤلف: امام موسی صدر
مترجم: علی حجتی کرمانی
ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر - نشر شهر
سال: ۱۳۸۷، چاپ دوم
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
تعداد صفحه: ۵۴
قیمت: ۵۰۰۰ ریال



- از کتاب رسالت نام دارد.
۱. فاطمه زهرا
 ۲. با نویسنده
 ۳. زن
 ۴. نمونه راستین زن مسلمان
 ۵. ام ابیها
 ۶. همسر علی (ع)
 ۷. فاطمه (س) در راه دانش‌اندوزی
 ۸. جهاد پی گیر
 ۹. فاطمه (س) در محراب عبادت
 ۱۰. کوثر

مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، با همکاری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و مؤسسه نشر شهر مجموعه «پرتوها» (گزیده آثار امام موسی صدر) را در ده جلد منتشر کرده است که دومین جلد آن «زهرا؛ فصلی



نام کتاب: اخلاق روزه
مؤلف: امام موسی صدر
مترجم: عطاء الله افتخاری
ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر - نشر شهر
سال: ۱۳۸۷، چاپ دوم
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
تعداد صفحه: ۴۶
قیمت: ۵۰۰۰ ریال

صدر آمده و از مسئله روزه شدن ایشان توسط حکومت لیبی سخن رفته است. «اخلاق روزه» سومین جلد از مجموعه «پرتوها» است که شامل برخی سخنرانی‌ها و مقالات مهم امام موسی صدر است.

دارد، زیرا از منظرهای مختلف، روزه و معانی، ابعاد و تأثیرات و جلوه‌های آن را در طول زمان تعیین می‌کند. کتاب «اخلاق روزه» شامل عناوین «پیشگفتار»، «روزه تمرین جهاد»، «شأن امت و سرنوشت او»، «اخلاق پیروزی»، «زکات فطر»، «پس از عید»، «از تولد و حضور» و «از بودن و غیاب است» که در دو بخش آخر خلاصه‌ای از زندگی امام موسی

اخلاق روزه، عنوان دیگری است از مجموعه «پرتوها» که برخی دیدگاه‌ها و تجربیات معرفتی امام موسی صدر را در پیوند با روزه منعکس می‌کند. تنوع مطالب این کتاب به سبب تنوع شرایط زمانی و مناسبت‌های تاریخی و جغرافیایی است که امام در آن و یا برای توضیح آن‌ها سخن گفته‌اند. اما در عین آن تنوع، همه‌ی بخش‌های کتاب وحدت و انسجام موضوع

نام کتاب: دین در جهان امروز

مؤلف: امام موسی صدر

مترجم: گروه ترجمه مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر

ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر - نشر شهر

سال: ۱۳۸۷، چاپ دوم

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحه: ۵۰

قیمت: ۵۰۰۰ ریال



کتاب «دین در جهان امروز» ترجمه‌ای است از سخنرانی امام موسی صدر در دانشکده حقوق و علوم اقتصادی دانشگاه پدران یسوعی است

دین، ویژگی تحول‌پذیری نسبت به نیازها و مقتضیات زمان و مکان را بپذیریم. از این رو اسلام همواره توانسته است و می‌تواند در هر عصر و مکانی پاسخگوی نیازها و سؤال‌ها و ابهام‌ها و سرگشتگی‌های بشر باشد.»

که در تاریخ ۱۹۶۸/۳/۲ برابر با یازدهم اسفند ۱۳۴۶ ایراد شده است. چنان‌که در پیش‌گفتاری این کتاب آمده است: «دین را اگر منظومه‌ای از اصول، اخلاق، شرایع، احکام و مناسک بدانیم و جوهر و اصل آن را ثابت بینگاریم که از ازل تا ابد ثابت است، باید در ماهیت

نام کتاب: علی موحد بود و بس

مؤلف: امام موسی صدر

مترجم: گروه ترجمه مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر

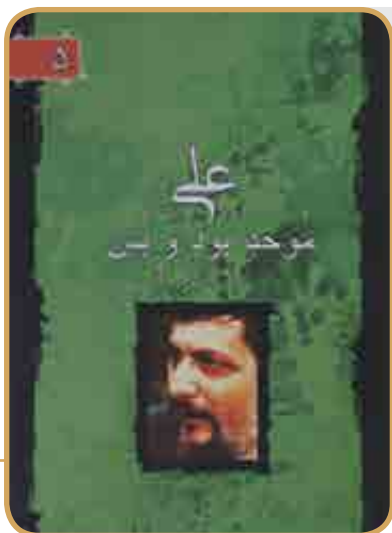
ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر - نشر شهر

سال: ۱۳۸۷، چاپ دوم

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحه: ۴۶

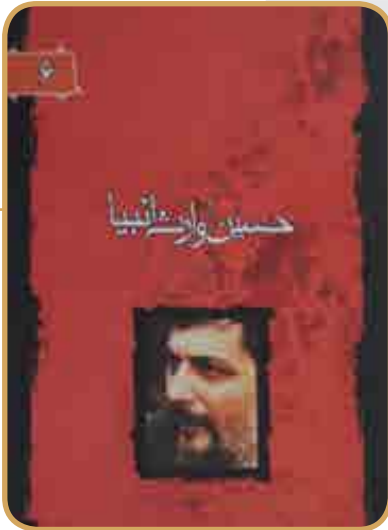
قیمت: ۵۰۰۰ ریال



«علی موحد بود و بس» متن یکی از سخنرانی‌های امام موسی صدر است که به زبان فارسی درباره حضرت علی (ع) ایراد شده است. ناشر کتاب در پیش‌گفتار آورده است: «متأسفانه علی‌رغم همه تلاش‌های مؤسسه، هنوز نتوانسته‌ایم بیش از سه چهار سخنرانی ضبط شده از ایشان به زبان فارسی بیابیم. آنچه در این دفتر فراهم آمده، یکی از آن سخنرانی‌های

فراسی است که از آرشیو صدای جمهوری اسلامی گرفته‌ایم.» «امام موسی صدر در این سخنرانی دیدگاه جدیدی را در پیوند با ضرورت و شناخت حضرت علی (ع) مطرح می‌کنند که پس از ۳۷ سال هنوز حلاوت و تازگی آن حفظ شده است. این ویژگی را شاید از عنوان، «علی موحد بود و بس» می‌توان استشمام کرد.»

این کتاب شامل بخش‌های «پیش‌گفتار»، «علی موحد بود و بس»، «از تولد و حضور» و «از ربودن و غیاب» است که در دو بخش آخر خلاصه‌ای از زندگی امام موسی صدر آمده و از مسئله ربوده شدن ایشان توسط حکومت لیبی سخن رفته است.



نام کتاب: حسین وارث انبیا

مؤلف: امام موسی صدر

مترجم: مهدی فرخیان

ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر - نشر شهر

سال: ۱۳۸۷، چاپ دوم

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحه: ۳۲

قیمت: ۴۰۰۰ ریال

«حسین وارث انبیا» کتابی است که می‌توان آن را درس‌های عاشورا از زبان امام موسی صدر دانست. امام موسی صدر در این گفتار دشمنان امام حسین و خصایص آنان را برشمرده است.

در پیشگفتار این کتاب می‌خوانیم: «امام موسی صدر از جمله اندیشمندانی است که کوشیده است با زبان و رفتار خود، چهره حقیقی قهرمانان عاشورا را

بنمایاند و پیامش را به جان‌ها برساند. او در سخنرانی‌های مختلف تلاش کرده است تا غبار تحریف را از چهره‌ی این واقعه بزدايد و با درک پیام عاشورا آن را به زبان امروزی جامعه بازگو کند.»

این کتاب شامل بخش‌های «پیشگفتار»، «حسین وارث انبیا»، «از تولد و حضور» و «از ربودن و غیاب» است که در دو بخش آخر خلاصه‌ای از زندگی امام موسی صدر

آمده و از مسئله ربوده شدن ایشان توسط حکومت لیبی سخن رفته است.

«حسین وارث انبیا» ششمین جلد از مجموعه «پرتوها» است که شامل برخی سخنرانی‌ها و مقالات مهم امام موسی صدر است.

نام کتاب: زینب شکوه شکیبایی

مؤلف: امام موسی صدر

مترجم: مهدی فرخیان

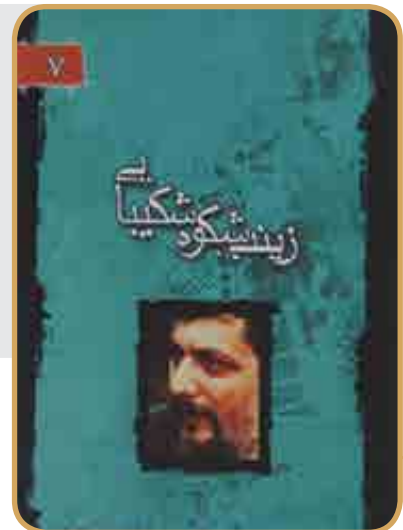
ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر - نشر شهر

سال: ۱۳۸۷، چاپ دوم

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحه: ۴۰

قیمت: ۵۰۰۰ ریال



این کتاب، دو سخنرانی از امام موسی صدر است درباره نقش حضرت زینب در واقعه عاشورا و رخدادهای پس از آن که با قلم مهدی فرخیان ترجمه شده است.

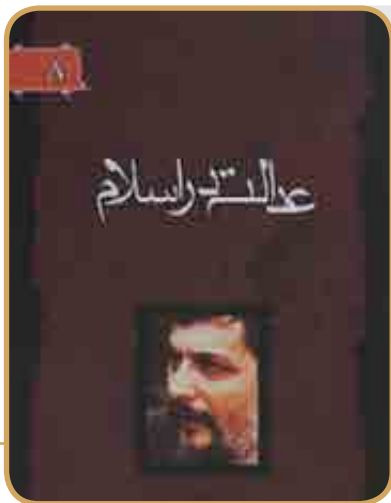
بی‌شک پس از شهادت امام حسین (ع)، قهرمان واقعه عاشورا حضرت زینب است. پس از عاشورا این زینب (س) بود که با شکیبایی بر مصیبت‌ها و صلابت و استواری پیام عاشورا را به همه رسانید؛ تا جایی که با شور و شعور خود توانست

حتی کاخ یزید را نیز فتح کند. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «نخستین وظیفه حضرت زینب، پاسداری از شرافت و عزت، پس از شهادت امام حسین (ع) بود. سپس به سرانجام رساندن رسالت امام حسین و بازگویی آن تراژدی و پیکاری که بنی امیه می‌کوشیدند آن را در بیابان محصور کنند.»

«من به مصادیق عجز و لابه و شیون و ناله امام حسین یا زنان و خاندان امام حسین که نقل می‌شود، اعتقادی ندارم. به هیچ

روی به این مسائل اعتقاد ندارم. امیدوارم این مسائل مطرح نشود، چراکه این مسائل در حکم تحریف جنبش امام حسین (ع) و رسالت اوست.»

این کتاب شامل بخش‌های «پیشگفتار»، «نقش حضرت زینب در قیام امام حسین (ع)» و (۱) و (۲)، «از تولد و حضور» و «از ربودن و غیاب» است که در دو بخش آخر خلاصه‌ای از زندگی امام موسی صدر آمده و از مسئله ربوده شدن ایشان توسط حکومت لیبی سخن رفته است.



نام کتاب: عدالت در اسلام

مؤلف: امام موسی صدر

مترجم: مهدی فرخیان

ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر - نشر شهر

سال: ۱۳۸۷، چاپ دوم

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحه: ۴۵

قیمت: ۵۰۰۰ ریال

نتیجه آن عدالت در زندگی فرد و جامعه نباشد، بر نمی‌تابد. این کتاب شامل بخش‌های «پیشگفتار»، «عدالت در اسلام»، «از تولد و حضور» و «از ربودن و غیاب» است که در دو بخش آخر خلاصه‌ای از زندگی امام موسی صدر آمده و از مسئله ربوده شدن ایشان توسط حکومت لیبی سخن رفته است.

موسی صدر، در این کتاب نوشته است: «صدها دستور اسلامی که عدالت اجتماعی و اقتصادی را در عمق عبادات وارد می‌سازد و آن را از جمله شرایط صحیح بودن آن‌ها برمی‌شمرد، به روشنی نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی نه تنها دو حکم فرعی و دو واجب عادی و معمولی نیستند، بلکه بر پایه عقیده و ایمان استوارند و از آن‌ها جداشدنی نیستند. اسلام، ایمانی را که

کتاب «عدالت در اسلام» حاوی مقاله‌ای از امام موسی صدر است که در نهمین همایش اندیشه اسلامی (ملتقی الفکر الاسلامی) در تلمسان الجزایر و در حضور اندیشمندان برجسته جهان اسلام و الازهر ارایه شد. امام موسی صدر، رهبر ایرانی شیعیان لبنان، هم در راه تحقق عدالت گام‌های بسیاری برداشته است و هم دغدغه‌های خود را در این زمینه در بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها و مقالات مختلف تبیین کرده است.

نام کتاب: روح تشریح در اسلام

مؤلف: امام موسی صدر

مترجم: موسی اسوار

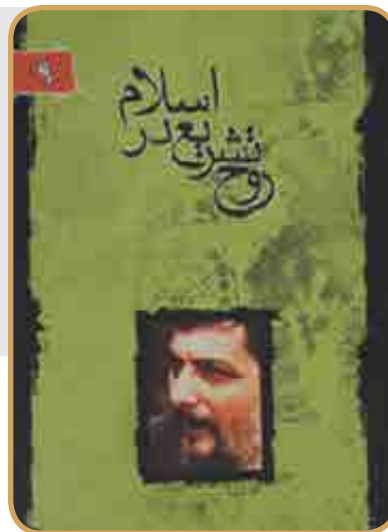
ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر - نشر شهر

سال: ۱۳۸۷، چاپ اول

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحه: ۴۴

قیمت: ۵۰۰۰ ریال

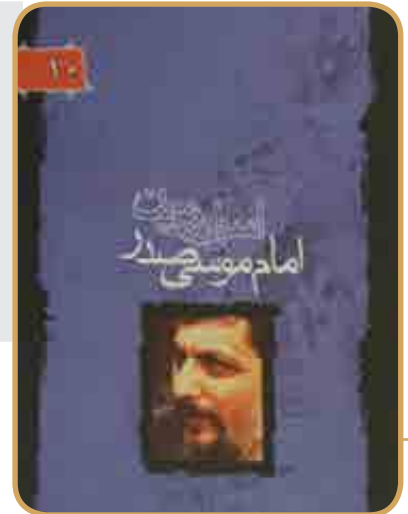


«روح تشریح در اسلام»، «از تولد و حضور» و «از ربودن و غیاب» است که در دو بخش آخر خلاصه‌ای از زندگی امام موسی صدر آمده و از مسئله ربوده شدن ایشان توسط حکومت لیبی سخن رفته است. «روح تشریح در اسلام» نهمین جلد از مجموعه «پر توها» است که شامل برخی سخنرانی‌ها و مقالات مهم امام موسی صدر است.

اسلامی، همچون همه آیین‌های الهی، بخشی تفکیک‌ناپذیر از آن واحد تکامل یافته‌ای است که به نام «اسلام» می‌شناسیم. اسلام به رم بخش‌بندی دستورات آن در پژوهش‌ها و آثار مکتوب به بخش‌های فرهنگ و عقیده و فقه و اخلاق، واحدی است یکپارچه که قلمروهای آن در پیوند با یکدیگرند و بخش‌های آن در تعامل با یکدیگر. این کتاب شامل بخش‌های «پیشگفتار»،

«روح تشریح در اسلام» مقاله امام موسی صدر درباره روح تشریح و واقعیت قانون‌گذاری در اسلام است که در کنفرانس هشتم «التعرف علی الفکر الاسلامی» در الجزایر در سال ۱۹۷۳ ارایه شده است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «احکام در شریعت

نام کتاب: اسرار ربودن امام موسی صدر
مؤلف: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر
ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر - نشر شهر
سال: ۱۳۸۷، چاپ اول
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
تعداد صفحه: ۸۰
قیمت: ۶۰۰۰ ریال



«اسرار ربودن امام موسی صدر» چکیده‌ای است از پرونده ربودن امام موسی صدر که در اختیار علاقه‌مندان به آزادی امام موسی صدر قرار گرفته است.

این کتاب شامل بخش‌های «پیشگفتار»، «چرا امام موسی صدر به لیبی سفر کرد؟»، «آغاز سفر»، «امام موسی صدر کجاست؟»، «بیانیه رسمی دولت لیبی و تناقضات آن»، «متن بیانیه رسمی وزارت خارجه لیبی»، «سخنان قذافی در دیدار با هیئت علما» و «تلگراف وزارت خارجه لیبی» است. نظر شرکت هواپیمایی ایتالیا، «همزمانی نامه سفارت لیبی با نامه سازمان موهوم»، «گفته‌های بعدی مقامات لیبی»، «تحقیقات قضایی ایتالیا و نتایج آن»، «تحقیقات مقامات امنیتی لبنان»، «موضع مجلس اعلای شیعیان لبنان»، «تحقیقات قضایی مجدد ایتالیا» و «اعلام نتیجه تحقیقات قضایی» از دیگر عناوین این کتاب است.



نام کتاب: ادیان در خدمت انسان
به اهتمام و ترجمه: گروه مترجمان
ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر
سال: ۱۳۸۴، چاپ اول
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
تعداد صفحه: ۳۵۲
قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

سخنرانی تاریخی امام موسی صدر در کلیسای کبوشین بیروت اقتباس شده است. «ادیان در خدمت انسان»، «در پاسداشت آزادی»، «دین در جهان امروز»، «جلوه‌هایی از تمدن ما»، «مبارز کیست؟»، «جایگاه دین در جنبش‌های رهایی بخش»، «اسلام، و عدالت اجتماعی و اقتصادی»، «شیعه و دیگر

«ادیان در خدمت انسان؛ جستارهایی درباره دین و مسائل جهان معاصر»، عنوان دومین کتاب مجموعه «در قلمرو اندیشه امام موسی صدر» است که در آذر ماه ۱۳۸۴ به بازار نشر عرضه شده است. این کتاب شامل بیست و نه عنوان از مقالات و سخنرانی‌های امام موسی صدر است و نام کتاب نیز از موضوع

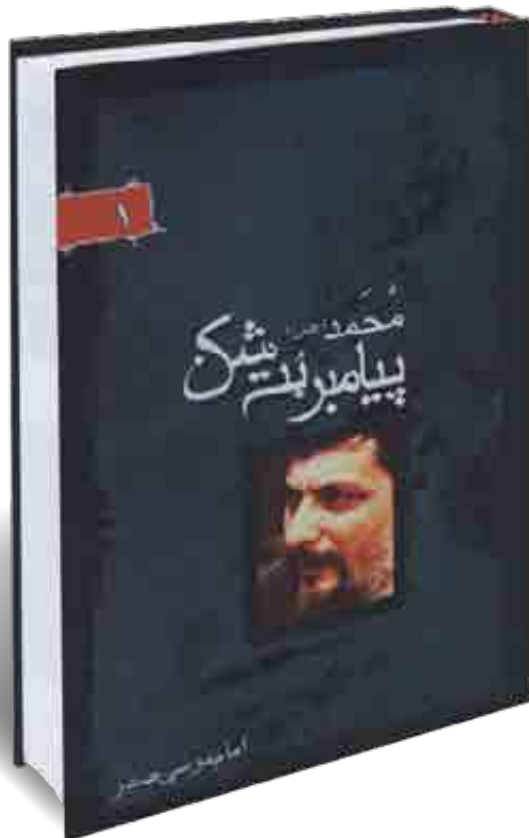
فرق اسلامی»، «اخلاق پیروزی» و «روزه، تمرین جهاد» از عناوین مطالب این کتاب است.

از سپیده دم آفرینش آدمی، ذهن او در پی شناخت بود؛ از همین رو در خود و پیرامون خود به کشف ناشناخته‌ها پرداخت و طی هزاران سال با تلاشی جانکاه به دنبال حقیقت گشت؛ آنچه بیش از همه، آدمی را به تکاپو وامی داشت و او را به اندیشیدن برمی‌انگیخت، ترس او از سرنوشت خویش بود؛ او خود را در جهانی پرمهابت که از زمین و آسمانش، دشمنانی بزرگ بر او چیره می‌کرد، ناتوان می‌دید و یارای برابری با آن‌ها را در خود نمی‌یافت؛ امنیت و ثبات دو انگیزه ژرف و دو هدف دور دست در پس نگاه‌های خیره و ترسان او در معمای طبیعت بودند؛ برای تحقق امنیت و آسایش تنها دو راه پیش رو داشت: ۱. چیرگی بر طبیعت؛ ۲. سازش با طبیعت از هر راه ممکن.

چون در آن مرحله از تحقق امر نخست فرومانده بود، به اکراه، به کوشش برای تحقق امر دوم تن داد؛ از این رو، به خلق اوهام گوناگون و بندگی آن‌ها پرداخت. قرآن نیز این حقیقت را بیان کرده است؛ همچنان که این مسئله در تاریخ ادیان و عقاید نیز دیده شده است؛ جهل، که در آن هنگام دلیل موجهی بود، در روزگاران دیرپای دوره بت پرستی مایه دوری انسان از جایگاه والايش بود. مقصود ما از بت پرستی، مفهومی اعم از نظام شرک‌آلود است؛ آنچه میان ساخته دست آدمی و معبودهای او مثل اجرام آسمانی و درختان و حیوانات، مشترک است، همان وهم بر ساخته در این نمادهاست که آدمیان، به شیوه‌ای فریبکارانه و برای مجاب کردن عقل، در برابر آن اوهام فروتنی ورزیدند. آدمی همانطور که کودکانش را با سرگرمی ساکت می‌کند، عقل خویش را خاموش کرد.

در آن مرحله طولانی و دشوار، آدمی بنا بر غریزه ترس، در برابر اجرام طبیعی مانند خورشید و ماه سر فرود آورد؛ او به امید کسب روزی در برابر حیوانات و درختان کمر خم کرد؛ پس از آن در برابر ساخته‌هایی که خیالش آن‌ها را جسمیت بخشیده بود و نمادی از خدایانش بودند، تعظیم کرد. او این خدایان را در معبدهایی نزدیک خویش ساخت تا هر گاه از چیزی می‌ترسید یا چیزی می‌خواست به آنها پناه برد؛ این بت‌ها انسان را از علم‌آموزی و دریافت حقایق بازداشتند زیرا به نظر او قداست این بت‌ها مانع اندیشیدن در ماهیت و کُنه آن‌ها می‌شد.

او اعتقاد داشت که اوضاع جهان ثابت است و دگرگونی نمی‌پذیرد؛ نظام‌های مقدس است که مشکلات را آفریده و با مقدراتش بازی می‌کند و چون چیزی نداشت که با او برابری کند، از روی درماندگی و به سبب رنجی که از آن می‌برد، نزدیکش شد. این نظام شرک‌آلود در خدمت بت‌هایی از بشریت بود، مانند طبقات بزرگان و اشراف از شاهان،



«محمد(ص)؛ پیامبر بت شکن» به قلم امام موسی صدر

«محمد(ص)؛ پیامبر بت شکن» عنوان مقاله‌ای است از امام موسی صدر که در هفته‌نامه «المنهج» به زبان عربی در تاریخ ۲۳ شهریورماه ۱۳۳۹ (۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰) به چاپ رسیده است. در راستای بررسی مطالعات قرآنی امام موسی صدر و نیز معرفی آثار وی که به صورت مکتوب جمع آوری و منتشر شده است، اولین اثر از مجموعه ده جلدی «پر توها» با عنوان «محمد(ص)؛ پیامبر بت شکن» مرور می‌شود؛ «زهر(س)؛ فصلی از کتاب رسالت»، «اخلاق روزه»، «دین در جهان امروز»، «علی موحد بود و بس»، «حسین؛ وارث انبیا»، «زینب؛ شکوه شکیبایی»، «عدالت در اسلام» و «روح تشریح در اسلام» از دیگر آثار موجود در مجموعه پر توها است.

تازه‌ای در امر شناخت پیامبر اسلام(ص) برمی‌خوریم.

تاریخ مطالعه و شناخت پیامبر اسلام(ص) تا ابد ادامه می‌یابد؛ زیرا حقیقت وجودی حضرت محمد(ص) و جوهر نبوی حضرتش از ازل تا ابد جریان دارد و به حقیقت متعال پیوند خورده است.

محمد(ص)؛ پیامبر بت شکن

امام موسی صدر در شمار محققان اندیشمند اسلام‌شناسی است که با آگاهی از نیازهای زمانی و مکانی گوناگون و به فراخور مخاطب نکاتی بیان کرده است؛ از این رو در مجموعه سخنرانی‌ها، نوشته‌ها و مصاحبه‌های ایشان همواره به نکات

شاهزادگان و ثروتمندان. افزون بر این، انسان هر خرافه‌ای را باور داشت؛ این خرافه‌ها را بر فلسفه هستی که با ظواهر طبیعت پیوند داشت، بنا می‌کرد. اگر قمر در برج عقرب بود، آن را شوم می‌پنداشت و دست از حرکت و کار می‌کشید. می‌توسید به شری از سوی خدا دچار شود، زیرا در آن زمان، مزاج خداوند - نعوذ بالله -، مضطرب و در معرض بحرانهایی عصبی است.

ذات او بزرگ‌ترین بت‌ها بود و چه بسا همچنان باشد. آن ذات را می‌پرستید و هیچ چیز را نمی‌دید مگر از دیده آن؛ حق، آن بود که ذات او می‌گفت هر چند باطل باشد و باطل، همان بود که ذات او می‌گفت اگر چه حق باشد. انسان در فرازو فرودهای تاریخ چنین بود و بدین گونه اجتماعش شکل گرفت. در آن دوران‌ها انسان فضائلی هم داشت؛ یکی از فضائل انسان این بود که به تجاربتش آگاه بود و از نتایج آن‌ها سود می‌برد. رفته رفته، بنا بر قوانین مسلم پیشرفت کرد، قوانینی که ما آن‌ها را الهی می‌دانیم و دیگران مادی‌اش می‌خوانند.

وقتی فلسفه به صورت قوام یافته و پخته ظهور یافت، فلاسفه ندای آزادی انسان را از زنجیرهایش سر دادند و مردم را به شکستن بت‌های گوناگونشان فراخواندند؛ اما واپس گرایان و سوادگران عقیده، انگ الحاد و کفر بر آنان زدند و دعوتشان را با منزوی کردنشان ناکارآمد کردند؛ آنچه به منزوی شدن فلاسفه کمک کرد این بود که آنان، عقل را مخاطب می‌ساختند نه دل را. کمتر کسی از مردم تحت تأثیر این زبان قرار می‌گیرد و به آن پاسخ می‌گوید؛ از این رو دیگر برای پیشرفت اجتماعی و به کمال رساندن انسان چاره‌ای جز دخالت خدای سبحان نبود.

کار رسولان در اثربخشی، به کلی با فلاسفه متفاوت بود؛ زیرا پیامبران، عقل آدمی را در چارچوب وجدانشان، مخاطب می‌ساختند. دین چنانکه متخصصان با الهام از پیامبر تعریف کرده‌اند «فطرتی است که انسان را به خالقش پیوند می‌دهد» و دعوت الهی از این فطرت آغاز شد؛ این بینش، بزرگ‌ترین عامل توفیق انبیا در رسالت به حقیقتان بود. ارتباط غریزی میان آدمی و خدایش رسالت انبیا را آسان می‌ساخت، اما در رسالت فلاسفه سودی نداشت؛ در حالی که فیلسوفان خود را تنها و آسیب‌پذیر می‌دیدند، پیامبران در ژرفای احساسات مقدس و اصیل آدمیان جای داشتند. هرگاه مردم برای حفظ سنت یا امری موروثی به آنان جفا می‌کردند، دعوت از دریاچه ایمان به خدا به درون آنان راه می‌یافت.

رسالت همه انبیا یکی است و اختلافشان تنها به ادوار زندگی بسته است؛ ادوار زندگی با توجه به تکامل و تکوین.

جوهر انقلاب پیامبران بر ضد بت پرستی، به هر شکلی که باشد، در مراحل و ادوار مختلف تفاوتی نمی‌کند، زیرا آنان رهبرانی رهایی‌بخشند؛ به دقیق‌ترین معانی‌ای که ما امروز از این دو واژه (رهبر و رهایی‌بخش) درمی‌یابیم. گراف نیست اگر بگوئیم که حضرت محمد(ص) بزرگ‌ترین پیامبر است و انقلاب او بزرگ‌ترین انقلاب. این بیان واقعی این انقلاب است و نتایج این انقلاب و تاریخ، این را ثابت کرده است.

محمد(ص) دعوت خود را بر توحید بنیاد نهاد

پیامبر در جهانی که فرقه‌ها و گرایش‌های متفاوتی در آن بودند، دعوت خود را بر توحید بنیان نهاد؛ در دنیا خدا یان بی‌خردی بر ساخته بودند که خود، منجلا ب‌های تفرقه، رسوایی و نادانی بودند؛ پیامبر اسلام در دعوت رهایی‌بخش خود با سختی‌هایی روبرو شد که خود، در حالی که او فداکار و شکیبا بود، چنین می‌گوید: هیچ پیامبری آنچنان که من آزار دیدم، آزرده نشد(بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۵۵).

او با رد شرک و زشت شمردن بت پرستی دعوتش را برای ژرفا بخشیدن به این اصل جامع رسالتش (یعنی توحید) آغازید. تا اینکه در یوم الفتح پیروزی درخشانش را به اوج رساند و علی(ع)، جوانمرد اسلام، را بر شانه‌هایش بلند کرد.

خداوند با این پیروزی او را برتری بخشید. در آن روز علی(ع) دستان خود را زیر بزرگ‌ترین بت، هبل یک چشم وصله‌دار، برد و آن را از ریشه بر کند؛ بت‌های کوچک را نیز بر کند تا با نابودی آن‌ها نظام شرک را از میان ببرد.

محمد(ص) و عزمی قهرمانانه برای آزاد ساختن بشر از بندها به سوی جهان برتر

پیامبر در نبرد با شرک به از میان بردن ظواهر شرک بسنده نکرد؛ بلکه در سنگرگاه‌های اصلی آن، یعنی جان‌ها و

دل‌ها، به مبارزه با آن پرداخت و جانها و دل‌ها را از نگران‌ها و وسوسه‌ها پاک کرد. پیامبر می‌فرماید: شرک پنهان تر است از جنبش مورچه‌ای سیاه بر تخته سنگی در شی تیره(بحار الأنوار، جلد ۱۸، ص ۱۵۸). نیرویی بهتر از این احساس، با خطر کمین کرده در درون سینه‌ها و جان‌ها مقابله می‌کند؟ پیامبر(ص) در سال نهم هجری هیئتی متشکل از علی(ع) و ابوبکر را با آیاتی از سوره براءت روانه یمن کرد؛ حضرت علی(ع) از جانب پیامبر(ص) در دربار یمن، آغاز نبردی بر ضد الحاد را اعلام کرد؛ نبردی که در آن سستی و نرمش راه ندارد. خورشید و ماه را از عرش الهی تا جایگاه بندگی برای خدا پائین آوردند. او گفت: خورشید و ماه و دیگر موجودات تحت فرمان خداوند هستند و هرگاه خداوند برای آن‌ها خیر و نفعی بخواهد، خیر و نفع بیشتری به انسان می‌رسد. پیامبر در دعوت خود در برابر فریب‌ها و تهدیدها نه سستی ورزید و نه نرمش نشان داد.

آنچه طبری و ابن حجر به نام افسانه «غرائق» نقل کرده‌اند، بسیار شگفت‌انگیز است. برای بی‌بایگی این روایت کافی است آن را با رسالت و سیره پیامبر بسنجیم. آن‌ها نقل کرده‌اند که در سال پنجم هجری ستم‌ها بر مسلمین گران آمد؛ سرانجام پیامبر به گروهی دستور داد به حبشه هجرت کنند. پیامبر آرزو داشت که آیه‌ای بر او نازل شود و به او اجازه دهد تا با ستمگران و بت‌های آنان خوش رفتاری کند؛ سپس سوره نجم نازل شد. پیامبر آن را برای مردم خواند؛ وقتی به این دو آیه رسید «أَفْرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ» (به من خبر دهید از لات و عزی/ و منات آن سومین دیگر) (نجم/ ۲۰-۱۹)؛ به او الهام و بر زبانش جاری شد «تلك الغرائق العلی و منهن الشفاعة تر تجی» (آن‌ها غرائق بلندمرتبه هستند و از آن‌ها امید شفاعت می‌رود)؛ مشرکین شادمان شدند زیرا مشاهده کردند که پیامبر به خدایانشان احترام می‌گذارد و در

کارها شریک خداوندشان می‌داند. آن‌ها روایت کرده‌اند که پس از وحی و شب‌هنگام که پیامبر تنها ماند، پشیمان شد، افسوس خورد و آنچه بر زبانش جاری شده بود، ناپسند شمرد و مسئله را دوباره به حال نخستینش برگرداند.

پاسخ امام موسی صدر به افسانه «غرانیق»

۱- در سند این روایت کسی همچون محمد بن کعب هست که در هنگام نزول سوره نجم متولد نشده بود؛ او دو سال پیش از وفات پیامبر به دنیا آمد؛ همچنین در میان روایان کسی وجود دارد که به حیشه مهاجرت کرده بود؛ محمد بن قیس از آن جمله است. حتی یک راوی هم ندیدیم که در زمان این رویداد حاضر بوده باشد.

۲- بخاری و درامی و دیگر محدثان و سیره‌نویسان، سجده‌های پیامبر در سوره نجم را گفته‌اند اما به افسانه غرانیق اشاره‌ای نکرده‌اند.

۳- قاضی عیاض تصریح کرده است که داستان غرانیق ساخته زنادقه است و فقها و گروهی از محدثان، نظر او را پذیرفته‌اند.

۴- حتی با چشم‌پوشی از آنچه گفته شد، قرآن، خود بطلان داستان را ثابت می‌کند؛ آیات سوره نجم آشکارا لات و عزی و منات را به ریشخند می‌گیرد «إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى»

(این بتان جز نامهایی بیش نیستند که شما و پدرانتان نامگذاری کرده‌اید [و] خدا بر [حقانیت] آنها هیچ دلیلی نفرستاده است [آنان] جز گمان و آنچه را که دلخواهشان است، پیروی نمی‌کنند با آنکه قطعاً از جانب پروردگارشان هدایت برایشان آمده است) (نجم/۲۳).

این آیه چگونه با این افسانه جمع‌شدنی است؟ خداوند در آغاز سوره می‌فرماید: «وَاللَّجُمِ إِذَا هَوَىٰ * مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ * وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ» (سوگند

به اختر [=قرآن] چون فرود می‌آید [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده و از سر هوس سخن نمی‌گوید این سخن بجز وحیی که وحی می‌شود نیست. آن را [فرشته] شدیدالقولی به او فراموخت) (نجم/۵-۱).

محمد(ص) مردم را از الوهیت خیالی رها کنید

پیامبر(ص) مردم را از یک الوهیت خیالی رها کنید؛ برای نخستین بار در تاریخ، اندیشه را به نیکوترین شکل آزاد کرد و از ویرانه بت‌ها راهی به علم گشود؛ دیگر دریاها، کوه‌ها و ستارگان، حریم‌هایی نبودند که فکر، فقط با زنجیرهای سنگینی از قداست می‌توانست به آن‌ها نزدیک شود؛ حضرت محمد(ص) مسلمین را به فراگیری علم خواند تا آن‌ها را برای خیر آدمی به کار گیرند؛ آن‌ها را به باز کردن قفل‌های طبیعت به یاری تأمل و تجربه فراخواند؛ دستور داد تا «علم بیاموزند حتی اگر در چین باشد»؛ دستور داد تا «از گهواره تا گور در کسب دانش پایداری ورزند و تلاش کنند».

پیامبر(ص) راه را بر شیادی و خرافه‌سازی بست و اجازه نداد تا ساده‌اندیشان عقاید مبهم را در پوششی از تقدس و ترس بپذیرند چنان‌که در اروپا وضع چنین بود؛ در قرون وسطی طعم شدیدترین تنبیهات را به دانشمندان و آزادی‌خواهان چشانند؛ حکایت گالیله و کوپرنیک و دکارت و صداها نفر دیگر هنوز از ذهن‌ها پاک نشده است.

محمد(ص) برای برپایی جهان واحد همه قیدها را در هم شکست

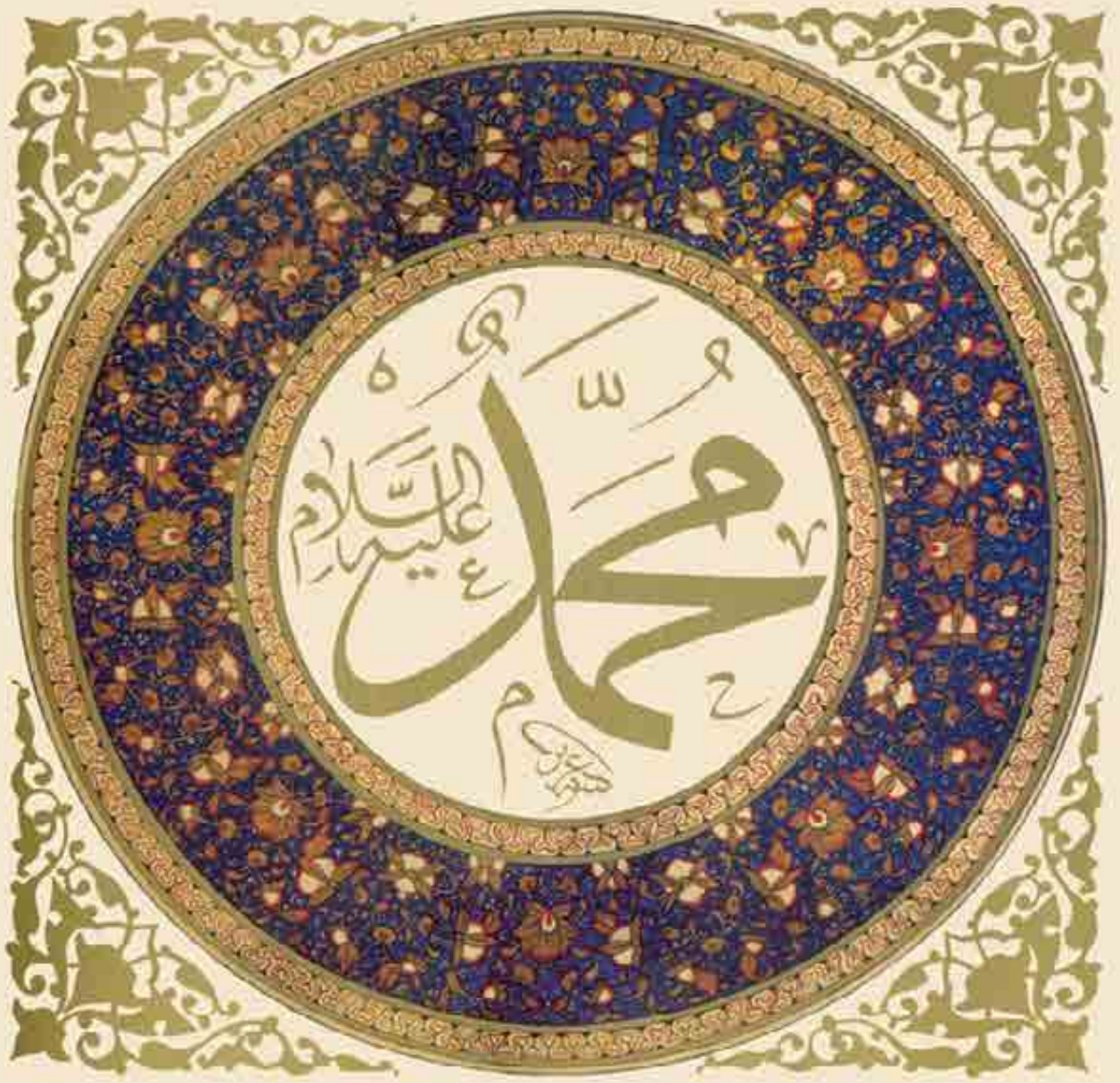
پیامبر(ص) برای برپایی جهان واحد و اجتماع برتر، همه قیدها را در یک وسعت بی‌سابقه و بی‌همتا در هم شکست. او نخست اعلام کرد: نظام فاسد اثر مستقیم رفتار و سلوک آدمی است. اگر انسان نظام برتری بخواهد، چنین چیزی به دست خواهد آمد. گفت: «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (در حقیقت خدا

حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند) (رعد/۱۱)؛ همچنین گفت: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند باشد که بازگردند) (روم/۴۱)؛ نیز تصریح کرد هر جا که بوی ظلم استشمام می‌شود، باید بر ضد آن انقلاب کرد و مردم را به مقابله با طاغوتیان و ستمگران فراخواند و فرمود: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (و به کسانی که ستم کرده‌اند، متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد) (هود/۱۱۳).

همچنین برابری در حقوق و واجبات را وضع کرد. پس میان آدمیان اختلاف طبقاتی و فرقی نیست مگر در علم و عمل و تقوا. در سلسله مراتب آدمیان، نژاد و ثروت جایگاه و اعتباری ندارد. پادشاهان و رهبران همچون دیگران در برابر خدا بر چیزی توانا نیستند؛ «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (بگو بار خدایا تویی که فرمانفرمایی هر آن کس را که خواهی فرمانروایی بخشی و از هر که خواهی فرمانروایی را باز ستانی و هر که را خواهی عزت بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی) (آل عمران، ۲۶)؛ ابوالعلاء معری (ره) می‌گوید: کز هنی‌الی الرؤسا کونی و ایاهم لخالقنا عبید: از آنروز رؤسا متنفر شدم که خود من و آنان بندگان آفریدگار مان هستیم.

محمد(ص) مصرانه با خدایان شرک تحدی می‌کند

پیامبر مصرانه با خدایان شرک، چه از سنگ و چه بشری، تحدی می‌کند، هستی و بی‌پایگی آنان را می‌نمایاند و در انداختن آن‌ها از ارزش و اعتبار پیروز می‌شود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ» (ای مردم مثلی زده شد پس بدان گوش فرادهید کسانی را که جز خدا می‌خوانید هرگز [حتی] مگسی نمی‌آفرینند هر چند برای [آفریدن] آن اجتماع کنند و اگر آن مگس چیزی از آنان برباید، نمی‌توانند آن را باز پس گیرند، طالب و مطلوب هر دو ناتوانند) (حج/۷۳). چه بسا قصه عرب بادیه‌نشین پرمعناترین چیزی باشد که از پیامبر برای زدودن ترس مردمان و در هم شکستن هیبت غیر حق از اذهانشان روایت شده است. یک بادیه‌نشین متحیرانه و از روی



ترس به عظمت پیامبر اقرار کرد، همچون بندگان در برابر پادشاهان؛ پیامبر (ص) مهربانانه به او گفت: همانا من فرزند زنی از قریشم که خرده گوشت می خورد.

شِدَّتِ مَوْضِعِ گِیرِیِ مُحَمَّد (ص) دَر بَرَابَرِ تَطْيِيرِ وَ تَفَالٍ كَمْتَرِ از ستیز او در برابر دیگر خرافات نبود

شِدَّتِ مَوْضِعِ پیامبر (ص) در برابر تطییر (تفأل به بدی زدن) و تَفَالٍ و تنجیم کمتر از ستیز او در برابر دیگر اوهام و خرافات نبود؛ در برخی جنگ‌ها پیامبر را به گمان طالع نحس از رفتن به نبرد نهی می کردند اما پیامبر روانه جنگ می شد و طالع نحس را به طالع سعد بدل می کرد و می گفت: نه نحسی ای هست و نه دشمنی ای... می گفت: با روزها

دشمنی نوزید و آبا شما دشمنی می ورزند. (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۳۸).

پیامبر (ص) در برابر عادات و سنت‌ها همان موضع پیشین را داشت؛ پیامبر سنت گذشتگان را تحت تأثیر تحولات زمانه معرفی کرد؛ پس نباید سنت‌ها را به بت و خدای برساخته تبدیل کنیم و به آن‌ها تقدس بخشیم. خود پیامبر در حادثه زید، فرزند خوانده‌اش و زینب بنت جحش، دختر عمه‌اش، با یک تشریح اسلامی آسان، یکی از مخاطره‌آمیزترین و دشوارترین رسم‌ها را نفی کرد.

تنها بت بزرگ‌تر که همان خودخواهی است، باقی ماند. معروف است که رهایی از آن را جهاد اکبر خواند. «أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ عَشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد آیا پند نمی‌گیرد) (جاثیه / ۲۳).

«اخلاق روزه»؛ فلسفه رمضان از منظر امام موسی صدر



اگر معنای لیلۃ القدر این باشد، میان این شب و علی (ع) هیچ رابطه‌ای نیست زیرا ما خداوند را به یک حاکم زمینی تشبیه کرده‌ایم که قانون بودجه را در دست گرفته و روزی و عمر خوشبختی و بدبختی را بنا به میل و هوس خود بدون ارتباط با مردم مقرر می‌کند؛ اما مفهوم قدر در معنای اسلامی و قرآنی آن یکی از معانی سه گانه زیر است: شب نزول قرآن، احکام روزه و معنای تربیتی - عملی شب قدر.

در بخش دیگری از این کتاب با عنوان «زکات فطره» بخشی از خطبه امام موسی صدر به مناسبت عید فطر که ایشان در آن به جوانب مختلف زکات فطر پرداخته، اشاره شده است.

در این بخش آمده است: «ای مسلمان! اسلام از تو می‌خواهد که شب ظلمانی همسایهات را پیش از خانه خویش روشن و نورانی کنی؛ به همین جهت می‌گوید پیش از آن که نماز بگزاری و به خانه برگردی و عید را جشن بگیری، زکات را بپرداز. اسلام از تو می‌خواهد که پیش از احساس خوشحالی در درون خویش آن را به منزل همسایهات ببری؛ این است رمز اسلام و معنای عید؛ این است برکت عید.

در بخش پایانی این کتاب می‌خوانیم: «هنگامی که ماه رمضان و روز عید به روزمرگی و عادت تبدیل می‌شوند، طبیعی است که از مظاهر زندگی عادی تجاوز نمی‌کنند و در ظرف زمانی محدود خود متوقف می‌شوند، اما ماه رضانی که از ارکان اسلام است و عید فطری که از اعیاد اسلامی است، خصوصیات کاملاً متفاوت دارند. رفتارهای سطحی و رسوم و عادت‌ها را درمی‌نوردند و از محدوده زمانی خارج می‌شوند؛ با این اوصاف متوجه می‌شویم که هدف این عبادات، پس از عید است؛ ماه رمضان، زمان آماده‌سازی و روز عید آغاز عمل است؛ در حقیقت ماه رمضان برهه‌ای است که مابعد خود را تولید و در روز عید، انسانی جدید زندگی تازه خویش را آغاز می‌کند.

این دو فضای مقدس ضربه بخوریم و حسرت و خسارت آن‌ها را بچشمیم، درک کرده بودیم؟ باید با نگاه واقع‌نگر، فراگیر و باشهامت و تفکر، رهنمودهای دینی را بازشناسی کنیم، باشد که بار دیگر حرکتی نو آغاز کنیم و روح حیات را در آن‌ها بدمیم.

ای خدایسواران! اگر ما در همه مساحت‌های وجودی و ابعاد حیات خویش در خانه و بازار، محل کار و عبادت و در همه عرصه‌ها اندیشه دینی و تعالیم آن را تجربه کنیم، اگر حصار زندان را ببینیم و دینمان را که در معابد زندانی شده، آزاد کنیم و اجازه دهیم دین به همه قلمروهای زندگی ما وارد شود و باید‌ها و نبایدها را تحقق بخشد و تأثیر بگذارد و جهت دهد، اگر به دین فرصت حضور و ظهور دهیم و اگر آن را محدود و کم‌رنگ نگردانیم و در عزلت و انزوا زندانی نکنیم، در آن صورت آثار و برکات این ثروت عظیم را در زندگی و در ساختن تمدن خویش خواهیم یافت.

شأن امت و سرنوشت او

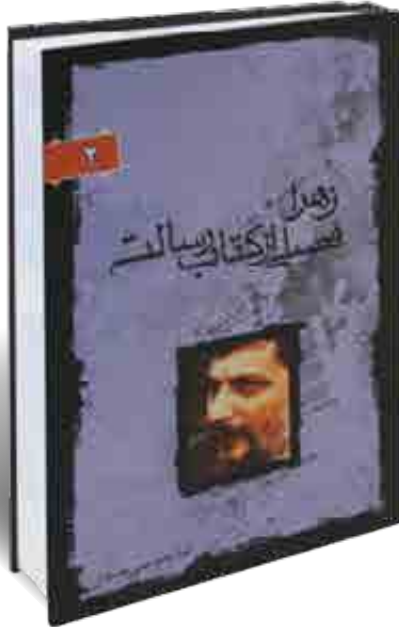
امام موسی صدر شب‌های قدر را در میان مردم و همراه با آنان احیای کرد؛ در بخش دوم این کتاب با عنوان «شأن امت و سرنوشت او» سخنرانی وی در یکی از شب‌های قدر ارائه شده که بخشی از آن بدین شرح است:

«به اعتقاد من میان علی (ع) و سرنوشت این امت ارتباطی وجود دارد؛ میان علی (ع) و شب قدر پیوندی ناگسستنی است. قدر چیست؟ آیا همانگونه که قدریون این امت می‌پندارند، قدر عبارت از تقدیرهایی است که اجرا می‌شود؟ یا عمرها و روزهایی است که معین شده و سعادت و شقاوت ما در غیاب ما و در شبی که آن را نمی‌شناسیم رقم می‌خورد؟ اگر چنین باشد با آینده‌ای روبرو خواهیم شد و در انتظار سرنوشتی هستیم که در تعیین و ترسیم آن هیچ دخالتی نداریم.

«اخلاق روزه» عنوان دیگری است از مجموعه «پرتوها» که برخی دیدگاه‌ها و تجربیات معرفتی امام موسی صدر را در پیوند با روزه منعکس می‌کند. تنوع مطالب این کتاب به سبب تنوع شرایط زمانی و مناسبت‌های تاریخی و جغرافیایی است که امام موسی صدر در آن و یا برای توضیح آن‌ها سخن گفته است، اما در عین آن تنوع، همه بخش‌های کتاب وحدت و انسجام موضوعی دارد، زیرا از منظرهای مختلف، روزه و معانی، ابعاد و تأثیرات و جلوه‌های آن را در طول زمان تعیین می‌کند.

در بخش اول این کتاب که ترجمه پیام امام موسی صدر در آستانه آغاز ماه مبارک رمضان در تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۷۱ برابر با ۲۹ مهر ۱۳۵۰ شمسی به نقل از روزنامه «الحیاء» است، می‌خوانیم: «بیم آن می‌رود که ماه رمضان به عادت بی‌روحي تبدیل شود که شعائر آن تنها عادت‌ها و رسومی سرگرم‌کننده باشد و از همه معانی اصلی و روح حقیقی خود تهی گردد؛ با یک نگاه گذرا درمی‌یابیم که این مصیبت، یعنی مصیبتی که روزه و رمضان به آن مبتلا شده‌اند، مصیبتی است که بر همه عبادات و مناسک دینی سایه افکنده است، این بیماری به عبادات و مراسم دیگر هم سرایت کرده و به اماکن مقدس، شعائر دینی و همه رهنمودهای آسمانی حمله‌ور شده است. در لبنان در دو آندوه مضاعف است؛ در دین و تعالیم دینی است؛ این فاجعه پس از آن رخ داد که به آموزه‌های آسمانی قالب‌های زمینی محدود و معین داده شد؛ همه چیز کمی و برای آن اندازه‌گیری و درجه‌بندی وضع شد.

ای دین‌باوران! آیا در روزه ما آثار روزه و در نمازمان عروج و پرواز به ملکوت آسمان‌ها را می‌توان یافت؟ آیا در فطر و قربان جوهر و معانی این اعیاد را می‌بینید؟ آیا همه ما به شعائر دینی عمل می‌کنیم و از اماکن مقدسه تأثیر می‌پذیریم؟ آیا گستره معنایی را که در مسجدالاقصی برای امت ما به ودیعه نهاده شده پیش از آن که با اشغال



زهرا(س) پاره‌ای است از اسلام مجسم در وجود محمد(ص)

حیات حضرتش به مثابه تلاشی گسترده برای فهم اسلام و ذخیره‌های ارزشمند برای انسان معاصر به حساب می‌آید.

در بخش دیگری از این کتاب، امام موسی صدر به بخشی از گفت‌وگوی خود با نویسنده کتاب اشاره کرده و آورده است که «ما امروز بیش از هر وقت دیگری به تحلیل خلاصه‌ای از زندگی فاطمه زهرا(س) احساس نیاز می‌کنیم تا آن را مقتدای خویش سازیم و در راه صلاح و اصلاح خود از فیض زندگی او بهره‌مند شویم».

امام موسی صدر می‌نویسد: «روشن کردن موضع اسلام در قبال زن در این عصر خالی از مشکلات و دشواری‌ها نیست، زیرا در این باره آثار دینی و اسلامی گوناگونی به چشم می‌خورد که در نگاه نخست، متفاوت و مخالف یکدیگر به نظر می‌آیند؛ این مشکل زمانی بزرگ‌تر می‌نماید که برخی عادات که همواره نزد برخی ملل مسلمان وجود داشته و دارد، در این امر نیز پای می‌نهد؛ این عادات با تعالیم اسلامی نیز به گونه‌ای آمیخته که پژوهشگر خیال می‌کند این همه از اسلام است.

وقتی به نظریات شرق‌شناسان حتی آنان که حسن نیت داشته‌اند می‌نگریم یا برخی از نوشته‌های مؤلفان اسلامی را می‌خوانیم، چنین می‌یابیم که موضع حقیقی اسلام در برابر زن، بسیار پیچیده و ناشناخته است، به طوری که بسیاری از آنان در این باره نظریات دور از حقیقت و ناصواب ارائه داده‌اند.

حقیقت آن است که دو میراث مختلف نزد مسلمانان به چشم می‌خورد: یکی تعالیم دینی مستقیم و مستند و دیگر عادات موروثی که هیچ نشانی از آن‌ها در آثار دینی دیده نمی‌شود؛ از سوی دیگر آثار دینی مربوط به زن نیز خود دو نوع است: نوعی درباره زن و شئونات زن که درباره مرحله‌ای معین از تاریخ سخن می‌گوید و نوع دیگر تعالیمی که بنیادین و جاودان محسوب می‌شود.

امام موسی صدر در بخشی از کتاب «زهرا(س)؛ فصلی از کتاب رسالت» تأکید می‌کند که فاطمه زهرا(س) نمونه زنی است که خدا می‌خواهد و پاره‌ای است از اسلام مجسم در وجود محمد(ص) و زندگی‌اش برای مسلمان و انسان مؤمن در هر زمان و مکانی به منزله الگویی.

دانشمندان، متفکران، روحانیون و ادیبان بسیاری، مسلمان و غیرمسلمان، درباره حضرت فاطمه زهرا(س) سخن گفته‌اند و به مدد کشف و شهود و تحقیق و مطالعه، جرعه‌ای از کوثر بیکران حقیقت وجودی حضرت نوشیده و به بشر نشانده‌اند. پژوهش درباره حضرت زهرا(س) و شناخت او همواره مستمر است و پایان‌ناپذیر؛ زیرا رحمت عام و خاص حقیقت متعال و جمال مطلق همواره ساری و جاری است و هرگز پایان نمی‌پذیرد.

امام موسی صدر یکی از پویندگان راه شناخت دختر پیامبر(ص) است و این کتاب قسمت‌هایی از ره‌آورد اوست. از سیر و سفری که توفیق تماشای شکوه و جمال حضرت فاطمه(س) را یافته است.

کتاب «زهرا(س)؛ فصلی از کتاب رسالت» به درخواست «سلیمان کتانی»، ادیب و محقق مسیحی اهل لبنان نوشته شده و در مقدمه کتاب معروف او «فاطمه الزهراء و ترفی غمد» به چاپ رسیده است.

امام موسی صدر در بخش اول این کتاب با اشاره به اینکه پیامبر از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید و تحت تأثیر روابط نسبی و سببی قرار نمی‌گیرد، تأکید می‌کند که «فاطمه زهرا(س) نمونه زنی است که خدا می‌خواهد و پاره‌ای است از اسلام مجسم در وجود محمد(ص)؛ زندگی‌اش برای مسلمان و انسان مؤمن در هر زمان و مکانی به منزله الگویی چهره می‌نماید.

به راستی شناخت فاطمه(س) شناخت بخشی از کتاب رسالت الهی و پژوهش و تحقیق در

آیاتی که در بیان احکام یا قانون گذاری یا پند و اندرزها، زن را به مرد ملحق می‌سازد، بس فراوان است؛ بدون آنکه مقام زن را تنزل دهد یا او را تحقیر کند و شأن او را کمتر از مرد بدانند.»

امام موسی صدر در ابتدا به مهم‌ترین مواضع اسلام درباره زن و سپس به تشریح وضعیت زنان در دوران پیامبر(ص) و تلاش ایشان برای بالا بردن سطح زنان هم‌عصرش می‌پردازد؛ تلاش‌هایی برای بهتر کردن نگاه مردم به زن.

در ادامه، در بخشی با عنوان «نمونه راستین زن مسلمان» به ذکر تاریخ زندگانی حضرت فاطمه(س) می‌پردازد؛ فضایی که او در آن متولد شده و نیز همراهی او با پیامبر(ص) و علی(ع) در زمان هجرت؛ و پس از آن از ادواج ایشان با حضرت علی(ع) سخن به میان آورده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «مجموع عمر آن حضرت(س) هجده سال و چندماه بود؛ اما عمر کوتاه‌وی نمونه کامل و شاملی بود از زندگی زن کامل، آنچنانکه خداوند می‌خواهد و دین برای پدید آوردن چنان زنانی تلاش می‌کند؛ تعالیم دینی به نمونه‌های بشری نیازمند است تا بتواند در قالب انسانی تجلی و تجسم یابد و اجرای کامل آن‌ها را تحقق‌پذیر گرداند تا بدین وسیله دین را از حالت آرمانی و ذهنی بیرون بیاورد و به دایرة واقعیت‌ها بکشاند و برای مردم جای هیچ عذر و بهانه‌ای باقی نگذارد.»

«آم‌ابیها»، «همسر علی»، «فاطمه در راه دانش‌اندوزی»، «جهاد پیگیر»، «فاطمه در محراب عبادت» و «کوثر» از دیگر عناوین این کتاب است که امام موسی صدر به تفصیل در هر بخش درباره موضوعاتی همچون غضب فدک و بخشی از سخنرانی‌های حضرت زهرا(س) پس از وفات پیامبر(ص) شامل احتجاجات محکم آن حضرت(س) درباره غضب فدک سخن گفته است.

امام موسی صدر را در یک کلام می‌توان اندیشمند آینده‌نگری دانست که دغدغه سرگشتگی و گم‌گشتگی بشر امروز را دارد و ظرفیت و توانایی اسلام را برای نجات انسان از این آشفتگی، هراس و یا ناامنی، موهبتی الهی می‌داند.

این مطلب، ترجمه سخنرانی امام موسی صدر درباره دین در دانشکده حقوق و علوم اقتصادی دانشگاه یسوعی بیروت به نقل از روزنامه «الحیاء» در تاریخ ۱۹۶۸/۶/۲ برابر با ۱۱ اسفند ۱۳۴۶ است که در حضور رؤسای دانشکده‌های مختلف این دانشگاه و عده زیادی از کشیش‌های بیروت ایراد شد.

در بخش نخست این سخنرانی آمده است: «اکنون تمدن، پیشرفت چشمگیری کرده و عصر اتم و فضا به ما رو آورده است؛ به عبارت بهتر ما وارد عصر اتم، فضا و تکنیک شده‌ایم، تکنیکی که با شتاب در حال پیشرفت است و انسان را به تفکر و برنامه‌ریزی فرامی‌خواند؛ اکنون دامنه علم گسترش یافته و همه چیز را فراگرفته است؛ نه کوچکی اتم مانع از تعیین ابعاد و اندازه‌گیری وزن آن شده و نه عظمت ابر، علم را از دربرگیری آن باز داشته است؛ [...] اکنون، درک انسان از کمالات اخلاقی و ارزش‌های متعالی کامل شده و حتی جنبه ماوراء طبیعت بر ذهن جست‌وجوگر او پوشیده نمانده و از همین رو توانسته است بر اساس آثار طبیعت و گردآوری تجارب و به‌کارگیری علوم، مبانی و اصولی برای ماوراء طبیعت قرار دهد.

بعد از اینهمه تحول و پیشرفت، ورود علم و تجربه‌های بشر در تمام عرصه‌های دینی مانند مسائل حلال و حرام، قوانین و اخلاق و حتی مبحث ماوراء طبیعت، چه نقشی برای دین در زمان ما باقی می‌ماند؟ ما اینجا در شرق، دچار بحرانی هستیم که منشأ اصلی آن ماده و مسائل مربوط به ماده است؛ پس دین در این صحنه و به ویژه در عصر کنونی چه چیزی می‌تواند به ما ارائه کند؟»

در بخشی از این کتاب، ضمن اشاره به سخنان امام موسی صدر پیرامون دو مبحث «واقعیت دین در عصر کنونی» و «نقش دین در عصر کنونی» آمده است:

«دین در جهان امروز» از منظر امام موسی صدر

«دین در جهان امروز» عنوان اثری است از مجموعه سخنرانی‌های جمع‌آوری شده امام موسی صدر که در آن به بررسی واقعیت دین و نیاز انسان معاصر به آن می‌پردازد.

دین را اگر منظومه‌ای از اصول، اخلاق، شریع، احکام و مناسک بدانیم و جوهر و اصل آن را ثابت بینگاریم که از ازل تا ابد ثابت است، باید در ماهیت دین، ویژگی تحول‌پذیری نسبت به نیازها و مقتضیات زمان و مکان را بپذیریم؛ از این رو اسلام همواره توانسته است و می‌تواند در هر عصر و مکانی پاسخگوی نیازها، سؤال‌ها، ابهام‌ها و سرگشتگی‌های بشر باشد.





«واقعیت دین در زمان ما در عرصه ایمان، مبتنی بر تصور است نه تصدیق؛ تابلویی است زیبا اما بی‌روح در سینه کسانی که خود را به دین نسبت می‌دهند؛ نمی‌درخشد و فروغ ندارد. ایمان در بهترین حالت به نادیده گرفتن رنج‌ها و سختی‌ها مبدل شده است، نه تحرک بخشیدن و برانگیختن برای فائق آمدن بر آن‌ها.

در عرصه شریعت، دین به میراثی قانونی تبدیل شده که در عرف متدین، زینتی ظاهری است؛ کسی که این قوانین را مراعات می‌کند، اشکالی بر او نیست؛ اما نکته این است که این فقط زینتی ظاهری است. شریعت در زمان ما به توجیه، تاوان و پوشش برای بسیاری از گناهان بزرگ و سنگین تبدیل شده است. [...] اما در عرصه اخلاق، فقط کمال روح است که به فرد اختصاص دارد و جامعه را در بر نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر امروز اخلاق وسیله شده است، وسیله‌ای برای موفقیت فرد در سیاست، تجارت و یا تولید.

[...] اما در عرصه فرهنگ، دین مجموعه برداشت‌هایی است که دیر هنگام ارائه شده و بر اساس تحولات و پیشرفت‌های موجود متحول می‌شود؛ اما این تحول به واسطه خود او نیست، بلکه به دنبال پیشرفت تمدن صورت می‌گیرد؛ دین تابع حالات تمدن است و بر طبق آن برداشت‌ها و تفسیرهای خود را ارائه و تلاش می‌کند تا بین خود و کاروان تمدن جهان، انسجام و هماهنگی برقرار سازد.

[...] مؤسسات دینی در غرب در واقع جزئی از مؤسسات امروزی شده و هیچ نقش اساسی ندارد؛ همراه کاروان تمدن جدید حرکت می‌کند، بدون اینکه آن را رهبری کند. در برخی کشورهای شرق مؤسسات دینی مانند حاکمان گذشته کاملاً منزوی‌اند و در برخی دیگر آنچنان دچار ضعف شده‌اند که تنها در میان گروه‌های خاصی رونق دارند.

امام موسی صدر در ادامه تأکید می‌کند: دین در کاروان تمدن جدید نقش رهبری ندارد؛ فرمان‌بردار است نه پیشوا، منفعل است نه اثرگذار [...] در

... همواره پیشرفت می‌کند و تکامل می‌یابد و تکامل یعنی دگرگونی و تحول؛ دگرگونی نیز یعنی تزلزل و بی‌ثباتی.

[...] تنها مکتبی که انسان را - حتی اگر قبل از رسیدن به نتیجه‌ای از دنیا برود - پیروز و کامیاب می‌شمارد، دین است؛ [...] انسان در نظام دین همیشه پیروز و سربلند دانسته می‌شود؛ چه به هدف خویش برسد و چه قبل از دستیابی به آن بمیرد».

در بخش پایانی این کتاب، امام موسی صدر با طرح مسئله «تحول»، آن را چنین تعریف می‌کند: «تحول و پیشرفت چیزی نیست جز داد و ستد انسان و هستی؛ اینکه انسان صفحه جدیدی از خلقت را بخواند و این خواندن (شناخت) بر زندگی من و شما اثر بگذارد».

دوره‌های اخیر دین‌شعاری برای محتوای غیر دینی، مبانی و افکار بیگانه که محصول تمدن غرب است، شده و بر اثر این دوری و بیگانگی از ماهیت و ساختار دینی خود فاصله زیادی گرفته است.»

در قسمتی دیگر می‌خوانیم: «ممکن است به ذهن بیاید که پیشرفت شگفت‌انگیز انسان در علم، فکر، تکنیک، فلسفه و ... مجالی برای نیاز به ایمان به غیب یا ایمان به بی‌نهایت باقی نگذاشته است، پس هیچ احتیاجی به آن نیست؛ اما حقیقت، عکس آن است؛ علم، فلسفه، حقوق، هنر و ... به هر درجه‌ای از ترقی که برسد، باز ساخته دست بشر است و هر آنچه محصول فکر او باشد، همواره در حال تکامل و پیشرفت است؛ زیرا بشر در زمینه علم، صنعت، فلسفه و

در بخشی از سخنرانی‌های امام موسی صدر پیرامون شخصیت امام علی (ع) می‌خوانیم که ایمان به خدا مصدر تمام صفات و کمالات علی (ع) است، ایمان به خدا و دیگر هیچ؛ ایمان علی (ع) سرّ توازن صفاتش است.

ضمن مطالعه کتاب «علی (ع) موحد بود و بس» که مجموعه سخنرانی‌های امام موسی صدر است، درمی‌یابیم که دهه‌های دوم سوم و چهارم قرن جاری را می‌توان سال‌های بسیار حساس و پراهمیتی در فرآیند روشنگری و روشنفکری اصیل دینی دانست؛ ایران، مصر، لبنان، ترکیه و تا حدودی شبه قاره، متن تولد اندیشمندان و مصلحانی است که از حوزه‌های علمیه یا مجامع و مدارس اسلامی برخاسته‌اند و وجه مشترک همه این متفکران و مصلحان، اجتهاد و شناخت جامع ایشان از آموزه‌های اسلامی، آگاهی از ویژگی‌ها و مختصات زمان و باور عمیقشان به ظرفیت‌ها و توانایی‌های دین خاتم در حل مشکلات زمان است.

امام موسی صدر یکی از این مجتهدان متفکر و مصلح است که خورشید وجودش در قم و نجف از دهه‌های سوم و چهارم درخشیدن گرفته و به لبنان و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و حتی برخی کشورهای اروپایی از جمله آلمان و فرانسه تابیده است.

وی در یکی از سفرهای خود از لبنان به قم، که به دعوت علمای آن زمان صورت گرفته بود، در یکی از سخنرانی‌های فارسی، دیدگاه جدیدی را در پیوند با ضرورت و شناخت علی (ع) مطرح می‌کند که پس از ۳۷ سال هنوز حلاوت و تازگی آن حفظ شده است؛ این ویژگی را شاید از عنوان مطلب حاضر یعنی «علی (ع) موحد بود و بس» می‌توان استشمام کرد.

در بخش نخست کتاب «علی (ع) موحد بود و بس»، امام موسی صدر به تصمیم سازمان علمی آموزشی ملل متحد (یونسکو) مبنی بر اعلام هفته‌ای به منظور تجلیل از مقام مقدس امیرالمؤمنین علی (ع) اشاره می‌کند که از



ایمان به خدا مصدر تمام صفات و کمالات علی (ع) است

همه دانشمندان بزرگ دنیا خواسته است هر کدام درباره یک موضوع از دریای بیکران او مقاله بنویسند.

با استناد به این کتاب، امام موسی صدر در ابتدای این سخنرانی می گوید: «درباره امیرالمؤمنین علی (ع) می خوانیم که کریم است، شجاع است، رؤف است، رحیم است؛ می خوانیم که علی (ع) نسبت به یتیم آن گونه است، نسبت به دین آن چنان غیور است [...] این گونه تصویری از علی (ع) داریم؛ علی (ع) شجاع است، یعنی دارای ملکه شجاعت است، یعنی سر نترس دارد؛ اگر گفتیم علی (ع) کریم است، یعنی دست و دلش باز است، یعنی نمی تواند چیزی داشته باشد و به کسی ندهد؛ در حالی که چنین نیست.

علی (ع) شجاع است اما نه مثل «رستم» و «عمرو بن معدی کرب»؛ علی (ع) کریم است نه مثل حاتم طایی؛ علی (ع) فصیح است، اما نه مثل «سحیان»؛ علی (ع) صفاتش منشأ دیگری دارد؛ اما چگونه؟ نگاه اجمالی به زندگی مولا به ما مناظر عجیبی نشان می دهد. علی (ع) اسدالله غالب است؛ خودش می گوید "والله لو تظاهرت العرب علی قتالی لما ولیت عنها؛ اگر تمام عرب پشت به پشت هم بدهند و به جنگ من بیایند، من فرار نمی کنم"؛ پیامبر (ص) درباره او می فرماید: "والله إنه جیش فی سبیل الله؛ به خدا سوگند علی یک لشکر در راه خداست"؛ پس او شجاع ترین شجاعان است؛ این شجاعت اوست».

در بخش دیگری از این کتاب می خوانیم: «از زبان ضراب از دوستان امیرالمؤمنین علی (ع) می شنویم، هنگامی که از علی برای معاویه این گونه تعریف می کرد «معاویه! باید شب های آن علی شجاعی را که آتشی در کام دشمنان است، ببینی. اگر شب او را می دیدی، می دیدی ایستاده است

ریشش را به دستش گرفته روی زمین می غلند و مثل مار گزیده ناله می کند و می گوید: خدایا، آه از راه دور و کمی بضاعت و وحشت آینده.»

معاویه در وصف کریم می گوید: «والله لو کان له بیتان أحدهما من التبن آخره من الذهب ینفد الذهب قبل أن ینفد التبن؛ خدا می داند اگر علی دو انبار بزرگ داشته باشد یکی از آن ها پر از طلا و دیگری پر از کاه، اول آنکه طلاست تمام می شود و بعد انبار کاه؛ این گرم علی است؛ تا زمانی که طلا دارد، نمی تواند کاه بدهد؛ همین علی کریم، که پول برایش از خاک بی ارزش تر است، برادر گرسنه و نابینایش عقیل در مقابلش ایستاده می خواهد اندکی افزون تر از سهمیه اش از او پول بگیرد. با او چه می کند؟»

در بخش های دیگر این کتاب، امام موسی صدر به صفات دیگر امام علی (ع) و نیز وجود تناقضاتی در رفتار ایشان در نزد عوام سخن گفته و درباره آن ها توضیح داده است که چگونه علی (ع) در برابر گرفتن حق مظلومان شجاع و در برابر پروردگار خویش عاجز است و یا کریم است اما در مقابل بیت المال، چنان سنگدل می شود که به برادرش عقیل نیز رحم نمی کند.

امام موسی صدر بعد از آوردن این مقدمه، در بخش دیگری از سخنرانی خویش،

درباره منشأ صفات امیرالمؤمنین (ع) می گوید: «چون علی (ع) مؤمن است؛ پاسخ، همین یک کلمه است؛ علی (ع) شجاع است چون مؤمن است؛ ایمان به خدا مصدر تمام صفات و کمالات علی (ع) است؛ ایمان به خدا و دیگر هیچ؛ ایمان علی (ع)، سرّ توازن صفاتش است»؛ «ألا إن أولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یخزنون» (آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می شوند) (یونس / ۶۲)؛ پس به تعبیر قرآن، ایمان سبب نترسیدن می شود؛ رضای خدا منشأ تمام صفات علی (ع) است».

در بخش پایانی این کتاب می خوانیم: علی (ع) چون ایمانش کامل است؛ واکنش های متفاوتی در مقابل دنیا دارد؛ اگر در دنیا حقی اجرا نشود یا از باطلی جلوگیری نشود به درد علی (ع) نمی خورد؛ پس دنیا را برای خدا می خواهد؛ سرّ کمال علی (ع)، ایمانش است.

برای اینکه دنیای امروز علی (ع) را بشناسد، دوراه وجود دارد: یک راه از تاریخ می رود و کتاب ها را می بیند و علی (ع) را از راه تاریخ می شناسد؛ یک راه دیگر هم امروز برای شناختن علی (ع) هست؛ اگر آمدند و گفتند علی (ع) را چطور می شود شناخت، می گویند می رویم از پیروانش می شناسیم.»

هم در راه تحقق عدالت گام‌های بسیاری برداشته و هم دغدغه‌های خود را در این زمینه در بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و مقالات مختلف تبیین کرده است؛ تلاش برای زدودن چهره فقر در شهر صور و موفقیت در این کار، تأسیس مدارس و کارگاه‌های فنی برای پسران و قالی‌بافی، خیاطی و گلدوزی و غیره برای دختران و اشتغال‌زایی برای آنان، تأسیس جنبش محرومان و ده‌ها فعالیت دیگر از جمله اقدامات عملی امام موسی صدر برای تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی در لبنان است.

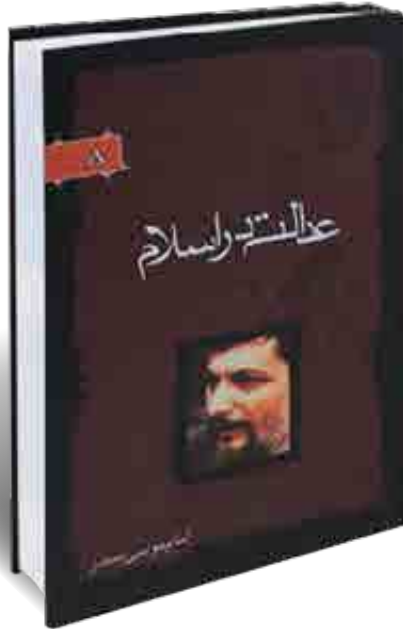
مطالب این کتاب در چهار بخش «اصول بنیادی عدالت اجتماعی در ایدئولوژی»، «اسلام ایمان بدون عدالت را به رسمیت نمی‌شناسد»، «مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در تحقق عدالت اجتماعی» و «شیوه‌های تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی» تدوین شده است.

در بخش «اصول بنیادی عدالت اجتماعی در ایدئولوژی» می‌خوانیم: «عدالت در اسلام، در همه زمینه‌ها، به ویژه در زمینه اجتماعی و اقتصادی، نه تنها متکی بر ایدئولوژی اسلامی است، بلکه اصولاً خود، پایه‌ای از پایه‌های ایدئولوژی اسلامی است و تأثیر شگرفی بر موازین و ارکان دیگر دارد.

[...] جهان از دیدگاه اسلام، بر اساس حق و عدالت استوار است [...] عدالت یکی از جلوه‌های بارز ثبوتی خداوند است و همین عدالت آفریدگار جهان است که بر سراسر جهان هستی بازمی‌تابد؛ زیرا علت، در نظر فلاسفه، حدّ تمام برای معلول است و معلول، حدّ ناقص علت است. افزون بر این، قرآن کریم آفریدگار جهان را «قَائِمًا بِالْقِسْطِ» می‌داند «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند که] جز او که توانا و حکیم است هیچ معبودی نیست) (آل عمران/ ۱۸)؛ مقصود این تعریف این است که عدالت جهان، خود مفهوم قیام خداوند به عدالت است.

امام موسی صدر در بخش دیگری از سخنرانی خود که در این کتاب تحت عنوان «اسلام، ایمان بدون عدالت را به رسمیت نمی‌شناسد» تدوین شده، اعلام می‌کند: معیاری که قرآن برای مساوات و برابری انسان با کارکردش در نظر می‌گیرد، چنین است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى» (و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد) (نجم/ ۴۰-۳۹). این معیار در موضوع عدالت نیز ثابت است؛ زیرا وجود عدالت در اسلام مساوی است با وجود ایمان، و ایمان بدون کوشش انسان در راه تحقق عدالت اصلتی است.

[...] صدها دستور اسلامی، که عدالت اجتماعی و اقتصادی را



معرفی کتاب «عدالت در اسلام» به قلم امام موسی صدر

فرهنگ قرآن کریم، عدالت‌پیشگی یکی از راه‌های رسیدن به تقوا است.

در سخنان و سیره پیامبر (ص) و ائمه هدی (ع) نیز عدالت محوری، چه اجتماعی و چه اقتصادی، بسیار برجسته و پررنگ است؛ پیامبر (ص) میزان خداوند را عدل می‌شمارد و امام صادق (ع) آن را از شهد شیرین‌تر می‌داند. امام علی (ع) نیز اصلاح مردمان را تنها به عدل می‌داند و حیات احکام دین را در عدالت پیشگی اعلام می‌کند.

این همه تنها اندکی است از آنچه درباره عدالت در متون دینی مسلمانان آمده است؛ با وجود این، اینهمه تأکید دین اسلام، آنچه امروز در برابر ما است، جامعه‌های به دور از عدالت مسلمین است. امروز مسلمانان جهان از عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی به دورند؛ اختلاف طبقاتی یکی از بیماری‌های این کشورها است. آنچه مهم می‌نماید، تلاش رهبران و اندیشمندان و آزادی‌خواهان مسلمان برای تبیین و تحقق این مفهوم است.

امام موسی صدر، رهبر ایرانی شیعیان لبنان،

کتاب «عدالت در اسلام» شامل مقاله‌های ارائه شده از سوی امام موسی صدر در نهمین همایش اندیشه اسلامی (ملتی الفکر اسلامی) در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴ شمسی) در شهر «تلمسان» الجزایر و در حضور اندیشمندان برجسته جهان و الأزره بیانگر گوشه‌ای از تلاش‌های علمی و تئوریک این مصلح مسلمان برای تحقق عدالت است.

عدالت همواره یکی از آرمان‌های اندیشمندان و آزادی‌خواهان بوده است؛ از هجده قرن پیش از میلاد که حمورابی مجمع قوانین را نوشت، تا امروز ادیان آسمانی و مکاتب بشری هر کدام به نحوی عدالت را در متن توجه خویش قرار داده‌اند.

در اسلام نیز که از جمله ادیان آسمانی به شمار می‌آید، عدالت یکی از محورهای اساسی اجتماعی فرد است؛ در قرآن قیام به عدل و عدالت‌پیشگی وظیفه‌ای است که پس از دعوت به توحید بر دوش رسولان نهاده شده است و خداوند در این کتاب مقدس مؤمنین را به عدل و قسط فرامی‌خواند؛ این مسئله تا بدان پایه اهمیت دارد که در

در عمق عبادات وارد می‌سازد و آن را از جمله شرایط صحیح بودن آن‌ها می‌شمارد، به روشنی نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی نه تنها دو حکم فرعی و دو واجب عادی و معمولی نیستند، بلکه بر پایه عقیده و ایمان استوارند و از آن‌ها جداشدنی نیستند. اسلام، ایمانی را که نتیجه آن، عدالت در زندگی فرد و جامعه نباشد، بر نمی‌تابد؛ از این رو عدالت اقتصادی و اجتماعی در اسلام، ریشه دار، دائمی و فراگیر است.

در بخش «مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در تحقق عدالت اجتماعی» آمده است: «اسلام در پی ریزی اصل عدالت، برای آن خطوط روشنی ترسیم می‌کند که مانع ابهام و آشفتگی می‌شود و شرایطی فراهم می‌کند که تحول و تکامل عدالت را تا مرز بی‌نهایت مقدور می‌سازد و این ویژگی اهمیت خاصی دارد؛ ارتباط متقابل میان مسئولیت فردی و اجتماعی برای تحقق بخشیدن به عدالت، یکی از ابعاد ترسیم شده عدالت است، بر اساس اصل «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» و بر اساس وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، هر فرد جامعه مسئول سلامت جامعه است.

... از طرف دیگر جامعه نیز نسبت به افراد مسئولیتی کاملاً برابر دارد؛ احادیث و فتاوا نشان می‌دهد که تمام ساکنان یک دهکده نسبت به فردی که از گرسنگی می‌میرد، مسئولیت دارند. در حقیقت، این مسئولیت هر نوع مرگ و هر گونه زیان و آسیبی را نیز در بر می‌گیرد؛ [حضرت علی (ع) با تعجب و استنکار از خود می‌پرسد «آیا من سیر بخوام و پیرامونم شکم‌هایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته و جگرهایی سوخته؟» افراد جامعه نیز نسبت به یکدیگر مسئولیت‌های متقابلی دارند؛ از دیدگاه قرآن کریم و روایات، افراد جامعه همه پیکره واحدی را تشکیل می‌دهند.

... نتیجه چنین بینشی آن است که عدالت با قدری احساس فردی آغاز می‌شود و سپس رشد می‌کند و از یک سو به کوشش روزافزون فرد تبدیل می‌شود و از سوی دیگر، گروه را که دولت ملی مظهر آن است، در بر می‌گیرد؛ آن‌گاه عدالت با دو بُعد گسترش می‌یابد؛ از یک سو رفته رفته همه افراد جامعه را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر، عمق پیدامی‌کند، زیرا همان گونه که حس عدالت خواهی رفته رفته به صورت کوشش پیگیر و مستمر درمی‌آید، تحقق بخشیدن به حداقل عدالت، مراتب دیگری از عدالت را فراهم می‌کند؛ این جریان تا آنجا ادامه می‌یابد که به برابری بین افراد جامعه می‌رسد.

امام موسی صدر همچنین به بررسی وضعیت مسلمانان امروز در این زمینه پرداخته و می‌گوید: «هنگام مقایسه دقیق واقعیت‌های جوامع اسلامی امروز با ریشه‌های «عقیده شناختی» عدالت اقتصادی و اجتماعی و ابعاد روشن آن،

فاصله بزرگی می‌بینیم.

[...] جدایی اصل عدالت اقتصادی و اجتماعی از ایدئولوژی اسلامی، که خود گوشه‌ای از فاجعه جدایی عقیده از شریعت است و گروه‌های مختلف مسلمان آن را پذیرفته‌اند، باعث شده که عدالت، ژرفا و کلیت و استمرار خود را از دست بدهد، به طوری که امروز عدالت اقتصادی و اجتماعی به صورت یک مسئله اجتماعی محض و موضوع سیاسی خالص درآمده است.

این نوع عقیده اسلامی مجرد از نتایج اجتماعی، نزد اغلب مسلمانان به صورت احساسی ذهنی درآمده که نه بر زندگی آنان اثر می‌گذارد و نه بر رفتار فردی و اجتماعی آنان. این گونه عقاید در تصور برخی مسلمانان، با عبادت قرین شده آن هم برای تنظیم پیوند انسان و آفریدگار و برای آسان کردن سفر مرگ و دیگر هیچ؛ [...] کسانی که این بینش را پدید آوردند و داعیه‌دار آن بودند، برای خود محیطی می‌خواستند که ایمان و خداوند ناظر بر اعمال آنان نباشند تا به آزمندی‌ها و هوای نفس خود میدان دهند و انسان‌ها را بی‌رحمانه استثمار کنند و ابزارهای کسب درآمد و منافع را بدون قید و شرط و بدون پابندی به شیوه‌های شرافتمندانه در اختیار بگیرند.

امام موسی صدر همچنین سکوت علما را در این زمینه مذموم شمرده و اعلام می‌دارد: «شاید برخی از علمای دین با دعوت و تبلیغ یا با سکوتشان، در نشانیدن عبادت به جای عدالت سهیم بوده باشند؛ این در حالی است که اسلام اعلام داشته «افضل العبادات کلمة حق عند سلطان جائر: برترین عبادت سخن حق گفتن در برابر سلطان ستمکار است».

[...] نبود عدالت در جوامع، از مرحله خطرهای سیاسی و اجتماعی گذشته و به مرحله انحرافات ایدئولوژیک رسیده و موجب ناامیدی بزرگی از دین و مؤسسه‌های دینی و علمای دین، به ویژه آن دسته از علمای دین که در برابر بیدادگری‌ها سکوت می‌کنند و برای احقاق حقوق مردم زیر ستم مبارزه

نمی‌کنند، شده است.»

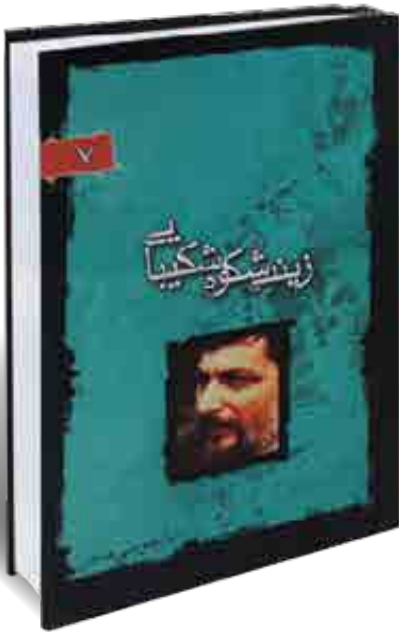
امام موسی صدر مسئولیت علمای دین در این زمینه را بسیار بزرگ و دقیق می‌داند و معتقد است آنان در راه خدمت به اسلام و مسلمانان به ویژه محرومان و ستمدیدگان، امین مردم‌اند و تنها هم‌آنانند که می‌توانند از مبارزه محرومان در داخل جوامع اسلامی تصویر درستی به دست دهند.

وی بر این باور است که مسلمانان امروز نه تنها تصور درستی از عدالت اقتصادی و اجتماعی اسلام و خطرهای ناشی از آن - از جمله گسست و فقدان دورنمای همه جانبه عدالت - ندارند، بلکه واقعیت اجرا نشدن عدالت اقتصادی و اجتماعی، جز در موارد نادر و کمیاب، به خوبی نمایان است.

[...] کشورهای ثروتمند عرب در کمک به بودجه نظامی کشورهای درگیر با اسرائیل سهمی داشته‌اند، ولی این کمک‌ها به اندازه یک دهم منافعی که جنگ برایشان فراهم آورده نبوده است؛ علاوه بر این، سهیم بودن کشورهای ثروتمند عرب در جنگ با اسرائیل، ضرورت همکاری و کمک به ملت‌های مسلمانی را که با فقر و گرسنگی و عقب ماندگی دست به گریبان‌اند، منتفی نمی‌کند.

امام موسی صدر در پایان، پیشنهادهایی را در این زمینه ارائه می‌دهد، از جمله: «توصیه به همه علمای دین در جهان اسلام و به همه مؤمنان و کسانی که آرزوی تحقق یافتن هدف‌های اسلامی را دارند»، «درخواست از دولت‌های حاکم بر جهان اسلام»، «درخواست از دولت‌هایی که در همایش عمومی کشورهای اسلامی گرد هم می‌آیند که با ایجاد طرح‌هایی، به توسعه مناطق و طبقات محروم و تنظیم قوانینی برای بهبود شرایط کارگران متخصص و مهاجران مقیم بپردازند» و «اجرای پژوهش دقیق و همه جانبه‌ای در مورد عدالت اقتصادی و اجتماعی در اسلام و اهمیت و جایگاه آن در دین، سپس ترویج آن از طریق رسانه‌های جمعی و کتب درسی به ویژه در دانشگاه‌های ذی ربط».

«زینب(س)؛ شکوه شکیبایی»؛ مجموعه سخنرانی‌های امام موسی صدر پیرامون رخدادهای پس از عاشورا



«زینب(س)؛ شکوه شکیبایی» عنوان کتابی است که از سوی مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر منتشر شده و حاوی سخنرانی‌های ایشان درباره نقش حضرت زینب(س) در واقعه عاشورا و رخدادهای پس از آن است.

بی شک پس از شهادت امام حسین(ع)، قهرمان واقعه عاشورا حضرت زینب(س) است؛ پس از عاشورا این زینب(س) بود که با شکیبایی بر مصیبت‌ها و صلابت و استواری پیام عاشورا را به همه رسانید؛ تا جایی که با شور و شعور خود توانست حتی کاخ یزید را نیز فتح کند. آنچه زینب(س) پس از شهادت امام حسین(ع) به همه نمایاند، جز شور و شعور و صلابت و استواری نبود؛ در هر مکان و در هر محفلی بی باکانه پرده از جنایت بنی امیه برداشت؛ افسوس که امروز به جای بازخوانی اینهمه فداکاری و شکیبایی و درس آموزی از آن‌ها، یادآور شیون و لابه و عجز این بانوی بزرگ شده‌ایم.

مجموعه سخنرانی‌های امام موسی صدر در این باره تحت عنوان «نقش حضرت زینب(س) در قیام امام حسین(ع)» و در دو بخش تنظیم شده است.

در بخش نخست، امام موسی صدر یادآور می‌شود: «گذشت ایامی چند از واقعه کربلا باعث فراموش کردن بزرگی مصیبت و غفلت از عبرت آموزی از پیامدهای آن نمی‌شود؛ واقعیت این است که تأثیر مصیبت پس از وقوع، از احساس مصیبت پیش از وقوع آن، دامن‌دارتر است؛ افزون بر این، معمولاً نتایج پیکار و فداکاری پس از پایان نبرد آشکار می‌شود؛ روز عاشورا، امام حسین(ع) و مردان همراهش، حتی جوانان و پاره‌ای از خردسالان نیز کشته شدند؛ بنابراین آنچه در کتب تاریخ آمده است، در خیمه‌ها و از اهل

بیت امام حسین(ع) تنها دو مرد زنده ماندند: علی بن الحسین، امام زین العابدین(ع)، که بیمار بود و گمان بردند که او در حال احتضار است و عمر او دیری نمی‌پاید؛ او را رها کرده و نیازی به کشتن احساس نکردند؛ جوان دیگر، حسن مثنی، فرزند امام حسن(ع)، بود.

در ادامه این بخش می‌خوانیم: اما غیر از این دو، همه کشته شدند و نقش اصلی برای به سرانجام رساندن رسالت امام حسین(ع) به عهده حضرت زینب(س) افتاد و او این وظیفه دشوار را به بهترین شکل ممکن به انجام رساند.

بی شک او به همه مصیبت‌هایی که در روز عاشورا بر امام حسین(ع) رفت، مبتلا شد و افزون بر آن، او مصیبت از دست دادن امام حسین(ع) را نیز به خود دید؛ اما در وای این مصیبت‌ها وظایفی داشت که نخستین آن‌ها پاسداری از عزت امام حسین(ع) و نمایاندن او به عنوان مظهر قدرت است نه اینکه او را ناتوان، ترسو و ضعیف نشان دهد. [...] هنگامی که حضرت زینب(س) به جسد پاره پاره امام حسین(ع) رسید، ایستاد، سنگ‌ها و نیزه‌ها و شمشیرها را کنار زد و جسد را با دو دست بلند کرد و گفت «اللهم تقبل منا هذا القربان: خداوند! این قربانی را از ما بپذیر»؛ با این سخن، زینب(س) اعلام داشت که این کار به اراده و خواست خود ما بوده است نه اینکه بر ما تحمیل شده باشد. [...] ما با آزادی کامل آمدیم و این موضع را اتخاذ کردیم. [...] ما حسین(ع) را برای دین خدا قربانی کردیم و از خدایم خواهیم که این قربانی را از ما بپذیرد.» در بخش دوم این کتاب، امام موسی صدر به سرنوشت خاندان امام حسین(ع) پس از شهادت ایشان و نیز ساختن مشاهدی با نام «رأس الحسین» اشاره می‌کند و این که سر مبارک امام حسین(ع) همراه با خاندانش از

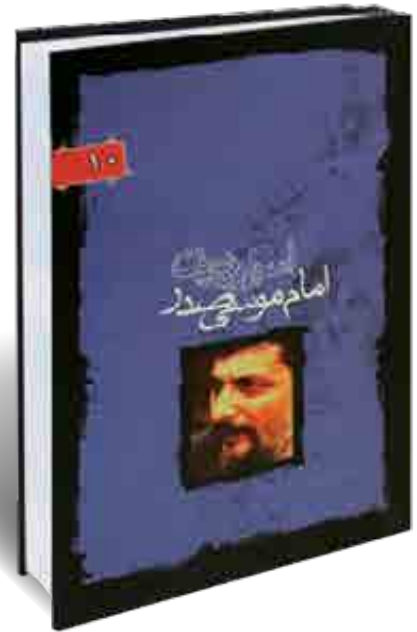
شهرها عبور می‌کرده و در هر شهری که کاروان توقف داشته، این مشاهد ساخته شده است.

در این بخش از کتاب همچنین، پیرامون عبور اهل بیت امام حسین(ع) از شهرهای مختلف امپراطوری بنی امیه در آن زمان و عبور اسرا از شهرهای مختلف که برای خلیفه به منزله پیروزی به شمار می‌رفت، اشاره شده و آمده است: «به طور طبیعی هرگاه این اسرا از جایی عبور می‌کردند، اهالی شهر می‌خواستند ببینند چه اتفاقی افتاده و ماجرا چیست؟ از آنان سؤال می‌کردند شما از کدام اسرایید؟ بی شک اهل بیت(ع) می‌دانستند که چگونه به این پرسش پاسخ دهند؛ [...] در این جا بود که نقش خطابه به میان می‌آمد؛ یا علی ابن الحسین(ع) سخن می‌گفت یا زینب(س) یا ام کلثوم.

این مسئله به خوبی روشن می‌کند که نقش زنان در خاندان اهل بیت(ع) یعنی حضرت زینب(س) و خواهرانش و کاری که صورت دادند، چه بوده است؛ [...] حضرت زینب(س) را در هر خطبه چنان بی‌اعتنا به همه مسائل روحی و جسمی می‌بینیم که گویی در خانه نشسته است و به هر خطبه‌ای که ادا می‌کند، می‌اندیشد و آن را بررسی می‌کند.

در بخش پایانی این کتاب آمده است: سفر حضرت زینب(س) در شهرها بیست، سی و یا چهل روز در صحرا و سوار بر شتر طول کشیده است؛ سفری بدین شکل جسم را خسته می‌کند و از توان آدمی می‌کاهد. در هیچ کدام از این خطبه‌ها حرفی از گریه و زاری و شیون نیست و هرگز سخنی خارج از اعتدال ملاحظه نمی‌شود؛ هر خطبه‌ای با منطق و آرامش تمام با حمد خداوند و شکر و ثنای او و حمد و مدح پیامبر(ص) و صلوات بر او و اهل بیتش آغاز می‌شود؛ اسلام زنانی اینگونه می‌خواهد.

امام موسی صدر در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۵۷ در ادامه سفرهای دوره‌ای خود برای پایان دادن به جنگ‌های داخلی لبنان با دعوت رسمی لیبی به آن کشور سفر کرد و در لیبی روبرو شد



«اسرار ربودن امام موسی صدر»؛ شرح رخدادها از زمان سفر به لیبی تا روبرو شدن

کتاب «اسرار ربودن امام موسی صدر» شامل شرح کامل رویدادهای مختلف از زمان سفر امام موسی صدر به لیبی تا روبرو شدن ایشان و نیز پیگیری‌های انجام شده در این مدت است.

در این کتاب که از سوی مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر و به سفارش سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، چاپ و منتشر شده، به دلایل سفر امام موسی صدر به لیبی اشاره شده است.

در این اثر آمده است: «افزایش رنج و محنت مردم لبنان و شدت گرفتن تجاوزات صهیونیست‌ها و اشغال جنوب، عملاً مانع اعمال حاکمیت دولت لبنان بر این منطقه شده بود، زیرا اسرائیل از اجرای قطعنامه ۴۲۵ شورای امنیت و عقب‌نشینی از مناطق مرزی سر باز زده بود؛ امام موسی صدر وظیفه خود می‌دانست که اوضاع بحرانی لبنان و عمق خطرهای تهدیدکننده جنوب لبنان را به اطلاع رهبران کشورهای عربی برساند؛ رهبرانی که

قذافی، «صدور حکم در یک دادگاه در ایتالیا»، «ادامه پیگیری‌ها در لبنان»، «از تولد و حضور» و «از ربودن و غیاب» مطالبی را مشاهده خواهند کرد. این کتاب که به گفته گردآورندگان آن، چکیده پرونده‌ای بیش از دو هزار صفحه است، اطلاعاتی در اختیار علاقه‌مندان به آزادی امام موسی صدر قرار می‌دهد و نیز انگیزه مضاعفی در کسانی ایجاد می‌کند که در این راه تلاش می‌کنند.

امام موسی صدر در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۵۷ در ادامه سفرهای دوره‌ای خود برای پایان دادن به جنگ‌های داخلی لبنان با دعوت رسمی لیبی به آن کشور سفر کرد و در لیبی روبرو شد. تحقیقات متعدد از سوی مقامات امنیتی لبنان و ایتالیا، مجلس شورای اسلامی ایران و همچنین احکام دستگاه‌های قضایی ایتالیا و لبنان نشان می‌دهد که امام موسی صدر به هیچ‌وجه از لیبی خارج نشده و در این کشور روبرو شده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امیدها برای آزادی امام موسی صدر بسیار زیاد شد؛ اما متأسفانه این امید و وظیفه تا امروز تحقق نیافته است؛ به هر روی، قرائن و شواهد بسیاری نشان از آن دارد که امام موسی صدر در زندان‌های لیبی به سر می‌برد.

در رسیدگی به این وضع اسفبار تأثیر مستقیم داشتند»

در کتاب مذکور، عناوین مختلفی همچون «آغاز سفر»، «امام موسی صدر کجاست؟»، «بیانیه رسمی دولت لیبی و تناقضات آن»، «متن بیانیه رسمی وزارت خارجه لیبی»، «سخنان قذافی در دیدار با هیئت علما»، «تلگراف وزارت خارجه لیبی»، «ملاحظات درباره تلگراف»، «نظر شرکت هواپیمایی ایتالیا»، «دو فرد در هتل هالیدی این»، «ویزای ثبت شده در گذرنامه» و «نظر مقامات ایتالیا» از جمله عناوین مختلف این کتاب هستند.

در این کتاب همچنین، اطلاعاتی راجع به «هم‌زمانی نامه سفارت لیبی با نامه سازمانی موهوم»، «گفته‌های بعدی مقامات لیبی»، «تحقیقات قضایی ایتالیا و نتایج آن»، «تحقیقات مقامات امنیتی لبنان»، «موضع مجلس اعلای شیعیه لبنان»، «تحقیقات قضایی مجدد ایتالیا»، «اعلام نتیجه تحقیقات قضایی»، «موضع دستگاه قضایی لبنان» و «متن حکم قاضی تحقیق لبنان» ارائه شد.

خوانندگان این کتاب، درباره «ادامه پیگیری پرونده در لبنان»، «احضار مقامات لیبی به دادگاه»، «تشکیل نخستین جلسه دادگاه و حضور نیافتن



امام موسی صدر کلمه‌ای طیبه در سرزمینی پاک است



رژیم اسرائیل به این کشور و حضور و رهبری امام موسی صدر و تأسیس مقاومت و پیروزی آن در مواجهه با صهیونیست‌ها و فرهنگ توسعه‌طلبانه صهیونیسم را فصلی مهم در تاریخ منطقه، تاریخ اسلام و تاریخ جهان می‌داند و انعکاس درست و امانت‌دارانه آن را به دور از افراط و تفریط و شعار و خرید و فروش سیاسی برای نسل‌های آینده، وظیفه فرهنگی و اساسنامه‌ای و تشکیلاتی خود می‌شناسد.

همچنین در بخش دوم مقدمه که به سخنان «نبیه بری»، رئیس جنبش امل، درباره این کتاب اختصاص یافته است، می‌خوانیم: این کتاب تاریخ‌نگاری تاریخ‌سازان این بخش از مشرق زمین است، آنان که با خورشید و حق و حقیقت پیمان بستند و گام در راه سفر نهادند. این کتاب پیشوا و رهبر، امام موسی صدر، است؛ سرگذشت‌نامه‌ای که اذعان دارد که نیاز ما به انسان، نیازی اولیه و اجتناب‌ناپذیر است. کتاب محرومانی که برای ایفای نقش و مشارکت تلاش می‌کنند. این کتاب، تاریخچه فرزندان «امل» است، آنان که همچون موج لحظه‌ای از حرکت باز نمی‌ایستند. این کتاب، تاریخ «امل» است، تاریخ جنبش مؤمن ملی، جنبش مردم لبنان به سوی آینده‌ای بهتر.

می‌پردازد که نگاهی کوتاه بر ریشه‌های تاریخی جنبش محرومان (امل)، سیره و زندگی‌نامه امام موسی صدر و جایگاه وی به عنوان جانشین امام شرف‌الدین در لبنان دارد.

در بخش مقدمه ناشر، حضور امام موسی صدر در لبنان، فصلی مهم در تاریخ منطقه و جهان اسلام عنوان شده و آمده است: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر تدوین و مکتوب کردن تاریخ معاصر لبنان، حوادث جنگ‌های داخلی و تجاوزات

«سیدحسین شرف‌الدین»، از بستگان امام موسی صدر، وی را به کلمه‌ای طیبه در سرزمینی پاک تشبیه می‌کند و می‌گوید: «...مرغزارها از شوق و عشق و نور آکنده بودند که سرانجام، تک‌سواری بر خاک پرپرکت ما گام نهاد و با عبور او بهار بر فراز بلندی‌ها و بر تل آوارها به جنبش در آمد و درد ورنج امت ما پایان یافت.»

جلد اول کتاب «سیره و سرگذشت امام موسی صدر» به بررسی فعالیت‌های امام موسی صدر تا سال ۱۹۷۴ میلادی

در بخش دیگری از این کتاب، در ذیل عنوان «نخستین زمینه‌های پیدایش جنبش امل»، بیان تاریخ این جنبش مستلزم توجه به مجموعه‌ای از رویدادهای تاریخی و اجتماعی و فرهنگی دانسته شده که پیش از آن به وقوع پیوسته و باروند حرکت طولانی جنبش همراه است. در این بخش، مؤلفان ضمن بررسی تاریخ میانه لبنان و نقش مهم آن در شکل‌گیری این کشور، معرفی پیشگامان تشیع در لبنان و بلاد شام، گسترش تشیع در مناطق ساحلی لبنان، هجوم صلیبیان و آغاز نبرد مستمر، هجوم ممالیک و ستم بر شیعیان، ارتباط علمی میان جبل عامل و ایران و میهن‌دوستی و کتاب‌های تاریخ جبل عامل، هویت‌بالنده تشیع در طول تاریخ راستوده‌اند و تلاش علما برای دفاع از کرامت و هویت این منطقه را مقدمه تشکیل کشور لبنان عنوان کرده‌اند.

بررسی اوضاع حاکم بر سرزمین شام در قرن نوزدهم میلادی، حوادث و تحولات آغاز قرن بیستم تا استقلال لبنان، از استقلال لبنان تا وقایع سال ۱۹۵۸، سیره و زندگی‌نامه امام سید موسی صدر، فعالیت‌های امام صدر در فاصله سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۶۰ و روابط امام صدر و کامل و اسعد در سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ برخی از سرفصل‌های این کتاب را شکل می‌دهند.

در بخش سیره و زندگی‌نامه امام موسی صدر، نظر آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی درباره این عالم شیعی ذکر شده و آمده است: آیت‌الله موسوی اردبیلی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به ریاست دیوان عالی کشور منصوب شد، درباره آشنایی با امام صدر چنین می‌گوید: «تاریخ آشنایی من با ایشان به سال ۱۳۲۱ شمسی بازمی‌گردد. در اواخر آن سال من به قم آمدم و چند روز پس از آن با ایشان آشنا شدم، زیرا تحصیل در حوزه مستلزم آن بود که در حلقات مشترک حضور یابیم و کتاب‌های یکسان و مشخصی را خریداری کنیم... ایشان از لحاظ استعداد و صلاحیت، ویژگی‌های خاصی داشت و صفاتی همچون درایت و تیزهوشی و سرعت انتقال و درک و دقت و تأمل عمیق در مسائل علمی، ایشان را در میان دوستان دانشمند خود سرآمد قرار داده بود...»

بنابر این کتاب، «غسان توینی»، روزنامه‌نگار مشهور و وزیر سابق لبنانی، درباره امام صدر می‌نویسد:

«امام صدر، چنان‌که همه می‌دانند، با آن قامت بلند و سیمای نورانی و نگاه‌های نافذ، از کاریزما و تأثیر روحی سحر آمیزی برخوردار است...». روزنامه‌نگار دیگری به نام «حنان معلوف» در مصاحبه‌ای با امام موسی صدر که در ضمیمه روزنامه «النهاری» به چاپ رسید، پرسش‌های گوناگونی درباره ابعاد شخصیتی امام و نگرش ایشان به زن معاصر مطرح کرد و علی‌رغم صریح بودن پرسش‌ها، خود وی درباره پاسخ‌های امام چنین می‌گوید: «زبان و بیان امام با دیگران تفاوت داشت. لازم نبود پرسشی را برای ایشان توضیح بدهی و ایشان سعی نمی‌کرد از پرسش‌هایی بگریزد که نمی‌خواهد به آن‌ها پاسخ دهد. ویژگی ممتاز ایشان آن بود که اندیشه‌های اصیل دینی خود را با این هدف مطرح می‌کرد که واقعیتی را آشکار یا حقیقتی را تبیین کند...»

بررسی فعالیت‌های امام صدر از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ فصل دیگری از این کتاب را شکل می‌دهد که در آن عنوان شده است: «امام از زمان ورود به لبنان، صفحه جدیدی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی این کشور گشود. او که روحانی پرورش‌یافته در حوزه‌های علمیه بود، در روش‌ها و رفتارهای سنتی روحانیون تحولی بنیادین پدید آورد... امام فعالیت‌های اجتماعی را مبنای تحرک روزانه خود قرار داده بود؛ در کنار مردم عامی و ساده حضور می‌یافت، با آنان نشست و برخاست می‌کرد... از این رو به دل‌های آنان نفوذ کرد و آنان نیز در دل او جای گرفتند.»

همچنین با استناد به این کتاب، امام موسی صدر در پاسخ به پرسش یک خبرنگار درباره هدفش از اقداماتی که در کنار وظایف دینی به انجام می‌رساند، اظهار می‌کند: «وظیفه دینی من در لبنان، ارتقای سطح زندگی اجتماعی مردم به طور عام و ارتقای سطح فرهنگ دینی مسلمانان به طور خاص است، زیرا معتقدم تا وقتی سطح زندگی و معیشت مردم به شکل کنونی باشد، ارتقای فرهنگ دینی میسر نخواهد بود... روش ما بر مبنای اسلام و بر اساس آیه کریمه "فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ" است که به ما می‌آموزد در سازندگی و ارتقای سطح زندگی و رفتار اجتماعی از یکدیگر پیشی بگیریم و به تعصب و تخریب و دیگر مشکلات و ناپسامانی‌هایی که از آن‌ها رنج می‌بریم، توجهی نکنیم.» در بخش پایانی این کتاب نیز با اشاره به موضوع «کامل اسعد»، رئیس اسبق پارلمان لبنان، در مقابل امام موسی صدر می‌خوانیم: «کامل اسعد، تشکیل مجلس اعلای شیعیان لبنان را موجب تضعیف موقعیت و نفوذ خود می‌دانست. گرایش اقشار مختلف مردم به امام صدر نیز بر نگرانی وی می‌افزود. پذیرش رسمی طرح‌ها و خواسته‌های امام صدر از سوی حکومت، هراس و نگرانی سعد را دوچندان می‌کرد... اما اسعد با وجود تلاش بسیار نتوانست از تأسیس مجلس اعلای شیعیان جلوگیری کند...»

گفتنی است کتاب «سیره و سرگذشت امام موسی صدر» در دو جلد توسط مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر منتشر شده است.



«مسلمین شیعه در لبنان»؛ نخستین اثر منتشر شده در ایران پیرامون خاطرات امام موسی صدر

کتاب «مسلمین شیعه در لبنان» حاوی خاطرات و اطلاعات امام موسی صدر است که به سفارش خود ایشان در سال ۱۳۵۱ توسط حجت الاسلام میرابوالفتح دعوتی گردآوری و ترجمه شده است.

این کتاب از سوی انتشارات «بعثت» منتشر شده و دربردارنده تاریخ تشکل و مجموعه فعالیت‌های شیعیان لبنان به رهبری امام موسی صدر است؛ این اثر تا کنون ۹ بار تجدید چاپ شده است.

«نگاهی به لبنان»، «گام‌های نخستین»، «به سوی هدف‌ها»، «مجلس عالی شیعه را بهتر بشناسیم»، «چند اقدام مفید مجلس عالی شیعه»، «مقالات صدر»، «چند اقدام مفید موسی صدر»، «در راه وحدت مسلمین جهان»، «فهرستی از کارهای مجلس عالی شیعه»، «الإمام موسی الصدر» و «صدر در قاهره»، از جمله عناوین این کتاب است.

در پیشگفتار «مسلمین شیعه در لبنان» که به قلم حجت الاسلام میرابوالفتح دعوتی نگاشته شده است، می‌خوانیم: «در دی ماه سال گذشته (۱۳۵۰) سید موسی صدر، رئیس مجلس عالی شیعیان لبنان، به ایران آمدند و به مدت یک ماه و اندکی در ایران توقف داشتند؛ دوستان و علاقه‌مندان که به اختصار، چیزهایی در مورد فعالیت‌های

دامنه‌دار ایشان می‌دانستند، خواستند تا شرحی مبسوط پیرامون فعالیت‌هایشان اظهار دارند. آقای صدر، در پاسخ، شمه‌ای از کوشش‌های سودمند خویش را بیان کردند و از آنجا که فعالیت‌های وسیع و همه‌جانبه ایشان می‌تواند سرمشق خوبی برای دیگران باشد، از طرف انتشارات «بعثت» پیشنهاد شد تا مطالب فراهم شده در دسترس عموم قرار گیرد؛ کتاب حاضر، توضیح گوشه‌ای از فعالیت‌های وسیع آقای صدر در لبنان و دیگر کشورهای اسلامی است.»

در این کتاب به برخی مقالات و آثار امام موسی صدر اشاره شده که برخی از آن‌ها بدین شرح است: مقدمه‌ای طولانی بر کتاب «تاریخ الفلسفة الاسلامیة»، تألیف پروفیسور «هانری کرین»، مقدمه بر کتاب «القرآن الکریم و العلوم الطبیعی» نوشته «یوسف مروء»، مقدمه بر کتاب «فاطمه الزهراء»، تألیف «سلیمان کتانی»، عالم و دانشمند لبنانی، جزوه اسلام و تمدن در قرن حاضر، رساله اسلام و تربیت مدنی، جزوه اسلام و پیشرفت و تکامل.

در بخشی از این کتاب آمده است: سید موسی صدر معتقد است که «تمدن مادی مغرب زمین، روح و بُعد مذهبی مردم را تضعیف کرده است و در نتیجه، امکانات

رهبران دین و قدرت و توانایی ایشان در هدایت افکار عمومی به ضعف گراییده است؛ مردم اصولاً درک درستی از خطر صهیونیسم ندارند و هنوز نمی‌دانند دشمن چه نقشه‌ای درباره آنان دارد و از آنجا که خواهان تاخت و از آنجا که دشمن خود را نمی‌شناسند، به مبارزه با آن هم اقدام نمی‌کنند و راه مبارزه با وی را نمی‌دانند. این سستی و ضعف عللی دارد که هم رهبران و هم مردم در آن شریکند و جداً نمی‌توان همه گناه را بر دوش رهبران جامعه دانست و هر گاه روش متدینین و رجال دینی را بررسی کنیم، گناه و تقصیر اینان از دیگر طبقات کمتر است.»

در بخش نخست این کتاب تاریخچه مختصری از وضعیت سیاسی و جغرافیایی لبنان ارائه و در ادامه نحوه ادامه فعالیت‌های مرحوم «سید عبدالحسین شرف‌الدین» از سوی امام موسی صدر و همچنین نحوه انتخاب امام موسی صدر به زعامت شیعیان لبنان شرح داده شده است.

همچنین، تأسیس انجمن زنان، انجمن نیکوکاری و مرکز تحقیقات اسلامی، اهتمام به تفریحات سالم برای جوانان و نیز سفر به کشورهای مختلف به ویژه کشورهای آفریقایی به عنوان برخی از فعالیت‌های امام موسی صدر نام برده شده و هر کدام به طور جداگانه توضیح داده شده است.

یادآور می‌شود، «آماده ساختن مردم برای پیکار با اسرائیل و ساختن پناهگاه برای زنان و کودکان»، «همکاری با فدائیان فلسطین» و نیز تشکیل گروه «نصره الجنبوب» از جمله فعالیت‌هایی است که با عنوان اقدامات مفید مجلس عالی شیعیان لبنان که توسط امام موسی صدر تأسیس شد، در این کتاب نام برده شده است.



امام موسی صدر برای دریافت احکام اقتصادی اسلام روشی میانه در پیش گرفت

است؛ به نظر می‌رسد که امام موسی صدر، دست کم از هنگامی که به تحصیل علم اقتصاد در دانشگاه پرداخت، در پی کشف، تدوین و عرضه این مکتب بوده و هرگاه در ایران و لبنان فرصت مقتضی یافته، به معرفی آن پرداخته است.

[...] تفاوت نظریات اقتصادی در مکتب اقتصادی اسلام با مکاتب سرمایه‌داری و اشتراکی، موضوعی است که امام موسی صدر تلاش کرده تا با قلم و قدم خود از ایران تا لبنان به شیعیان مولای خود بنمایاند.

کتاب حاضر در سه فصل فراهم آمده است؛ فصل نخست مجموعه مقالات فارسی امام موسی صدر است که به قلم خود او در مجله «مکتب اسلام» به چاپ رسیده است؛ مجله‌ای که او همراه با جمعی از دیگر حوزویان تأسیس کرده بود و در نوع خود حرکتی بدیع در تاریخ حوزه‌های علمیه به شمار می‌آید؛ گفتنی است که این مقالات، همراه با مقدمه و توضیحاتی از مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین علی حجتی کرمانی، بارها و بارها به چاپ رسیده بود.

فصل دوم کتاب، گفتارهای اقتصادی امام موسی صدر در لبنان است؛ بخش عمده این فصل، درس‌گفتارهای وی برای اعضای ارشد جنبش امل است؛ امام موسی صدر در این درس‌گفتارها بر آن بود تا اعضای جنبش امل را با روح اسلامی آشنا کند؛ از این رو بخشی از این درس‌ها را به مباحث اقتصادی اختصاص داد.

فصل سوم کتاب نیز شامل دو مقاله جامعه‌شناختی - اقتصادی است که در یکی مسئله اختلاف طبقاتی و راه حل

از نگاه امام موسی صدر، ما در اسلام علم اقتصاد نداریم، اما این سخن بدین معنا نیست که اسلام را با مسائل اقتصادی کاری نیست؛ بلکه به عکس با نگاهی به همه ابواب فقه، می‌توان رهیافت اقتصادی اسلام و جهت‌گیری اقتصادی آن را دریافت؛ در واقع او روشی میانه را برای دریافت احکام اقتصادی اسلام در پیش گرفت.

در پیش‌گفتار کتاب «رهیافت‌های اقتصادی اسلام» که در بردارنده مجموعه مقالات و گفتارهای اقتصادی امام موسی صدر بوده و در این گزارش در صدد معرفی آن برآمدیم، ضمن بیان مطلب فوق آمده است: دو روش دیگر، نگاه‌هایی افراطی و تفریطی به احکام اسلامی است که یکی بر آن است که ما همه علوم را در اسلام داریم و دیگری می‌گوید علوم جدید و احکام اسلامی متعلق به دو دنیای کاملاً متمایز سنت و تجدد هستند؛ در واقع باید گفت که امام موسی صدر با نگرش جامع خود، نه راه افراط پیموده و نه راه تفریط، بلکه پیوندی میان سنت و مدرنیته برقرار کرده است و با توجه به اصول اسلامی، پاسخ‌هایی به مسائل جدید جامعه می‌دهد.

در مقدمه این کتاب که به قلم سید کاظم صدر نگاشته شده، آمده است: از نظر امام موسی صدر، اسلام دین عبادی صرف نیست، بلکه فرهنگ، آئین و رسالتی است برای زندگی. مکتب اقتصادی اسلام مکتبی است که از جهان بینی اسلام سرچشمه می‌گیرد و راه‌حلی که برای شکوفائی زندگی اقتصادی بشر ارائه می‌کند، مستقل و متفاوت با مکاتب مادی و ادیان دیگر

اسلام برای آن و در دیگری مبحث عدالت اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

«اصول روش اسلام در توزیع ثروت»، «سهم کار و سرمایه و ابزار تولید در اسلام»، «ویژگی‌های حقوق مالکیت در اسلام»، «تفکیک‌ناپذیری احکام اقتصادی اسلامی»، «دین و کارگر» و «اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی» از جمله سرفصل‌های این کتاب است.

امام موسی صدر افزون بر تحصیلات حوزوی تا درجه اجتهاد، فارغ‌التحصیل رشته «حقوق در اقتصاد» از دانشگاه تهران است. او اگر چه هیچ‌گاه خود را متخصص علم اقتصاد نمی‌دانست، اما آگاهی وی از نظریه‌های اقتصادی رایج که از تحصیل در دانشگاه فراهم آورده بود و شناخت ژرف او از احکام اسلامی باعث شد که میان نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و مارکسیسم و آموزه‌های اسلام مقایسه‌ای صورت دهد و در این میان، رهیافت‌های اقتصادی اسلام را روشن سازد.

او خود در این باره می‌گوید: «من کارشناس اقتصادی نیستم؛ مدرک دانشگاهی من در رشته اقتصاد است و فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق در رشته حقوق در اقتصاد هستم اما با همین اندازه تحصیلات، یعنی لیسانس می‌توانم مسائل کلی اقتصاد را دریابم و درباره جزئیات مسئله ادعایی ندارم؛ ما برای تبیین ایدئولوژی به اصول کلی اقتصاد نیاز داریم.»

تلاش خود در لبنان، همواره از درس‌های این حادثه الهام گرفته است، حتی از این واقعه برای هم‌زیستی میان پیروان مسیحیت و اسلام نیز بهره برده است.

از همین رو، در این بخش، قسمت‌هایی از کتاب «حسین (ع)؛ وارث انبیاء» که مجموعه‌ای از سخنرانی‌های امام موسی صدر پیرامون قیام عاشورا است، معرفی می‌شود. در عنوان این کتاب شاهد مطالبی چون «پیشگفتار»، «حسین (ع)؛ وارث انبیاء»، «از تولد و حضور» و نیز «از بودن و غیاب» هستیم.

در بخش نخست این کتاب، امام موسی صدر به فلسفه زیارت عاشورا اشاره و تأکید می‌کند: «هدف این زیارت، بخشیدن حرکت و پویایی به عاشورا و خارج کردن این واقعه از انزوا و مخالفت با جداسازی آن از گذشته و آینده است؛ زیرا همه خطر در این است که عاشورا فقط به یادبودهایی بدل شود و واقعه کربلا تنها برای کتاب‌ها و سیرنوئسی و یادکر آن برای اجرا و ثواب اخروی باشد. بیم آن می‌رود که این حادثه از ظرف زمانی خود فراتر نرود و مقتل حسین (ع) و یارانش در همان سال ۶۱ مدفون شود؛ حسینی بود، کشته شد و همه چیز پایان یافت.

برای اینکه کار امام حسین (ع) هدر نرود، پاره‌ای از فقرات در این زیارت آمده است تا میان شهادت امام حسین (ع) و ستیز همیشگی حق و باطل پیوند برقرار سازد؛ ستیزی که از نخستین حرکت انسان برای اصلاح و جهاد آغاز می‌شود و تا رسیدن به زندگی آزاد، با کرامت و رهایی از ستم و ستم‌پیشگان ادامه دارد.»

در بخش دیگری از این کتاب می‌خوانیم: «یکی از دوستان اندیشمند ما می‌گوید که دشمنان حسین (ع) سه گروه‌اند: دشمن نخست، کسانی که حسین (ع) و یارانش را کشتند؛ آنان ستمکار بودند اما اثر ستمشان ناچیز است، زیرا جسم او را کشتند و اجساد را پاره پاره کردند و چادرها را به آتش کشیدند و اموال را به غارت بردند؛ آنان چیزهای نامحدودی را از میان بردند.

گروه دوم، «کسانی که کوشیدند تا آثار حسین (ع) را پاک سازند؛ بنابراین نشانه‌های قبرش را از میان بردند و بقعه‌ای را که در آن به خاک سپرده شده بود، به آتش کشیدند و یا مانند بنی عباس، حرم امام حسین (ع) را به آب بستند؛ خطر این گروه بیش از گروه اول است اما در اجرای برنامه‌هایشان، ناتوان ماندند چنانکه این مسئله در تاریخ روشن شد؛ ما امروز شاهد گسترش زمانی و مکانی عذاری‌های امام حسین (ع) هستیم و گروه سوم، کسانی که بر آن بودند تا چهره امام حسین (ع) را مخدوش کنند و واقعه کربلا را در حد سالگردها و عذارهای هانگه دارند و آن را در گریه و اندوه و ناله منحصر کنند. ما بر حسین (ع) می‌گرییم اما هرگز در گریه متوقف نمی‌شویم؛ گریه ما برای نو کردن اندوه‌ها و کینه‌ها و میل به انتقام و خشم بر باطل است؛



نبرد با اسرائیل ادامه نبرد امام حسین (ع) است

زمان دیگری نیاز داریم که غبار تحریف را از چهره تابناک این رخداد بزدا کنیم تا پیام امام حسین (ع) را بشنویم و دریابیم و به کار گیریم. در این میان، اندیشمندان جامعه، مسئولیت سنگینی بر دوش دارند و در دوران معاصر، بوده‌اند کسانی که در این راه تلاش‌ها کردند و روشنایی‌ها بر این واقعه افکنده‌اند؛ امام موسی صدر نیز، از جمله این اندیشمندان است که کوشیده است با زبان و رفتار خود، چهره حقیقی قهرمانان عاشورا را بنمایاند و پیامش را به جان‌ها برساند.

امام موسی صدر در سخنرانی‌های مختلف تلاش کرده است تا غبار تحریف را از چهره این واقعه بزداید و با درک پیام عاشورا، آن را به زبان امروزین جامعه باز گو کند. او در دو دهه

درباره امام حسین (ع) می‌گفتند «خرج عن حده فقتل بسیف جده» (او از حد و حدود خود تجاوز کرد و با شمشیر جدش کشته شد)؛ می‌گفتند «چرا عصیان می‌کنی؟! (۱) اسرائیل هم همان حرف را می‌زند که «بیائید با هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشیم»؛ بنابراین نبرد ما با اسرائیل ادامه نبرد امام حسین (ع) است.

حماسه شور گستر عاشورا از یک سو عرصه عشق‌بازی، فداکاری و «مارایت إلا جمیلاً» است و از دیگر سو خونریزی و غارت و ستم‌پیشگی؛ اما متأسفانه این حادثه نیز مانند بسیاری از پدیده‌های تاریخی دیگر، گاه دست‌خوش تحریف و گاه دست‌خوش غفلت شده است؛ از این رو، امروز بیش از هر

اینها انگیزه ما برای گریه است؛ چرا که به خاک افکنده شدن امام حسین (ع) یاد می‌کنیم و آن را در مقاتل می‌خوانیم؟» اکنون بخش‌های مختلف این کتاب را مرور می‌کنیم: «...! اگر در تاریخ نبرد میان حق و باطل، واقعه کربلا را از مقطع زمانی خودش خارج سازیم و آن را با گذشته پیوند دهیم به طور طبیعی حادثه با آینده هم پیوند می‌خورد!...! وجود خیر و شر دو جبهه‌ای و ازلی پدید می‌آورد؛ جدّ ما حضرت آدم (ع) برگزیده خدا، جبهه اصلی را رهبری کرد و نبرد میان قایل و هابیل صورت پذیرفت. می‌توان گفت که این ستیز، نبردی نمادین یا حقیقتی تاریخی است، فرقی نمی‌کند، آنچه مهم است بازتاب این نبرد برای ما است. قرآن نیز نبرد هابیل و قایل را بیان می‌کند؛ در این نبرد، جبهه کوچک خیر، در برابر جبهه کوچک شرّ قرار می‌گیرد.

...! اما واقعیت این است که نبرد حقیقی میان ستم‌پیشه و ستم‌دیده است، زیرا ستم شکل‌های گوناگونی دارد. ...! گاهی ستم ویژگی دیگری می‌یابد؛ استعمار، ستمی سیاسی است و استعمارگران به مردم ستم می‌کنند؛ آزادی و سرزمین و وطنشان را غصب می‌کنند و گاهی به زور شمشیر. ...! گاهی نبرد، ویژگی اقتصادی می‌یابد؛ استثمارکننده و استثمارشونده. ربا در قدیم رواج داشت؛ چه پیش از اسلام چه پس از اسلام، حتی امروز هم وجود دارد. ...! گاهی نبرد با ویژگی فرهنگی و فکری نمودار می‌شود؛ یکی از متفکران، این ستم را استعمار می‌نامد؛ استعمار یعنی اینکه مردم را نادان نگه دارند.

...! قرآن کریم همه انواع ستم را معرفی می‌کند و ستم‌دیدگان را یک‌جا نشان می‌دهد: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم) (قصص/ 5). استضعاف یعنی گروهی، گروهی دیگر را ضعیف بشمارد و دارایی و اندیشه آنان را غصب کند؛ نگاه تاریخی قرآن کریم می‌گوید که در زمین مردم دو گروهند؛ یا ظالم یا مستضعف؛ این دو گروه در برابر هم قرار می‌گیرند؛ ستم، فزونی می‌یابد، ظالم طغیان می‌کند، چیره می‌شود و سرانجام حکم می‌راند. ...! همه پیامبران، کسانی که فریادشان خدای واحد و احد بود، همیشه در میان عده زیادی مستضعف بودند.

...! انواع سه‌گانه ستم، سردمدارانی دارد؛ اینان قبلاً بوده‌اند و اکنون نیز هستند، اما سرانجام ستم در برابر اکثریت شکست می‌خورد و ستمکار نیز در هم می‌شکند، سپس ستمکار جامه نوبر تن می‌کند؛ جامه انبیا و لباس دین؛ به دعوت جدیدی فرامی‌خواند و شعار دفاع از مصلحت مردم را سر می‌دهد؛ اعلام می‌کند که در کنار مستضعفین است؛ مستضعفین می‌بینند، ستم از درون خودشان پا گرفته است؛ غصب و

استبداد و استعمار و استثمار و استعمار از درون خودشان است؛ در این هنگام، نبردی دیگر آغاز می‌شود؛ بدین گونه این نبرد از ازل تا ابد پاینده است؛ این نبرد برای چیست؟ این سنت خداوند است.

این نبرد همیشگی برای این است که آدمی بتواند بارزاده کامل خود، از میان خیر و شر، یکی را انتخاب کند و این گونه است که سلسله پاینده ستیز میان ستمکار و ستم‌دیده کامل می‌شود؛ در این روند بود که نبرد آغاز شد: از آدم (ع)، برگزیده خدا و نوح (ع)، پیامبر خدا و عیسی (ع) روح خدا و موسی (ع) هم‌سخن خدا و تا محمد (ص) محبوب خدا و علی (ع) ولی خدا؛ از این رو واقعه کربلا، نبردی منفک و پدیده‌ای یگانه در تاریخ انسان نیست؛ البته حلقه و ویژه‌ای است و به طور طبیعی با دیگر حلقه‌های تاریخ نبرد، تفاوت دارد و همچنان که این حلقه با گذشته پیوند دارد، با آینده نیز در پیوند است.

...! وقتی انسان معاصر درمی‌یابد که نبرد امام حسین (ع) با گذشته و آینده پیوند دارد، درنگ می‌کند و در برابر دو جبهه می‌ایستد تا صف خود را انتخاب کند؛ اگر بخواهیم هر دو جبهه را بشناسیم، باید بدانیم هر کدام ویژگی‌های خودش را دارد؛ ز یاد دقت نمی‌خواهد، ویژگی‌ها روشن است. آیا کسی هست که شک کند اسرائیل ظالم است؟ اسرائیل فلسطین را اشغال و مردم را آواره و بی‌گناهان را نابود کرده است؛ به بهانه حمایت از خود، اشغال را ادامه می‌دهد و اندیشه جهانی را با استعمار و استثمار و استعمار به بیراهه برده است.

بنابراین ما مستضعف هستیم؛ اسرائیل در جبهه یزید است؛ جبهه باطل، جبهه ستم‌پیشگان و ما در جبهه مستضعفین هستیم؛ جبهه حسین (ع)؛ چه باید بکنیم؟ ...! حسین (ع) همه چیز را تقدیم کرد؛ اگر این واقعه را به سلسله تاریخی و سرمدی نبرد میان حق و باطل پیوند دهیم، خود را در این جبهه نبرد قرار داده‌ایم؛ امروز این نبرد میان فلسطینی‌ها و اسرائیل است؛ این مسئله، نخست، تکلیف فلسطینی‌ها است و اگر آنان این کار را انجام ندهند، بر ما واجب عینی است که به پا خیزیم و این کار را به انجام

رسانیم. درست است، اسرائیل نیرومند است اما یزید نیز قدرت داشت؛ اسرائیل می‌کشد، می‌سوزاند، قتل عام می‌کند، آنچه را انجام می‌دهد بر صفحه‌های تلویزیون می‌بینیم، به یاد می‌آوریم که مسلم بن عقیل نیز در کاخ به قتل رسید، سرش را از تن جدا کردند و جسدش را از بلندی افکندند.

پس اسرائیل در صف یزید است و همه ابعاد واقعه کربلا هم‌اکنون نیز وجود دارد؛ حسین (ع) بازنگشت و نگفت که آنان ظالمند و به مرد و زن و مرده رحم نمی‌کنند؛ نگفت که آنان پس از کشتن، سینه‌ام را پاره پاره می‌کنند. پس، بر ماست که در راه حق گام برداریم؛ چه سودی دارد که خوار بمانیم؟ او که پیشواست باید اینهمه را تحمل کند.

بنابراین، نبرد ما با اسرائیل ادامه نبرد امام حسین (ع) است؛ آنان در باره حسین (ع) می‌گفتند: «خرج عن حده قتل بسيف جده: او از حد و حدود خود تجاوز کرد و با شمشیر جدش کشته شد»؛ این حکمی بود که در محکمه برای امام حسین (ع) صادر کردند؛ می‌گفتند: چرا عصیان می‌کنی؟! چرا نمی‌گذاری مردم شادمان باشند؟ چرا نمی‌گذاری مردم نماز بگذارند و روزه بگیرند؟ حج به جای آورند و زکات بپردازند؟ ای حسین چرا این کار را می‌کنی؟ از اینهمه نبرد و درگیری چه می‌جویی؟

امام موسی صدر در این بخش مردم را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: من آمده‌ام تا به شما هشدار دهم که اسرائیل هم همان حرف را می‌زند: بیایید با هم زندگی کنیم؛ بیاید با هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشیم؟! آیا این حرف‌ها از دولتی که بر اساس اشغالگری و تعدی و طمع و زیاده‌خواهی برپاست، پذیرفتنی است؟ اسرائیل می‌گوید: ما بالاتر از دیگر انسان‌ها هستیم؛ همه ادیان باید تحت سلطه ما باشند؛ پس، این نبرد امام حسین (ع) در عصر ما است.

ما چیزی را از سلسله نبرد حق و باطل جدا نمی‌کنیم؛ چنان‌که به حسین (ع) در نبردش با یزید می‌گوئیم: «السلام عليك يا وارث آدم صفة الله».



فصل دوم

روش‌شناسی و مبانی تفسیری امام موسی صدر



امام موسی صدر قائل به اعتبار همه دلالات در تفسیر قرآن است

خداوند متعال با دانش فراگیر خود زمانی که از «۱۰ شب» سخن می‌گوید، این شب‌ها در کدام ماه‌های سال قرار گرفته‌اند؟ آیا منظور ۱۰ شب اول ذی‌حجه، محرم و یا ۱۰ شب آخر ماه مبارک رمضان است. اما وقتی به دانش فراگیر الهی توجه کنیم، متوجه می‌شویم که وقتی خداوند می‌گوید «لیال عشر»، منظور حتماً چیزی فراتر از شب به معنای لفظی است و در روایات آمده است که این ۱۰ شب به زمان حکومت از امام دوم تا یازدهم (ع) اشاره دارد.

وی تأکید کرد: با توجه به خانه‌نشینی شدن ائمه اطهار (ع) از زمان امام حسن مجتبی (ع) تا امام حسن عسکری (ع)، این مدت زمان عصر ظلمت خوانده می‌شود و لیال عشر یا ۱۰ شب مربوط به همین دوران عنوان می‌گردد.

این استاد حوزه در ادامه به نظر امام موسی صدر درباره حروف مقطعه قرآن کریم اشاره و اظهار کرد: برخلاف کسانی که معتقدند حروف مقطعه رموز و اسرار بین خداوند و

دارد با گوینده دیگری که همین لغت را به کار می‌برد.

وی اضافه کرد: برای روشن شدن مطلب مثالی ذکر می‌کنم؛ «شمس» یعنی خورشید، اما وقتی خداوند متعال با آن دانش نامتناهی، از واژه‌هایی چون «شمس»، «قمر» و یا «لیال عشر» استفاده می‌کند، آیا منظور همان معانی لغوی است یا اینکه معانی گسترده‌تری را مد نظر دارد؛ منظور از «شمس» در آیات قرآنی «هر وجود روشن و روشنگر» است که به حضرت محمد (ص) اشاره دارد؛ همچنین «قمر» در لغت یعنی ماه، اما وقتی در نظر بگیریم که گوینده این کلمه، خداوند متعال است می‌فهمیم که این کلمه باید معنای بسیار گسترده‌تری داشته باشد؛ قمر یعنی هر وجود روشنگری که نور خود را از شمس می‌گیرد؛ بنا بر روایات، منظور از قمر «حضرت علی (ع)» است.

این مرجع تقلید با اشاره به آیه دوم سوره فجر اظهار کرد: همچنین در تفسیر آیه دوم سوره مبارک فجر، باید به این نکته توجه داشت که

آیت‌الله العظمی محمدعلی گرامی قمی، از مراجع عظام تقلید و استاد حوزه علمیه قم، با بیان این مطلب گفت: با مطالعه برخی جزوات مربوط به روش تفسیری امام موسی صدر به این نکته مهم پی بردم که وی، همه دلالات را معتبر می‌داند؛ دلالات در منطق، ادبیات و اصول سه نوع هستند که عبارتند از: دلالت مطابقه، دلالت تضمن و دلالت التزام.



وی افزود: در دلالت التزام، میزان، التزام و ملازمه ذهنی است و نه ملازمه خارجی. شاید ملازمه خارجی وجود نداشته باشد و حتی ضد آن به کار رفته باشد و دو معنای مخالف هم به وجود بیاید؛ مثلاً وقتی می‌گوییم نابینا، اولین چیزی که به ذهن می‌آید چشم است، در حالی که نابینایی و بینایی در دنیای خارج مخالف هم هستند؛ بنابراین برای تفسیر آیات قرآن هم نباید دنبال معنی تحت‌اللفظی باشیم، بلکه تفسیر آیه لوازمی هم دارد.

این استاد حوزه در ادامه سخنانش تصریح کرد: امام موسی صدر معتقد بود که به هنگام گوش سپردن به سخنرانی افراد، ما نباید به معنای تحت‌اللفظی و دلالت التزامی و لغوی سخنان وی اکتفا کنیم؛ بلکه باید حدود معلومات، فهم و دانش گوینده را نیز در نظر بگیریم؛ اگر درک گوینده خیلی بالاست، فرق



نکته دیگری که امام موسی صدر در تفسیر قرآن به آن توجه داشت، اخبار قرآن در مورد علوم کشف نشده آن زمان بود؛ برخی کلمات استفاده شده در کلام الهی نشانگر اطلاعات عمیقی است که در آن زمان کشف نشده بود

و میم» است که این نشان گر مبارزه طلبی قرآن در مقابل کفار است که اگر می توانند با همین حروف ساده همانند قرآن را بیاورند.

آیت الله العظمی گرامی خاطر نشان کرد: نکته دیگری که امام موسی صدر در تفسیر قرآن به آن توجه داشت، اخبار قرآن در مورد علوم کشف نشده آن زمان بود؛ برخی کلمات استفاده شده در کلام الهی نشانگر اطلاعات عمیقی است که در آن زمان کشف نشده بود. برای مثال در آیه ای که زمین را به گهواره تشبیه می کند، در آن زمان کسی توجه نداشت که زمین مانند گهواره در حرکت است؛ مردم در آن دوره زمین را ساکن می دانستند.

وی در پایان با ذکر مثالی دیگر از توجه امام موسی صدر به اخبار قرآن درباره علوم کشف نشده، تصریح کرد: در تفسیر سوره یوسف (ع) نکته ای مشاهده کردم که تاکنون به غیر از امام موسی صدر کسی به آن توجه نکرده است؛ در سوره یوسف، لفظ «عزیز» آمده است؛ لغت قبلی زمان حضرت یوسف برای «عزیز»، کلمه «پوتیفار» بود که به مفهوم «عزیز، خدای خورشید» است. به تعبیر امام موسی صدر، قرآن کریم فقط از این عبارت کلمه عزیز را مورد استفاده قرار داده و بقیه عبارت را حذف کرده است چون در زمان حضرت یوسف (ع)، شاه را به منزله خدا می دانستند و به همین دلیل قرآن فقط از واژه عزیز بهره برده است.

پیامبر اکرم (ص) هستند، امام موسی صدر بر این باور است که خداوند متعال با ذکر این کلمات ساده در ابتدای هر سوره، نوعی مبارزه طلبی کرده است؛ این حروف اشاره به این دارد که قرآن از همین کلمات ساده تشکیل شده است و اگر کسی می تواند، آیه و یا سوره ای مانند آن بیاورد.

آیت الله العظمی گرامی قمی ادامه داد: اگر یک معنی رمز در حروف مقطعه مورد نظر بود، لاقل کفار و مخالفان پیامبر (ص) سر و صدایی راه می انداختند تا از این موضوع برای دامن زدن به اتهاماتی چون ساحر و جادوگر بودن پیامبر (ص) استفاده کنند اما در هیچ کجای تاریخ به این مسئله اشاره نشده است که کسی به خاطر این حروف بر پیامبر اسلام (ص) ایرادی گرفته باشد.

این استاد حوزه در بخش دیگری از سخنانش به نظر علامه طباطبایی درباره حروف مقطعه اشاره و عنوان کرد: درباره حروف مقطعه دو نوع روایت هست؛ یکی اینکه این حروف، رموزی بین خدا و پیامبر هستند و دیگر اینکه خداوند می خواهد بگوید که قرآن کریم از همین حروف ساده تشکیل یافته است.

وی افزود: علامه طباطبایی معتقد است اگر به سوره هایی که با حروف مقطعه آغاز شده، نگاه کنیم، می بینیم که این کلمات بیش از واژه های دیگر در این سوره ها به کار رفته است؛ مثلاً در سوره «ق» از حرف قاف زیاد استفاده شده است، در بقره «الف و لام

به باور امام موسی صدر، سوره های قرآن کریم که با حروف مقطعه آغاز شده اند، نوعی مبالغه کلام الله مجید برای مبارزه طلبی است.



مجید معارف، عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و عضو انجمن علوم قرآن و حدیث ایران، در نشست «بررسی مطالعات قرآنی امام موسی صدر» که در محل خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) برگزار شد، با بیان این مطلب گفت: امام موسی صدر معتقد است که قرآن به قصد هدایت انسان ها نازل شده و رسالت عمده آن هدایتگری است؛ پس باید طوری قرآن را پویا ببینیم که از هدایتگری قرآن به تناسب نیازهای زمان بهره برداری کنیم. بر همین اساس، امام موسی صدر اعتقاد دارد که قرآن قابل فهم برای عموم است؛ وی در عین اینکه باور دارد که قرآن یک لایه محدود معنا ندارد و مراتبی از معنا را داراست، در عین حال قرآن را قابل فهم می داند و معتقد است که در قرآن رمزی غیر قابل درک وجود ندارد و در همین زمینه مثال هایی را ذکر می کند.

وی افزود: امام موسی صدر در عین حال بسیار متواضعانه می گوید که تعدد مراتب فهم در قرآن وجود دارد. به باور وی، با خواندن آیات الهی پی به برخی معانی می بریم، اما نباید

امام موسی صدر حروف مقطعه را مبالغه قرآن برای مبارزه طلبی می‌داند

تفسیری مفسر. مجموع این چهار عنصر را اگر بر حسب اندیشه‌ها و آثار یک مفسر تدوین کنیم، می‌توانیم مکتب تفسیری وی را تشخیص دهیم. البته لازم است که ابتدا مبانی تفسیری مفسر را تشریح کنیم؛ مبانی تفسیری همان فرضیات مسلم مفسری است که وارد دنیای تفسیر می‌شود.

وی ادامه داد: تعریف ما از قرآن، اعتقاد مفسر به این کتاب و نحوه تبیین آیات الهی، دلیل نزول آیات از دیدگاه مفسر و مسائل مهم اعتقادی از عناصر مهم مبانی تفسیری هستند. هر مفسری در گام اول باید مبانی روشنی داشته باشد، گاهی مفسر مبانی خود را به صراحت بیان می‌کند، ولی گاهی ممکن است به صراحت نگوید و ما باید از لابه لای سخنانش متوجه مبانی تفسیری وی شویم؛ در واقع این مبانی مانند چتری بر تمام تفسیر یک مفسر سایه می‌اندازد.

این کارشناس علوم اسلامی با اشاره به کتاب «تأملی دیگر در قرآن و تفسیر» توضیح داد: بر اساس جزوه «تأملی دیگر در قرآن و تفسیر» که به تشریح نظرات و عقاید امام موسی صدر درباره تفسیر کلام الله مجید پرداخته است، می‌توان مسائلی چون اعتقاد به وحیانی بودن قرآن و نزول آسمانی آن، قابل فهم بودن قرآن برای عموم و انواع و ابعاد اعجاز در قرآن کریم از دیدگاه امام موسی صدر را مورد بررسی قرار داد. امام موسی صدر بر این مسئله تأکید کرده است که اعتقاد به وحیانی بودن قرآن کریم، لازمه ایمان و مسلمان بودن است. وی در این باره به دو نوع نزول آسمانی اشاره کرده است: «نزول دفعی» و یا یکپارچه آیات بر قلب پیامبر (ص) که در آن مرحله پیامبر (ص)

مسئله تفسیر و مفسرشناسی پرداخت و عنوان کرد: معمولاً در رشته قرآن و علوم حدیث، یکی از محورهایی که خودمان مطالعه می‌کنیم و دانشجویان را به تحقیق درباره آن، تشویق می‌کنیم، بحث تفسیر و مفسرشناسی است؛ موضوع اول در این تحقیقات، مطالعه مکتب تفسیری مفسران است، این پژوهش‌ها می‌تواند ما را با ارزش یک تفسیر و توانمندی‌های مفسر آشنا کند.

شناخت مکتب تفسیری مفسر لازمه شناخت یک تفسیر است

وی اضافه کرد: در مورد امام موسی صدر نظر ابتدایی من این است که آثاری که در دست ماست، بسیار محدود است و ما با رجوع به این منابع، نمی‌توانیم قضاوت کاملی در مورد مکتب تفسیری امام موسی صدر ارائه دهیم. شاید برای شناخت مفسر و مکتب تفسیری او، به لحاظ منطق علمی، نیاز به آثار بیشتری داریم، به همین دلیل از خانواده و وابستگان وی انتظار داریم که اگر افزون بر این کتاب‌های کم حجم اطلاعات دیگری دارند، در اختیار کارشناسان قرار دهند تا مکتب تفسیری وی استخراج شود. اما با وجود این مثلی هست که می‌گوید: «آب دریا را اگر نتوان کشید/ هم به قدر تشنگی باید چشید»، پس با استفاده از همین منابع کم نیز سعی می‌کنیم مکتب تفسیری امام موسی صدر را توضیح دهیم. مجید معارف تأکید کرد: عناصری که برای شناخت مکتب تفسیری یک مفسر باید دانست، عبارتند از: مبانی تفسیری یک مفسر، اصول یا منابع تفسیری مفسر، گرایش تفسیری مفسر و در نهایت، روش

فکر کنیم که این آخرین معنی آیه است. به گفته امام موسی صدر، چه بسا ما پاره‌ای از معانی قرآن را در نمی‌یابیم، چرا که این اندیشمند مسلمان عظمت معانی قرآن را محدود به اندیشه‌های تفسیری یک مفسر یا مفسران نمی‌داند؛ به عقیده بسیاری، حروف مقطعه رموز قرآن هستند، در حالی که امام موسی صدر این نظریه را رد می‌کند و دلیل می‌آورد که زمانی که پیامبر (ص) قرآن کریم را برای مردم قرائت می‌کردند و می‌خواندند «الم»، هیچ سندی وجود ندارد که کسی از وی پرسیده باشد که این الف، لام و میم چیست، یعنی اینکه روایت تاریخی درباره چنین موضوعی وجود ندارد و اگر این‌ها رمز بود، معاصران پیامبر (ص) حتماً بر آن‌ها ایراد می‌گرفتند.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: امام موسی بر این باور است که معنای حروف مقطعه در قرآن، مبالغه در عدم نظیرآوری برای قرآن است؛ یعنی حضرت محمد (ص) می‌خواهد به منکران قرآن بگوید که قرآنی که برای شما می‌خوانم از جنس همین حروف ساده است؛ مگر نه اینکه کلمات از همین حروف ساده و عبارات نیز از همین کلمات ساخته می‌شوند، پس اگر می‌توانید با استفاده از همین حروف ساده، آیه‌ای مثل قرآن بیاورید. امام موسی صدر در نهایت این نتیجه را بیان می‌کند که این حروف مقطعه مبالغه در مبارزه طلبی است. مجید معارف در بخش دیگری از سخنانش به تشریح





به باور امام موسی صدر، پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) صالح ترین افراد برای تفسیر قرآن بوده اند؛ لذا وی تاجایی که امکان داشته برای تفسیر آیات کلام الله مجید از روایات استفاده کرده است؛ برای مثال، امام موسی صدر در تفسیر سوره «تکواثر»، خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه را مورد استفاده قرار داده است

آن جایی که توانسته از آیات مرتبط با یکدیگر برای تفسیر کمک گرفته است.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: امام موسی صدر معتقد بود که قرآن وحی الهی است. وی همچنین به اعجاز قرآن کریم، سلامت کلام الله مجید از تحریف و نیز قابل درک بودن قرآن برای عموم مردم اعتقاد داشت و برای اثبات این موضوع، از آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (ع) بهره برده است؛ در حقیقت مکتب تفسیری امام موسی صدر را چهار عنصر مهم تشکیل می دهد: مبانی تفسیری مفسر، اصول یا منابع تفسیری وی، گرایش تفسیری مفسر و روش تفسیری، که اگر بر اساس این چهار رکن، اندیشه ها و آثار مفسران را تدوین کنیم، می توانیم مکتب تفسیری وی را تشخیص دهیم.

معارف در بخش دیگری از سخنانش تأکید کرد: استفاده از علوم تفسیری همچون لغت شناسی، بررسی اسباب نزول و نکته های بلاغی نیز در تفسیر سوره های قرآن مورد نظر امام موسی صدر بود؛ وی همچنین از علم روز برای بیان مفاهیم قرآنی بهره می گرفت و معتقد بود تفسیر در حال تکامل است و پیشرفت های علمی می تواند در تفسیر به مفسر کمک کند، بدین معنی که با درک بیشتر بشر از جهان پیرامون، درک آیات مربوط به پیدایش جهان نیز ساده تر می شود.

تفسیر امام موسی صدر از نوع اجتهادی و عقلی است این استاد علوم اسلامی در ادامه سخنانش به تفاوت مبانی تفسیری بین مفسران اشاره و عنوان کرد: در تاریخ تفسیر قرآن کریم دو مبنای متفاوت وجود دارد، گاهی مفسران از یکی از این مبانی و گاهی از ترکیب این دو اصل بهره می گیرند؛ تفاسیر یا بر اساس حدیث و روایات است که به آن تفسیر روایی و نقلی می گویند و یا اینکه تفاسیر بر اساس اجتهاد مفسر است که به آن تفسیر اجتهادی و عقلی می گویند؛ البته در تحلیل یک تفسیر اجتهادی باید به این امر توجه کرد که آیا مفسر برای بیان مفاهیم و معانی آیات فقط به معقولات استناد و آیه را تفسیر کرده است و یا این تفسیر مبتنی بر عقل را با بهره گیری از منابع و مصادر تفسیر انجام داده است؟

معارف ادامه داد: با بررسی تفسیر امام موسی صدر می بینیم که تفسیر وی از نوع اجتهادی و عقلی است، اما اینگونه نیست که وی در تفسیر آیه صرفاً به یک روایت از ائمه (علیهم السلام) بسنده کند و همین یک منبع را مبنای تفسیر قرار دهد؛ اگر عناصر مورد استفاده در تفسیر عقلی و اجتهادی ارزشمند باشند، این تفسیر مقبول خواهد بود.

این استاد دانشگاه در پایان خاطر نشان کرد: تفسیر مجمع البیان و تفسیر تیبان و حتی تفسیر المیزان هم عقلی و اجتهادی هستند؛ گرچه برخی کارشناسان، این تفسیر المیزان را تفسیر قرآن به قرآن معرفی کرده اند.



امام موسی صدر در تفسیر از نهج البلاغه بهره برده است

عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و عضو انجمن علوم قرآن و حدیث ایران گفت: اگر خواهیم عناصر و منابع تفسیری مورد استفاده امام موسی صدر را مورد بررسی قرار دهیم، می توانیم به قرآن کریم، حدیث و کلام ائمه معصوم (علیهم السلام)، علوم تفسیری، علم روز و بهره گیری از عقل اشاره کنیم.

وی افزود: به باور امام موسی صدر، پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) صالح ترین افراد برای تفسیر قرآن بوده اند؛ لذا وی تاجایی که امکان داشته برای تفسیر آیات کلام الله مجید از روایات استفاده کرده است؛ برای مثال، امام موسی صدر در تفسیر سوره «تکواثر»، خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه را مورد استفاده قرار داده است.

وی در ادامه با اشاره به بهره گیری امام موسی صدر از قرآن کریم برای تفسیر اظهار کرد: اولین و مهم ترین منبع مورد استفاده امام موسی صدر برای تفسیر آیات و سوره های قرآن، خود قرآن بود؛ وی در مقام تفسیر سوره مبارکه «قدر» به ارتباط آیه نخست این سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (ما قرآن را) در شب قدر نازل کردیم) و آیه هایی از سوره مبارکه «بقره» اشاره می کند که در آن ها درباره نزول قرآن کریم در ماه رمضان سخن گفته شده است؛ امام موسی صدر با استفاده از این شیوه تا

به حقایقی دست یافت، ولی در این مرحله ابلاغ این آیات را وظیفه نمی دانست، مگر آنکه به آن ها اشاره شود و به اعتقاد امام موسی صدر، این اشارات همان «نزول تدریجی» قرآن طی ۲۳ سال است. وی در این باره از واژه های «انزال» به مفهوم نزول دفعی و نیز «تنزیل» به معنی نزول تدریجی بهره می برد، وی در تفسیر خود به تفسیر «المیزان» علامه طباطبایی تکیه می کند و این نشان می دهد که امام موسی صدر جزء اولین کسانی است که با تفسیر و اندیشه های علامه آشنا شده و با احترام از مرحوم علامه یاد می کند.

این استاد دانشگاه در ادامه سخنانش، دیدگاه امام موسی صدر درباره معجزه بودن قرآن را مورد بررسی قرار داد و خاطر نشان کرد: مبنای دیگر تفسیر امام موسی صدر، معجزه دانستن قرآن کریم است؛ وی معتقد است که قرآن سند حقیقت پیامبر اسلام (ص) است و در ادامه به برخی وجوه اعجاز قرآن اشاره می کند که از آن جمله می توان به اخبار از غیب، اعجاز علمی و اعجاز از جنبه تشریحی و هدایتگری اشاره کرد که همه این معجزات در هر زمانی به قوه خود باقی است.

معارف با اشاره به اعتقاد به تحریف ناپذیری قرآن کریم عنوان کرد: امام موسی صدر بر این نکته تأکید دارد که قرآن، تحریف ناپذیر است و ضمانت الهی شامل حالش شده و هیچ کس نتوانسته است حتی در حد یک «واو» در قرآن دست ببرد.



حافظه منظم و ظرافت در تبیین آیات قرآن ویژگی برجسته امام موسی صدر بود

تسلط امام موسی صدر به قرآن یکی از مهم ترین برجستگی های شخصیتی وی به شمار می رود؛ وی حافظه منظمی داشت و در هر مناسبت، مفاهیم متناسب با همان روز را با ظرافت خاصی از بطن آیات قرآن بیرون می کشید.



سیدصادق طباطبایی، خواهرزاده امام موسی صدر و استاد دانشگاه «آخن» آلمان، با بیان این که امام موسی صدر نخستین کسی بود که فلسطینیان را به تشکیل سازمان های مستقل دعوت کرد، گفت: تأسیس سازمان های فلسطینی، از جمله سازمان «الفتح»، با فشار و توصیه امام موسی صدر بود. تا زمان تشکیل این سازمان ها، شیعیان لبنان عملیات های زیادی در داخل مرزهای فلسطین انجام می دادند؛ اما این اقدامات را به نام فلسطینی ها اعلام می کردند تا از یک سو، به جوانان فلسطینی هویت دهند و از طرف دیگر، از خطر حملات رژیم اسرائیل مصون بمانند. وی ادامه داد: تا اینکه در سال ۱۹۶۶ امام موسی صدر با برخی از سران فلسطینی مانند «ابوزعیم» و «ابوجهاد» دیداری داشت و در این نشست دوستانه، نسبت به سوءاستفاده کشورهای عربی - همچون مصر و اردن - از

این استاد دانشگاه در بخش دیگری از سخنانش عنوان کرد: این مراسم خیلی پرشور بود و مقامات سیاسی و مذهبی و روحانیان گرد هم آمده بودند. امام موسی صدر در ابتدای این مراسم آیه «وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِأَخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنَّ لِيَفْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَأَن مَّفْعُولًا» (الانفال/۴۲) را قرائت کرد. من این آیه را در چند سوره قرآن کریم دیده بودم، اما نمی دانستم که این آیه چه نسبتی با دهمین سال تأسیس سازمان آزادی بخش فلسطین دارد تا این که امام موسی صدر این آیه را تعبیر و تفسیر کرد و در این زمان بود که به نکته سنجی امام پی بردم. این تبحر امام موسی صدر در بیان نکات ظریف و بیرون کشیدن معانی متناسب با وقایع روز، نه تنها از قرآن بلکه در بیان از انجیل و تورات و دیگر کتب دینی نیز وجود داشت. خواهرزاده امام موسی صدر اضافه کرد: تسلط امام موسی صدر به قرآن یکی از

نام فلسطین و دریافت کمک و خدمات از سازمان های بین المللی هشدار داد. وی در این نشست تأکید کرد که هیچ یک از کشورهای مذکور در عمل، اقدامی برای فلسطین انجام نمی دهند و از این سرزمین برای معامله بهره می برند. طباطبایی ادامه داد: امام موسی صدر به سران فلسطینی گفت که تا زمانی که خودشان مدعی سرزمینشان نباشند و نمایندگی ملت فلسطین را به کسان دیگری واگذار نکنند، هیچ فایده ای برایشان نخواهد داشت. در واقع به توصیه امام موسی صدر بود که در سال ۱۹۶۶ سازمان آزادی بخش فلسطین تأسیس شد. در سال ۱۹۷۵ یعنی دهمین سال تأسیس سازمان «الفتح» فلسطین، مرحوم دکتر مصطفی چمران مراسم جشنی در جنوب لبنان با حضور سران سازمان های فلسطینی برگزار کرد و امام موسی صدر در این مراسم سخنانی ایراد کرد.

مهم‌ترین برجستگی‌های شخصیتی وی به شمار می‌رود؛ وی حافظه منظمی داشت و در هر مناسبت، مفاهیم متناسب با همان روز را با ظرافت خاصی از بطن آیات قرآن بیرون می‌کشید.

وی با بیان خاطره‌ای دیگر از همراهی خود با امام موسی صدر تصریح کرد: اولین گروه بچه‌های جنبش «امل» تعلیمات نظامی دیده و در یکی از دره‌ها، پایگاهی برای خود ساخته بودند. روز فارغ‌التحصیلی این گروه، من به صورت تصادفی لبنان بودم و قرار بود که امام صدر همراه با دکتر چمران به این منطقه بروند و این گروه نظامی عملیات رزمی - نمایشی را به اجرا درآورند. برای من خیلی جالب بود که جوانانی با این سن و سال در لبنان در حال انجام چنین کارهایی هستند. در حین مشاهده این عملیات، ناگهان امام موسی صدر که تیرانداز قالبی هم بود، خطاب به یکی از این جوانان گفت: «بچه! امثال شماها من طلبه را به این کارها کشانید. مرا چه به این کارها!»

طباطبایی افزود: صبح روز بعد، من با دکتر چمران در حال گفت‌وگو، منتظر امام صدر بودیم که «ابوزعیم»، از رهبران فلسطینی، سراسیمه و نگران وارد شد و سراغ امام صدر را از ما گرفت. گفتیم که سید هنوز نیامده است و جریان را از او پرسیدیم. چند دقیقه بعد امام صدر آمد و ابوزعیم به سرعت نزد وی رفت و طلب کمک کرد و گفت: «سید! باید کمکمان کنید. دیروز یک جوان فلسطینی یک دختر مسیحی را در طرابلس به قتل رسانده است. امروز خانواده آن دختر تعداد زیادی زن و مرد فلسطینی را گروگان گرفته‌اند و می‌گویند که اگر آن جوان را تحویل ندهیم، گروگان‌ها را خواهند کشت.»

این استاد دانشگاه با اشاره به واکنش امام صدر به این موضوع توضیح داد: امام صدر در این لحظه به فکر فرو رفت و به دکتر چمران گفت: برو فلان برنامه را به تعویق

ببنداز. سپس از ابوزعیم پرسید که قاتل را می‌شناسید؟ ابوزعیم جواب داد که می‌توانیم پیدایش کنیم. امام صدر گفت که می‌توانیم قبول نیست! تا کی می‌توانید پیدایش کنید؟ ابوزعیم گفت که دو یا سه ساعت. امام موسی به شیخ محمد یعقوب، سخنگوی مجلس، گفت که نزد خانواده دختر در طرابلس برود و هر وقت به آنجا رسید، امام را مطلع کند. به ابوزعیم هم گفت که در عرض دو یا سه ساعت قاتل را پیدا کند و بعد وی را مطلع سازد.

طباطبایی ادامه داد: امام صدر به من و دکتر چمران گفت که با این حساب برنامه امروز لغو شده و باید این چند ساعت کار دیگری انجام دهید، من هم می‌روم کتابخانه تا برای سخنرانی هفته آینده در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه یادداشت بردارم. در همان لحظه به این فکر کردم که کنترل ذهن چقدر باید دست خود آدم باشد تا در چنین لحظات حساسی که جوانان برای رزمایش منتظر امام صدر هستند و وی برای حل مشکل زنان و مردان فلسطینی در تلاش است، برای مراسم دانشگاه‌ها هم سخنرانی آماده کند.

خواهرزاده امام موسی صدر به آرامش این عالم شیعی اشاره و تأکید کرد: امام موسی صدر توانایی‌های خاصی داشت و بسیار آرام رفتار می‌کرد. ما پس از دو ساعت برگشتیم و مدتی بعد ابوزعیم همراه با جوان قاتل برای دیدن امام موسی صدر آمد. ما به امام موسی صدر خبر دادیم. امام صدر کمی اخم کرد، چرا که نمی‌خواست این افراد در این محل با وی ملاقات کنند. من با دیدن این حالت امام موسی صدر با خود اندیشیدم که وی حتماً به ابوزعیم اعتراض خواهد کرد که چرا قاتل را به این جا آورده است؛ چرا که امام به وی گفته بود که به خانواده دختر بگویند که جوان فلسطینی در دست آنان است نه امام صدر. اما برخلاف فکر من، وی با روی خندان پایین آمد و

خطاب به ابوزعیم گفت: «کاش به من می‌گفتید که به اینجا می‌آیید.» یعنی اوج اعتراض ایشان همین جمله بود. وی سپس به شیخ محمد یعقوب زنگ زد و از وی خواست تا نزد خانواده دختر برود و بگوید که می‌توانند جوان فلسطینی را تحویل بگیرند و خانواده‌ها را آزاد کنند. همچنین از وی خواست زمان تدفین دختر را نیز یادآوری کنند و به آنان بگوید که امام موسی صدر در مراسم شرکت خواهد کرد.

طباطبایی در تشریح نکته‌سنجی و تشخیص موقعیت توسط امام موسی صدر اظهار کرد: کمتر از نیم ساعت، شیخ یعقوب تماس گرفت و از آزادی گروگان‌ها خبر داد. کلام امام موسی در نزد مردم تا این حد از اعتبار برخوردار بود که خانواده دختر مسیحی فقط با شنیدن نام وی، گروگان‌ها را آزاد کرده بودند. دو روز بعد ما به مراسم تدفین رفتیم. وقتی وارد منزل خانواده دختر مسیحی شدیم، حالت روحی مادر و دیگر اعضای خانواده به شدت من را متأثر کرد. پدر خانواده هم بی‌تابی می‌کرد تا این که جنازه برای تدفین آماده شد و ما همراه با خانواده دختر به سمت قبرستان حرکت کردیم. کشیشی انجیل می‌خواند و دیگران آمین می‌گفتند تا این که به محل رسیدیم.

وی ادامه داد: کنار قبری که کنده شده بود دو چهارپایه بزرگ گذاشته بودند که روی هر کدام یک سبد بزرگ قرار داشت. یکی از سبدها پر از خاک و دیگری پر از شاخه‌های گل بود. هنگامی که تابوت را در قبر گذاشتند حاضران در مراسم، مشتی خاک بر روی آن می‌ریختند و شاخه گلی نیز بر روی آن می‌گذاشتند.

امام موسی صدر نیز بنا بر این رسم، مشتی خاک و دو شاخه گل بر روی تابوت قرار داد و سپس بالای تل خاک رفت و شروع به صحبت کرد. من به شدت تحت تأثیر شرایط عاطفی خانواده دختر بودم و اصلاً به سخنان امام موسی صدر توجهی نداشتم و دکتر چمران هم با دوربینی که همیشه همراه داشت، در حال عکاسی بود.

فقط بعد از چند دقیقه صحبت امام موسی صدر، حس کردم فضا در حال آرام شدن است. مادر و پدر دختر مسیحی کمی آرام شدند.

چمران به شدت اشک می‌ریخت و بعد از ۸ یا ۹ دقیقه سخنرانی، امام موسی صدر از بالای تپه خاکی پایین آمد. سکوت همه جا فرا گرفته بود. در این حین، بین پدر و مادر دختر مسیحی سخنانی رد و بدل شد. پدر دست امام موسی صدر را گرفت و گفت: «مولانا! مادر این دختر، خون قاتل را به تو بخشید. برو و هر کار که می‌خواهی با قاتل انجام



بدون بحث درباره سیاست در کنار هم می‌نشستند و چای می‌خوردند و فرهنگ زندگی در کنار هم را فرا می‌گرفتند. ایجاد این زمینه برای گفت‌وگوی بین مردم مسلمان و مسیحی لبنان توسط امام صدر انجام گرفت، در حالی که سی یا چهل سال دیگر بحث گفت‌وگوی ادیان در جهان مطرح شد. امام صدر با حفظ اصالت‌های مکتبی خود، در میان پیروان دیگر ادیان وارد می‌شد و با استفاده از آموزه‌های دینی همان ادیان، مردم را راهنمایی و هدایت می‌کرد.

کلاس‌های قرآنی توسط امام صدر در لبنان اشاره کرد و توضیح داد: امام موسی صدر تدریس دروس ایدئولوژیک برای جنبش امل را خود بر عهده داشت و دروس قرآنی را نیز آموزش می‌داد. وی در شب‌های رمضان هم تفاسیری در رادیوارائه می‌کرد. طباطبایی تأکید کرد: وی در سال ۱۳۳۸ وارد لبنان شد و اولین کاری که کرد، تأسیس مؤسسه‌ای اجتماعی و غیرسیاسی بود تا افراد مختلف گرد هم بیایند و با هم گفت‌وگو کنند. پیروان مسیحی، شیعه و سنی در این مکان گرد هم می‌آمدند و

بده. این چیزهایی که از مسیح (ع) به ما گفتی، الگو قرار می‌دهیم و خون او را به تو می‌بخشیم». طباطبایی افزود: از چمران پرسیدم که مگر امام موسی صدر چه می‌گفت؟ جواب داد که امام صدر دو داستان از حواریون نقل کرد و درباره عفو و بخشش حضرت مسیح (ع) سخن گفت. در حقیقت امام صدر به حدی بر کتب ادیان دیگر تسلط داشت که در چنین مناسبتی، داستان‌هایی متناسب برای حضران نقل کرده بود. علاوه بر برداشت نو که وی از قرآن داشت، بر دیگر کتاب‌های آسمانی هم تسلط داشت. امام موسی صدر همیشه دلیل موفقیت خودش را لطف و عنایت پدرشان می‌دانستند. این استاد دانشگاه در ادامه سخنانش، به برگزاری

★ امام موسی صدر در لبنان مرهون شناخت وی از دیگر ادیان است سیدصادق طباطبایی خاطر نشان کرد: آشنایی امام موسی صدر با تعالیم دیگر ادیان آسمانی باعث شده بود که وی از مقبولیت بسیار زیادی در میان مردم لبنان برخوردار باشد. امام موسی صدر با عملکرد خود در بیان حقایق آسمانی و معنویت مشترک میان ادیان آسمانی، از چنان جایگاه ویژه‌ای در میان مسیحیان برخوردار بود که از وی دعوت شد تا برای ایراد موعظه آغاز روزه مسیحی در کلیسای «کبوشیین» حضور پیدا کند.

وی افزود: امام صدر این دعوت را پذیرفت و در جمع مسیحیان حاضر در مراسم سخنرانی کرد. برخی معتقدند که هر عالم مسلمان دیگری بود، چنین دعوتی را نمی‌پذیرفت؛ اما ایشان با شجاعت کامل در مراسم عبادی کاتولیک‌ها حاضر شد و صحبت کرد. این یک جسارت فوق‌العاده نشان‌دهنده آشنایی کامل امام صدر با مفاهیم و اصول ادیان دیگر است.

این استاد دانشگاه در بخش دیگری از سخنانش، در پاسخ به سؤالی مبنی بر این که شبهه‌ای در برخی محافل مطرح شده است که شاه مخلوع برای بازسازی لبنان به امام موسی صدر کمک مالی می‌کرد، اظهار کرد: شاه هیچ‌گاه به امام صدر کمک نکرد، ولی همیشه ادعای کمک داشت. امام صدر همیشه می‌گفت «یکی از مصیبت‌های بزرگ من، تحریکات

روحانیان وابسته به دربار در لبنان است که موجب خود را از سفارت ایران دریافت می‌کنند و در بین قشر مستضعف شیعه تبلیغ می‌کنند که علت این که شاه به شما کمک نمی‌کند، وجود امام صدر در میان شماست و موسی صدر به دلیل اختلاف شخصی با شاه، باعث شده است که وی به بازسازی لبنان کمک نکند؛ چرا که معتقد است این کمک‌ها با وجود صدر به هدر خواهد رفت.»

وی ادامه داد: امام صدر معتقد بود که شاه هر ریالی که برای بازسازی لبنان کمک کند، صد برابر آن را برای تبلیغ خودش انجام می‌دهد و وی نمی‌تواند اجازه دهد که یک انسان ظالم با اعطای کمکی ناچیز، صد برابر آن را به عنوان امتیاز از این ملت مظلوم بگیرد. البته ذکر این نکته ضروری است که شاه قصد داشت با امام صدر ارتباط داشته باشد اما به هدفش نرسید و از همان ابتدا، فتوای‌های لبنان نظیر «عادل عسیران» از طرف شاه بسیج شدند تا علیه امام صدر تبلیغ کنند. در این بین، چند تن از شیعیان بانفوذ لبنان که اوایل با امام صدر مرتبط بودند - مانند «استاد جعفر شرف‌الدین» - نیز به تحریک این گروه فتوای‌ها به مخالفت با امام صدر پرداختند.

همچنین «کامل اسعد» از فتوای‌های شیعه که مدتی هم رئیس مجلس بود، این گونه تبلیغ می‌کرد که امام صدر اجازه نمی‌دهد که شاه به بازسازی لبنان کمک کند. در واقع شاه توقع داشت که امام موسی صدر در مقابلش تمکین کند.

طباطبایی تصریح کرد: در همین رابطه، امام موسی صدر در یکی از محافل بسیار عصبانی شده بود. یکی از حاضران خطاب به وی درباره این که رابطه با شاه شاید بتواند به بازسازی لبنان کمک کند، سخن گفته و ایشان را به تفکر بیشتر در این باره دعوت کرده بود. امام موسی صدر با عصبانیت پاسخ داده بود «من اگر بخوام نوکر شوم، چرا نوکر نوکر شوم؛ مستقیم می‌روم نوکر ارباب این نوکر را می‌کنم. مبانی اعتقادی ما بر استقلال استوار است و اگر اندیشه‌های مرا قبول ندارید، در جلسه هیئت‌امنا مطرح کنید» که اتفاقاً این موضوع و برخی مسائل دیگر در جلسه بعدی هیئت مطرح و مسائل برای اعضا روشن شد.

خواهرزاده امام موسی صدر در ادامه سخنانش به وجود جریانی متشکل از برخی گروه‌های ایرانی در لبنان برای کارشکنی اشاره و عنوان کرد: از زمانی که برخی ایرانیان و در رأس آنان، جلال‌الدین فارسی و شیخ محمد منتظری وارد لبنان شدند،

جریانی در این کشور پدید آمد. به گفته آیت‌الله رفسنجانی در کتاب خاطراتش، این افراد از خوان نعمت امام صدر بر خوردار بودند، ولی علیه ایشان کارشکنی می‌کردند. جلال‌الدین فارسی وقتی وارد لبنان شد، خودش را به عنوان مردی علمی و صاحب اجتهاد و قلم تصور می‌کرد و این‌گونه می‌پنداشت که در لبنان صاحب جایگاه و بژهای خواهد شد اما کم‌کم متوجه شد که چنین چیزی امکان ندارد. همچنین با مشاهده این‌که طلبه‌ای جوان در محیط لبنان در میان افرادی قد علم کرده است که نقطه اشتراک همگی مخالفت با مکتب تشیع است، نوعی حسادت در آنان شکل گرفت، اما این مخالفت‌ها به جایی نرسید. در حقیقت، فضایل و کمالاتی که به مقبولیت امام صدر کمک کرد، مدارا و تحمل مخالف توسط وی بود.

طباطبایی همچنین با ذکر خاطره‌ای مربوط به این گروه ایرانی و تلاش امام صدر برای

محافظت از آنان، بیان کرد: حادثه‌ای در لبنان اتفاق افتاد. انفجاری روی داد و این افراد همراه با تعدادی دیگر در لبنان دستگیر شدند. شبانه به امام صدر اطلاع دادند که دادگاه عالی حکم اخراج این افراد را صادر کرده است و فردا رئیس‌جمهور این حکم را امضا می‌کند و این افراد اخراج می‌شوند. امام صدر همان شب با رئیس‌جمهور لبنان تماس گرفت و از وی خواست تا این دستور را امضا نکند. رئیس‌جمهور لبنان گفته بود که این حکم دیوان عالی است و باید امضا شود. امام صدر تأکید داشت که امضای این حکم به اعدام این افراد در ایران منتهی می‌شود و وی اجازه نمی‌دهد این اتفاق بیفتد.

وی اضافه کرد: امام صدر در دیدار با رئیس‌جمهور لبنان اذعان می‌کند که این افراد کمی بی‌نظم هستند و ممکن است مرتکب عملی شده باشند، اما نباید آنان را به ایران تحویل دهند و در جواب رئیس‌جمهور لبنان مبنی بر این‌که پس این گروه را به کجا بفرستیم، امام صدر سوره را پیشنهاد می‌دهد. وی سپس با مقامات سوری در این باره صحبت می‌کند و با بیان این‌که این افراد همگی مبارز و مخالف استکبار و رژیم صهیونیستی هستند و نیز با ارائه تعهد مبنی بر این‌که این گروه خطری برای امنیت ملی سوریه ایجاد نخواهد کرد، از مقامات سوری می‌خواهد تا با سکونت این گروه ایرانی در زینبیه موافقت کنند.

این استاد دانشگاه تأکید کرد:

حافظ اسعد با این پیشنهاد موافقت کرد اما به محض این‌که پای جلال‌الدین فارسی به خاک سوریه رسید، دوستان وی بلافاصله در آلمان بیانیه‌ای صادر کردند که «چون امام موسی صدر وجود گروه ایرانی در لبنان را مخفی فعالیت‌های خویش می‌دید، تدابیری اتخاذ کرد تا گروه ایرانی را از لبنان اخراج کنند!» همچنین در جریان جنگ‌های داخلی لبنان، این شایعه در محافل اروپا وجود داشت که امام صدر همراه با سوره به علیه منافع فلسطین اقدام می‌کند و به قولی، از پشت به فلسطین خنجر می‌زند؛ تبلیغات گسترده‌ای که شاخه چپ فلسطین هم به آن دامن می‌زد. به عنوان یک شاخه اسلامی، بخشی از فعالیت‌های ما در لبنان متوجه فلسطین و قدس بود. وقتی این اخبار پخش شد، من مسئله را به اطلاع امام صدر رساندم و از وی خواستم که دیداری با سران فلسطینی داشته باشم. من با هماهنگی امام صدر، با رهبران شاخه‌های مختلف فلسطینی دیدار و درباره نقش شیعیان و روابط این گروه‌ها با آنان صحبت کردم و همگی آنان بر این نکته صحنه گذاشتند که اگر جوانان شیعه جنبش «امل» نبودند، گروه‌های فلسطینی کاری از پیش نمی‌بردند. به گفته سران فلسطینی، امام صدر تنها کسی بود که روابط با رژیم اسرائیل را حرام مطلق اعلام کرده بود. من همه این مصاحبه‌ها را انجام دادم و پس از بازگشت به آلمان، این گفت‌وگوها را ترجمه



دوم ماهنامه «قدس»، متعلق به اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا منتشر کردم. این ماهنامه منتشر شد و مانند پتکی بر سر همه مخالفان اتحادیه انجمن‌های اسلامی فرود آمد.

وی توضیح داد: دو هفته از این ماجرا نگذشته بود که یکی از دوستان با من تماس گرفت و گفت که آیا شماره جدید خبرنامه «جبهه ملی» را خوانده‌ام یا نه. این خبرنامه توسط بنی صدر منتشر می‌شد و در آن سندی با دست خط و امضای «هانی الحسن»، مشاور یاسر عرفات، منتشر شده بود که ادعا می‌کرد مصاحبه‌های چاپ شده در مجله قدس نشان‌دهنده مواضع آنان نیست و وی چنین مصاحبه‌ای انجام نداده است.

من این مطلب را به اطلاع امام صدر رساندم و از وی خواستم تا ترتیب ملاقات من با یاسر عرفات را بدهد. ساعت یک و نیم بامداد بود که به اتفاق مصطفی چمران و امام صدر به دیدار یاسر عرفات رفتیم. عرفات وارد اتاق شد و پرسید که چه اتفاقی افتاده است. امام صدر با خنده من را نشان داد و گفت که همه‌اش تقصیر این جوان است. البته من قبلاً چندبار با عرفات دیدار کرده بودم چرا که ما در اروپا برای فلسطین دارو و کمک‌های مالی جمع‌آوری و ارسال می‌کردیم. من خطاب به عرفات گفتم «مگر سه هفته پیش من نزد شما نیامدم؟ مگر شما هانی الحسن را برای مصاحبه با من احضار نکردید و من با وی مصاحبه نکردم؟» عرفات تأیید کرد که این اتفاق افتاده است. جریان دست‌خط هانی الحسن و تکذیب مصاحبه‌ها را به وی گفتم و وی به منشی دستور داد تا الحسن را به دفتر وی دعوت کند.

طباطبایی در ادامه تصریح کرد: امام صدر در این حین از دفتر عرفات خارج شد و ابراز امیدواری کرد که مشکل حل شود. ما

منتظر شدیم و حدود ساعت ۲:۳۰ بامداد بود که هانی الحسن وارد دفتر عرفات شد. وی به دلیل تحصیل در آلمان زبان آلمانی می‌دانست. با هم احوال‌پرسی کردیم و وی دلیل احضارش را جویا شد. به وی گفتم «کجای این مصاحبه نشان‌دهنده مواضع شما نبود که مصاحبه را تکذیب کرده‌ای؟» گفت که چه چیز را تکذیب کرده‌ام؟ دست‌خط را نشان دادم. گفت: «من از کجا می‌دانستم که مجله قدس متعلق به شماست». نفسی کشید و به یاسر عرفات گفت که چند وقت پیش چند ایرانی به دفتر مطالعات استراتژیک فلسطین رفته‌اند و در آنجا ادعا کرده‌اند که هانی الحسن در یک مصاحبه گفته است که اتحاد جماهیر شوروی همیشه به ما خیانت کرده است. پاسخ دادم که من چنین چیزی در مجله ننوشته‌ام. به او گفتم «مرد انقلابی! چطور به این سادگی چنین چیزی را باور کردی و به همین سادگی فریب خوردی؟» ترجمه جزوه فارسی را نشان دادم و گفتم که آیا در این جزوه حتی یک بار هم کلمه اتحاد جماهیر شوروی را می‌بیند که ما از طرف وی جعل کرده باشیم که شوروی خلاف مصالح فلسطین عمل می‌کند؟ طرف مقابل ترجمه را جعل کرده بود و توانسته بود امضای تکذیب مصاحبه را از هانی الحسن بگیرد.

کارشکنی علیه امام موسی صدر در لبنان و نجف وجود داشت

این استاد دانشگاه با اشاره به واکنش مشاور یاسر عرفات در مقابل فریب‌کاری مخالفان امام صدر تأکید کرد: به هر حال هانی الحسن از من پرسید که چکاری باید انجام دهد و من از وی خواستم تا شرح کامل مراجعه گروه مخالف ما به دفتر مطالعات و نحوه گرفتن امضای تکذیب را به صورت مفصل بنویسد و به من تحویل

دهد. همچنین از عرفات خواستم که بیانیه‌ای خطاب به انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا صادر کند. به آنان گفتم که ساعت پنج صبح عازم آلمان هستم و تا فردا عصر می‌توانند پیام عرفات را به دفتر امام صدر تحویل دهند. متن نامه هانی الحسن را همان‌جا گرفتم و قرار شد که الحسن فردای آن روز تا ساعت شش عصر پیام عرفات خطاب به انجمن اسلامی دانشجویان را به دفتر امام صدر تحویل دهد. در این پیام یاسر عرفات از تلاش‌های اتحادیه بسیار تجلیل کرده بود. پس از این ماجرا، از آنجا که می‌دانستم امام خمینی (ره) همراه با پسرشان، احمد خمینی، در نجف مستقر هستند، با آنان تماس گرفتم و از تصمیم خودم برای دیدار با ایشان خبر دادم. به عراق رفتم و چند روزی پیش امام (ره) بودم. متوجه شدم، نظیر شیطنتی که در لبنان انجام شده بود، در عراق هم وجود داشت و برخی افراد همچون سیدحمید روحانی سعی داشتند رابطه میان امام خمینی و امام صدر و حتی سیدمحمدباقر صدر را به هم بزنند.

طباطبایی همچنین به یکی دیگر از تجربیات خود در زمینه کارشکنی‌های برخی ایرانیان اشاره و اظهار کرد: در یکی دیگر از سفرهای من به نجف، شب میهمان شیخ حسن کروبوی بودیم. چند نفر از شاگردان امام (ره) مانند محتشمی پور، احمد نبوی، صادق شریعتی و همچنین سیدحمید روحانی هم حضور داشتند. روحانی در این جلسه گفت که فتوایی که آیت‌الله‌العظمی خویی و آیت‌الله‌العظمی حکیم برای طهارت اهل کتاب صادر کرده‌اند، تحت فشار سیدمحمدباقر صدر بوده و این فشارها هم به درخواست سید موسی صدر که عامل صهیونیسم و امپریالیسم است، انجام شده است. به گفته روحانی، خود محمدباقر صدر هم عامل امپریالیسم بود؛ چرا که به‌جای این که بر مرجعیت امام خمینی صحه بگذارد، خود در مقام مرجعیت برآمده بود؛ دوم این که به خاطر خوشایند مسیحی‌ها و اروپایی‌ها این فتوا را از این دو مرجع گرفته بود و سوم این که، وقتی این افراد، جزوات ولایت فقیه را نزد محمدباقر صدر در کلاس درس برده بودند، وی به جای این که این درس را تدریس کند، صحبت‌های خودش را ادامه داده بود. به ادعای روحانی، سیدموسی صدر هم به قدری زیرکانه عمل کرده که هیچ ردپایی از خودش به‌جای نگذاشته بود.

وی ادامه داد: من شب به منزل سیدمحمدباقر صدر رفتم و به او گفتم که به سه دلیل وی عامل صهیونیسم و امپریالیسم است و سه دلیل را شمردم. لبخندی زد و گفت «ادعای



این که طلبه‌ای مانند من به این دو مرجع بزرگ اسلام فتوایی را تحمیل می‌کند، پیش از آن که من را هدف قرار داده باشد، مرجعیت را هدف قرار داده است. در رابطه با بحث مرجعیت، گوینده‌ای که این را گفته است، می‌داند که اگر کسی در حوزه شهریه دریافت می‌کند، اگر خودش در خط استخراج احکام نباشد، این شهریه بروی حرام می‌شود. مسئله سوم این که خود آقایان شاهدند که وقتی این دروس به صورت جزوه درآمد، دیگر روحانیان آنان را از جلسات درسی بیرون کردند، اما من با احترام آنان را پذیرفتم و گفتم که بعد از پایان درس، هفته دیگر بحث ولایت فقیه را آغاز می‌کنم.»

این استاد دانشگاه همچنین نحوه بر خورد امام خمینی (ره) با چنین تحریکاتی را مورد بحث قرار داده و گفت: فردای آن روز با امام خمینی (ره) دیدار داشتم. به ایشان گفتم که نباید اجازه دهند منسوبین به وی درباره عملکرد افراد سخنانی بگویند، در حالی که این افراد در جلسه حضور ندارند. پرسیدند چه شده است؟ ماجرا را گفتم و ایشان بر زانویشان زدند و بسیار ناراحت شدند. شب شام مهمان حجره یکی دیگر از روحانیون بودیم. شیخ حسن دیرتر از بقیه آمد و بسیار ناراحت و عصبانی بود. خطاب به من گفت «شما چیزی به امام گفتید؟ وقتی برای نماز آمدند خیلی با ناراحتی با ما برخورد کردند و برای اولین بار به قدری اوقاتشان تلخ بود که نماز مغرب را چهار رکعت خواندند.» گفتم که چیز خاصی نبود. به ایشان درباره یکی از عوامل امپریالیسم که در حوزه است و پسر عمویش که در لبنان حضور دارد به وی هشدار دادم (کنایه از اتهامی که به محمدباقر صدر و امام موسی صدر وارد شده بود). حاضران در این جلسه همگی ناراحت شدند. دو روز بعد که به فرودگاه می‌رفتم، به راننده ماشین گفتم «خوشحالم که اتحادیه من را به عنوان نماینده فرستاد تا اوضاع نجف را ببینم و با امام خمینی دیدار کنم. من خودم



شوند؛ نخست گروه‌های چپ لبنان بودند که حدود سی یا چهل سال کار کرده بودند ولی در عرض دو سال امام موسی صدر تمام افراد را گرد خود جمع کرده بود و آنان از این مسئله بسیار ناراحت بودند و از امام موسی صدر کینه به دل داشتند. سران این گروه‌ها اغلب مزدور کشورهای دیگر بودند. از طرف دیگر سفارت ایران در لبنان بود که به دلیل عدم طرفداری امام موسی صدر از شاه ایران برای وی مشکل ایجاد می‌کردند. گروه سوم نیز، همان ایرانیانی بودند که با فکر قهرمان شدن در لبنان به این کشور سفر کرده بودند اما ناکام مانده و سپس به سوریه تبعید شده بودند.

وی افزود: این گروه‌ها با استفاده از چهل برخی افراد، کارشکنی کرده و با کمک ساواک و موساد، اسناد جعلی منتشر می‌کردند. پس از انقلاب در اسنادی که از سفارت ایران در لبنان کشف شد، متوجه شدیم که گروه اخراجی ایرانی از لبنان به سوریه جزواتی علیه امام موسی صدر منتشر و در اروپا توزیع می‌کردند که با جست‌وجوی بیشتر، سرخ این جزوات را در ایران پیدا کردیم. این جزوات بر سه محور استوار بود: نخست این که منتشر کنندگان این جزوات سعی داشتند القا کنند که امام موسی صدر با شاه سازش دارد، دوم این که بگویند امام موسی صدر به جای ایجاد

خواهرزاده امام موسی صدر در بخش دیگری از سخنانش وقوع چنین مسائلی در عراق و لبنان را تحلیل و ابراز کرد: ما بعد از انقلاب در بایگانی سفارت ایران در بیروت جزواتی پیدا کردیم که گروه‌های ایرانی مخالف امام موسی صدر در بیروت، علیه امام صدر در نقاط مختلف اروپا منتشر می‌کردند و معلوم شد که این جزوات در سفارت ایران چاپ می‌شد. ما بعدها توانستیم سرخ این امور را در ایران پیدا کنیم

. ارتقای جایگاه شیعیان نخستین هدف امام موسی صدر در بدو ورود به لبنان بود سیدصادق طباطبایی با بیان اینکه برخی افراد به امام موسی صدر ایراد می‌گرفتند که به جای زمینه‌سازی برای وحدت بین مسلمانان به دنبال سازش با مسیحیان است، گفت: کارشکنی‌ها علیه امام موسی صدر در لبنان بر سه محور استوار بود و سه گروه در صدد بودند تا مانع فعالیت وی

روحانی‌زاده هستیم و در محیط قم بزرگ شدم؛ اگر کسی دیگر غیر از من را برای این کار اعزام می‌کردند، این شخص با دیدن این وضعیت هیچ‌گاه دوباره به عراق باز نمی‌گشت.» راننده هم فردای آن روز سخنان مرا به امام خمینی انتقال داده بود و امام (ره) سر درس روز بعد، جریان را تعریف کرده بود و بدون نام بردن از کسی، گفته بود که این جوان روحانی‌زاده نمی‌دانم در این جا چه دیده بود که چنین سخن گفته است و شروع به ملامت کرده بود. حاضران در این جلسه امام متوجه نشده بودند که جریان چیست تا این که کتاب خاطرات من منتشر شد. مرادی‌نیا با من تماس گرفت و گفت که شما کلید یک معمای بزرگ را به ما دادید. ما تا الان چند بار صحیفه امام (ره) را چاپ کرده‌ایم و در این کتاب چنین مطلبی وجود دارد و ما نمی‌دانستیم موضوع چیست و بعد از این، این مطلب را به کتاب شما ارجاع می‌دهیم.

در سال ۱۳۵۰ تعداد زیادی از اعضای هسته‌های مرکزی سازمان مجاهدین خلق از شاگردان بازرگان و آیت‌الله طالقانی در بازداشت بودند. شهید بهشتی و همسر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همراه با پدران و مادران تعدادی از زندانیان به دیدار برادر امام موسی صدر در میدان امام حسین (ع) می‌روند تا به اتفاق اعلام کنند که چون امام صدر در ایران نیست، می‌تواند بر روی نفوذ وی حساب کرد و از امام صدر می‌خواهند که با شاه دیدار کند و از شاه بخواهد تا این زندانیان را اعدام نکند. آیت‌الله رفسنجانی در خاطرات خودش هم به این موضوع اشاره کرده است

خود برسانیم و در این زمان مردم هستند که حق خود را باز پس می‌گیرند. طباطبایی در بخش دیگری از سخنانش به وجود برخی شایعات درباره خود و اظهارات حجت‌الاسلام حمید روحانی در این باره اشاره و عنوان کرد: اوایل دوران تبعید امام خمینی (ره) در نجف، حاج مصطفی برخلاف احمد آقا زیاد موافق برنامه‌های سیاسی امام (ره) نبود و بیشتر دل‌نگران تثبیت مرجعیت امام خمینی بود. وی از همه مبارزان حمایت می‌کرد و مخالف سرسخت شاه بود اما از طرفی دوست نداشت که حتی دیدارهایی صورت بگیرد که چهره امام خمینی (ره) در میان افراد متدین خدشه‌دار شود. ولی حجت‌الاسلام روحانی از این اظهار نظر من زیاد خوشش نیامده و مطلبی علیه این موضع در مجله «پانزده خرداد» منتشر کرده بود. وی در این مجله گفته بود که دلیل این که صادق طباطبایی درباره حاج مصطفی این‌گونه اظهار نظر می‌کند، غرض شخصی است. به گفته وی، من همراه با قطب‌زاده برای دیدار حاج مصطفی رفته بودیم اما وی، قطب‌زاده را به داخل راه نداده و گفته بود که این‌ها بی‌نماز هستند و خطرناک‌تر از مار کسبیت‌ها.

خواهرزاده امام موسی صدر توضیح داد: حمید روحانی ادامه می‌دهد که چون طباطبایی با قطب‌زاده رابطه مریدی و مرادی دارد و چون طباطبایی از این کار

لبنان حضور داشتند، اگر دچار مشکلی با نیروهای امنیتی می‌شدند یا از نظر اقامتی مشکلی برایشان پیش می‌آمد، امام موسی صدر همه را حل می‌کرد.

خواهرزاده امام صدر به مهربانی و گذشت امام موسی صدر اشاره و اظهار کرد: پس از انتشار جزوه جلال‌الدین فارسی علیه امام صدر، یکی دوماه بعد من و قطب‌زاده به بیروت رفتیم و از آن‌جا نیز به دمشق عازم شدیم. پس از بازگشت از سوریه اولین سؤالی که امام موسی صدر پرسید این بود «جلال را ملاقات کردید؟ از لحاظ مالی که مشکلی نداشت؟» با وجود همه این‌ها هر زمان که جلال‌الدین فارسی درباره امام صدر صحبت کرده است، همان اظهارات گذشته را تکرار می‌کند.

وی اضافه کرد: مرحوم سید محمدباقر صدر تعریف می‌کند که زمانی که سید موسی خواست از نجف برود، من خیلی اصرار کردم که در نجف بماند چرا که مراجع نظر مثبتی به وی داشتند و اگر نجف ساکن می‌شد، جایگاه بهتری پیدا می‌کرد. اما امام صدر جواب داد که این‌جا همانند قم فضا برای من تنگ است. ما باید همانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی وارد اجتماع شویم و کار ناتمام وی را به اتمام برسانیم ولی اشتباهات وی را مرتکب نشویم؛ چرا که سیدجمال می‌خواست با اصلاح سران، جامعه را اصلاح کند ولی راه درست این است که جامعه را به حد‌اعلای

وحدت بین شیعه و سنی در پی سازش با مسیحیان و ایجاد تفرقه در بین مسلمانان لبنان است و سوم این که امام صدر خلاف مصلحت فلسطینیان گام برمی‌دارد.

خواهرزاده امام صدر در بخش دیگری از سخنانش تصریح کرد: یک بار به امام موسی صدر گفتم که برخی ادعا می‌کنند که مسیحیان برای نشان دادن تعداد خودشان هیچ‌وقت شاخه‌های مختلف خود را از هم جدا نمی‌کنند و حتی وحدت بین مذاهب مختلف این دین را مطرح می‌کنند، اما امام موسی صدر به جای ایجاد وحدت بین شیعیان و اهل سنت در پی سازش با مسیحیان و تقویت شیعیان در لبنان است. امام موسی صدر پاسخ داد «اهل سنت نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت لبنان را تشکیل می‌دهند و قدرت را در دست دارند. حال اگر این گروه پر قدرت با شیعیانی که هیچ قدرتی ندارند در فقر زندگی می‌کنند، متحد شوند از کجا معلوم که وضعیت شیعیان بدتر نشود. پس بهتر است ابتدا شیعیان را به جایگاهی والا برسانیم تا شأن و اعتبار پیدا کنند و به عنوان قدرت مطرح شوند؛ سپس در کمال قدرت حرف از وحدت بزنند.»

طباطبایی با بیان این که وساطت امام صدر برای آزادی برخی زندانیان از زندان‌های رژیم پهلوی شبیه رابطه وی با شاه را در اذهان ایجاد کرده است، عنوان کرد: در سال ۱۳۵۰ تعداد زیادی از اعضای هسته‌های مرکزی سازمان مجاهدین خلق از شاگردان بازرگان و آیت‌الله طالقانی در بازداشت بودند. شهید بهشتی و همسر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همراه با پدران و مادران تعدادی از زندانیان به دیدار برادر امام موسی صدر در میدان امام حسین (ع) می‌روند تا به اتفاق اعلام کنند که چون امام صدر در ایران نیست، می‌تواند بر روی نفوذ وی حساب کرد و از امام صدر می‌خواهند که با شاه دیدار کند و از شاه بخواهد تا این زندانیان را اعدام نکند. آیت‌الله رفسنجانی در خاطرات خودش هم به این موضوع اشاره کرده است.

این استاد دانشگاه ادامه داد: امام صدر پاسخ می‌دهد که من می‌دانم که شاه اگر قول هم بدهد، عمل نمی‌کند. اما وقتی بازرگان اصرار می‌کنند، امام صدر به دیدار شاه می‌رود و شاه قول می‌دهد که از اعدام این زندانیان صرف نظر کند. ولی امام صدر پس از این دیدار باز هم تأکید می‌کند که شاه قول داده ولی عمل نخواهد کرد. اما پس از آن اقدام، برخی از همین افراد بدون اشاره به دلیل دیدار امام صدر و شاه اظهار می‌کنند که امام صدر با شاه مماشات داشته و همکاری می‌کرد. تمامی مبارزان ایرانی خارج از کشور از خوان نعمت امام صدر بهره‌مند بودند. همه گروه‌های ایرانی که در



اولین تلفنی که بعد از اعلام خبر رپوده شدن امام صدر از ایران به من شد، از طرف شهید بهشتی بود و وی احوال امام صدر را از من پرسید که من هم در آن موقع چیز زیادی نمی دانستم. پس از انعکاس بین المللی این خبر، پروازی که ادعا می شد امام موسی صدر با آن از لیبی به ایتالیا رفته است، همه خدمه و مسافرانش مورد مصاحبه قرار گرفتند، ولی کسی نگفت که وی را در طی پرواز دیده باشد. دادستانی ایتالیا هم اعلام کرد که امام صدر به این کشور وارد نشده است. ولی دولت لیبی به این موضوع اعتراض کرد و اسنادی تقلبی و جعلی ارائه داد. وقتی دولتی اسنادی را که برای اثبات ادعای خودش ارائه می دهد و این مدارک جعلی است، می توان فهمید که حتماً موردی وجود دارد



طباطبایی ادامه داد: امام موسی صدر پس از این که با برخی سران لبنانی صحبت کرد، سفری ادواری به کشورهای اسلامی و عربی آغاز کرد تا خطر این کار را باز گو کند. آخرین دیدارش در الجزایر بود. «بومیدین»، رئیس جمهور وقت الجزایر، در دیدار با امام موسی صدر تأکید کرد که هزینه مالی این اقدام توسط قذافی تأمین می شود و امام صدر باید وی را قانع کند. ولی امام موسی صدر معتقد بود که گفت و گو با قذافی فایده ندارد. وی از الجزایر عازم اروپا شد و در منزل من ساکن شد. من و قطب زاده تصمیم گرفتیم تا همراه امام صدر به لیبی برویم و در دیدار با قذافی از وی بخواهیم که یک موج کوتاه و متوسط رادیویی در اختیار ما قرار دهد تا پیام های امام خمینی را روزی دو ساعت به زبان فارسی پخش کنیم. قذافی ادعا می کرد که از مخالفان شاه حمایت می کند. من دو هفته از دانشگاه مرخصی گرفتم، ولی سفر امام صدر یک هفته عقب افتاد و زمانی که من برای تغییر زمان مرخصی به دانشگاه رفتم به من اجازه ندادند؛ چرا که زمان امتحانات دانشجویان بود. وقتی که موضوع را به اطلاع امام صدر رساندم، وی گفت که «شاید خیر در همین باشد» و این جمله ایشان همیشه در ذهن من باقی است. قطب زاده هم گفت که اگر تو نروی، من هم نمی روم و این گونه شد که امام موسی صدر عازم لیبی و در طی این سفر رپوده شد.

خواهرزاده امام موسی صدر با اشاره به حوادث پس از رپوده شدن این عالم شیعی عنوان کرد: اولین تلفنی که بعد از اعلام خبر رپوده شدن امام صدر از ایران به من شد، از طرف شهید بهشتی بود و وی احوال امام صدر را از من پرسید که من هم در آن موقع چیز زیادی نمی دانستم. پس از انعکاس بین المللی این خبر، پروازی که ادعا می شد امام موسی صدر با آن از لیبی به ایتالیا رفته است، همه خدمه و مسافرانش مورد مصاحبه قرار گرفتند، ولی کسی نگفت که وی را در طی پرواز دیده باشد. دادستانی ایتالیا هم اعلام کرد که امام صدر به این کشور وارد نشده است. ولی دولت لیبی به این موضوع اعتراض کرد و اسنادی تقلبی و جعلی ارائه داد. وقتی دولتی اسنادی را که برای اثبات ادعای خودش ارائه می دهد و این مدارک جعلی است، می توان فهمید که حتماً موردی وجود دارد.

وی در پاسخ به سؤال مبنی بر اخبار رسیده درباره امام موسی صدر تأکید کرد: صریحاً بگویم که الان با دو هفته پس از رپوده شدن امام صدر تفاوتی ندارد و هیچ خبر موثقی در دست نیست. دلایلی برای شهادت و یا شواهدی دال بر حیات وی ارائه می شود که هیچ یک قابل پذیرش و یا انکار نیست.

دارد. روزی که به نوفل لوشاتو رسیدیم، احمد آقا خمینی و موسوی خوئینی ها از صندلی عقب پیاده شدند و چون دستگاه تکثیر نواری که خریده بودیم در صندلی عقب روی پاهای قطب زاده بود، من در را برایش باز کردم تا بتواند از ماشین خارج شود. این امر را روحانی دیده بود، ولی نیمه داستان را باز گو می کند.

خواهرزاده امام موسی صدر در ادامه سخنانش پیش زمینه های رپوده شدن امام صدر را تشریح و تصریح کرد: امام موسی صدر مخالف طرح اتحاد جماهیر شوروی برای «توطین فلسطینیان» بود که قصد داشتند سیصد هزار فلسطینی لبنان را جمع کنند و در جنوب لبنان اسکان بدهند. همه موافق بودند جز امام موسی صدر. وی معتقد بود که جنوب لبنان متعلق به شیعیان است و آنان مزارع صد ساله خود را در این منطقه دارند و نمی توانیم این شیعیان را به کمر بند فقر بیروت بفروستیم و فلسطینیان را جایگزین آنان کنیم. به قول وی، این ظلمی آشکار به شیعیان بود. دوم این که به گفته وی، جنوب لبنان مرز اسرائیل است و اگر تحرکی در این منطقه ایجاد شود، صهیونیست ها آن جا را بمباران می کنند. وی می گفت که گروه های خارجی به بهانه اسکان فلسطینی ها قصد دارند لبنان را تجزیه و تقسیم کنند و هدف اصلی از این کار هم همین بود.

حاج مصطفی خوشش نیامده بعد از مدت ها در صدد انتقام برآمده است. وی تصریح می کند که برای تثبیت رابطه مریدی و مرادی بین طباطبایی و قطب زاده، گاه گاهی که طباطبایی به نوفل لوشاتو می رفت، وقتی قطب زاده به نماز می ایستاد در حضور هزاران نفر طباطبایی به وی اقتدا می کرد و عجب نماز تماشایی ای بود! این در حالی است که خود حمید روحانی مدعی است که چون قطب زاده نماز نمی خواند، حاج مصطفی با وی دیدار نکرده است. حال چگونه هزاران نفر به تماشای نماز وی می ایستادند! وانگهی چه اشکالی دارد وقتی مسلمانی نماز می خواند برادر مسلمان دیگری به وی اقتدا کند و کجای این کار قباحه دارد که به قول وی «نمازی تماشایی است!»

این استاد دانشگاه با ذکر خاطرهای دیگر و شبهات موجود در زمینه رابطه خود با قطب زاده گفت: جای دیگری حمید روحانی می گوید که قطب زاده در صندلی عقب ماشین می نشست و پیپ می کشید و موقع پیاده شدن، طباطبایی به عنوان راننده، در را برایش باز می کرد تا پیاده شود. من هم جواب داده بودم که یک بار چنین امری اتفاق افتاد. اما از آن جایی که حمید روحانی خیلی خوش حافظه است! وقتی چنین چیزی را شرح می دهد که اتفاق نیفتاده حتماً برای جعل مطلب، عمد



تعالی اندیشه؛ وجه مشترک تفاسیر سید موسی و سید محمد باقر صدر از قرآن

معتقد بود که در جامعه‌ای که مردم آن نماز گزار هستند، دزدی و سرقت وجود ندارد و جامعه‌ای که مردم آن روزه می‌گیرند؛ این نماز و روزه در زمینه پرورش اخلاق خوب، حمایت از یتیمان، حمایت از فقرا و گرایش افراد به اعمال خیر تأثیر گذار خواهد بود. مؤلف کتاب سیره و سرگذشت امام موسی صدر در ادامه خاطر نشان کرد: ویژگی دیگری که امام موسی صدر را متمایز می‌کند، تسلط ایشان به زبان‌های مختلف فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه بود و این نشانگر شخصیت انعطاف‌پذیر و بی‌نظیر ایشان بود که در بین هم‌عصران خود واقعاً منحصر به فرد بود. عضو هیئت رئیسه جنبش امل لبنان تأکید کرد: امام موسی صدر دارای شخصیت انعطاف‌پذیری بود و در بسیاری از دانشگاه‌های جهان اسلام به سخنرانی و تدریس پرداخت؛ در حالی که ایشان با علما و بزرگان حوزه‌های علمیه نیز روابط نزدیکی داشت.

خلیل حمدان تصریح کرد: امام موسی صدر دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بود و مطالعات تفسیری ایشان که به صورت موضوعی و هدفمند نوشته شده است، شباهت‌های زیادی به تفسیر موضوعی آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر دارد و پرداختن به مسائل و موضوعات روز جامعه، خدمت به بشریت و تأکید بر رشد و تعالی اندیشه انسانی به بهترین شکل ممکن، از وجوه مشترک مطالعات تفسیری این دو بزرگوار است. وی در ادامه با اشاره به این که امام موسی صدر به وجود رابطه عمیق میان انسان‌ها و خداوند متعال قائل بود، گفت: به نظر ایشان این رابطه در جامعه انسانی منعکس می‌شود، به عبارتی دیگر از دیدگاه امام موسی صدر، جامعه انسانی انعکاسی از رابطه انسان‌های آن جامعه با خداوند است. حمدان اضافه کرد: امام موسی صدر همواره

مطالعات تفسیری امام موسی صدر که به صورت موضوعی و هدفمند نگاشته شده است، شباهت‌های زیادی به تفسیر موضوعی شهید صدر دارد و در حقیقت تأکید بر رشد و تعالی اندیشه انسانی، وجه مشترک مطالعات تفسیری این دو بزرگوار است.



«خلیل حمدان»، نویسنده و پژوهشگر لبنانی و عضو هیئت رئیسه جنبش «امل» لبنان و مؤلف کتاب سیره و سرگذشت امام موسی صدر، با اعلام این مطلب گفت: امام موسی صدر برای ارائه تفسیری جامع از قرآن کریم بسیار تلاش کرد و مطمئناً اگر فرصت بیشتری می‌یافت، کارهای بسیار بزرگی در زمینه تفسیر قرآن کریم انجام می‌داد و به جهان اسلام در تفسیر قرآن کریم کمک شایانی می‌کرد.

وی در مورد ویژگی‌های تفسیر امام موسی صدر افزود: امام موسی صدر دارای مکتب تفسیری مستقلی بود و آنچه مطالعات تفسیری ایشان را متمایز می‌سازد، معاصر بودن آن و هم‌خوانی آن با مقتضیات معاصر است و امام موسی صدر در تفسیر آیات قرآن کریم، انسان و جامعه معاصر را مورد خطاب قرار می‌دهد و عقل بشری را به چالش می‌کشد.

امام موسی صدر قائل به نسبی بودن فهم قرآن است

امام موسی صدر نظر کسانی که رأی تفسیر معصوم را مطرح می‌کنند و معتقد هستند که فهم آیات الهی فقط توسط ائمه اطهار (ع) صورت می‌گیرد، نمی‌پذیرد و معتقد است که فهم قرآن برای همه امکان‌پذیر و امری نسبی است، ولی توسعه یا تحدید دارد.

اسلامی و قرآنی کردند و برخی دیگر را خارج. عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد ادامه داد: یکی از موضوعات جالبی که امام موسی صدر در فعالیت‌ها، مقالات و سخنرانی‌هایشان داشته‌اند، پدیده فهم است؛ در مبحث فهم، به معنای کشف معنا و در آوردن مقصود پدید آورنده، نگاه‌های متفاوتی وجود دارد. در مجموع انسان‌های برجسته آثار مختلفی را مطرح کردند که مهم‌ترین نظرها، دو رأی است: اول، مقدمه‌ای که امام موسی صدر در پاسخ به اثر «هانری کربن» نوشته‌اند؛ هانری کربن با توجه به اینکه مطالعات غربی و مطالعات فلسفه غرب زیادی داشته با نگاهی به متون مقدس، درباره قرآن آرائی را مطرح کرده است و مترجم کتاب هانری کربن از امام موسی صدر خواسته بود تا مقدمه‌ای برای این کتاب بنویسد؛ امام موسی صدر تمام این کتاب را از اول تا آخر خوانده و بعد در مقدمه ضمن قدر دانی و بیان ویژگی‌های این اثر یکسری از اشتباهاتی را که احتمالاً در مورد هانری کربن احساس کردند که باید حتماً تذکر داده شود، مطرح کردند. پیرو فر گفت: نتایج جالبی در مورد مبانی مشترک امام موسی صدر با آثار هرمنوتیست‌ها در مقدمه این کتاب مشاهده می‌شود؛ تفسیر آیات قرآن، امامت، ولایت، امام غائب، خاتمیت و تصوف از مباحثی هستند که هانری کربن در مقدمه کتابش به آن‌ها اشاره می‌کند و دیدگاه‌های خود را با تکیه بر آیات و روایاتی که در دسترسش بوده ارائه می‌دهد. امام موسی صدر در مقدمه پاسخ می‌دهد اصل تفسیر به معنای توضیح و تشریح و پرده برداری از مفاهیم است.

سهیلا پیروز فر، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، با اشاره به این مطلب گفت: در لابلای تمامی سخنرانی‌های امام موسی صدر بدون استثناء حتماً اشاره‌ای به آیه‌ای از قرآن یا نگاه تفسیری را رویکردی قرآنی - تفسیری را می‌توان دید. پیروز فر با اشاره به مقاله خود با عنوان «فهم قرآن از دیدگاه امام موسی صدر»، توضیح داد: حیثیت بحث مطالعات و مباحث قرآنی متنوع است؛ گاهی ما از بیرون به قرآن نگاه می‌کنیم و علوم مرتبط با آن را بررسی می‌کنیم؛ یعنی در این صورت دیگر به آیه قرآن به عنوان تبیین یک آیه توجه نمی‌شود، بلکه به آنچه از بیرون درباره قرآن بحث است، توجه می‌شود. وی گفت: از جمله مباحثی که خیلی در دنیای امروز مطرح است، بحث «فهم» است؛ فهم متون مقدس، اعم از قرآن یا غیر قرآن؛ فهم هر متنی و یا پدیده‌ای. دانشمندان زیادی در این قضیه وارد شدند به‌ویژه هرمنوتیست‌های غربی در مباحث فهم متون مقدسشان کتاب‌های عهد عتیق و عهد جدید یکسری مبانی‌ای را مطرح کردند. این مباحث خیلی امروز گسترش پیدا کرده است، گرچه پیشینه‌ای مربوط به یک یا دو قرن پیش دارد و جالب است که امام موسی صدر در لابلای سخنرانی‌هایشان کاملاً مشخص است که آثار غربی‌ها را مطالعه کرده‌اند و برخی آثار آنان را به نقد کشیده‌اند؛ برخی را تأیید و برخی دیگر را تحدید کرده‌اند؛ یعنی محدوده آن را با توجه به نگاه قرآنی، دینی و اسلامی‌ای که داشتند، مشخص کردند و برخی موارد را وارد مباحث

وی در ادامه یادآور شد: امام موسی صدر در مورد مسائل معاصر می‌مانند اقتصاد، نظریه‌های مهمی ارائه داد و نخستین کسی بود که مجله «مکتب اسلام» را راه‌اندازی کرد و ایشان همیشه با آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر پیش از آن که ایشان کتاب معروف «اقتصادنا» را تألیف کند، در مورد مباحث اقتصادی به بحث و تبادل نظر می‌پرداخت.

وی در ادامه یادآور شد: امام موسی صدر نخستین کسی بود که در جامعه لبنان در پی ساخت روابط جدیدی با اقلیت‌های دیگر این کشور برآمد و در همین راستا، با تمام اقلیت‌ها به بحث و تبادل نظر پرداخت و همیشه این جمله را تکرار می‌کرد که «پزشک باید نزد فرد بیمار برود و نه نزد افراد سالم»، برای همین است که در سیره این بزرگوار می‌بینیم که ایشان به کلیسای «کبوشیین» شهر بیروت می‌رفت و در آنجا به سخنرانی می‌پرداخت و مردم مسلمان و مسیحی لبنان به یک اندازه ایشان را پیشوای خود می‌دانستند.

این نویسنده و پژوهشگر لبنانی، در ادامه درباره روابط امام موسی صدر با اقلیت‌های لبنانی تصریح کرد: رابطه امام موسی صدر با تمام اقشار و اقلیت‌های جامعه لبنان رابطه‌ای تنگاتنگ و مستحکم بود، به طوری که ایشان این رابطه را جزئی از ایمان خویش به حساب می‌آوردند و شاید برای همین بود که به یک اندازه نزد مسلمانان و مسیحیان محبوب بودند. شیعیان، سنی‌ها، دروزی‌ها، مسیحی‌ها و دیگر اقلیت‌های موجود در لبنان همگی ایشان را به خاطر وسعت فکر و اندیشه‌ای که داشت، دوست داشتند.

وی در ادامه گفت: امام موسی صدر هنگامی که ندای مبارزه با اسرائیل را سرداد، هیچ وقت عبارت ما شیعیان می‌خواهیم با اسرائیل بجنگیم را به کار نبرد؛ بلکه هیئت «حمایت از جنوب» را تشکیل داد که تمام سران و رهبرای اقلیت‌های دینی لبنان در آن حضور داشتند. ایشان همیشه می‌گفت ما با هم به جنگ اسرائیل می‌رویم، با هم با آنان مقابله می‌کنیم و هدف ما تنها حمایت و خدمت به جامعه لبنان است.

حمدان تأکید کرد: امام موسی صدر این نکته را همیشه متذکر می‌شد که لبنان متعلق به همه لبنانی‌ها است و اسرائیل تنها به شیعیان لبنان تعدی نکرده، بلکه تمام ملت و سرزمین لبنان را مورد تهدید قرار داده است.

این عضو هیئت رئیسه جنبش أمل لبنان در پایان خاطر نشان کرد: ما در جنبش أمل قصد داریم در آینده تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری را راجع به امام موسی صدر انجام دهیم و امیدوار هستیم که بتوانیم آن‌ها را با همکاری مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر در ایران و لبنان، دفتر فرهنگی جنبش امل و کمیته آماده‌سازی کتاب‌های امام موسی صدر به پایان برسانیم. علاوه بر این اخیراً کمیته‌ای در لبنان برای تحقیق



وی در بخش دیگری از این نشست اظهار کرد: رویکرد نخست درباره فهم متون مقدس، رویکرد «متکلم محور» است؛ قائل به اینکه پدیدآورنده یک پدیده و یا یک اثر هنری و کسی که می‌خواهد به آن پدیده توجه کند، باید تمام نیروی خود را صرف این کند که بفهمد پدیدآورنده چه چیزی را از آن اراده کرده است؛ یعنی اراده متکلم. بعد برای اینکه اراده پدیدآورنده را به دست بیاورد باید از تمام اسباب و زمینه‌ها استفاده کند؛ یعنی باید بنا بر برخی سخنان هرمنوتیست‌ها - که درست هم هست - اگر پدیدآور، یک انسان باشد باید به فضا، زمان، جغرافیا و موقعیتی که پدیدآور، این پدیده را ایجاد کرده، با همان فضای فکری، با همه آنچه او فکر می‌کرده آشنا شود و کاری کند که گویی مثل او فکر می‌کند تا بفهمد آن انسان موقع خلق فلان اثر چه چیزی را اراده کرده است.

پیروزی فرادامه داد: چیزی که محوریت دارد، اراده پدیدآور است؛ درباره قرآن کریم، پدیدآور، انسان نیست، یک جسم مادی نیست که ما بتوانیم به فضای مادی، جغرافیایی و محیطی او وارد شویم. امام موسی صدر به این قضیه اشاره کرده‌اند. هرمنوتیست‌ها وقتی سخن از متون مقدس می‌کنند، انگار برایشان قرآن و غیر قرآن فرقی نمی‌کند و امام موسی صدر به هانری کربن تذکر داده‌اند که پدیدآورنده متن مقدس، خدائی است که حکیم است و صفاتی دارد که قابل دستیابی نیست و اگر پیدا کردن قصد و اراده متکلم مورد نظرمان است، همه جوانب را در نظر می‌گیریم؛ اما امکان اینکه بتوانیم به همه فضاها و موقعیت‌های فکری یا همه

آنچه خدا اراده کرده دست پیدا کنیم، وجود ندارد؛ در عین حال فهم کتاب خدا میسر است و خداوند همه ابزارهایی را که به فهم کتابش کمک می‌کند، در اختیار ما قرار داده است. عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد بیان کرد: امام موسی صدر دقیقاً با اشاره به همین قضیه می‌فرماید که کتاب آسمانی ما خودش مبین است و خدای متعال از طریق رسولش وسیله تبیین و تفسیر آیات الهی را فراهم کرده است؛ اما در مورد «متکلم محور» که هرمنوتیست‌ها مطرح می‌کنند، معتقد است همه ابزار باید فراهم شود تا اراده متکلم به دست بیاید و فقط یک فهم حاصل می‌شود؛ یعنی شما تلاشت را که کردی فقط یک فهم برایت معتبر خواهد بود.

وی یادآور شد: امام موسی صدر با توجه به مطالعه همه آثاری که در این زمینه نوشته شده، در عین حال که متکلم محوری را تنها معیار برای فهم کتاب آسمانی در نظر می‌گیرد، باین حال معتقد است که یک فهم نیست، چند فهم است و چند فهم هم در طول هم هستند نه در عرض هم - حتی در عرض هم نیز می‌توانند باشند و هیچ کدام هم معارض دیگری نیست؛

این دلیل جاودانه بودن قرآن است. پیروزی فر گفت: امام صدر با اشاره به اینکه خدای متعال به واسطه حکمتش کتابی را برای انسان‌ها در طول زمان‌های متمادی فرستاده، معتقد است این کتاب باید هدایتگر باشد، یعنی در زمان‌های مختلف پاسخگوی پرسش‌های انسان‌های متفاوت، نسل‌های متفاوت، در موقعیت‌های جغرافیایی متفاوت باشد؛ بنابراین هر کسی هر چه ابزار بیشتری برای فهم، فراهم کند، فهم بیشتری از کتاب آسمانی به دست خواهد آورد، در این صورت هر کس به فراخور حال خود از این کتاب می‌تواند برداشت کند.

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد تأکید کرد: بنابراین امام صدر نظر هرمنوتیست‌های متکلم محور را قبول دارد و اینکه اراده خداوند متعال برای ما مهم است اما دست یافتن به همه آنچه خدا اراده کرده، سخت است و باید از سنت کمک گرفت.

پیروزی فر در تکمیل سخنانش گفت: این دقیقاً فرمایش امام موسی صدر، علامه طباطبائی و اخیراً آیت‌الله العظمی جوادی آملی است؛ مفسران بزرگی که قائل به «تفسیر قرآن



وی با تأکید امکان پذیر بودن فهم قرآن برای همه، به آیه ۲۴ سوره محمد (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا: آیا به آیات قرآن نمی اندیشند یا [مگر] بر دلهایشان قفلهایی نهاده شده است) اشاره کرد و گفت: مخاطب این دستور به فهم، همگان است؛ بنابراین، امام موسی صدر این تفکر را که نزد اخباری مسلک‌های شیعه رایج است و فهم را محدود به ائمه اطهار (ع) می دانند، رد می کند و می گوید که امکان فهم برای همه فراهم است.

پیرو زفر تأکید کرد: به اعتقاد امام موسی صدر روش پیامبر (ص)، صحابه و ائمه اطهار (ع) از یک سو و منطق تکلم و عرف مفاهمات بشری از سوی دیگر بر این منطق قابل فهم بودن قرآن مهر نهاده است. وی اشاره می کند که امامان شیعه (ع) همواره شاگردان خویش را بر آموختن تفسیر قرآن تشویق می کردند؛ زمانی که یکی از یاران امام صادق (ع) از ایشان درباره چگونگی مسح پا در وضو آنگاه که برای معالجه زخم، پارچه‌ای بر آن بسته بود و برداشتن آن ممکن نبود، پرسید، امام (ع) فرمودند بر پارچه مسح کن؛ سپس فرمودند تو این مسئله را از کتاب خدا می توانستی بفهمی «وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ: در دین بر شما سختی قرار نداده است» (حج/۷۸).

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در بخش دیگری از سخنانش گفت: بحث عمده‌ای که بین دانشمندان علوم قرآنی مطرح است، راجع به زبان قرآن است؛ افرادی مثل نصر حامد ابوزید و جابری یا کسانی مثل حسن حنفی، اولین پایه‌های مباحث مربوط به زبان قرآنی را پی‌ریزی و به تفصیل در این باره بحث کردند؛ برخی معتقدند که چون نزول آیات قرآن به تدریج بوده، اولین آیات نازل شده، ۵ آیه اول سوره علق بوده و بعد به مناسبت‌های مختلف، حوادث مختلفی روی می داده، آیات قرآنی ناظر به همان رخدادها نازل شده و اصلاً آیات قرآنی در پاسخ به کسانی که ایراد گرفتند که چرا قرآن یکباره نازل

تسنیم آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی فقط تا اوائل سوره آل عمران ۲۱ جلد را شامل شده و همچنان ادامه دارد؛ هر چه رشد فکری ایجاد می شود، ترجمه‌ها و علوم مختلف گسترش پیدا می کنند، نیاز به تبیین آیات بیشتر شده و بدین ترتیب فهم آیات هم گسترش پیدا کرده است و این چیزی است که امام موسی صدر در سخنرانی‌های خود به آن اشاره می کند.

امام موسی صدر «ام‌الکتاب» را به مرجع فهم درست از قرآن تعبیر می کند

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد گفت: امام موسی صدر با اشاره به آیه ۷ سوره آل عمران (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ...)، تأکید می کند که خداوند گروه دوم از آیات را متشابهات می نامد؛ وی همچنین به حدیث امام علی (ع) با مضمون «إِذْ التَّبَسُّتَ عَلَيَّكَمُ الْقَتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ فَلَعَلَّيْكُمْ بِالْقُرْآنِ: هنگامی که فتنه‌ها چون تاریکی شب بر شما چیره گشت، پس بر شماست روی آوردن به قرآن» اشاره می کند و می گوید که تنها راه رهایی از گمراهی‌ها و شناخت حق از باطل در شبهه‌ها این است که با همان ابزار موجود اگر آیه متشابهی دیدیم که با مبانی قرآنی، روایی و مسلم دیگر در تعارض بود، آن‌ها را به آیات محکم عرضه کنیم.

به قرآن «هستند؛ یعنی امام موسی صدر پایه این تفکر را داشته و به تفسیر «قرآن به قرآن» اشاره می کند و می گوید مبین آیات، خود آیات هستند و فهم آیات الهی ممکن است؛ وی نظر کسانی که رأی تفسیر معصوم را مطرح می کنند و معتقد هستند که فهم آیات الهی فقط به دست ائمه اطهار است، نمی پذیرد و معتقد است که فهم آیات قرآن برای همه امکان پذیر است و یک چیز نسبی است؛ هر کسی به اندازه هر ابزاری که فراهم می کند - ابزار و مقدمات درست - فهم برای او

میسور است، ولی توسعه یا تحدید دارد. دکترای علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تربیت مدرس افزود: از نگاه امام موسی صدر هر کسی که ابزار بیشتری را فراهم کرده باشد، می تواند به فهم بهتری دست پیدا کند، در عین حال با گذر زمان و با گسترش اطلاعات، دانش و علوم بشری، فهم کتاب آسمانی نیز توسعه یافته است؛ نگاهی گذرا به تفاسیر موجود، این را تأیید می کند؛ تفاسیر قرن اول و دوم را ببینید و با تفسیر قرن بیستم مقایسه کنید؛ تفسیر دوره صحابه فقط در حد بیان لغات است؛ یعنی فهم آن‌ها از آیات الهی در همین حد است چون اصلاً نیازی نمی دیدند به توضیح سبب نزول و موارد دیگر چون شاهد صحنه بودند.

سهیلا پیروز زفر ادامه داد: اما تفاسیر تابعین دارای رویکردهای عقلی و اجتهادی است؛ تفاسیر قرون سوم و چهارم نیز همینطور؛ تفسیر

نمی شود، نازل شد.

وی توضیح داد: برخی گفتند که آیات قرآنی تحت تأثیر حوادث زمان بوده یعنی قائل به تعامل بین حوادث و آیات و بالعکس هستند؛ ولی خداوند تنها به حوادث اشاره می کند که زمینه های هدایت برای همه نسل ها را فراهم می کند. دانشمندان مطرح می کنند که شرط اول بلاغت، رعایت اقتضای حال مخاطب است و مخاطبین اولیه قرآن، عرب آن زمان است و ما برای فهم آیات مجبوریم فضای عرب آن زمان را بشناسیم، اما این به معنای محدودیت آیات قرآنی برای یک زمان یا موقعیت خاص نیست و زبان قرآن زبان همه است؛ ما برای فهم قرآن باید ادبیات رایج آن زمان را بفهمیم اما این به معنای محدودیت قرآن برای یک زمان نیست.

پیرو فر ادامه داد: امام موسی صدر درباره زبان قرآن می فرماید «نزول آیات قرآنی بر اساس روش معلوم و مأنوس مردم در امر تفاهم صورت گرفته؛ این روش بر راه دلالت های وضعیه الفاظ که همه مردم به آن سخن می گویند رفته و به هیچ وجه بر طریقه های رمزی، دلالت های عقلی غامض و پیچیده یا بر علم اعداد و حساب ابجد و بینات... تکیه نکرده است؛ سنت مطهر نبوی (ص) نیز در بیان احکام و تفسیر آیات الهی از همین شیوه مأنوس و معمول فهمیدن بنیاد گرفته و جانشینان و امامان (ع) هم در این راه به همان روش رسول خدا (ص) قدم نهاده اند.»

صاحب مقاله «پدیده فهم قرآن از دیدگاه امام موسی صدر» گفت: امام موسی صدر معتقد است که «نمی توان پذیرفت که چون قرآن با روش مأنوس و زبان رایج زمان پیامبر (ص) سخن گفته و نظام محاوره زبان را حفظ کرده است، پس معانی جملات باید در همان حد فهم و درک زمان نزول باشد. اصلاً قرآن سخن انسان هان نیست که محصور زمان و مکان شود؛ بلکه کلام خداست و یکی از نشانه های اعجاز قرآن تازگی و طراوت همیشگی آن است؛ قرآن به هیچ وجه از فرهنگ زمان نزول خود و قرن های بعد از آن تأثیر نپذیرفته و این خود بهترین شاهد است بر اثبات این که منبع فرهنگ و معارف قرآن خود خداوند است که از اطلاعات زمان بی نیاز است؛ آیات شریفه ای که به عنوان شاهد درباره حرکات خورشید و ماه و زمین و ستارگان نازل شده، به هیچ وجه تحت تأثیر هیئت بطلمیوسی و آرای آنان که در آن زمان رایج بوده، نبوده است؛ همچنین آیاتی که به مبدأ خلقت و تکوین و آفرینش زمین و گسترده گی جهان آفرینش و... اشاره دارند، گویا با جدیدترین نظریات علمی روز تطبیق دارند، بدون کوچک ترین تأثیر پذیری از فرهنگ حاکم و رایج عصر نزول وحی.»

پیرو فر با اشاره به حدیثی از پیامبر (ص) که «علما مرزداران دین هستند»، تأکید کرد: من امام موسی صدر را به عنوان یکی از مرزدارانی می دانم که با رصد شبهه ها، پاسخی برای آن می یابند؛ معلوم است که ایشان به روز مطالعه داشتند و آخرین شبهات را پاسخ دادند.

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در ادامه گفت: یکی از رویکردهایی که به پدیده فهم قرآن اشاره می کند، رویکردی است که هرمنوتیست های جدید مطرح می کنند و معتقدند وقتی یک نفر اثر برجسته ای را خلق می کند، خودش دیگر کنار می رود؛ یعنی دیگر خالق، محوریت ندارد، این مخاطب است که باید ببیند چه چیزی از این پدیده گرفته است.

وی توضیح داد: ممکن است برداشتی که ما از آن پدیده می کنیم با توجه به فضای اجتماعی و جغرافیایی، به مراتب توسعه یافته تر یا متفاوت تر از آن چیزی باشد که پدید آور اراده کرده است و اصلاً در این صورت امکان فهمی حاصل خواهد شد که متکلم اراده نکرده؛ یعنی او یک پدیده ای را خلق کرده و آنچه را که در موقعیت درک می کرده، ایجاد کرده است، در نتیجه باید بفهمیم که او چه می گوید اما فهم ما دیگر محدود به آنچه مؤلف اراده کرده نیست.

پیرو فر ادامه داد: امام موسی صدر در مورد متون مقدسی مثل قرآن می گوید «امکان ندارد که ما در زمینه فهم متن مقدسی مثل قرآن مؤلف (پدیدآور) را کنار بگذاریم؛ مؤلف حکیم و هدایتگر است، به قصد هدایت جامعه آیات الهی را نازل کرده و تمام تلاش مفسر برداشت درست از آن چیزی است که خداوند اراده کرده است». هرمنوتیست های دسته دوم با توجه به همین مسئله که محوریت را برای مؤلف قائل نیستند، امکان فهم های متعدد در عرض یا در طول هم را مطرح می کنند؛ امام موسی صدر از این نظریه استفاده می کند و می گوید علی رغم این که ما مؤلف محور هستیم، امکان فهم های متعدد در طول و عرض هم را نیز می پذیریم.

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد بیان کرد: تمام آیات قرآنی که دستور به تدبیر می کند، تدبیر در فهم است؛ فهم آنچه خداوند اراده کرده، بنابراین امام موسی صدر از هرمنوتیست های گروه اول «مؤلف محوری» را اخذ کرده، اما یک فهم را در نظر نگرفته است؛ اما از هرمنوتیست های گروه دوم امکان فهم های متعدد را در عرض و طول هم بدون اینکه در تعارض با هم باشند، مطرح

می کند؛ این چیزی است که غالب مفسرین در روششان دارند. در تفسیر المیزان ذیل بسیاری از آیات کلمه «قیل» مشاهده می شود و علامه طباطبائی می گویند «به نظر، قول اول، سوم و پنجم جالب است و الله تعالی اعلم»؛ یعنی باز هم نگفتند این آن چیزی است که خدای متعال اراده کرده است.

وی یاد آور شد: مفسران ذیل بسیاری از آیات، آرای متفاوتی عرضه می کنند؛ آرائی که در عین حال که قابل جمع هستند، تعارض هم با هم ندارند. امام موسی صدر با همین نگاه وارد تفسیر شدند و آیات قرآنی را با همین نگاه عرضه کردند؛ در مقدمه کتاب «هانری کربن» به دو نظریه هرمنوتیست ها اشاره و در عین حال با اشاره به آرای همین هرمنوتیست ها دو نظر را مطرح می کنند.

پیرو فر گفت: هم امام موسی صدر و هم بقیه مفسران شرایطی را برای مفسر که می خواهد فهم کند، در نظر می گیرند؛ امام موسی صدر اشاره می کند تفسیری معتبر خواهد شد که همه مقدمات لازم را فراهم کرده باشد؛ مفسرین معتقدند اولین و آخرین شرط برای یک مفسر داشتن «علم الموهبه» است؛ حدیث امام صادق (ع) که «لیس العلم ما کتسبتم، العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء» را همه مفسرین در مقدمه تفسیر خود می آورند؛ تمام کسانی که بدون مقدمات لازم وارد تفسیر شدند، تفسیرشان تفسیر به رأی است که بسیاری از مفسرین دیگر آن را نمی پذیرند.

وی در بخش پایانی این گفت و گو به بررسی «رویکرد اجتماعی امام موسی صدر در قرآن» پرداخت و گفت: امام موسی صدر به عنوان یک اصلاح گر در منطقه مطرح شدند و زمینه حضورشان در آنجا هم همین بود؛ وی کتاب تفسیری نوشته است، ولی می توان به راحتی ایشان را از اندیشمندان و مصلحانی نامید که با همین اعتقاد که قرآن و واقعیت های ملموس زندگی با هم در ارتباط کامل هستند، در عین حال با رویکرد عقلی و اجتهادی آیات قرآن و احادیث را تفسیر کردند. امام موسی صدر خلأ کم رنگ شدن قرآن را در اجتماع احساس و سعی کرد قرآن را به متن جامعه بیاورد.



امام موسی صدر تفسیر قرآن به قرآن راتنها شارح منطق قرآنی می دانست

امام موسی صدر بر این باور بود که تفسیر قرآن به قرآن، مسئله‌ای بسیار مهم و تنها شیوه‌ای است که می‌تواند منطق قرآنی را شرح دهد و به ما در فهم جنبه‌های اجتماعی، آموزشی و سیاسی آیات که درک آن جز با منطق قرآن ممکن نیست، کمک شایانی کند.

«طلال عتریسی»، پژوهشگر و استاد دانشگاه لبنان در رشته روانشناسی اجتماعی و مدیر مرکز «الدراسات الإستراتيجية» (پژوهش‌های راهبردی) لبنان، با بیان این مطلب گفت: امام موسی صدر در تفسیر خود از آیات قرآن کریم تلاش کرد که فراتر از تفسیر واژگان قرآن رفته و تفسیری جامع و مرتبط ارائه دهد. مشاهده می‌کنیم که در مطالعات قرآنی امام موسی صدر درباره مسائل و موضوعات مختلفی همچون بُعد اجتماعی آیات قرآن، تربیت انسان پویا، اندیشه و جنبه آموزشی قرآن سخن گفته شده است.

طلال عتریسی اضافه کرد: تجربه‌ای که امام موسی صدر در محیط فرهنگی خود داشت و ارتباط مستقیم ایشان با محیط اطراف خود، سبب شد که سبک تفکر و فهم امام موسی صدر از قرآن کریم نسبت به سایر مفسران متمایز باشد.

امام موسی صدر؛ پیرو مکتب معتقدان به ترتیب نزول آیات

وی در ادامه با اشاره به موضوع ترتیب نزول آیات قرآن و تلاش امام موسی صدر در فهم موضوع ترتیب نزول آیات قرآن گفت: امام صدر در مطالعات تفسیری خود در صدد این بود که باب نزول آیات را چه از نظر واقعیت محیطی که قرآن در آن نازل شد و یا چه از نظر تغییر و تحولاتی که بعدها در دو منطقه مکه و مدینه رخ داد، به خوبی درک کند و ایشان درباره این موضوعات، متناسب با واقعیت سخن گفته است و ما به خوبی می‌دانیم، فهم قرآن کریم بدون فهم ترتیب نزول آیات، غیرممکن است؛ بنابراین می‌توان امام موسی صدر را پیرو مکتبی دانست که معتقد به ترتیب نزول آیات است.

این پژوهشگر برجسته لبنان در پاسخ به

این پرسش که «آیا می‌توانیم شیوه تفسیری امام موسی صدر را شیوه عقلانی و اجتهادی بنامیم؟»، گفت: این دوروش تفسیری - اجتهادی و عقلانی - از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و اجتهاد خود، نوعی شناخت واقعیت و تلاش جهت صدور حکم، تفسیر و یا فتوایی بر مبنای همین واقعیت است و امام موسی صدر در تلاش بود که افکار مناسبی برای فهم این واقعیت استنباط کند که برای رسیدن به این هدف، مضامین آیات و احادیث نبوی (ص) را به دقت مورد بررسی قرار داد.

این فعال سیاسی لبنان درباره رویکرد امام موسی صدر نسبت به تفسیر قرآن به قرآن تصریح کرد: اندیشه امام صدر به مکتب تفسیر قرآن به قرآن نزدیک بود، زیرا این مکتب به نوعی بر قدرت منطق قرآنی تأکید می‌کند و در حقیقت، مکتب تفسیر قرآن به قرآن شیوه‌های مختلف تفسیری را تأیید می‌کند و از نظر علمای شیعه، احادیث ائمه (علیهم السلام) ادامه احادیث رسول اکرم (ص) و به ترتیب استمراری از قرآن کریم هستند.

وی افزود: امام موسی صدر بر این باور بود که تفسیر قرآن به قرآن مسئله بسیار مهمی است و تنها این شیوه است که می‌تواند منطق قرآنی را شرح دهد و به ما در فهم جنبه‌های اجتماعی، آموزشی و سیاسی آیات که فهم آن جز با منطق قرآن ممکن نیست، کمک شایانی کند.

وی همچنین، درباره این که «آیا امام موسی صدر قائل به نسبی بودن فهم قرآن بود؟»، گفت: امام صدر را می‌توان از پیروان مکتب علما و اندیشمندان دانست که قائل به نسبی بودن فهم معانی قرآن کریم هستند و پیروان این مکتب بر این باورند که هر کس قرآن را به اندازه معرفت و دانش خود می‌شناسد و امام موسی صدر تلاش کرد، از طریق ارتباط میان آیات قرآن به افق‌های بالاتری در تفسیر این کتاب الهی دست یابد.

طلال عتریسی همچنین در پاسخ به این که «آیا با وجود پیشرفت و تکامل علوم و ترجمه آن‌ها به زبان‌های مختلف به تبع آن معانی و مفاهیم قرآن نیز گسترش می‌یابد؟»، گفت: دانش‌های نو و علوم جدید شاید به نوعی خود مؤید این نظریه هستند، بدین گونه که هر چه درک و فهم عقل بشر گسترش یابد، انسان درک عمیق‌تری از معانی و مفاهیم قرآن کریم پیدا می‌کند و چیزهای جدیدی کشف می‌کند، اما این به این معنا نیست که معارف و علوم، مضمون قرآن را تغییر می‌دهند، بلکه این علوم، امکان کشف مسائل جدید در قرآن را مهیا می‌کنند، زیرا باطن قرآن بسیار عمیق و گسترده است و عقل انسان هنگامی که پیشرفت و توسعه می‌یابد، تعمق در متن و باطن قرآن بیشتر می‌شود و ممکن



علوم اجتماعی دانشگاه لبنان گذراند و موفق به اخذ مدرک دکتری از دانشگاه سوربن فرانسه شد؛ وی هم‌اکنون مدیر مرکز «الدراسات الإستراتيجية» (مرکز پژوهش‌های راهبردی) بیروت و مدیر مجله «شئون الأوسط» (مسائل خاورمیانه) است و مقالات متعددی در عرصه‌های مختلف سیاست، فرهنگ و آموزش نوشته است.

«البعثات اليسوعية ومهمه إعداد النخبه السياسية في لبنان» (هیئت‌های یسوعی (مسیحی) و وظیفه تربیت نخبگان سیاسی در لبنان) و «صورة المرأة» (تصویر زن) از جمله تألیفات طلال عترسی است و وی در بسیاری از کنگره‌های علمی در کشورهای اروپایی، اسلامی و عربی، شرکت کرده است.

که میان آنچه در نهج‌البلاغه و احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) آمده است، با مسائل واقعی جامعه ارتباط ایجاد کند و ایشان در این زمینه تنها به نظریه‌پردازی و استنباط موضوعات نظری بسنده نکرد، بلکه تلاش بسیاری جهت عملی کردن این امور و ارتباط آن با مسائل واقعی زندگی انجام داد.

طلال عترسی تأکید کرد: پیشگام بودن امام موسی صدر در تشکیل جنبش مقاومت ضد رژیم غاصب صهیونیست در لبنان را می‌توان نوعی تأثیرپذیری ایشان از کتاب نهج‌البلاغه دانست.

گفتنی است، طلال عترسی، استاد دانشگاه لبنان در رشته روانشناسی اجتماعی است، وی تحصیلات خود را تا مرحله کارشناسی ارشد در دانشکده

است که معانی گسترده‌تر و عمیق‌تری را کشف کند و امام موسی صدر بر این باور بود که هر چقدر که تجربیات متنوع باشد و انسان بیشتر تدبر کند؛ می‌تواند معارف و علوم جدیدی را از قرآن کشف کند.

تأثیرپذیری سید موسی صدر از نهج‌البلاغه در تألیفات خود مدیر مرکز پژوهش‌های راهبردی لبنان در بخش دیگری از این گفت‌وگو به تأثیرپذیری سید موسی صدر از نهج‌البلاغه در تألیفات خود اشاره کرد و گفت: امام موسی صدر همچون بسیاری از علما و اندیشمندان در نوشتن موضوعات مختلفی همچون عدالت اجتماعی، برخورد با رعیت و دفاع از حق و وحدت امت اسلام از کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه بهره برد.

عترسی افزود: با وجود این که فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، وقت امام موسی صدر را بسیار می‌گرفت، اما تألیفات زیادی درباره مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که در نهج‌البلاغه، قرآن کریم و احادیث و روایات ائمه اطهار (ع) به آن‌ها اشاره شده، نگاشته است.

وی تصریح کرد: امام موسی صدر همیشه سعی داشت



گرایش به فلسفه و عرفان در مطالعات تفسیری امام موسی صدر نمایان است

امام موسی صدر در مطالعات تفسیری خود، متن قرآن را دارای ظاهر و باطنی می‌داند که مفسر با بهره‌گیری از بعد عرفانی و فلسفی می‌تواند به باطن آن راه یافته و اشارات و جهت‌گیری‌های اصلی قرآن را کشف کند؛ لذا گرایش به فلسفه و عرفان در مطالعات تفسیری ایشان نمایان است.

علامه «سید محمد حسن الامین»، اندیشمند و پژوهشگر لبنانی و قاضی و مشاور دادگاه عالی لبنان، با اعلام این مطلب گفت: امام موسی صدر در خوانش تفسیری خود برای متن قرآن کریم بر این باور بود که متن این کتاب الهی، دارای ظاهر و باطن است و ایشان با بهره‌گیری از بعد فلسفی و عرفانی اندیشه‌های خود، توانست بسیاری از اشارات، مفاهیم و جهت‌گیری‌های قرآن را کشف کند.

وی افزود: مفسر در این روش تفسیری، قرآن کریم را متن فشرده‌ای می‌داند که دارای باطنی متفاوت با ظاهر و نه متناقض با آن است و بر این اساس به تفسیر آیات قرآن و تبیین معانی و مفاهیم آن می‌پردازد و این شیوه را به وضوح در تفسیر امام صدر می‌توان مشاهده کرد.

علامه محمد حسن الامین تصریح کرد: امام موسی صدر شناخت جامعی از روش‌های تفسیری تاریخی - که بزرگان پیش از وی آن‌ها را با بهره‌ریزی کرده بودند - داشت و از طرفی با شیوه‌ها و گرایش‌های تفسیری نو نیز به خوبی آشنا بود و این مسئله کاملاً با فرهنگ اسلامی و فلسفی ایشان تطابق داشت.

وی گفت: امام موسی صدر تفسیرهای قرآن گذشته و معاصر را به خوبی می‌شناخت، لذا در مطالعات تفسیری ایشان شاهد جمع میان میراث تفسیری اسلامی و گرایش‌های جدید در تفسیر قرآن کریم هستیم و واضح است که ایشان در مطالعات خود از گرایش‌های تفسیری قدیم و جدید استفاده کرده است.

علامه الامین خاطر نشان کرد: امام موسی صدر در مطالعات تفسیری خود از تمامی تفاسیر قرآنی که در دوره‌های مختلف تاریخی نوشته شد، استفاده کرد و مطالعات خود را به یک روش و تفسیر به خصوصی محدود نکرد و به همین دلیل یکی از امتیازات امام موسی

صدر همواره غیر قابل انتساب بودن متن تفسیری ایشان به روشی خاص بود؛ این در حالی است که ایشان با تمامی شیوه‌ها و گرایش‌های تفسیری قدیم و جدید آشنایی داشت.

این اندیشمند و پژوهشگر لبنانی درباره «نفی خرافه و اعداد شوم» از دیدگاه امام موسی صدر تصریح کرد: پایه اندیشه اسلامی و فرهنگی امام موسی صدر مبتنی بر مبارزه با خرافه و غلو است، ایشان حتی با غلو در تفسیر نیز مخالف بودند؛ بدین معنی که امام موسی صدر با ارائه معانی و مفاهیمی غلوآمیز که ممکن است با حقیقت قرآن همخوانی نداشته باشد، نیز مخالف بود و این گونه دیدگاه‌های اغراق‌آمیز را نزدیک به خرافه و اسطوره می‌دانست؛ ایشان نه تنها در تفسیر قرآن با این پدیده مبارزه کرد، بلکه در سرتاسر اندیشه اسلامی خویش به مبارزه با این اعتقادات پرداخت.

وی در مورد استفاده امام موسی صدر از نهج البلاغه و به کارگیری آن در تفسیر گفت: امام موسی صدر استعداد خاصی در فهم متن نهج البلاغه داشت که این امر در مطالعات تفسیری ایشان نمایان است، در واقع این نزدیکی تفسیر امام صدر به متن نهج البلاغه نشان‌دهنده این نکته است که متونی که امام موسی صدر با تکیه بر اندیشه خود به عنوان تفسیر قرآن نوشتند، ریشه‌ای در نهج البلاغه و متون به‌جا مانده از امام علی (ع) و ائمه اطهار (ع) داشت.

علامه محمدحسن الامین به دیدگاه امام موسی صدر در باب حروف مقطعه قرآن اشاره کرد و گفت: دیدگاه امام صدر در این مورد به دیدگاه مفسران دیگر شباهت بسیار زیادی دارد؛ ایشان اعتقاد داشتند که این حروف که به صورت مقطع در ابتدای برخی سوره‌ها آمده‌اند، حروفی هستند که همواره وجود دارند و ما همه

وی در ادامه در مورد مقبولیت کاربرد قرآن کریم در هر زمان و مکانی از دیدگاه امام موسی صدر گفت: مرحوم صدر قابلیت تفسیر قرآن را کاملاً طبیعی و در راستای جاودانگی آن می‌دانست، زیرا قرآن کتاب مقدس جاودانه‌ای است که برای یک نسل خاص نازل نشده، بلکه خطاب به معاصران است؛ همانطور که خطاب به نسل‌های گذشته بوده و خطاب به نسل‌های آینده نیز هست.

وی در پایان این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: من همواره معتقد به این امر هستم که بدون داشتن شناختی مبتنی بر شیوه تفسیری، امکان فهم درست و حقیقی قرآن کریم وجود ندارد و در حقیقت، شیوه تفسیری امام موسی صدر بخشی از دیدگاه اجتهادی - عقلی ایشان بود و هر تفسیری نیاز به میزانی از اجتهاد دارد.

گفتنی است، علامه محمدحسن بن علی مهدی الامین متولد سال ۱۹۶۴ میلادی در شهر «شقره» در جنوب لبنان است که در نجف اشرف تحصیلات دینی خود را به پایان رساند. وی در مبارزه با اشغالگری اسرائیل، سال‌ها به جهاد و مقاومت مشغول بوده است. همچنین وی یکی از مؤسسان تجمع علمای مسلمان جبل عامل در جنوب لبنان است و اکنون به عنوان نویسنده، اندیشمند اسلامی، قاضی و مشاور دادگاه عالی لبنان فعالیت می‌کند.

روزه آن‌ها را به کار می‌گیریم، اما خداوند متعال با قدرت بیکران خویش این آیات را به گونه‌ای اعجاز‌آمیز ساخته است؛ مثلاً «الف» «لام» و «میم» سه حرفی هستند که هیچ معنی و مفهوم ذاتی ندارند و ما همیشه آن‌ها را به کار می‌بریم، اما در قرآن کریم این حروف به گونه‌ای در کنار هم قرار گرفته و یک معجزه را شکل داده‌اند که بشر به هیچ وجه توان آن را ندارد که آن‌ها را این گونه به کار گیرد و متنی همانند متن قرآن را به وجود بیاورد.

وی در ادامه، امام موسی صدر را دارای مکتب تفسیری مستقلی دانست و تصریح کرد: امام موسی صدر در مطالعات تفسیری خود بیشتر بر آیات قرآن کریم تکیه می‌کرد و در این شیوه، متن قرآن را به عنوان یک متن کامل و مرتبط با هم که قدرت تفسیر خود را دارد، در نظر گرفت و در حقیقت، توجه ایشان به مفهوم آیات واقعاً کم نظیر بود، به طوری که خواننده با خواندن تفسیر امام صدر به شیوه ایشان در تفسیر قرآن پی می‌برد.

الامین خاطر نشان کرد: امام موسی صدر در باره بسیاری از موضوعات قرآنی به سخنرانی پرداخته و نظرات خویش را درباره آیات و مفاهیم قرآن کریم ابراز کردند، اما در واقع ایشان هیچ وقت تفسیری جداگانه تألیف نکردند و اگر کتاب تفسیری مستقلی تألیف می‌کرد، مطمئناً آن تفسیر منحصر به فرد و دارای ویژگی‌های خاصی بود.

امام موسی صدر آموزه‌های قرآن را متناسب با درک مخاطب بیان می‌کرد



امام موسی صدر در مطالعات تفسیری خود ابتکارات زیادی داشته و اسلوب تفسیری ایشان، واقع‌گرایانه و فصیح و در عین حال واضح، ساده و جذاب است؛ ایشان مفاهیم و آموزه‌های کلام وحی را متناسب با درک و فهم مخاطب بیان می‌کرد.



«سامی مکارم»، پژوهشگر و نویسنده کشور لبنان و استاد علوم اسلامی، فلسفه و عرفان دانشگاه آمریکایی بیروت است که تاکنون کتاب‌ها و مقالات زیادی در حوزه فلسفه، ادبیات، عرفان، علوم و اندیشه اسلامی نوشته و در همایش‌های بین‌المللی زیادی با موضوعات مختلف اسلامی شرکت کرده است.

وی با بیان این مطلب گفت: امام موسی صدر در روش تفسیری خود ابتکارات زیادی داشته و اسلوب تفسیری ایشان، واقع‌گرایانه و فصیح و در عین حال واضح، ساده و جذاب است، به نحوی که دل‌های مشتاق به تفسیر را شیفته خود می‌کند و این خود نوعی قرابت به چارچوب صحیح تفسیر است؛ تفسیر صحیحی که از

حقیقت پرده برمی‌دارد و آن را به قدر فهم و درک مخاطب عرضه می‌کرد.

وی افزود: امام موسی صدر در مطالعات تفسیری خود، مفاهیم و آموزه‌های قرآن کریم را به اندازه درک و فهم مردم بیان می‌کند و این شیوه صحیح و درست یک تفسیر است که مفسر بتواند به بهترین وجه آنچه را که مردم قادر به درک و فهم آن هستند، در اختیار آن‌ها قرار بدهد و در عین حال مخاطب را به بهترین شکل با آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی آشنا کند.

سامی مکارم تصریح کرد: امام موسی صدر بر این باور بود که گسترش ترجمه قرآن کریم به زبان‌های مختلف سبب می‌شود که فهم و درک معانی آن نیز گسترش یابد، ایشان درک و فهم قرآن کریم را برای عموم جایز و هدف اصلی از تفسیر را دستیابی به حقیقت عملی نافع برای عموم دانسته است.

وی در پاسخ به این پرسش که «آیا می‌توان گفت که امام موسی صدر دارای روش تفسیری منحصر به فرد است؟» گفت: مطالعات قرآنی امام موسی صدر دارای روش تفسیری واضح و واقع‌گرایانه است و وی با تیزهوشی و استعداد

درخشان و همچنین، ایمان عمیقی که به قرآن کریم و تأویل آن (تأویل به شکل صحیح) داشت، توانست تفسیری متمایز و در عین حال فصیح و به روشی ساده و جذاب ارائه دهد.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: روش تفسیری امام موسی صدر بر حقیقت قرآن کریم که از طریق آن شخص می‌تواند اجتهاد بکند، تمرکز دارد، به طوری که ایشان، در مطالعات تفسیری خود اصول و مبانی اسلامی را مدنظر قرار می‌داد.

سامی مکارم در پاسخ به پرسش اینکنا مبنی بر این که «آیا امام موسی صدر در تبیین مباحث تفسیری خود از کتاب نهج البلاغه استفاده کرده است؟» گفت: طبعاً امام موسی صدر نیز همانند دیگر مجتهدان و علمای برجسته مسلمان، از کتاب نهج البلاغه در زمینه‌های مختلف از جمله مطالعات تفسیری خود استفاده کرده؛ چرا که هر مفسری برای تبیین مفاهیم و آموزه‌های قرآن کریم نیازمند بهره‌گیری از دریای پهناور نهج البلاغه است.

وی در پایان این گفت‌وگو، با اشاره به این که امام موسی صدر در مطالعات تفسیری خود، تفسیر قرآن به قرآن را تأیید می‌کند، اظهار کرد: امام موسی صدر معتقد بود که هیچ تفسیری بدون بهره‌گرفتن از آیات قرآن کریم وجود ندارد و مفسر در این روش باید با علم و آگاهی در آیات قرآن کریم تدبیر کند و در حقیقت، تفسیر قرآن به قرآن یک روش صحیحی است که امام موسی صدر در مطالعات تفسیری خود از آن پیروی کرد.



امام موسی صدر قائل به توقیفی بودن ترتیب سوره‌های قرآن است

امام موسی صدر در تفسیر بر توقیفی بودن ترتیب سوره‌های قرآن تأکید دارد و معتقد است که نظام فعلی سوره‌ها به همان صورتی است که پیامبر اکرم (ص) دستور داده؛ چراکه الفاظ و معنای قرآن، هر دو وحی الهی است.



محمدرضا شاهرودی، عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، با بیان این مطلب گفت: امام موسی صدر در تشریح دیدگاه‌های خود در مورد قرآن کریم همواره بر این نکته تأکید می‌کند که قرآن «کلام‌الله» بآلفاظه و معنیه است؛ یعنی لفظ و معنا را وحی شده می‌داند و همواره بر اجتهادی و ترتیبی بودن سوره‌ها تأکید دارد. به باور امام موسی صدر، یکی از اسرار و علل خلود قرآن و جاودانگی اسلام برخلاف سایر ادیان، توقیفی بودن لفظ، معنا و ترتیب سوره‌ها و آیات در کلام‌الله مجید است؛ به عقیده وی، همه این موارد توقیفی هستند.

این استاد دانشگاه در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به تکامل تفسیری قرآن عنوان کرد: امام موسی صدر بر این باور است که تفسیر قرآن همچنان رو به تکامل است؛ وی در تشریح این موضوع می‌گوید که چون قرآن کریم کلام عادی بشری نیست و از ناحیه خداوندی است، وجودی منبسط و لایتناهی دارد؛ بنابراین پیام او برخلاف پیام بشر عادی در هر سطحی که باشد، قابل درک متکامل است و با پیشرفت علوم و شناخت بیشتر بشر، قرآن کریم قابل فهم‌تر می‌شود.

وی همچنین به نقش علم «هرمنوتیک» در آثار امام موسی صدر اشاره و اظهار کرد: امام موسی صدر بدون اینکه به دانش هرمنوتیک اشاره کند، در تفسیر سوره‌های قرآن و آثار خود به آن توجه نشان می‌دهد و در فهم آیات قرآن از آن بهره می‌گیرد؛ وی در جایی می‌گوید «فهم از هر کلامی

روز برای تفسیر آیات الهی استفاده کرده است؛ همچنین وی به مسئله شناخت فرهنگ، تاریخ و جغرافیای عرب در زمان پیامبر (ص) نیز تأکید دارد و شناخت زمینه‌های فکری و اجتماعی اعراب در دو فضای مکه و مدینه را برای تفسیر قرآن مهم می‌داند؛ در حقیقت امام موسی صدر توجه دقیق به علوم قرآنی داشت که اکنون به عنوان رشته دانشگاهی مطرح شده است.

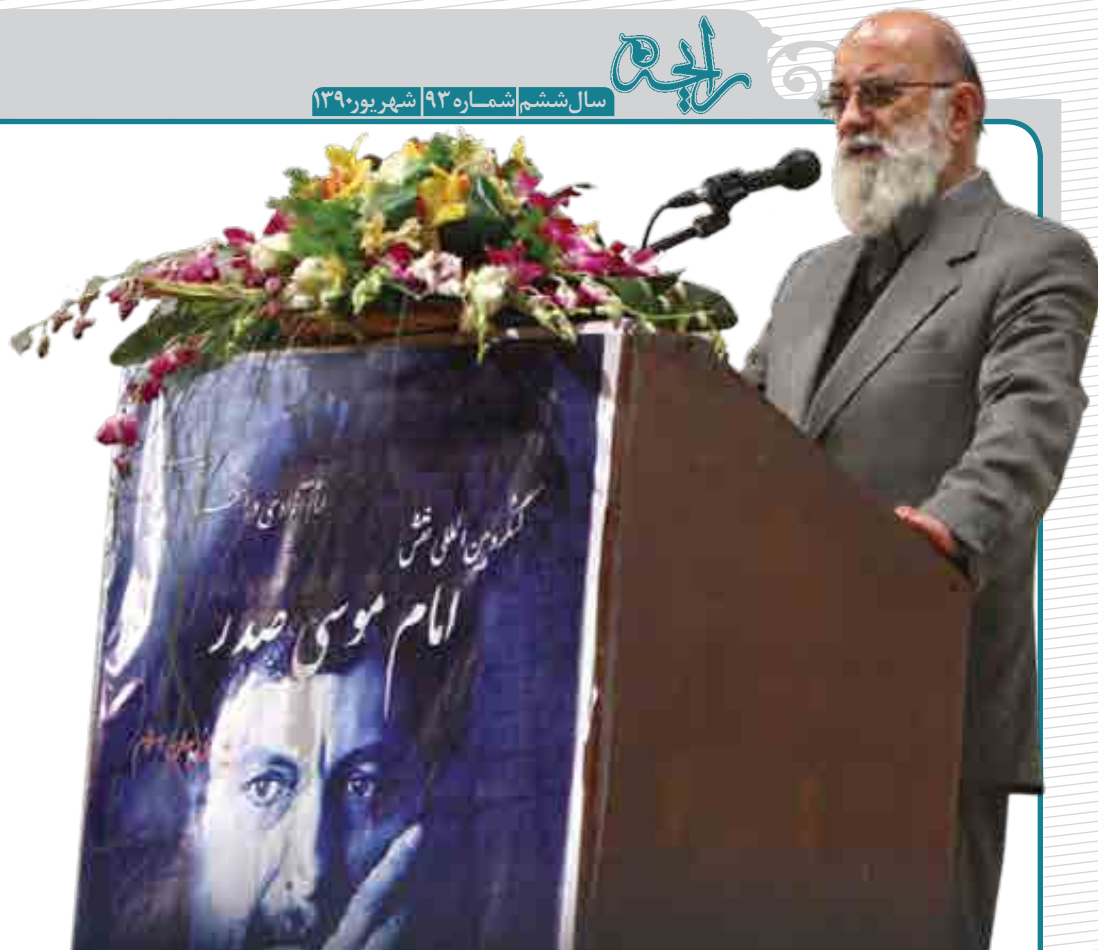
محمدرضا شاهرودی در ادامه، نظر امام موسی صدر درباره سوگندهای قرآن را مورد بحث قرار داد و تصریح کرد: به گفته امام موسی صدر هدف قسم‌های قرآن نه تأکید روی «مقسم‌علیه» بلکه توجه دادن به خود «مقسم‌به» و آیات قرآن کریم است.

وی در پایان سخنانش توضیح داد: بی‌تردید امام موسی صدر از مجتهدان مسلم زمان خود است؛ به اعتقاد من، ایشان را می‌شود از بزرگ‌ترین قرآن‌شناسان عصر حاضر دانست؛ اگرچه تفسیر به جای مانده از وی بسیار اندک است.

مبتنی بر دو شرط است: التزام به دلالت الفاظ و توجه به سطح کلام گوینده».

این استاد دانشگاه در ادامه سخنانش تفاوت میان مکتب عقلی امام موسی صدر با روش برخی دیگر از مفسران را مورد بحث قرار داد و خاطر نشان کرد: در کنار مکتب عقلی و اجتهادی امام موسی صدر، مکتب عقلی دیگری نیز در تفسیر وجود دارد؛ برای مثال وی در تفسیر کلمه «طیر» در سوره «فیل» می‌گوید که برخی معتقدند این کلمه را می‌توان به «میکروب» تفسیر کرد، اولین باری که بیماری و با در جزیره عرب دیده شد، همان زمانی بود که سپاهیان ابرهه به گفته قرآن، توسط «طیر»ها زمین‌گیر شدند؛ ولی امام موسی صدر این تفسیر عقلی را رد می‌کند و بر این باور است که ما باید برای تفسیر کلمه «طیر» از همان معنایی بهره بگیریم که عرب‌های زمان پیامبر (ص) در ذهن داشتند.

وی اضافه کرد: حتی اخباریون شیعه معتقدند که اگر برای یک آیه، روایتی مرتبط پیدا نشود، نباید آن آیه را تفسیر کرد. این در حالی است که امام موسی صدر از تمام روایات، آیات قرآن و علم



امام موسی صدر دست امام خمینی (ره) در کشورهای عربی بود

ایران اسلامی گفت: مسئله امام موسی صدر و گره خوردن آن با جنایت و خیانت قذافی، مسئله‌ای است که برای همه آشکار است و اگر ۳۲ سال پیش با دروغ‌گوئی‌ها، فریب‌ها و نیرنگ‌ها سعی می‌شد که به گونه‌ای مسئله را بپوشانند، امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست.

وی افزود: درست به خاطر می‌آورم ۳۲ سال پیش را که در منزل مرحوم آیت‌الله طالقانی بودیم - که دیروز هم صدمین سال تولد ایشان بود - ایشان به شهید دکتر چمران علاقه زیادی داشتند؛ دعوت کرده بودند از شهید چمران در مراسمی که کاردار سفارت لیبی هم حضور داشت، نماینده لیبی گفت که ما مسلمانیم، با هم برادریم و چرا باید به خاطر یک مسئله کوچک روابط ما روابط خوبی نباشد. شهید چمران هم سخنرانی مختصری کرد و کاردار سفارت لیبی برآشفتم. چیزی که می‌خواهم اشاره کنم، تاریخ نیست بلکه این مسئله بود که او آمد و دست دکتر چمران را گرفت و خود شاهد بودم که گفت «چقدر پول می‌خواهید؟ هر چقدر پول می‌خواهید به شما می‌دهم که دست از امام موسی صدر و این مسئله بردارید».

رئیس شورای اسلامی شهر تهران ادامه داد: این سیاستی بود که قذافی دنبال می‌کرد و با پول یا زور می‌خواست مشکل خود را حل کند؛ نیروهایی می‌فرستاد تا مخالفان خود را در کشورهای مختلف ترور کنند و حتی در جریان

امام موسی صدر با تمام عادات، رسوم و زندگی عرب‌ها به خوبی آشنا بود و می‌توانست به خوبی انقلاب ایران را در این کشورها توسعه دهد، بنابراین به عنوان دست امام شناخته می‌شد؛ لذا ابر قدرت‌ها و حتی روسیه کمونیستی آن روز بدشان نمی‌آمد و شاید هم توطئه خودشان بود که این دست قطع شود.

در کشورهای عربی بسیار ذی نفوذ بودند، چه شد؛ از همان زمان هم به خاطر انحراف اذهان از این موضوع، شایعه‌ها و خبرهای ضد و نقیضی درباره وضعیت امام موسی صدر منتشر می‌شد.

چمران همچنین با ابراز امیدواری نسبت به برگزاری نشست مطبوعاتی در روز بازگشت امام موسی صدر به دامان کشورهای اسلامی به ویژه شیعیان لبنان و

مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران، در نشست خبری سیزدهمین همایش «شرح فراق» در مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر ضمن بیان این مطلب گفت: نه تنها ما بر این اعتقادیم بلکه رسانه‌های غربی هم در آن زمان بر این نکته اذعان داشتند؛ بنابراین دیدیم سرنوشت امام موسی صدر در لبنان و شهید سیدمحمدباقر صدر در عراق که

قذافی ۴۲ سال بدون هیچ گونه انتخاباتی بر کشور لیبی حکومت کرده و به قول خود در شهرهای مختلف کمیته‌های انقلاب درست کرده که این کمیته‌ها هم انتخاب خودشان بود به نام «لجنات الثوریة» که آن‌ها نشست تشکیل می‌دادند

که می‌توانند به عنوان یک کشور اسلامی به قول و وعده او اطمینان داشته باشند، اما می‌بینیم همه جا خلف وعده کرد و اصولاً پایبند به هیچ چیز نیست و امروز هم ملت به پاخاسته لیبی را با چه وحشی‌گری به خاک و خون می‌کشد، به گونه‌ای که حتی آمریکا و انگلیس و غرب نیز جرئت نمی‌کنند از او حمایت کنند تا لااقل منافع خود را در لیبی حفظ کنند.

وی همچنین درباره دادگاه اخیری که در لبنان برگزار شد، سخن گفت و یادآور شد: دادگاه بین‌المللی برای جنایات قذافی قرار است تشکیل شود و باید هم از سوی لبنان و هم از سوی ایران، درباره پرونده امام موسی صدر به عنوان یکی از جنایات قذافی به این دادگاه طرح شکایت شود.

چمران در پایان تأکید کرد: امیدواریم انقلاب اسلامی مردم لیبی - ان شاء الله هم انقلابشان اسلامی باشد - به پیروزی برسد و امام موسی صدر، شخصیت الهی، روحانی، ربانی، فلسفی و سیاسی و مرد نمونه‌ای که در لبنان توانست یک جنبش بزرگی را ایجاد کند که ما امروز از نتایج آن بهره می‌بریم، از زندان‌های قذافی نجات پیدا کند و انشاء الله به دامان ملت‌های اسلامی باز گردد. اکنون در شرایط بحرانی و خاصی هستیم و امیدواریم در این شرایط کشور لیبی امام موسی صدر به دست انقلابیون آزاد شود و از خدای بزرگ هم می‌خواهیم که جان او را حفظ کند.

فارسی ترجمه شود به ضرر قذافی و علیه او خواهد شد، به همین دلیل درست ترجمه نکردند. متن عربی این کتاب حاوی مطالب وحشتناک تری است که مردم لیبی را ۴۲ سال مجبور کرده به عنوان یک قانون اساسی از آن پیروی کنند.

وی خاطر نشان کرد: قذافی ۴۲ سال بدون هیچ گونه انتخاباتی بر کشور لیبی حکومت کرده و به قول خود در شهرهای مختلف کمیته‌های انقلاب درست کرده که این کمیته‌ها هم انتخاب خودشان بود به نام «لجنات الثوریة» که آن‌ها نشست تشکیل می‌دادند و قذافی را به عنوان رهبر انتخاب می‌کردند و این انتخابات خیلی خیلی آزادی (!) می‌شد که در این ۴۲ سال در لیبی انجام می‌داده و بر همه منافع و منابع لیبی حاکم بوده؛ قراردادهای محرمانه بسیار زیادی با غرب دارد و من دقیقاً به خاطر دارم از ابتدا شهید چمران می‌گفت هم قذافی و هم صدام هر دو نوکر آمریکا هستند و این چپ‌گرایی آن‌ها مصلحتی است و دیدیم حرکت‌ها و مخالفت‌های قذافی را در شورای امنیت سازمان ملل با مسئله هسته‌ای ایران و بدهی‌هایی هم که فکر می‌کنم اکنون به دولت ایران داشته باشد.

رئیس شورای اسلامی شهر تهران گفت: متأسفانه برخی از مسئولان ما آنچنان که می‌بایست قذافی را شناختند و تحت تأثیر او قرار می‌گرفتند و فکر می‌کردند

ربودن یا زندانی کردن امام موسی صدر نیز پسر قذافی پیشنهاد رشوه داده بود.

وی افزود: امروز جنایات دولت قذافی را علیه ملت مسلمان لیبی که گفته می‌شود یک ششم جمعیت آن حافظ قرآن هستند. شاهدیم؛ اگر ۳۲ سال پیش این مسائل را بازگو می‌کردیم - به ویژه شهید چمران بارها این‌ها را مطرح می‌کرد - حتی مسئولان دولتی به سختی می‌پذیرفتند ولی امروز همه دنیا آشکارا درباره موضوع قذافی و ربودن امام موسی صدر صحبت می‌کنند.

چمران یادآور شد: امام موسی صدر به دعوت رسمی دولت لیبی برای شرکت در جشن‌های به اصطلاح استقلال لیبی به این کشور رفت. هر ساله تعداد زیادی از کشورهای دیگر هم برای این مراسم دعوت می‌شدند. امام موسی صدر چهار روز در لیبی بود تا روز چهارم دعوت شد که طبق قرار به ملاقات قذافی برود؛ ساعت ۱۴ در مقابل هتلی که اقامت داشتند، دیده می‌شود که سوار اتومبیل‌های دولتی و ویژه تشریفات قذافی می‌شود و از هتل با دو تن دیگر از همراهانش به دیدار قذافی می‌روند و دیگر از آن‌ها خبری نمی‌شود؛ حدود ساعت ۱۶، یکی از همراهان امام موسی صدر تلفنی با سفیر لبنان در لیبی تماس می‌گیرد تا از وضعیت خود اطلاعاتی بدهد اما تلفن قطع می‌شود و متأسفانه دیگر از آن‌ها خبری نمی‌شود و از آن زمان اخبار دروغ و شایعه‌های مختلف منتشر می‌شود.

وی افزود: اعلام می‌کنند امام موسی صدر و همراهانشان به ایتالیا رفته‌اند؛ دولت ایتالیا هم اعلام می‌کند از مرز هوایی، زمینی و دریایی چنین شخصی با چنین مشخصاتی وارد ایتالیا نشده؛ سپس گذرنامه امام موسی صدر را - که معلوم بوده دستکاری شده - با عکس یک فرد لیبیایی در یکی از هتل‌های رُم می‌گذارند و بعد اعلام می‌کنند که او در این هتل بوده و از اینجا مفقود شده است؛ البته دلایل مفصلی وجود دارد که وکلایی که در این زمینه کار کرده‌اند این دلایل را اعلام کردند و محکومیت قذافی از همان ابتدا ثابت شد.

چمران تأکید کرد: آن زمان، قذافی در سلک یک سوسیالیست انقلابی وابسته به دنیای شرق آن روز بود؛ کتاب سبز داشت که البته این کتاب را در مقابل قرآن ارائه داده بود (!) که در فیلم‌ها شاهد بودیم که مردم چگونه کتاب سبز او را می‌سوزاندند؛ عقاید عجیبی در این کتاب اعلام کرده و اشتباهات بزرگی نسبت به اسلام در این کتاب هست؛ البته نسخه‌های فارسی این کتاب که تعدادی از ایادی او در تهران به فارسی ترجمه کردند، حذف و اضافات زیاد دارد؛ زیرا می‌دانستند این کتاب سبز اگر به



فصل سوم

نگرش اجتماعی امام موسی صدر



تفسیر امام موسی صدر از آیات قرآن تفسیری انسانی است

تفسیر منتخب امام موسی صدر از آیات قرآن با تأکید بر اخلاق و رفتار انسانی ارائه شده است و همواره وظایف انسان‌ها نسبت به یکدیگر را یادآور می‌شود؛ به همین دلیل می‌توان گفت ایشان تفسیری انسانی از قرآن کریم ارائه داده است.



ربابه صدر، خواهر امام موسی صدر و رئیس مؤسسه‌های خیریه، اجتماعی و انسانی امام موسی صدر در لبنان، با بیان اینکه تفسیر امام صدر از آیات کلام‌الله مجید، تفسیری انسانی به شمار می‌رود، گفت: تفسیری که وی برای قرآن کریم ارائه کرد، تفاوت زیادی با سایر تفاسیر دارد؛ تفسیر وی، تفسیری اجتماعی و انسانی است که بر رفتار و سلوک انسان تکیه می‌کند؛ برای مثال در تفسیر سوره مبارکه «ماعون»، امام موسی صدر تأکید می‌کند که کسانی که به فقیر، یتیم و مسکین توجه ندارند، نمی‌توانند ادعای انسانیت و مسلمانی داشته باشند.

وی ادامه داد: کسانی که تفسیر قرآن سیدموسی صدر را خوانده‌اند، متوجه تفاوت آن با تفاسیر دیگر شده‌اند. در تفسیر آیه شریفه ۲۶۲ سوره بقره (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...: کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند...)، امام موسی صدر بر این باور است که کسانی که انفاق می‌کنند، هم خودشان (الْمُنْفِقِ) بهره‌مندی‌کنند و هم طرف مقابل (الْمُنْفَقِ). به عقیده وی، این فایده‌ای دو جانبه است؛ چراکه اگر ما به انسان محتاج کمک نکنیم، افزایش فقر و احتیاجاتش به جایی می‌رسد که وجود وی

گروه‌های مختلف و پیروان ادیان اجازه داشتند برنامه‌های خود را اجرا کنند، اما شیعیان هیچ برنامه‌ای نداشتند. وقتی امام موسی صدر وضعیت شیعیان را بررسی کرد، متوجه شد که در عمل هیچ کاری برای شیعیان انجام نشده است. روز عاشورا تعطیل نبود و شیعیان در ماه مبارک رمضان برنامه دینی اجرا نمی‌کردند. در رادیوی دولتی لبنان هم فقط مسلمانان اهل سنت برنامه‌های ویژه‌ای داشتند و شیعیان از این برنامه‌ها محروم بودند.

رئیس مؤسسه‌های خیریه، اجتماعی و انسانی امام موسی صدر در لبنان ادامه داد: امام موسی صدر کوشش زیادی کرد تا توانست روز عاشورا را به عنوان روز

ضروری برای جامعه تلقی می‌شود و این ضرر برمی‌گردد به همه مردمی که در این جامعه هستند و در حق این فرد محتاج کوتاهی کرده‌اند. امام موسی صدر می‌گوید که اگر فقیری در یک شهر به دلیل اینکه کسی به وی انفاق نکرده است، حادثه‌ای برایش رخ دهد، برکت از این شهر می‌رود و خداوند غضب می‌کند؛ بنابراین در نظر امام صدر، پیشرفت جامعه منوط به انفاق است. خواهر امام موسی صدر با اشاره به وضعیت لبنان قبل و بعد از حضور سید موسی صدر اظهار کرد: وقتی امام موسی صدر وارد لبنان شد، وضعیت شیعیان این کشور اصلاً مناسب نبود و شیعیان فعالیت زیادی نداشتند. دولت لبنان مسیحی بود و

تعطیل اعلام کند و شیعیان بتوانند در مناسبت‌های دینی برنامه‌های ویژه‌ای اجرا کنند. همچنین، وی در رادیوی دولتی لبنان، در ماه رمضان، هر سحر، برنامه ویژه تفسیر قرآن کریم داشت و در خلال این تفسیر، مسائل مربوط به شیعیان را مطرح می‌کرد. در حال حاضر جلد نخست کتاب شامل این تفاسیر با عنوان «الدراسات للحیة» منتشر شده است.

خواهر امام موسی صدر همچنین به نقش سید موسی در معرفی بهتر تشیع به پیروان دیگر ادیان اشاره و عنوان کرد: امام موسی صدر از هر فرصتی استفاده می‌کرد تا شیعه را به دیگران معرفی کند. وی در این راه به قدری تلاش کرد که پس از مدتی روابط پیروان ادیان دیگر با شیعیان بهتر شد؛ چراکه دیگران عقاید شیعه را شناختند. در همین راستا بود که از وی دعوت شد تا در کلیسای کبوشیین در زیر صلیب حضرت مسیح (ع) برای آغاز روزه مسیحی سخنرانی کند و وی در این مواعظ با سخنانی زیبا و جذاب، همه را تحت تأثیر قرار داد.

وی اضافه کرد: مسیحیانی هم بودند که با آشنایی با امام موسی صدر، پایان‌نامه‌های دانشگاهی خود را به بررسی مکتب تشیع اختصاص دادند. سید موسی انسانی کامل بود که همه چیز را برای ارتقای کمال انسانی در نظر می‌گرفت. انسان زمانی می‌تواند به مفهوم واقعی، انسان باشد که تمام صفاتی را که خداوند برای انسان بر شمرده داشته باشد و امام موسی صدر این خصوصیات را داشت.

ربابه صدر صبر و خوشرویی را از ویژگی‌های بارز امام موسی صدر دانست و تصریح کرد: چیزی که در شخصیت سید موسی برای من هم جالب و هم درس است، صبر و خوش اخلاقی و نوع برخورد وی با مردم بود. وی با شنیدن مشکلات مردم متأثر و با آنان در غم‌هایشان شریک می‌شد. سید موسی صدر سر

سفره همه مردم حضور می‌یافت، با آنان سخن می‌گفت و در این روابط به قدری صمیمی برخورد می‌کرد که صاحبخانه می‌پنداشت، امام موسی صدر فقط با وی چنین دوستی نزدیکی دارد.

رئیس مؤسسه‌های خیریه، اجتماعی و انسانی امام موسی صدر در لبنان در ادامه سخنانش به فعالیت‌های امام موسی صدر در جنوب لبنان اشاره و تأکید کرد: سید موسی صدر از زمان ورودش به خاک لبنان، سعی کرد تا توجه مردم و دولت لبنان به جنوب این کشور جلب شود. جنوب لبنان چون با اسرائیل هم‌مرز بود، به نوعی بخش فراموش شده به شمار می‌رفت و دولت نیز به این منطقه توجهی نمی‌کرد. امام موسی صدر توانست به مردم یاد بدهد که خواسته‌های خود را از دولت مطالبه کنند. وی همچنین در این منطقه مدرسه، درمانگاه و مراکز فرهنگی تأسیس و شیعیان ثروتمند خارج از لبنان را وادار کرد که برای اعضای فامیلشان در جنوب لبنان کمک ارسال کنند، مسجد و مدرسه بسازند و چاه آب بزنند.

ربابه صدر تشریح کرد: در حقیقت امام موسی صدر کارهایی را که وظیفه دولت بود و انجام نمی‌داد یا نمی‌توانست انجام دهد، با کمک ساکنان جنوب لبنان انجام داد. البته بعد از غیاب وی نیز تمام برنامه‌های وی یک به یک پیاده شد. برای مثال، وی مقاومت را تأسیس کرد. در زمان وی بخشی از این مقاومت توانسته بود با رژیم اسرائیل مقابله کند؛ اما پس از غیاب امام موسی صدر نیز مقاومت پیشرفت کرد و در جنگ رو در رو با رژیم صهیونیستی به پیروزی رسید.

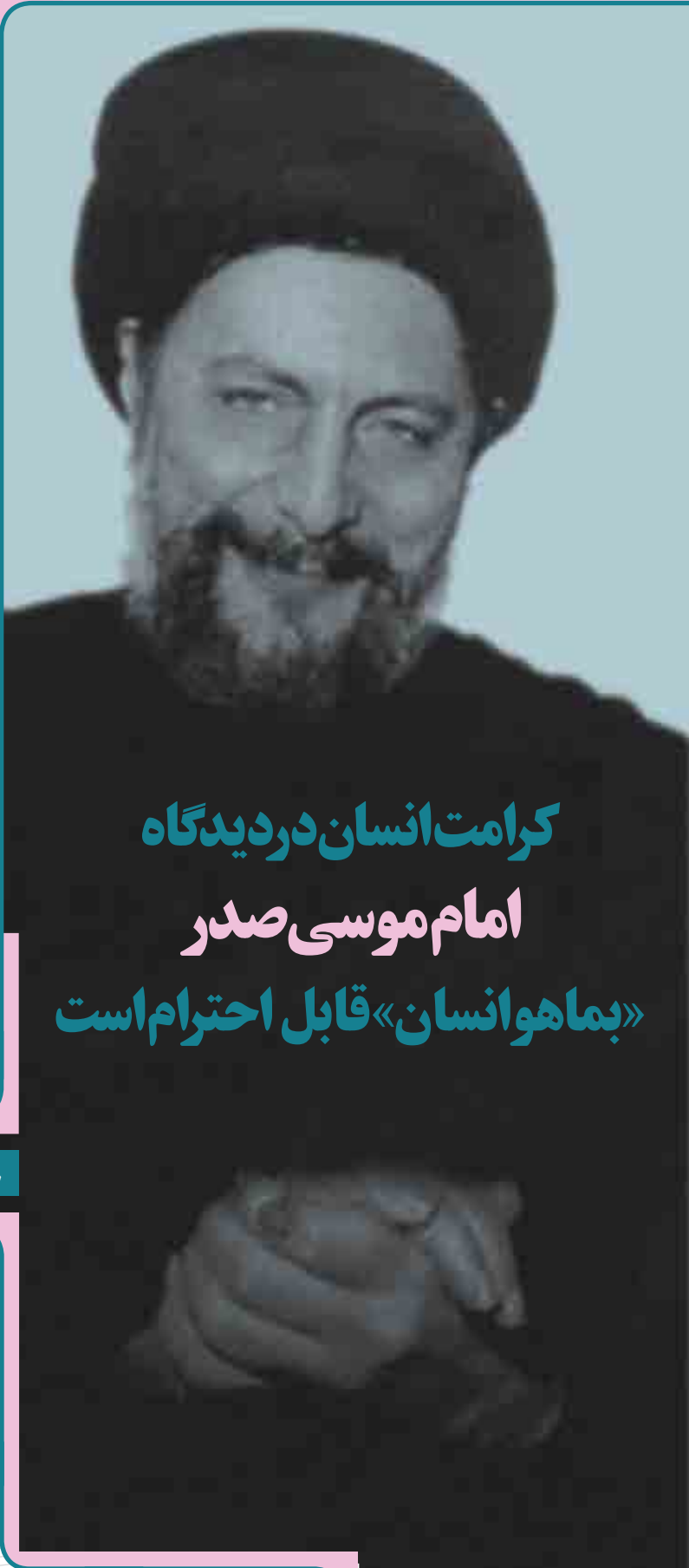
خواهر امام موسی صدر در پاسخ به سؤالی مبنی بر دلیل اصلی ریزش شدن امام صدر گفت: قذافی فقط به عنوان یک مأمور، یک دستور را پیاده کرد، یعنی تصمیم‌گیری از طرف وی نبود. این تصمیم از طرف دیگران و حتی ایران تحت سلطه شاه انجام گرفت. وجود امام

موسی صدر مزاحم کارهای دیگران بود؛ چراکه وی اجازه نمی‌داد بسیاری از کارهای نامناسب انجام شود. در خارج از لبنان، روابط وی با مسلمانان نیز برای دولت‌های عربی مشکل ایجاد کرده بود. وی معتقد بود که لبنان باید کشوری مقاوم باشد، در برابر اسرائیل ایستادگی کند و اگر ارتش به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد، مردم به ارتش کمک کنند و این اظهارات نیز زیاد خوشایند مقامات نبود.

رئیس مؤسسه‌های خیریه، اجتماعی و انسانی امام موسی صدر در لبنان ادامه داد: شاه ایران هم با امام موسی صدر به شدت مخالف بود. در واقع، طرح‌های امام صدر برای اصلاح جوامع، مناسب مسئولان وقت نبود و به همین دلیل، این مقامات تصمیم گرفتند به نوعی وی را از لبنان دور کنند. آنان می‌دانستند که اگر سید موسی صدر را در لبنان ترور کنند، هرج و مرج در کشور ایجاد می‌شود و این به صلاح نبود؛ پس بهترین مناسبتی که پیش آمد، دعوت رسمی لیبی از وی بود؛ قذافی نیز انسانی حسود بود و همه این عوامل باعث شد، تا وی ریزش شود.

ربابه صدر رابطه میان امام موسی صدر و امام خمینی (ره) را بسیار خوب دانست و اظهار کرد: نمی‌توانم بگویم که اگر امام صدر امروز در جامعه ایران حضور داشت، چه اتفاقی می‌افتاد؛ اما لاقلاً می‌دانیم که اگر امروز حضور داشت، بسیاری از مشکلات و اشتباهات روی نمی‌داد. رابطه امام موسی صدر و امام خمینی (ره) بسیار نزدیک بود و به واسطه تلاش‌های امام صدر بود که پاپ برای آزادی امام خمینی (ره) در ترکیه کوشش کرد. امام (ره) از ترکیه آزاد شد و به عراق رفت؛ خود امام خمینی (ره) در این باره فرمودند «اگر امام موسی صدر در لبنان بود، من از عراق به لبنان می‌رفتم و به فرانسه نمی‌رفتم.»

وی در پایان سخنانش تأکید کرد: چمدان‌ها و کیف‌هایی که امام موسی صدر در سفر لیبی همراه داشت، پس از ریزش شدنش به ایتالیا ارسال شد. در محکمه ایتالیا حضور داشتیم، کیف‌ها را باز می‌کردند و من محتویات را توضیح می‌دادم و مترجم ترجمه می‌کرد. برگه‌های داخل کیف‌ها، همه نامه‌هایی بود که بین امام خمینی (ره) و امام موسی صدر رد و بدل شده بود و حتی خود من نمی‌دانستم که روابط آنان تا این حد بود، امام موسی صدر مسئولیت آموزش گروه‌های اعزامی از ایران را بر عهده داشت و تمام سران اول انقلاب همگی در لبنان با موافقت امام خمینی (ره) زیر نظر امام موسی صدر آموزش دیده بودند.



کرامت انسان در دیدگاه امام موسی صدر «بما هو انسان» قابل احترام است

انسان در دیدگاه امام موسی صدر «بما هو انسان» مقدس است؛ وی با تکیه بر تعاریف قرآنی اظهار می‌کند که کرامت انسان پیش از پذیرفتن هر دین، نژاد و یا زبانی قابل احترام است.



مهدی فیروزان، خواهرزاده و داماد امام موسی صدر و مدیر عامل شهر کتاب، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآن ایران (ایکنا) با بیان اینکه امام موسی صدر با تکیه بر آیات قرآن، انسان را قبل از پذیرش هر دین، طبقه، زبان و نژادی، مقدس می‌شمارد، گفت: انسان در دیدگاه امام موسی صدر «بما هو انسان» مقدس است و وی با تکیه بر تعاریف قرآنی اظهار می‌کند که کرامت انسان پیش از پذیرفتن هر دین و یا زبانی قابل احترام است.

وی افزود: امام صدر معتقد است که ادیان در خدمت انسان هستند و نه انسان در خدمت ادیان. اگر انسان را مرکزی‌ترین موجود آفرینش در دیدگاه امام موسی صدر بدانیم، طبیعتاً همه احکامی که این عالم شیعی درباره انسان صادر می‌کند، غیر از چیزی است که دیگران می‌بینند. به همین دلیل زمانی که اکثر حوزه‌های علمیه بر سر این موضوع بحث داشتند که اهل کتاب پاکند یا پاک نیستند، امام موسی صدر اعتقاد داشت که آنان پاکند؛ چرا که از دیدگاه قرآنی، انسان را قبل از انتخاب دین، پاک می‌دانست.

فیروزان توضیح داد: امام موسی صدر وقتی می‌گوید که ادیان در خدمت انسانند، پس حکم اقتصادی هم که برای همین انسان صادر می‌کند، در ابتدا خود انسان را مورد توجه قرار می‌دهد. در میان ارزش‌هایی که اقتصاد برای سرمایه، نیروی کار و ابزار کار تعیین می‌کند، امام صدر سهم بیشتر را به انسان می‌دهد، یعنی انسان را بیشترین ارزش می‌بیند و کمترین خسارت را برای وی قائل می‌شود. در دیدگاه اجتماعی نیز امام موسی صدر بر این اعتقاد است که انسان تا زمانی که به سطح قابل قبولی از معیشت نرسیده باشد؛ قابلیت پذیرش حقایق و عمل به آن را پیدا نمی‌کند، پس در ابتدا باید تلاش کنیم مشکلات اقتصادی انسان را به عنوان یک مصلح دینی حل کنیم.

خواهرزاده امام صدر در بخش دیگری از سخنانش تصریح کرد: به گفته امام صدر، اول باید شرایط اقتصادی را برای مسلمین فراهم کنیم و سپس متوقع باشیم که آنان احکام اسلامی و مناسک عمومی اسلام را به جای بیاورند. توجه کنید که دو نوع دیدگاه در این زمینه وجود دارد؛ دیدگاهی که می‌گوید انسان در هر شرایطی محکوم است به انجام همه مناسک دینی و چنین دیدگاهی در تاریخ همه ادیان

وجود دارد. در طرف دیگر دیدگاه امام صدر است که می‌گوید، اولین اقدام و وظیفه وی در جامعه، بهبود وضعیت معیشتی مردم است و سپس کار دینی؛ یعنی این که امام موسی صدر توسعه معیشتی مردم را امری دینی می‌داند و نه فارغ از دین.

وی اضافه کرد: همین نگاه که «آیا تعریف از عمل دینی این است که مردم را تشویق به انجام عبادات کنیم یا تشویق به رسیدن به اهداف و غایت دین؟»، برای امام صدر بسیار مهم است، یعنی این که آیا باید از مردمی که در فقر به سر می‌برند، ابتدا متوقع باشیم که به نماز و روزه بپردازند و ما خودمان را از توسعه اجتماعی و معیشتی فارغ بدانیم یا این که همین توسعه معیشتی هم نوعی کار دینی محسوب می‌شود. در واقع، امام صدر بین اعمالی که ظاهراً به عنوان عمل دینی در نظر گرفته نمی‌شوند و یا اعمالی که مناسک دینی هستند، تفاوتی نمی‌بیند. وی عمل خیر و صالح را همه چیزهایی می‌داند که در راستای حفظ کرامت انسانی هستند.

داماد امام موسی صدر به ضرورت رشد انسان در ابعاد اجتماعی از دیدگاه امام موسی صدر نیز اشاره و عنوان کرد: سید صدر معتقد است برای پاسداشت کرامت انسان، باید هم معرفت دینی و هم وضعیت زندگی انسان رشد کند. به گفته وی، ما نمی‌توانیم رشد را در یک شاخه ببینیم و از شاخه‌های دیگر غافل شویم. در حقیقت، اقتصاد و وضعیت معیشتی مردم در اندیشه امام موسی صدر ابزاری است برای رسیدن به این رشد دینی. از منظر این روحانی شیعه، انسان یک موجود یکپارچه و متعادل است. یعنی نمی‌توان گفت که غریزه انسان به قدری رشد کند که بر عقلانیت سایه بیندازد یا برعکس، انسان به اندازه‌ای ریاضت بکشد که از زندگی دنیوی بازماند. پس از دیدگاه امام صدر، اعتدال در رشد چه در شکل فردی و چه اجتماعی بسیار مهم و حیاتی است.

فیروزان ادامه داد: انسان مورد نظر امام

موسی صدر صاحب کرامت است، پس وقتی وی می‌خواهد در مورد فعالیت‌های اجتماعی انسان نظر بدهد، می‌گوید که آزادی انسان مهم‌ترین بخش زندگیش است و به همین دلیل اعتقاد دارد که محدود کردن انسان یعنی بدگمانی به انسان و بدگمانی به انسان یعنی بدگمانی به خداوند. یعنی مبانی فکری ایشان وقتی وارد تعریف انسان‌شناسی می‌شود، تعریف بسیار نوینی برای جامعه دینی امروز ارائه می‌دهد و احکام فقهی وی برای اعتدال انسان، تبدیل به گام‌هایی در جهت ارتقای انسان می‌شود.

خواهرزاده امام موسی صدر در ادامه سخنانش به دوران تحصیل سید موسی صدر در قم اشاره و اظهار کرد: دوران تحصیل امام موسی صدر در قم، دوران متنوعی است. وی در مکتب بزرگانی چون آیت‌الله محقق داماد، دروس فقهی را گذراند و در مبانی تفکری هم افتخار شاگردی علامه طباطبایی را داشت و با مشرب‌های عرفانی و فلسفی آشنایی پیدا کرد. البته ذوق و سلیقه ذهنی‌شان هم ملاصدرا بی است و در گفته‌ها و آثار امام موسی صدر، می‌توان اشتیاق وی به اندیشه ملاصدرا را مشاهده کرد. وی علاوه بر گذراندن دروس حوزوی در محضر اساتید بزرگ زمان خویش، وارد دانشگاه نیز شد و عالی‌ترین سطوح علمی را در رشته «حقوق در اقتصاد» دانشگاه تهران گذراند. پس

به نظر می‌رسد، امام صدر از علوم زمان خویش هم در حوزه علوم دینی و هم علوم دانشگاهی بیشترین استفاده را برده است. وی ادامه داد: در حوزه تفسیر نیز آنچه امام بیان کرده است، در کتابی با عنوان «برای زندگی» از مجموعه «در قلمرو اندیشه امام موسی صدر» منتشر شده است. این کتاب حاوی سلسله‌گفتارهای تفسیری امام موسی صدر است که طی برنامه‌های رادیو لبنان ایراد شده است. امام صدر در این برنامه‌های ده دقیقه‌ای بنا بر شرایط زمان آياتی از سوره‌های کوچک قرآن کریم

را انتخاب و به مدد احادیث و آیاتی از دیگر سوره‌های قرآن، تفسیر می‌کرد. زمانی که امام صدر وارد لبنان شد، در رادیو لبنان، تفسیر قرآن توسط اهل سنت انجام می‌شد و امام موسی صدر سعی کرد که دیدگاه تفسیری شیعی هم در رادیو لبنان مطرح شود.

مدیرعامل شهر کتاب در پایان سخنانش تأکید کرد: آثار امام صدر برای نسل کنونی گنجینه‌ای گرانبهاست، چرا که رویکرد امام موسی صدر در همه آثارش رویکردی انسانی است. در واقع، محوری‌ترین و اصلی‌ترین موضوع ذهنی و عملی امام صدر را موضوع انسان تشکیل می‌دهد و تفاوت امام صدر هم با بسیاری از فقها و علمای دینی در تفاوتی است که میان دیدگاه وی نسبت به انسان با دیدگاه آنان وجود دارد. در حقیقت تفسیری هم که امام صدر از قرآن کریم ارائه می‌دهد، تفسیری انسانی به شمار می‌رود.



تجربه امام موسی صدر در زمینه گفت‌وگوی بین‌ادیان؛ نیاز امروز جهان

مهدی فیروزان، با بیان این که امام موسی صدر حدود سی سال پیش در لبنان گفت‌وگوی بین‌ادیان را پایه‌ریزی کرد، گفت: امام موسی صدر در تعاملاتش با مردم لبنان به تمام ادیان توجه داشت. وی همه شهروندان را در تعیین سرنوشت کشور دخیل می‌دانست و به همین دلیل بود که در تشکیل هر مجموعه فرهنگی، اعضا را از مسلمانان شیعه و سنی، مسیحیان و درویش‌ها انتخاب می‌کرد.

وی افزود: لبنانی‌ها امام موسی صدر را بهتر از ما می‌شناسند؛ چرا که آنان در یک تجربه دائمی، همزیستی میان ادیان را تجربه کرده‌اند. در واقع، حرفی که امام موسی صدر سی سال پیش اظهار کرده است، امروز به درد جامعه ایران می‌خورد. ما وارد جامعه جهانی می‌شویم و تجربه لبنان و امام موسی صدر و دیدگاه‌های وی در ارتباط با انسان‌شناسی تجربه‌ای است که ما امروز به آن نیاز داریم.

فیروزان در بخش دیگری از سخنانش موضوع وحدت بین پیروان ادیان را از دیدگاه امام موسی صدر مورد بحث قرار داد و اظهار کرد: برخی اوقات چه اهل سنت و چه شیعه سر وحدت با یکدیگر نقش بازی می‌کنند. گاهی می‌گویند که وحدت، امروز استراتژیک است؛ یعنی هر کس اعتقادش را نگاه می‌دارد ولی باید با هم متحد شوند تا به هدف مشخصی دست پیدا کنند. این کار بدین مفهوم است که طرفین در عمل از اندیشه خود تنازل می‌کنند، با همدیگر راهی را می‌روند و زمانی که به هدف مورد نظر رسیدند، تازه مشاجرات برای استفاده از این هدف آغاز می‌شود. یعنی وحدت موقتی که داشتند در پایان این راه از دست می‌رود.

مدیر عامل شهر کتاب توضیح داد: اما نگاه امام موسی صدر درباره وحدت این گونه نیست؛ وی نه در تئوری و نه در عمل از اندیشه خود تنازل نمی کند؛ ولی به اعتقادات طرف مقابل نیز احترام می گذارد. به همین خاطر است که وی با تأکید بر وجود اعتقاد مشترک به توحید، نبوت و معاد، وحدت در شعائر را به مفتی لبنان پیشنهاد می دهد ولی مفتی لبنان شانه خالی می کند و نمی پذیرد. حتی امام موسی صدر می گوید «اگر جنگ های داخلی اجازه داده بود، از کشیش مسیحی می خواستم تا خطبه های نماز جمعه مسلمانان را بخواند».

خواهرزاده امام موسی صدر اضافه کرد: زمانی که وی در کلیسای کبوشیین سخن گفت، با اشاره به آیه «فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور/۳۶)، اظهار کرد که «من به یکی از خانه های خدا آمده ام». طبیعی است که آن موقع بسیاری از افراد وی را ملامت کردند که چرا اطلاق آیه قرآنی را برای یک کلیسای مسیحی به کار برده است، ولی وی بدون توجه به این ملامت ها، همزیستی مسالمت آمیز بین ادیان در لبنان را به زیبایی بنا نهاد.

مدیر عامل شهر کتاب ادامه داد: در حالی که دوستان همدرس ایشان در قم وی را سرزنش می کردند که چرا با مسیحیت در ارتباط است، وی در کلیساهای مسیحی سخنرانی می کرد و هر مجموعه اجتماعی را هم که راه می انداخت، در ترکیبش مسلمانان شیعه و سنی، مسیحیان و دروزی ها را شریک می دانست. وی می گفت که در سرنوشت لبنان همه ادیان حضور دارند و نمی توانم سرنوشت شیعه را بدون همراهی با سرنوشت دیگر ادیان توسعه بدهم. در ضمن به باور وی، افراد غیر شیعه در انسانیت خود با شیعه برابرند، شاید در ظاهر در اندیشه ها تفاوت داشته باشند.

فیروزان در پاسخ به سؤالی درباره اندیشه تفسیری امام موسی صدر به ذکر تاریخی کوتاه از تفسیر پرداخت و عنوان کرد: تفسیر قرآن کریم از زمان غیبت کبرای امام عصر (عج) آغاز می شود؛ زمانی که دست مسلمانان از دامن معصوم (ع) قطع می شود. در این دوره، حوزه سرزمینی اسلام هم وسیع تر شده است و مسلمانان سؤالاتی دارند و طبق دستور اسلام باید به قرآن مراجعه کنند، ولی فهم قرآن، فهم تخصصی است؛ پس مسلمانان برای استخراج حکم از قرآن نیازمند به تفسیر می شوند.

وی اضافه کرد: سال ها تفسیر قرآن بر اساس تفسیر قرآن به قرآن بود. بعدها در حوزه تفسیر شیعی احادیث هم وارد شدند و سیر تفسیری به ارجاع به آیات و احادیث رسید و

در پیشگاه خدا سخن می گویند، گویی این بخش از جهان یعنی زمین، جایی نفرین شده است. به همین دلیل تفکر اغلب مسلمانان این نیست که مرگ ادامه زندگی است؛ همه فکر می کنیم که مرگ دنیایی دیگر است در حالی که در تعبیر قرآنی، خداوند از مرگ با عنوان خلقت یاد می کند و می گوید که زندگی و مرگ را آفریدیم یعنی مرگ عدمی نیست. در فلسفه می گوئیم که نور همین است که می بینیم و تاریکی، عدم وجود نور است. در صورتی که مرگ از جنس عدم نیست و نبود حیات به مفهوم مرگ نیست بلکه مرگ دوره ای دیگر از زندگی است.

وی اضافه کرد: متفکران مسلمان، در یک دوره انسان را از انسانیت کنار گذاشتند و فقط به معارف دینی توجه کردند و برای زندگی دنیوی انسان راهمان نگذاشتند و از اینجا عقب ماندگی علمی ما شروع شد. همه کتب اخلاقی و پزشکی غرب از مسلمانان به امانت گرفته شده است. آنان این کتاب ها را ترجمه کردند و دنیای خوشان را ساختند. یعنی ما که با دنیا زندگی می کردیم و دنیا برای ما وجود مقدسی بود، توجه خودمان را فقط به سوی آخرت جلب کردیم.

فیروزان اظهار کرد: ولی تفسیر امام صدر بسیار انسانی است؛ یعنی دغدغه های امام موسی صدر را اگر ببینید، متوجه می شوید که به باور وی، قرآن نه برای عده ای ریاضت کش و یا اولیای الهی بلکه برای همه انسان ها نازل شده است. از منظر امام موسی صدر قرآن کریم برای رشد همه انسان ها نازل شده است و نه برای جغرافیای اسلام. در واقع، محوری ترین و اصلی ترین موضوع ذهنی و عملی امام موسی صدر را موضوع انسان تشکیل می دهد و تفاوت امام موسی صدر هم با بسیاری از فقها و علمای دینی در تفاوتی است که میان دیدگاه وی نسبت به انسان با دیدگاه آنان وجود دارد.

سال های متمادی هم این نوع تفسیر رواج داشت. سال ها بعد، تحولات اسلامی از حیث اقتصادی و اجتماعی این سؤالات را مطرح کرد که «متون متعلق به بیش از هزار سال پیش می تواند پاسخگوی نیازهای امروز بشر باشد یا نه؟». همچنین بعد از رنسانس، علوم مختلف مناطق تفکر دینی را کم کم اشغال می کرد و به همین دلیل گروهی از مسلمانان متفکر به این فکر افتادند که تفاسیری علمی از کلام الله مجید ارائه دهند، یعنی آیات را جست و جو کنند و با حقایق علمی جهان مطابقت دهند.

فیروزان ادامه داد: این تفاسیر علمی عمدتاً در مصر و شمال آفریقا صورت گرفت. در این بین، تفاسیر عرفانی هم وارد عرصه شدند و سپس به عصر ملاصدرا می رسیم که تفسیر به ترکیبی از عرفان و فلسفه، شهود و شریعت و شهود و علم می رسد. اما در قرن اخیر تفاسیر اخلاقی قرآن شروع شد و گسترش یافت. در این نوع تفاسیر قرآن به انسان نزدیک تر می شود. تا پیش از این در تفاسیر به زندگی روزمره انسان توجهی نمی شد. در تاریخ جهان اسلام وقتی متفکرین مسلمان از زندگی زمینی دور شدند و زندگی آسمانی را رجحان دادند، کم کم تفاسیر قرآن هم برای راهنمایی انسان به سوی آسمان پیش رفت و نه برای زندگی در روی زمین.

خواهرزاده امام موسی صدر با اشاره به علل عقب ماندگی علمی مسلمانان تأکید کرد: شاید اگر علل عقب ماندگی جهان اسلام را بررسی کنید به زمانی برمی گردید که زندگی و دنیا، ملامت و زندگی دنیوی، ملعون و طلسم شده در نظر گرفته می شود. در حقیقت بعد از کتاب «اخلاق ناصری» ما کتابی در باب زندگی بر روی زمین با معیارهای آسمانی نداریم و همه معتقدند که زندگی زمینی باید قربانی شود تا زندگی آسمانی رشد پیدا کند.

مدیر عامل شهر کتاب تصریح کرد: متفکرین اسلام در هفتصد سال گذشته بیشتر در بیان آخرت و رشد کمال انسان

تبیین ابعاد اجتماعی اسلام در تفسیر امام موسی صدر مشهود است



در تفسیر امام موسی صدر از برخی سوره‌های قرآن کریم، اهمیت و جایگاه اجتماع در اسلام و نیز تأکید بر این نکته که انسان موجودی اجتماعی است، کاملاً به چشم می‌خورد.



غلامرضا ذکیانی، دکترای فلسفه و حکمت اسلامی در گرایش منطق از دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، با بیان این مطلب به بررسی افکار اجتماعی امام موسی صدر پرداخت و گفت: بحث‌های تفسیری امام موسی صدر را به هیچ وجه جدا از شخصیت اجتماعی ایشان نمی‌دانم.

وی در ادامه با استناد به بخش‌هایی از کتاب «ادیان در خدمت انسان» به قلم امام موسی صدر، به بررسی بُعد اجتماعی اسلام از منظر ایشان پرداخت و گفت: امام موسی صدر، فرد را جزء حقیقی جامعه می‌داند که اعتباری نیست، جامعه هم اعتباری نیست و تأثیرپذیری انسان از جامعه نیاز به برهان ندارد؛ افراد بدون کنش و واکنش جامعه را تشکیل نمی‌دهند و بنیاد جامعه بر مبادله و تعامل افراد است. به باور ایشان، تفاوت در شایستگی‌ها و نیز محتاج بودن اهداف بشری به همیاری دیگران، از جمله عوامل پیدایش و شکل‌گیری جامعه است.



امام موسی صدر اسلام را تعمیق‌دهنده و تقدیس‌کننده جامعه می‌داند

ذکیانی با بیان جمله‌ای کلیدی از امام موسی صدر که

«مطمئن باشید دینی که می‌خواهد آخرت شما را بسازد، باید بیشتر و بهتر از آن دنیای شما را بشناسد»، گفت: به عقیده ایشان اسلام، گرایش به اجتماع را هم تعمیق می‌بخشد و هم تقدیس می‌کند. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی آیه «...وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤْتِ إِيَّكُمْ» (هر مالی را که انفاق کنید، آپاداش آن را به طور کامل به شما داده خواهد شد) (بقره/۲۷۲)، را از جمله آیات محبوب نزد امام موسی صدر دانست و تأکید کرد: ایشان در توضیح انفاق می‌گویند: «انفاق یعنی شما در جامعه هستی، در آمدتان از این جامعه است، اگر به پیشرفتی می‌رسید از این جامعه است، اگر به ثروت و مقامی علمی می‌رسید از این جامعه رسیده‌اید؛ بنابراین شما باید به این جامعه انفاق کنید.» مراتب انفاق را هم جانی، مالی و هم معنوی بر شمرده است. وی توضیح داد: امام موسی صدر با نگاهی قرآنی به جامعه اشاره می‌کند که در همه زمینه‌ها به دیگران انفاق کنید، زیرا به شما باز می‌گردد؛ هم مثبت و هم منفی. اگر انفاق کردید، اطرافیان شما هم رشد کرده و بدین ترتیب جامعه رشد می‌کند. اگر هم کمک نکنید، باز مستقیم یا غیرمستقیم

دامان شما را می‌گیرد. «جهاد» در تفسیر قرآنی امام موسی صدر مانع هلاکت کرامت فرد و جامعه می‌شود ذکیانی گفت: امام موسی صدر در تفسیر آیه ۱۹۵ سوره بقره، «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...» (و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت مینافکنید)، در پاسخ به کسانی که تفسیری مغرضانه از این آیه دارند و انفاق جان، یعنی جهاد در راه خدا، را برابر با هلاکت می‌دانند، می‌گویند که این چه برداشتی است؟! خداوند حکیم که این جمله را بلافاصله در همین آیه آورده، نمی‌دانسته که «القاء الی التهلکة» با انفاق در راه خدا منافات دارد؟ اگر آنجایی که لازم است جان را فدا کنی، این کار را انجام ندهی، جامعه و همه کسانی که شما با فداکاری خود می‌توانی آن‌ها را نجات دهی، در معرض هلاکت قرار می‌گیرند؛ امام موسی صدر معتقد است «جهاد مانع هلاکت کرامت فرد و جامعه می‌شود».

وی با تأکید بر بیان روزه در آثار امام موسی صدر به عنوان بُعد معنوی انفاق یادآور شد: از دیگر موارد تقدیس هویت جامعه از سوی اسلام، به زعم امام موسی صدر، ادای

سؤال‌ای که مطرح می‌شود، این است که آیا امام موسی صدر یک فرد استثنایی، عملگرا، مدیر و اهل کارهای اجتماعی بوده که چنین تأثیری گذاشته، یا یک پشتوانه تئوریک عقیدتی و قرآنی داشته است؟

ذکیانی ادامه داد: امام موسی صدر یک فرد اجتماعی بسیار عظیمی است و از سوی دیگر تفسیر نیز از خود بر جای گذاشته؛ وی در ساحت عمل طوری رفتار و برخورد کرده که کاملاً با ساحت تئوری او سازگار است.

امام موسی صدر یکی از امیدها برای نخستین رئیس جمهور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی همچنین در تشریح برخی ابعاد اجتماعی شخصیت امام موسی صدر، با استناد به آثاری همچون «عزت شیعیه» و «فریاد خاموشی» تأکید کرد: امام موسی صدر یکی از امیدهای ریاست جمهوری به عنوان نخستین رئیس جمهور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود و امام خمینی (ره) چندین بار این مطلب را فرموده بودند؛ حتی ایشان نزد افراد بزرگ انقلاب گزینه‌ای برای رهبری پس از امام (ره) بودند.

ذکیانی در بخش دیگری از سخنانش به بررسی وضعیت شیعیان پیش از ورود امام موسی صدر به لبنان پرداخت و گفت: فقط در بیروت ۱۶ هزار مرکز فساد بود که نود درصد زنان این مراکز، متعلق به شیعیان جنوب لبنان بودند و اصلاً به شیعیان شهروند در چه چهار اطلاق می‌شد؛ اما این مجموعه بعد از بیست سال و بلکه کم‌تر بعد از مدتی تبدیل می‌شوند به کسانی که تظاهرات راه می‌اندازند، مجلس اعلی تشکیل می‌دهند و نه تنها در لبنان که در منطقه و حتی امیدی می‌شوند برای جهان اسلام. این کارهای کمی از لحاظ اجتماعی نیست.

وی در مورد موضع‌گیری امام موسی صدر در مقابل رژیم صهیونیستی نیز یاد آور شد: رفتار امام موسی صدر نسبت به رژیم غاصب اسرائیل در جملات ایشان کاملاً مشهود است که اسرائیل را شرّ مطلق می‌داند. وی می‌گوید که حتی اگر اسرائیل با شیطان درگیر شود، من در کنار شیطان خواهم ایستاد(۱) و می‌توان گفت همه این موضع‌گیری‌ها مبنای معرفتی دارد.

ذکیانی ادامه داد: جنبش امل نیز یکی از مولودهای امام موسی صدر است، ایشان کاملاً معروف بودند که کارهای علمی و تئوریک و نیز امور مربوط به مجلس را انجام می‌دهند و سپس، انفجار معروف سبب شد که به طور رسمی، موجودیت جنبش امل را اعلام کرده و از ارائه آموزش‌های نظامی نیز خبر دهد و بدین ترتیب، جنبش امل پایه‌ریزی شد و «حزب‌الله» لبنان نیز مولود مشروع

علم و دین، وحی و تدین از یک سو و مسئله پیشرفت دنیا و مدرنیته از سوی دیگر یکی از مسائل جدی ما است؛ اکنون با مسائل علمی و اعتقادی مشکل داریم و باید برای آن راه حل پیدا کنیم. معتقدم یکی از کسانی که به راحتی و جدیت باید به افکار او در این زمینه مراجعه کنیم، امام موسی صدر است؛ زیرا در جایی که اصلاً دین، به‌ویژه مذهب تشیع، محل توجه نبود، وی وارد معرکه شد و حتی از عقاید دینی‌اش نیز کوتاه نیامد و به اوج مسائل سیاسی رسید تا جائی که «حافظ اسد»، «جمال عبدالناصر» و «ملک عبدالله» به دوستی با او افتخار می‌کردند.

ذکیانی گفت: او یک شیعه است آن‌هم در لبنان؛ تمام کشورهای منطقه مسائلشان با دیگر کشورها را با وساطت امام موسی صدر حل می‌کردند. ایشان می‌توانست برای رفع اختلافات، کنگره برگزار کند، در عین اینکه وی ضمناً مجتهد هم است؛ یعنی این فرد برداشتی از دین دارد که در ساحت اجتماع و سیاست توانسته این قدر تأثیرگذار باشد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی با بیان این مطلب گفت: ما هم امروز می‌توانیم برای مسائل دینی و علمی خودمان به آرای امام موسی صدر مراجعه کنیم؛ از جمله این که آیا اعتقاد به امام عصر (عج)، عاشورا و ولایت با دموکراسی مشکل دارد؟ آیا با پیشرفت علم و نظریات علمی - سیاسی مشکل دارد و اگر دارد، چگونه باید آن را حل کرد؟

وی خاطر نشان کرد: آثاری که امام موسی از نظر شخصیتی از خود بر جای گذاشته، در مدت بیست سالی که در لبنان بوده است، آن قدر کم نظیر و احياناً بی نظیر است که معمولاً صحبت‌ها متوجه آن بُعد امام است و پر بیراه هم نیست؛ وقتی کسی در لباس اجتهاد به چنین موقعیتی می‌رسد و چنین تأثیری می‌گذارد و از سوی مرجعیت هم حمایت می‌شود، رفتار و تأثیر اجتماعی او که در لبنان آن زمان گذاشت، تا امروز هم ما آثارش را می‌بینیم.

امانت است که از آن موجود مختار است. وقتی قرآن کریم می‌فرماید که امانت را به صاحبانشان بازگردانید و امام این امانت را متعلق به موجود مختار همچون انسان می‌داند و ثانیاً مربوط می‌شود به اخذ و عطا یعنی موجود مختار، باید بدانند چه چیزهایی در دستش امانت است که باید آن‌ها را به صاحبانشان بازگردانند. وقتی ببیند همه چیزهایی که دارد، به واسطه جامعه به او رسیده و همه در دستش امانت هستند و باید به دست جامعه برساند، اگر این کار را نکنند خیانت کرده و تأکید قرآن بر امانت و ادای امانت تأکیدی است بر جامعه و ارکان آن.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی در ادامه به شیوه تفسیری امام موسی صدر در بیان مباحث عقیدتی اشاره و اظهار کرد: آیه «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» ([کسی را] زاده و زاده نشده است)، یعنی خدا با هیچ کس نسبتی ندارد؛ یعنی همه غیر از خدا با هم مساویند و هیچ کس گزیده نیست. وقتی همه مساوی شدند، در آن صورت می‌توانیم با همدیگر هم فکری کنیم و تعامل بهتری داشته باشیم؛ البته در توضیح آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست) (حجرات/ ۱۳)، می‌دانیم که تقوا هم ربطی به نژاد و نسب ندارد.

ذکیانی در ادامه مطلب تأکید کرد: اهمیت شناخت تئوریک امام موسی صدر باید برای ما معلوم شود. می‌خواهم بر نکته دیگری تأکید کنم و آن این که ما با شخصیتی مواجهیم که در مرحله عمل، آن‌هم در مستضعف‌ترین و ضعیف‌ترین کشور جهان در آن زمان (لبنان)، توانست چنین تأثیری بگذارد و چنین موجی به راه‌اندازد و حال، چنین فردی از قرآن برای ما سخن می‌گوید. معتقدم که برای امروز ما در ایران شناخت این افکار اتفاقاً حیاتی‌تر هم هست.

وی افزود: چه بخواهیم چه نخواهیم، مسئله

امامت و ولایت به صورت کاملاً مستند ارائه کرده‌اند.

فرد و جامعه در بینش متعالی امام موسی صدر در کنار هم تفسیر می‌شود

غلامرضا ذکیانی گفت: امام موسی صدر با تبیین ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، آن را در سوره «والعصر» توضیح می‌دهد؛ ایشان «والعصر» را به بعد از ظهری که به سمت «عَسَقِ اللَّیْلِ» و رو به تاریکی می‌رود، تعبیر می‌کند و معتقد است انسان‌ها در خسرانند و برای اینکه از این خسران درآیند، چهار شرط لازم است: ایمان، عمل صالح، توأسی به حق و توأسی به صبر. (توأسی به حق در این جا یعنی امر به معروف).

وی افزود: به باور امام موسی صدر، تحول از تعامل بین انسان و هستی زاده می‌شود؛ انسان به کمک علم، هستی را می‌شناسد، ابزارش قوی‌تر می‌شود و اینجاست که امام موسی صدر روی قرآن دست می‌گذارد؛ وی معتقد است «جاودانگی و پیشرفت در اسلام مرهون الهی بودن کلمات قرآن است»؛ یعنی اولاً خود کلمات الهی است، دیگر اینکه خود خداوند با دیگران این تفاوت را دارد که علمش نامحدود است؛ یعنی در هر جامعه، محیط و شرایطی، هر اتفاقی که رخ دهد، مشمول علم الهی است. این علم نامحدود سبب می‌شود که بتواند به ازای هر جامعه، قانونی ارائه دهد و یکی از نسخه‌هایی که خداوند در اختیار ما قرار داده، قرآن کریم است.

ذکیانی تأکید کرد: قرآن کریم با الفاظش باید از سوی خداوند باشد که بتواند آن علم بی‌نهایت را به یک دین آخر، جامع و بی‌نهایت تبدیل کند؛ دینی که بتواند هم در عرض جغرافیا شامل همه شود و هم در طول تاریخ تا روز قیامت بتواند دوام بیاورد، باید به منبع لایزال متصل باشد. امام موسی صدر نسبت این موضوع با تحول را در این می‌داند که انسانی که با هستی در تعامل است و این تعامل سبب تحول

همان جنبش امل است؛ اسرائیلی که در مدت شش روز کشورهای منطقه را مجبور به اعتراف به شکست می‌کند، در مقابل مقاومت لبنان کم می‌آورد و این‌ها همه معترفند که از نتایج اندیشه‌ها و سیره امام موسی صدر است.

وی همچنین به سفرهای پربار امام موسی صدر به کشورهای آفریقایی اشاره کرد و گفت: یکی از کارهایی که امام موسی صدر انجام داد، سال ۱۳۴۵ شمسی برای مدت ۶ ماه به آفریقا سفر کرد و اتفاقاً اساسی‌ترین سخنرانی‌های ایشان متعلق به آفریقا است که نظرات خود را از دین، قرآن،



نگاه اجتماعی امام موسی صدر به احکام ذکیانی همچنین درباره نگاه اجتماعی امام موسی صدر به احکام گفت: ایشان درباره کار و حقوق زن تأکید می‌کند که نمی‌دانم چرا خانم‌های ما از شرایط ضمن عقد غافلند؛ شرایط ضمن عقد کاملاً در اختیار زن است، در شرایط ضمن عقد هر چیزی را می‌تواند، ولی نمی‌دانم چرا زنان از این مسئله غافلند که می‌توانند از همین جهت بسیاری از حقوق خود را استیفا کنند؛ بنابراین گمان نشود که ایشان چون آن حرف را درباره حقوق زنان می‌گوید، لابد نظرش این است که زنان خانه‌نشین شوند.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی خاطر نشان کرد: در همین بُعد احکام، وی به نماز جماعت، قبله، حج، زکات، امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌کند؛ در بُعد اخلاق، احکام اخلاقی اسلام را که سبب تقویت و حتی تقدیس ارکان جامعه می‌شود، چنین برمی‌شمرند: تواضع، کرم، حرمت غیبت، احترام به دیگران، عبادت، خوشرویی و

وی توضیح داد: امام موسی صدر حرمت غیبت را نیز در ارتباط با جامعه تبیین می‌کنند و معتقدند غیبت که به «اشد من الزنا» تعبیر شده، لطمه‌ای که به اجتماع می‌زند از این جهت است که وقتی من کاری که کسی انجام داده و آن را بدون رضایت او پیش کسی دیگر نقل می‌کنم، این باعث می‌شود که انجام‌دهنده نزد شونده حرمتش از بین برود و همین امر باعث تضعیف و بلکه نابودی روابط انسانی و تبدیل دوستی‌ها به دشمنی شود؛ از این بُعد نگاه کردن و ابعاد اخلاقی را در اجتماع دیدن، خاصیتی است که مادر امام موسی صدر سراغ داریم.

هماهنگی تکوین و تشریح از مبانی تفسیری امام موسی صدر است

غلامرضا ذکیانی گفت: امام موسی صدر معتقد است هدف قرآن تربیت است نه علم؛ معنایش این نیست که مطالبی که جنبه علمی دارند، نادرست است؛ بلکه بدین معناست که هدف اصلی، تربیت انسان و جامعه انسانی است و مطالب دیگر در کنارش حالت عارضی دارند، نه اینکه غلط هستند. وی افزود: برخی با استناد به آیه «وَوَزَّيْنَاكَ لَكُلِّ شَيْءٍ» (این کتاب را که روشنگر هر چیزی است، بر تو نازل کردیم) (نحل/۸۹)، معتقدند که می‌توان همه مسائل را از قرآن استخراج کرد. امام موسی صدر می‌گوید که هدف قرآن، تعلیم و تربیت انسان است؛ یعنی «تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» فی تربية الإنسان؛ بدین معنا که در تربیت انسان و جامعه انسانی هر چه می‌خواهید در قرآن جست‌وجو کنید، اما نه اینکه هر چه در علوم روز کشف می‌شود، حتماً در قرآن

رهایی مطلق از غیر خدا یاری می‌کند؛ چنانکه قرآن می‌فرماید «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ: از شکیبایی و نماز یاری جوید» (بقره/۱۵۳)، مفهوم عبادت با عبودیت در اسلام متفاوت است؛ این دو اساساً دو مفهوم کاملاً متفاوت است، عبادت خداوند با عبودیت مردم و حتی با عبودیت خداوند نیز متفاوت است؛ امام موسی صدر معتقد است عبادت اصلاً بندگی نیست؛ وی با ارائه ترجمه‌های فارسی و فرانسه از عبادت و عبودیت، می‌گوید در فارسی، عبادت پرستش است و عبودیت، بندگی.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی گفت: پرستش، مالیاتی نیست که ما به خدا می‌پردازیم، پرستش یعنی وقتی شما در مقابل یک روح متعالی و یک منبع مطلق قرار می‌گیرید، در واقع خود را عرضه کرده و رشد می‌دهید و به هر میزان که از پرستش دور بمانید از خود، بیگانه می‌شوید. در واقع پرستش آزادی شما را بیشتر تأمین می‌کند؛ اصلاً شرط عبادت این است که شما را آزادتر کند، همچنان که شرط ولایت نیز این است. این برخلاف عبودیت است؛ عبودیت شما را بنده‌تر و آزادتان می‌کند و جامعه را به سمت ترقی و تعالی پیش می‌برد.

وی سپس با اشاره به نظر امام موسی صدر درباره خانواده افزود: ایشان یک جمله درباره خانواده فرمودند که «وقتی زن بتواند با حضور در خانه و نسبتی که با بچه‌ها دارد، عشق خود را به صورت کامل به بچه‌ها یعنی به نسل بعد نشان دهد و بچه‌ها عشق را تجربه کنند، در این صورت فاصله آنان از نسل قبل آنقدر نمی‌شود که این زن به‌خاطر دلایل متعدد خانه را ترک و در بیرون از خانه کار کند و البته کارش هم مشروع است و اسلام هم مخالفتی ندارد، اما دیگر به دلایل مختلف نمی‌تواند در خانه عشق خالص و تام خود را نسبت به همسر و بچه‌ها اعلام و ابراز کند و این یکی از زمینه‌های تضعیف و پاشیده شدن خانواده در جوامعی است که به این سمت می‌روند.»

می‌شود، اگر این انسان در این ماجرای تحول بتواند به مطلق دسترسی پیدا کند، در آن صورت این تحول منافاتی با دین، آخرت و تقدس نخواهد داشت.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی ادامه داد: امام موسی صدر معتقد است هر قدر تحول بیشتر باشد، نیاز ما به مطلق هم بیشتر می‌شود؛ یعنی تمسک و توسل ما به موجود مطلق در تحولات بیشتر است؛ برخلاف آنچه امروز معروف شده است که ما هر چه پیش‌تر می‌رویم مشکلات خود را می‌توانیم حل کنیم.

وی گفت: در اندیشه امام موسی صدر، دین جای علم را نخواهد گرفت و علم نیز جایگزین دین نخواهد شد. امام موسی صدر می‌گوید شما به سمت تحول پیش بروید، ولی برای اینکه مطمئن شوید تحولاتتان به جایی نخواهد رسید که ریشه هستی، انسانیت و تمامی خوبی‌ها را بسوزاند، باید دست به دامن مطلق‌ها شوید و مطلق‌ی که ما سراغ داریم آن هم در دین اسلام، هیچ منافاتی با تحولات شما ندارد.

تفاوت عبادت و عبودیت از دیدگاه امام موسی صدر

ذکیانی در بخش دیگری از سخنانش به تشریح تفاوت عبادت و عبودیت از دیدگاه امام موسی صدر پرداخت و با استناد به جملاتی از خود ایشان که در کتاب «ادیان در خدمت انسان» گردآوری شده گفت: به اعتقاد امام موسی صدر، عبادت و عبودیت دو مفهوم کاملاً متمایزند. یکی از ثمرات عبادت خدا، آزادی از هر چیزی است که غیر خدایی باشد. ما در طول نماز، روزه و حج برای دقایقی حرکت به سوی خدا را تجربه و تمرین می‌کنیم؛ زیرا اگر برای غیر خدا نماز بگذاریم، نماز ما باطل است و این مسئله در مورد روزه و حج و دیگر عبادات نیز صدق می‌کند.

وی توضیح داد: به زعم امام صدر، حتی اگر دو دقیقه در روز برای خدا فعالیت کنیم، در کارگاه عبادت برای آزادی موقت از غیر خدا می‌کوشیم؛ این تلاش‌ها ما را برای

نمی‌کرد، آیات سوره کوثر نازل نمی‌شد که این شبهه امروزه مطرح است.

وی در توضیح این مطلب از بحث «بداء» در اندیشه شیعی مدد گرفت و گفت: زمانی که وحی نازل می‌شود و آنچه قرار نبود گفته شود، گفته می‌شود و یا چیزی که گفته شده بود، عوض می‌شود، «بداء» نام دارد که از افتخارات اندیشه شیعی است؛ نمونه آن را در قرآن زیاد داریم که یک مورد از آن در مورد تغییر قبله بود.

ذکیانی پس از تأکید بر این که امام موسی صدر تصریح داشت تا ترتیب و تعداد آیات و سوره‌ها حفظ شود، به جدی و جاوید بودن قرآن کریم در اندیشه امام موسی صدر پرداخت و یادآور شد: امام موسی صدر تحدی قرآن را بسیار جدی می‌گیرد؛ یکی از نکاتی که ایشان به آن اشاره می‌کند و در فرایند کلی بحثشان خیلی تأثیر دارد، بحث حروف مقطعه است که در این باره چندین تفسیر وجود دارد؛ اما ایشان تأکید می‌کند که اگر حروف مقطعه رمز بین خدا و رسول خدا (ص) بود و اعراب چیزی از این حروف مقطعه متوجه نمی‌شدند، امری بسیار مهم بود؛ به اعتقاد وی حروف مقطعه باید چیزی باشد که اعراب بفهمند و این حروف بیشتر از این جهت وارد شده تا به اعراب بگوید ما با همین حروف ساده این آیات را نازل کردیم، اگر شما هم می‌توانید این کار را انجام دهید.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی در ادامه به جایگاه ایمان اسلامی نزد امام موسی صدر پرداخت و گفت: به گفته امام موسی صدر، ایمان اسلامی، تجریدی نیست و حتماً باید جلوه عملی داشته باشد؛ بنابراین قرآن را «نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنُكْفِرُ بِبَعْضٍ» نگاه نکنیم، یعنی قرآن یک مجموعه است و باید کلی به این مجموعه نگاه کنیم؛ نباید یک آیه را از یک جا برداریم، آن را برجسته کرده و یک نظریه بزرگ از آن استخراج کنیم بعد قائل باشیم به همان. اتفاقاً قرآن کریم آیات متعدد و بلکه گاهی آیات ظاهر متعارضی دارد؛ در قرآن هم برای جبر آیه هست و هم برای اختیار؛ هم برای تفاضل انبیا با هم آیه داریم، هم برای یکسان بودن آنان؛ هم برای نزول دفعی آیه داریم و هم برای نزول تدریجی.

وی توضیح داد: این آیات ممکن است از نظر یک غیرمسلمان مورد ایراد باشد، اما در آیه ۸۲ سوره نساء قرآن می‌فرماید: «... وَلَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا!...» اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند؛ پس مطمئنیم از جانب خداست و معلوم می‌شود که همه این آیات تحلیل و جواب دارد و اتفاقاً یکی از حکمت‌های وجود آیات ظاهر متعارض در قرآن این است که ما را به اندیشه دعوت می‌کند، زیرا اگر تعارض



و ابد است.

وی تأکید کرد: امام موسی صدر معتقد به هر دو نوع نزول تدریجی و دفعی است، اما بیشتر بر نزول تدریجی تأکید می‌کند؛ زیرا تصریح دارد که تربیت حتماً تدریجی است و به صورت دفعی امکان ندارد؛ وی در تفسیر سوره قدر و ماعون نیز بحث تدریج و تربیت را لحاظ و رعایت می‌کند.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی با اشاره به اینکه برخی روشنفکران معتقدند که نزول، تدریجی است و آیات تحت تأثیر حوادث بودند، یادآور شد: برخی اظهار می‌کنند که اگر عمر بعثت پیامبر (ص) به جای ۲۳ سال ۵۰ سال بود، آیات بیشتری نازل می‌شد یا اگر کسی بعد از وفات ابراهیم، فرزند پیامبر (ص)، ایشان را «بتر» خطاب

هست.

ذکیانی در ادامه به آرای تفسیری امام موسی صدر از زبان خود ایشان اشاره و تصریح کرد: امام موسی صدر به اعجاز لفظی قرآن اعتقاد دارد و بر این باور است اگر این الفاظ وحی الهی نبود؛ اسلام جاوید و ابدی نمی‌شد، یعنی برای ظاهر وحی الهی را نیز هم تقدس قائل است و هم تحدی. وی اعلام می‌کند گوینده قرآن واقف به اسرار نهان است؛ یعنی خدای متعال که واقف به قرآن است، چون به همه چیز، از ازل تا ابد، علم دارد، بنابراین می‌شود اطمینان کرد که مطالب و فضائلی در ذیل آیات آمده است که عادی نیست و ظرفیت این را دارد که در طول تاریخ و در عرض جغرافیا و در هر فرهنگی قابل برداشت و قابل تفسیر باشد؛ زیرا گوینده‌اش، مطلق و عالم ازل

در اندیشه امام موسی صدر، شأن نزول‌ها مفسرند نه مقید؛ شأن نزول برای این است که یک مورد را تفسیر می‌کند نه تقیید؛ کلام خدا بدون واسطه برای بشر نازل شده و هر انسانی با هر سطحی از سواد، ایمان، فرهنگ، گفتار و اعتقاد می‌تواند مستقیماً به کلام الهی مراجعه و آن را بخواند و بفهمد

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی گفت: بخش‌های اساسی از انسان‌شناسی را که در اسلام داریم، در انسان‌شناسی غربی نداریم؛ اجتماعیات و قراردادهای اجتماعی که در اسلام و نزد اهل بیت (ع) داریم، در قراردادهای اجتماعی مونتسکیو سراغ نداریم.

وی افزود: امام موسی صدر، معجزه قرن ما، این روحیه را داشته که به کشورهای متعدد سفر کند، ببیند، بشناسد و پیشرفت‌های غرب را در جهان اسلام پیاده کند. اسلام نزد امام موسی صدر از اهمیت به‌سزائی برخوردار است، زیرا وی به اقتدار، کارآمدی و خلود و خاتمیت اسلام قائل است. ذکیانی با اشاره به اینکه ما از طبیعت‌شناسی که قرآن ما را به آن ارجاع داده، غافل شده‌ایم، گفت: امام صدر این مبانی را در غرب کشف کرد و با آن مبانی به سمت قرآن، نهج‌البلاغه و روایات رفت و مباحثی را استخراج کرد که ممکن است امروز برای من و شما عجیب باشد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی یادآور شد: امام موسی صدر در تفسیر سوره کوثر می‌فرماید «امروز وقتی ما در پرتو تمدن و فرهنگ عصر خود به فهم قرآن می‌پردازیم، مطالب بسیاری می‌فهمیم» یعنی باید عصر خود را به خوبی و عمیقاً بشناسیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: امام موسی صدر در تفسیر سوره تکوین، فرازهای مختلف این سوره را توضیح می‌دهند و در ذیل آیه ۸ این سوره «ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ: سپس در همان روز است که از نعمت آروی زمین آ پرسیده خواهید شد»، در بحث نعیم و توزیع نعمت‌ها، از روایات استفاده کرده و به موضوع «ولایت»

صدر پرداخت و یادآور شد: امام موسی صدر در تفسیر سوره ماعون می‌گوید «تکذیب دین - چه دینی که نام ادیان است چه دینی که نام روز قیامت است - در هر صورت تکذیب دین است، یعنی از سنخ اعتقاد است»؛ اما بلافاصله در توضیحش می‌گوید که «می‌دانید چه کسانی تکذیب دین می‌کنند؟ کسانی که به یتیم بها نمی‌دهند و طعام مسکین برایشان مهم نیست»؛ یعنی تکذیب نظری در قرآن با کاهلی عمل کاملاً عجین است؛ کسانی مکذب دین هستند که در عمل هم به طعام مسکین و یتیم توجه نمی‌کنند.

وی ادامه داد: امام موسی صدر در توضیح «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ: پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند (ماعون ۵-۴) می‌گوید «ساهی در نماز» یعنی کسی که بخشی از نماز را نخواند، پس اصلاً نمازگزار نیست؛ اما قرآن می‌گوید «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» آن‌هایی که ساهی در نمازند؛ یعنی کسانی که واقعاً نمازشان را به‌جا می‌آورند و نقصشان شامل جزئی از نماز نیست؛ نمازگزارانی اهل سهو هستند که اولاً را می‌کنند و دیگر اینکه از «ماعون» خودداری می‌کنند؛ امام موسی صدر، ممانعت از ماعون را منع از تعاون و کمک کردن به همسایه و... تفسیر می‌کند. ذکیانی همچنین به بحث «قسم» در قرآن کریم از منظر امام موسی صدر پرداخت و گفت: امام موسی صدر معتقد است چون اسلام بر تربیت اهمیت قائل است و نگرش آن نگرش تربیتی است و می‌خواهد که بر انواع مختلف بیان تأکید کند، هدف از قسم در قرآن، تربیت دینی است. ایشان از همین طریق تأکید می‌کند که کل هستی به سمت خداست و پوچ‌انگاری معنا ندارد؛ هر کس موحد است با هستی سازگار است و آنکس که نیست، حتماً با تناقض مواجه می‌شود.

انسان‌شناسی اسلامی از مباحث مورد تأکید امام موسی صدر است

نباشد ما معمولاً مجبور به تفکر نمی‌شویم. اگر در مقدس‌ترین متن خودمان ببینیم که آیات، متعارض هستند، بیشتر فکر می‌کنیم تا به مطلب جدید برسیم؛ امام موسی صدر تأکید دارد بر اینکه در قرآن کریم باید آیات مختلف و سپس روایات مختلف، شأن نزول‌ها، تفاسیر مختلف و احادیث متعدد را جمع‌آوری کرده و در یک موضوع به یک نظر برسیم؛ اینطور نیست که شما فقط با یک آیه بتوانید از یک نظریه حمایت کنید.

ذکیانی گفت: در اندیشه امام موسی صدر، شأن نزول‌ها مفسرند نه مقید؛ شأن نزول برای این است که یک مورد را تفسیر می‌کند نه تقیید؛ کلام خدا بدون واسطه برای بشر نازل شده و هر انسانی با هر سطحی از سواد، ایمان، فرهنگ، گفتار و اعتقاد می‌تواند مستقیماً به کلام الهی مراجعه و آن را بخواند و بفهمد؛ قرآن همه را برای خواندن و فهمیدن، مخاطب قرار داده است. امام موسی صدر تصریح می‌کند که نبی، نبوت و بعثت را از طریق قرآن می‌شناسیم نه بالعکس؛ اینطور نیست که قرآن اعتبارش را از پیامبر (ص) بگیرد، بلکه این پیامبر (ص) است که اعتبارش را از قرآن می‌گیرد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی گفت: امام موسی صدر به مباحث و نگرش‌های فلسفی خیلی مقید نیستند، مثلاً در بحث «هرگ» و «یا شر» هیچ کدام را عدمی نمی‌داند و اتفاقاً در تفسیر سوره فلق می‌گوید «هرگ و شر یکی از وجودی‌ترین موجودات عالم است» که تفسیر بسیار زیبایی است. ایشان همچنین به بحث‌های وجودی و جامعه‌شناختی اشاره می‌کنند. امام موسی صدر یا سعی می‌کند اصلاً تأویل نکند و یا اگر این کار را انجام می‌دهد، حتماً دلیلی از خود قرآن ارائه می‌دهد؛ یعنی به تأویل قرآن با قرآن معتقد است.

ذکیانی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به تشریح برداشت‌های تفسیری امام موسی



تربیتی دین تأکید می‌کند؛ یعنی دین را پدیده‌ای می‌داند که برای تربیت انسان‌ها آمده و تربیت نیز امری تدریجی است و این امر تدریجی با یک ماه و یا در طول یک یا چند نسل صورت نمی‌گیرد و انسان‌ها باید مدت‌ها تحت تربیت این دین قرار بگیرند تا بعد از چند نسل، نسل‌های آتی خودشان بتوانند تربیت شوند و دیگران را نیز تربیت کنند.

ذکیانی همچنین به روش‌های تفسیری امام موسی صدر و نیز تفاسیر ایشان از چند سوره کوچک پرداخت و ادامه داد: امام موسی صدر در سوره عادیات و در ذیل آیه ۸ این سوره «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» و راستی او سخت شیفته مال است» بحث اجتماع، تاریخ و فلسفه تاریخ را مطرح و تأکید می‌کند «آرزوهای انسان‌ها بی‌نهایت و امکانات موجود برای تحقق آرزوها محدود است و همین امر سبب می‌شود تا بین افراد اختلاف و بین ملت‌ها جنگ رخ دهد»؛ امام موسی صدر معتقد است دین با معطوف کردن توجهات به سمت معنویات، این مشکلات را اصلاح کرده و از این طریق می‌توان مانع بسیاری از جنگ‌ها شد.

و این تدریج در دوران ده ساله خلافت پیامبر (ص) رخ نداد و ما از این جهت نیاز به ولایت داشتیم تا دوازده امام (ع) همان سیره تربیتی پیامبر (ص) را در پیش بگیرند و مردم را تربیت کنند.

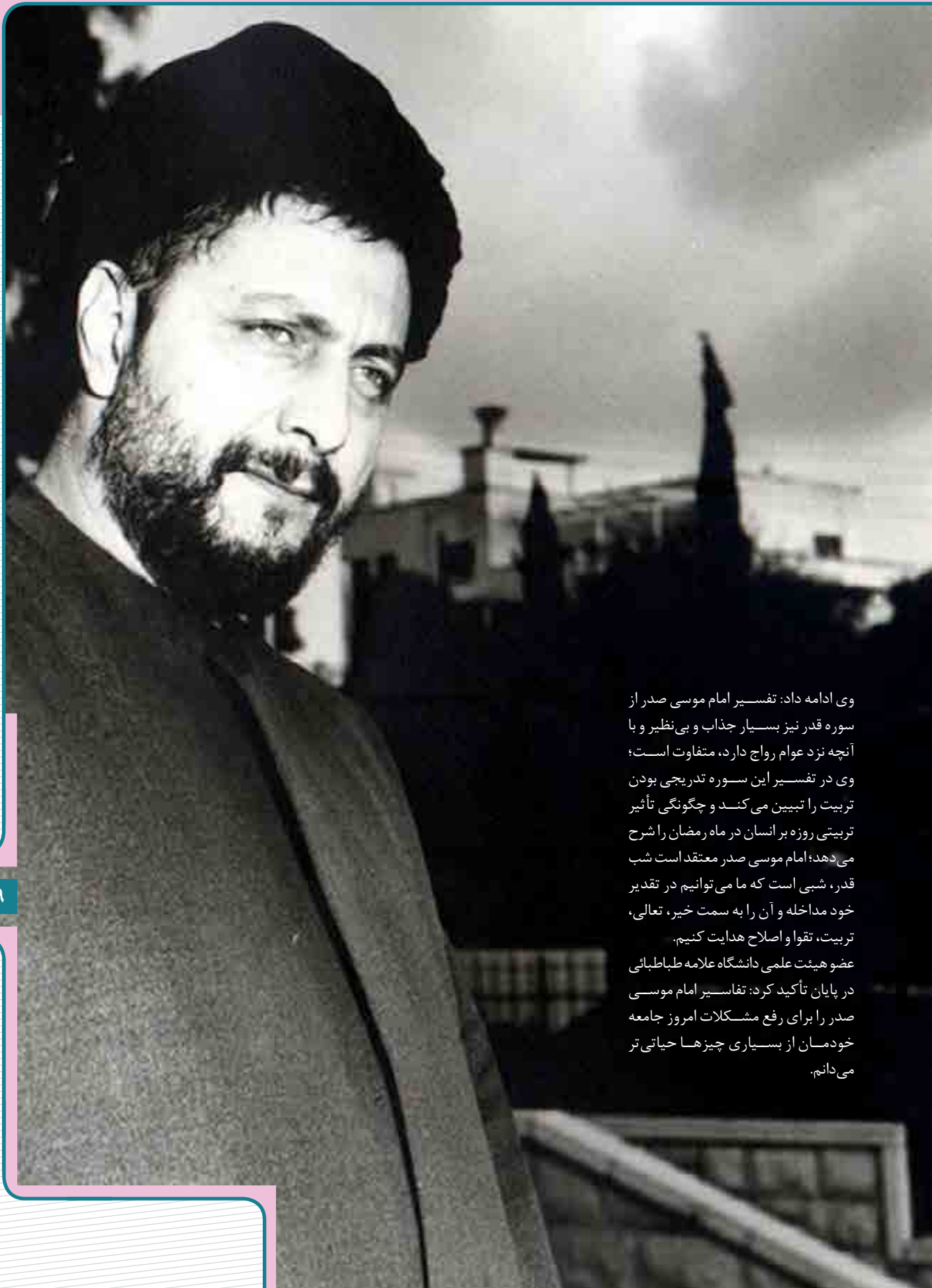
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی خاطرنشان کرد: درباره لزوم وجود دوازده امام بعد از پیامبر (ص) دو تفسیر معاصر داریم؛ یکی از استاد مطهری و یکی از دکتر شریعتی. شهید مطهری معتقد است که دین به کارشناس نیاز دارد؛ یعنی عده‌ای باید باشند که دین را بهتر از دیگران بشناسند؛ یعنی پس از پیامبر (ص) باید کسانی باشند که به اندازه خود ایشان علم و عصمت داشته باشند تا بتوانند دین را با همان ترتیب درست به مردم معرفی کنند.

وی ادامه داد: دکتر شریعتی نیز بر بُعد

می‌رسند؛ اولاً رسالت و ولایت را جزء بالاترین نعمت‌ها می‌داند و تمثیلی برای رسالت به کار می‌برد که ظاهراً تمثیل است ولی می‌توان از طریق آن به مبانی ایشان پی برد و نیز در موارد دیگر از آن استفاده کرد.

ذکیانی افزود: امام موسی صدر در بحث رسالت و بعد از آن امامت و ولایت، مطرح می‌کند که زندگی نبی (ص) و اولیای بعد از او کمک می‌کند تا ما با اصل دین آشنا شویم. وی معتقد است دین دارای ظرفیت‌های بسیار فراوان و مربوط به هدایت و تربیت انسان به عنوان مهم‌ترین اصل جوامع بشری است و بر همین اساس لزوم وجود ائمه (ع) پس از پیامبر (ص) را اثبات می‌کند.

وی گفت: امام موسی صدر به بُعد تربیتی دین معتقد است؛ تربیت تدریجی است



وی ادامه داد: تفسیر امام موسی صدر از سوره قدر نیز بسیار جذاب و بی نظیر و با آنچه نزد عوام رواج دارد، متفاوت است؛ وی در تفسیر این سوره تدریجی بودن تربیت را تبیین می‌کند و چگونگی تأثیر تربیتی روزه بر انسان در ماه رمضان را شرح می‌دهد؛ امام موسی صدر معتقد است شب قدر، شبی است که ما می‌توانیم در تقدیر خود مداخله و آن را به سمت خیر، تعالی، تربیت، تقوا و اصلاح هدایت کنیم. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی در پایان تأکید کرد: تفسیر امام موسی صدر را برای رفع مشکلات امروز جامعه خودمان از بسیاری چیزها حیاتی‌تر می‌دانم.



حرکت امام موسی صدر همان سیره ابراهیمی در مواجهه با بت‌های فکری بود

گروه‌های مبارزاتی داشتیم که در داخل کشور به قرآن متمسک می‌شدند و آیه قرآن را شعار خود قرار داده بودند، ولی سرانجام دیدیم از درون همین گروه‌ها، فرقه منافقین برآمد؛ زیرا آن نگاه اجتماعی و عمیق به قرآن در آن‌ها وجود نداشت.

ذو علم تأکید کرد: به این دلیل که امام موسی صدر یک عالم دینی بود، مواجهه وی با قرآن و آموزه‌های اسلامی نیز یک مواجهه اجتهادی بود و این یکی از عوامل توفیق ایشان به شمار می‌رفت؛ چالش‌هایی که امام موسی صدر در همان زمان با آن‌ها مواجه بود، این بود که برخی حرکت‌های تاکتیکی وی، با بعضی سطحی‌نگری‌ها قابل تحلیل نبود. قرآن کریم از یک سو تکیه‌گاه عینی و عملی و از سوی دیگر منبع علمی و نظری در فعالیت‌های امام موسی صدر بود؛ با بررسی نوع مواجهه ایشان با مسیحیان لبنان یا فرقه‌های مختلف اهل سنت، مشاهده می‌کنیم که نگاه وی به انسان، نگاهی توحیدی، الهی و معنوی بود.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی خاطر نشان کرد: بحثی که در علوم قرآن مطرح است، بحث «جری و تطبیق» است که در واقع قرآن کتابی است که همواره جریان دارد و برای هر زمانی قابل استفاده است؛ این نوع تعامل با قرآن را از این زاویه که قرآن در حوادث جاری است و ماهر حادثه‌ای را می‌توانیم با آموزه‌های قرآنی تحلیل کنیم و نو به نو، در مواجهه با حوادث از قرآن استفاده کنیم، در سیره امام موسی صدر می‌بینیم؛ بحث‌هایی هم که امام موسی صدر از لحاظ نظری در باب قرآن داشت و همچنین ربط قرآن و آیات قرآنی به مسائل مورد نیاز جامعه و استفاده از آموزه‌های قرآنی برای تبیین مسائل روز را نیز در رویکرد ایشان می‌بینیم.

همان بر خوردی که حضرت ابراهیم (ع) در زمان خود با بت‌های ساخته دست بشر داشت و یگه و تنها وارد عرصه مبارزاتی شد، امام موسی صدر نیز در لبنان همین جایگاه را داشت؛ یعنی حرکت ایشان همان سیره ابراهیمی در مواجهه با بت‌های فکری انسانی بود؛ بت‌های ناشی از سنت‌های غلط و مواجهه متحجرانه با مکتب تشیع.

در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه/ ۲) جامعه شیعه لبنان بود که قبل از ورود امام موسی صدر دچار تشمت، پراکندگی، ضعف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بود؛ پیش از امام موسی صدر حرکت‌هایی صورت گرفته بود، البته محدود، با یک نگاه کاملاً درونگرا.

وی ادامه داد: کاری که امام موسی صدر در لبنان انجام داد، در درجه اول همین بود که آموزه‌های قرآن را در این کشور مطرح کرد؛ به دلیل اینکه امام موسی صدر یک مجتهد مسلم حوزوی بود، نگاهی روشمند به قرآن کریم داشت؛ یعنی در همان زمان،

حجت‌الاسلام علی ذو علم، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، با بیان این مطلب گفت: نقشی که امام موسی صدر در لبنان ایفا کرد، نقش پیامبر گونه‌ای بود؛ یکی از مصادیق آیه شریفه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ: اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن

اگر تحقیق کنیم که در آن نظام آموزشی که زیر نظر امام موسی صدر برای کودکان و نوجوانان شیعه طراحی شده، آموزش‌های قرآنی با چه رویکردی دیده شده و چه جایگاهی دارد، شاید فصلی باشد که بتواند ما را با دیدگاه‌های ایشان نسبت به قرآن آشنا تر کند

پاسخی می‌دهد، ایشان در عمل همین‌طور بود؛ در واقع حرکتی که امام موسی صدر بر مبنای قرآنی استوار بود. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در بخش دیگری از این گفت‌وگو یادآور شد: امام خمینی (ره) از قبل با خانواده صدر کاملاً آشنا بودند و با آنان ارتباط داشتند؛ چهره‌های برجسته مبارز همچون شهید بهشتی نیز با امام موسی صدر در دفتر مجله‌ای در شهر قم همکاری کردند؛ با هم رفاقت انقلابی و حوزوی داشتند؛ ولی نزد برخی از گروه‌ها و طیف‌ها، حرکت امام موسی صدر مورد سؤال بود و چه بسا گاهی ایشان به ناحق متهم هم می‌شد.

امام موسی صدر؛ بنیانگذار جامعه نوین شیعه در لبنان وی تأکید کرد: آن بنیة علمی امام موسی صدر و آن اقتدار ناشی از مواجهه اجتماعی با قرآن بود که توانست یک پشتوانه کاملاً معرفتی، علمی و اجتماعی برای ایشان فراهم کند؛ گامی که ایشان برداشت، این بود که قرآن را در معنای واقعی به صحنه زندگی لبنان وارد کرد (يَتَلَوُ عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ ..)

اصول قرآنی باشد، می‌توان گفت این فرد به یک مرحله قرآن‌اندیشی رسیده است. وی گفت: ممکن است مفسرانی را بتوانیم نام ببریم که از نظر علمی، آکادمیک و تخصصی قرآن را تفسیر و از آیات قرآنی استنباط می‌کردند، ولی آنجایی که می‌خواستند درباره حرکت و نیات خودشان ببینند، ممکن است که قرآن روی آنان خیلی نفوذ نداشته، همانطور که ما درباره خود اسلام داریم که کسانی بودند، به ویژه مستشرقان، که به منابع اسلامی کاملاً مسلط بودند، محقق اسلام‌شناس محسوب می‌شدند، ولی مسلمان نبودند؛ یعنی سیره عملی و تفکرشان به اسلام گره نخورده بود.

ذو علم ادامه داد: در مواجهه با قرآن هم داریم چنین افرادی را که ممکن است از نظر آکادمیک، مفسر تلقی شوند، ولی قرآن‌اندیش نبودند. فکر می‌کنم امام موسی صدر، یک شخصیت قرآن‌اندیش بود و همانطور که امام علی (ع) در نهج‌البلاغه فرمودند که «باید قرآن را به نطق در بیاورید» یعنی برای حل مسائل به قرآن رجوع کنیم و ببینیم قرآن چه

ذو علم گفت: امام موسی صدر به عنوان یک مفسر آکادمیک و متبحر در تفسیر، در میان شخصیت‌های حوزوی ما شناخته شده نیست؛ نه تنها در سطح مرحوم استاد علامه طباطبائی بلکه در لایه‌های دوم و کسانی که اساساً یکی از بخش‌های اساسی تلاش فرهنگی‌شان بحث تفسیر قرآن بوده است.

وی افزود: ما آثار شفاهی و مکتوب چندانی از امام موسی صدر در اختیار نداریم، ولی با توجه به اینکه امام موسی صدر شاگرد علامه طباطبائی بوده و در بعضی از بیانات خود نیز این موضوع را مطرح کرده، در واقع توجه به مکتب تفسیری علامه داشته، می‌توان گفت از آن مکتب و آن چارچوب فکری تبعیت کرده است.

ذو علم تأکید کرد: محیط علمی، اجتماعی، سیاسی و نیز محیط خانوادگی رشد امام موسی صدر اقتضا می‌کرده که ایشان از همان ابتدا با قرآن آشنا باشند و با آن ذهن خلّاق و سرمایه فکری، با قرآن مواجه می‌شدند. یک نشانه‌ای که می‌توانیم روی آن کار کنیم و نگاه ایشان را نسبت به قرآن به دست آوریم، این است که یکی از دغدغه‌های مهم ایشان در هنگام ورود به لبنان، تقویت تربیتی، علمی و معرفتی کودکان، نوجوانان و جوانان شیعه بود؛ ایشان مدارسی را تأسیس و نظام آموزشی را تعریف کرد.

وی خاطر نشان کرد: اگر تحقیق کنیم که در آن نظام آموزشی که زیر نظر امام موسی صدر برای کودکان و نوجوانان شیعه طراحی شده، آموزش‌های قرآنی با چه رویکردی دیده شده و چه جایگاهی دارد، شاید فصلی باشد که بتواند ما را با دیدگاه‌های ایشان نسبت به قرآن آشنا تر کند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی توضیح داد: می‌توان گفت امام موسی صدر فراتر از انس با قرآن، فهم قرآن و تحقیق درباره قرآن، یک شخصیت قرآن‌اندیش بود؛ ما در بحث قرآن‌اندیشی کمتر تأمل کردیم؛ اما به نظر می‌رسد آنچه در خود قرآن کریم مطرح است، با تعبیری که در برخی آیات آمده که «این آیات الهی هم فرود آمده تا شما به تفکر و تعقل بپردازید»، می‌توانیم مرتبه‌ای عمیق و متعالی از انس با قرآن را به عنوان قرآن‌اندیشی مطرح کنیم.

ذو علم توضیح داد: مراد ما از قرآن‌اندیشی این است که بشر این چنین آفریده شده که با فکرش کار می‌کند؛ یعنی مقدمه عمل و تصمیم حتماً یک تفکر و تصمیم‌گیری درونی است. اگر کسی بتواند خود را با نگاه قرآن که یک نگاه الهی به عالم و آدم است، تطبیق دهد و به آن منبع متصل شود، به گونه‌ای که تصمیم‌گیری‌ها و حرکت‌هایش در چارچوب

و شروع کرد به تربیت جامعه لبنان (وَيُزَكِّيهِمْ...)؛ کاری که امام موسی صدر کرد، پیش از آنکه در آن آغاز وجهه سیاسی داشته باشد، وجهه اجتماعی و تربیتی داشت؛ ایشان تلاش کرد تا کودکان بی سرپرست لبنانی دارای یک نظام آموزشی شوند؛ یعنی همان کار تعلیم و تربیتی (وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...)، پیش از ورود امام موسی صدر، جامعه شیعه لبنان در یک سردرگمی بود (وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ) و ایشان در واقع بنیانگذار جامعه نوین شیعه در لبنان است. نگاه مثبت پیروان ادیان به یکدیگر نیز مرهون همان اجتهاد پویا و عمیق قرآن محور و نظام‌مندی بود که امام موسی صدر داشت.

ذو علم تصریح کرد: گاهی ما اجتهاد را فقط در همین مباحث فقهی محدود می‌کنیم ولی این نگاه، نگاه درستی نیست؛ اجتهاد در یک نگاه اجتماعی، سیاسی و کلان‌مدیریت جامعه، مصداقش همین کار امام موسی صدر است، کار امام خمینی (ره) است؛ مصداقش همین تلاش‌هایی است که امروز مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) انجام می‌دهند و با استفاده از قرآن‌اندیشی و منابع دینی، نوع مدیریت جامعه را استنباط می‌کنند؛ اینکه امروز چه گامی باید برداریم که به مصلحت جامعه باشد؛ حرکت علمی و توسعه جامعه چگونه ساماندهی شود که اقتدار اسلامی و حرکت رو به رشد اسلامی تحقق پیدا کند؛ امام موسی صدر واقعاً بر خوردار از چنین اجتهادی بودند و آن طراحی که برای جامعه لبنان داشتند، بر همین اساس بود.

نگاه امام موسی صدر: همزیستی همراه با اقتدار فکری تشیع

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: مهم‌تر از هر چیز این است که ببینیم جایگاه قرآن در نظام آموزشی جدیدی که امام موسی صدر برای جامعه شیعه لبنان طراحی کرد، چگونه بوده است؟ زیرا همان نگاه اقتضای می‌کرد، ایشان کاری کنند که نگاه مسیحیان و اهل سنت به شیعه تغییر پیدا کند. یعنی شیعه را به عنوان یک فرقه تلقی نکرده بلکه به عنوان یک تفکر بشناسند؛ نگاه امام موسی صدر یک نوع همزیستی همراه با اقتدار فکری تشیع است؛ نگاه مثبتی که می‌تواند امروز نیز برای ما الهام‌بخش باشد.

حجت‌الاسلام علی ذو‌علم به تشریح ابعاد شخصیتی امام موسی صدر که در توفیق ایشان بسیار مؤثر بوده، پرداخت و گفت: نخست تدبیر، جامعیت، هوشمندی و توان مدیریتی و سازماندهی ایشان بود؛ این خیلی مهم است که فردی بتواند یک جامعه پراکنده را از صفر به یک مرحله‌ای برساند. دوم، بُعد علمی ایشان است؛ اگر ایشان یک فرد تحصیل کرده در منابع دینی نبود و نمی‌توانست از یک جایگاه اجتهادی سخن بگوید، قطعاً نمی‌توانست آنقدر خدمات داشته باشد.

سوم، اهل عمل بودن است؛ جایگاهی که در قرآن کریم نیز بر آن تأکید شده (عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ) که همه در آغاز باید از خود شروع کنند. امام موسی صدر یک فرد خودساخته و کاملاً خویش‌دار و مسلط بر نفس و مدیریت هوی و هوس بود که بسیار مهم است؛ یعنی از علمای ما، آن‌هایی توانستند در اجتماع تأثیر گذار باشند که اهل عمل هم بودند.

ذو‌علم همچنین به حضور امام موسی صدر در لبنان به‌عنوان پشتوانه‌ای برای انقلابیون کشورمان اشاره و تصریح کرد: با اینکه خود ایشان به خاطر اقتضات محیط خود یک چهره انقلابی علیه رژیم پهلوی نبود، ولی با همه رهبران انقلاب ارتباط داشت و برخی از افراد انقلابی در لبنان توسط ایشان حمایت می‌شدند و کسانی همچون شهید چمران در دامن امام موسی صدر تربیت شدند که بعدها در کادر انقلابیون کشور ما ورود پیدا کردند و منشأ آثار و خدماتی شدند.



بَرِيدُونَ لِيُطْفَأُوا
نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ
وَاللَّهُ مَتَمِّمُ نُورِهِ
وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ
می‌خواهند نور خدا را با دهان
خود خاموش کنند و حال آنکه خدا
گرچه کافران را ناخوش افتد نور خود را
کامل خواهد گردانید. سوره الصف / آیه ۸



امام موسی صدر آزادی را به رسمیت شناختن کرامت انسان می داند

به اعتقاد امام موسی صدر، هیچ کس نمی تواند در جامعه محروم از آزادی خدمت کند، توانائی‌هایش را پویا سازد و موهبت‌های الهی را بپروراند؛ آزادی یعنی به رسمیت شناختن کرامت انسان و خوش گمانی به او؛ حال آنکه نبود آزادی یعنی بدگمانی نسبت به انسان و کاستن از کرامت او.

محمد مهدی مظاهری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و مدیر فصل نامه علمی و پژوهشی مطالعات میان فرهنگی، با بیان این مطلب گفت: امام موسی صدر گرچه کتاب اجتماعی مستقلی ننوشته است، اما می توان ایشان را نمونه‌ای از مفسران بارویکرد اجتماعی معرفی کرد.

وی همچنین درباره جایگاه عدالت اجتماعی در تفاسیر امام موسی صدر گفت: در اعتقاد ایشان، مکتب اسلام، ایمان بدون تلاش برای عدالت را به رسمیت نمی شناسد؛ همچنین ایشان بر این اعتقاد است که عدالت اسلام مساوی است با وجود ایمان و ایمان بدون کوشش انسان، در راه تحقق عدالت اصلتسی ندارد؛ زیرا وی عدالت اقتصادی و اجتماعی را در اسلام ریشه دار، دائمی و فراگیر می داند که با طبیعت و هستی مؤمن در آمیخته و از درون فرد و جامعه مسلمان سرچشمه گرفته است.

مظاهری در ادامه، در پاسخ به این سؤال که امام موسی صدر چگونه از بحث انفاق برای توضیح اجتماعی بودن احکام اسلامی و توجه اسلام به بُعد اجتماعی انسان بهره می گیرد، گفت: ایشان درباره معانی انفاق در قرآن، با نگاهی تحلیلی - اجتماعی می فرماید «هر که در آیات کریمه انفاق بیندیشد، به خوبی درمی یابد که انفاق، به مفهوم قرآنی آن، مشارکت دادن کامل دیگران است در آنچه خداوند از مال و فکر و کوشش و مبارزه به انسان بخشیده؛ بازگشت نتیجه خیر به انفاق کننده و دوری او از ظلم و هلاکت، تنها منحصر

مدیر فصل نامه علمی و پژوهشی مطالعات میان فرهنگی در پایان گفت: امام موسی صدر بر این باور است که قرآن به هیچ وجه از فرهنگ زمان نزول خود و قرن های بعد از آن، تأثیر نپذیرفته و این خود بهترین شاهد است بر اثبات اینکه منبع فرهنگ و معارف قرآن کریم، خود خداوند است که از اطلاعات زمان بی نیاز است و نیز در جای دیگر می فرماید آیات شریفه ای که به عنوان شاهد درباره حرکات خورشید، ماه، زمین، ستارگان و ... نازل شده به هیچ وجه تحت تأثیر هیئت بطلمیوسی و آراء آن نبوده است؛ همچنین آیاتی که به مبدأ خلقت، تکوین آفرینش زمین و گسترده گی جهان و ... اشاره دارند، گویا بر جدیدترین نظریات علمی روز تطبیق می کند؛ بدون کوچک ترین تأثیر پذیری از فرهنگ حاکم و رایج عصر نزول و وحی.

به جزای الهی که در قیامت عاید انسان می شود، نیست؛ بلکه نتایج اجتماعی که از فعالیت های انسان بر می آید نیز جزای عمل به حساب می آید؛ این پاداش که پیش از پاداش اخروی است، در قرآن به «جزای ادنی» و پاداش آخرت به «جزای اوفی» یاد شده است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران همچنین پیرامون اعتقاد امام موسی صدر به بُعد تربیتی آیات قرآن کریم گفت: ایشان معتقد است که قرآن کتاب دین و تربیت است و ضرورتی ندارد که چنین کتابی به تفصیل، متعرض تمام امور دینی شود؛ بلکه قرآن مجید در مقیاسی عمومی تربیتی، انسان ها را بر سیر در ملکوت آسمان ها و زمین و تدبیر در جهان آفرینش و بدایع و صنع حق تحریر و ترغیب کرده است.



آنچه در پی می آید گزیده‌ای از مقاله دکتر «محمد مهدی مظاهری» با عنوان «امام موسی صدر، تلاش برای احیای هویتی گمشده» است. تأملی در زندگی و زمانه امام موسی صدر حکایت از رمز و رازهای فراوانی دارد؛ چنانکه سرنوشت نامعلوم او نیز چنین است؛ تولد و نشو و نما در خانواده‌ای روحانی و در عین حال عجیب با مبارزه، چنان که پدر ایشان آیت الله سید صدرالدین صدر جانشین آیت الله شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم و از مراجع زمان خویش است و جد پدری ایشان آیت الله سید اسماعیل صدر جانشین مرحوم آیت الله میرزا حسن شیرازی مرجع مطلق زمان خویش و رافع فتنه عظیم تنباکو به عنوان سندی استعماری در عهد ناصری است؛ در عین حال نیای مادری ایشان حاج آقا حسین قمی جانشین آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و رهبر قیام مشهد علیه رضاخان. بدین شیوه این شخصیت عظیم به لحاظ خانواده و نسب در خانواده‌ای استعمارگریز و استبدادستیز پرورش یافت.

ورود موفق او در علوم مختلف فقه، اصول، تفسیر و فلسفه که حاصل تلمذ در محضر بزرگانی چون امام خمینی (ره)، محقق داماد، حجت، حکیم، خویی و... است، اگر چه در نگاه اول او را از اقران خود ممتاز نمی سازد اما اندکی تدقیق در چگونگی تلاش امام صدر برای جمع میان این علوم از یک سو و پیوند زدن میان آن‌ها و مسائل روز از دیگر سو و بالاخره خروج از عالم ذهنی علمی و ورود در عالم عین و عمل، بی گمان وجه فارق و نقطه ارجحیت او بر اقران خود است؛ چه آنکه به نظر می رسد در سایه شاگردی در مکاتب اساتید فوق الذکر، صدر در کمال موفقیت و در قالب مصلحی

جامعه‌اندیش موفق شد مرحله جمع کتب را با مرحله رفع حجب پیوند دهد و پس از این توفیق سفر من الحق الی الخلق را تجربه کند.

نکته قابل تأمل دیگر در زندگی امام موسی صدر وجود پاره‌ای اشتراکات و به بیانی سرنوشتی نسبتاً مشترک میان ایشان و شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی است، چنان که شهید بهشتی از دوستان اصلی و هم‌بحث شهید صدر بوده و جالب آنکه هر دو به دستور بزرگان حوزه یکی رهسپار هامبورگ و دیگری عازم لبنان می‌شود و هر دو سودای نشر اسلام و دغدغه آن را در سراسر عمر در سر می‌پروراند و طرفه آنکه هر دو به تحصیلات حوزوی بسنده نکرده و تحصیلات آکادمیک را نیز پیگیری می‌نمایند و بالاخره در حرکت اصلاح‌گرایانه خویش سطح خاصی را در امر تعلیم و تربیت ملحوظ نظر نداشته حتی از اداره مدرسه‌هایی در قم آغاز می‌نمایند و بالاخره آنکه هر دو به شخصیت‌هایی کاملاً اثرگذار در امر رهبری حرکت‌های آگاهی‌بخش دو ملت ایران و لبنان تبدیل شدند.

نکته قابل تأمل دیگر در شخصیت امام صدر عطف توجه به این مهم است که آن بزرگوار در زمره مردان بحران قابل بازشناسی و شخصیت ایشان در پناه این مقوله قابل بازخوانی است؛ چنانکه در اواخر سال ۱۳۳۸ و به توصیه حضرات آیات بروجردی، حکیم و شیخ مرتضی آل یاسین و همچنین وصیت آیت‌الله مرحوم عبدالحسین شرف‌الدین، رهبر شیعیان لبنان، سرزمین مادری خود را ترک گفته و به سرزمین آباء و اجدادی خود که در شرایط معهود یکی از عمده‌ترین کانون‌های بحران در جهان اسلام محسوب می‌شد، عزم رحیل نمود.

نکته پایانی و در عین حال مهم در این باب واکاوی عمق تأثیرگذاری امام صدر بر اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لبنان از یک سو و میزان موفقیت او در آسیب‌شناسی موفق، بازخوانی در خور تحسین و بالاخره سامان دادن خطوط هویتی سیاسی، دینی جامعه پراکنده لبنان و جمعیت شیعی این کشور از دیگر سو است؛ امری که در تحقیق حاضر کوشش خواهد شد مورد بحث و تدقیق قرار گیرد.

هویت

در تبیین مقوله هویت یکی از ساده‌ترین و در عین حال زودفهم‌ترین برخوردها تلاش جهت تعریف آن به واسطه‌شناسایی مفهوم مقابل آن یعنی بی‌هویتی است؛ بر این اساس و در حالی که بی‌هویتی را می‌توان گونه‌ای احساس گسست و در عین حال وادادگی معرفی کرد، هویت نوعی پیوست، اتصال، دلبستگی و بالاخره تعلق خاطر معرفی

می‌شود.

در گام دیگر می‌توان تعریف هویت را در سایه واکاوی احساسات تعلقات یک فرد به جامعه و عوامل همبسته‌ساز آن معرفی نمود؛ بدین معنا که هویت عبارت است از مجموعه خصائصی که شخص یا احساسی درونی را تعیین می‌نماید و هویت از مجموعه متفاوت احساسات ترکیب می‌شود؛ مانند احساس وحدت، همسازی، تعلق، ارزش، استقلال و احساس اعتماد سازمان‌یافته بر محور اراده موجود. (۱)

سؤال از هویت عموماً در قالب متداول من کیستم؟ و من چیستم و به تبع آن ما کیستیم؟ و ما چیستیم؟ پاسخ خود را یافته و آنچه را حاصل می‌آید، هویت فرد یا جمع مورد سؤال معرفی می‌کند. این احساس تعلق با مسئله کیستی و چیستی در رابطه نزدیک و دقیق قرار دارد؛ (ما) به چه جامعه‌ای با چه ساختار معنوی و مادی تعلق دارم (داریم)؟ چه روابط معنوی و مادی مرا (ما را) به این جامعه و این جامعه را به من (ما) پیوند می‌دهد؟ و چرا من (ما) خودم را (خودمان را) بخش و جزئی از این جامعه احساس می‌کنیم و بدان تعلق داریم؟ و این احساس تعلق چه تعهداتی را برای من (ما) و جامعه ایجاد می‌کند؟... گذشته مشترک من (ما) با این جامعه چیست؟ آیا من (ما) با کل این جامعه گذشته مشترک تاریخی دارم و داریم و یا بخشی از آن؟ در این صورت کدام بخش و چرا؟ (۲)

با چنین تعریفی از هویت معین می‌شود که حصول این مهم در معنای تام کلام، رهین گونه‌ای خوشناسی است؛ مقوله‌ای که احساسات تعلقات را واگویه نماید و در عین حال انسجام‌بخش «خود»های دورافتاده از یکدیگر باشد. هویت محصول خودشناسی فردی و گروهی است... انسانی که از خود تعریفی ندارد و یا جامعه‌ای که از خود برداشتی کلی ندارد، عملاً واحدی از هم گسیخته، نامنسجم، از خود بیگانه و یا خودستیز است. (۳)

در میان مؤلفه‌های هویت و میان اینکه چه

چیز من و ما من و جمع من‌ها را تشکیل می‌دهد و اسباب تعریف و ابراز وجود من و ما را فراهم می‌آورد، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده و هر اندیشمندی به فراخور هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و بالاخره نگاه خاص خویش به جامعه این مقوله را تعریف نموده است؛ بر این مبنا اگر چه مفاهیمی چون هم‌کشوری، هم‌دولتی، هم‌قانونی، هم‌نژادی، هم‌زبانی، هم‌زمانی، هم‌خطی، هم‌آیینی و... با یک نقطه متمرکز و آن هم تأکید بر گونه‌ای اشتراک در میان یک جمع حکایتگر مؤلفه‌های هویت می‌باشد، اما در یک نگاه کلان و قالبی‌تر می‌توان از تاریخ، زبان، مذهب، سنت و بالاخره مقوله هم‌آیزی با تجدد به عنوان مؤلفه‌های اساسی هویت یاد کرد و آن را در قالب «واحدی جغرافیایی» به ارزیابی نشست.

انسان و جامعه در نگاه امام موسی صدر

چنانکه گذشت بازشناسی مقوله هویت در نگاه هر اندیشمند، مستلزم واخوانی نگرش او به انسان و جامعه است چه آنکه تعریف از کیستی و چیستی من و ما بیش و پیش از هر چیز متوجه تعریفی است که اندیشمند در سطحی کلان‌تر از مفهومی غالب و قالبی‌تر از حیث جنس دارد و آن مسئله انسان و جامعه به عنوان مرجع «من» و «ما»های معهود است.

تأملی در آثار به جای مانده از امام موسی صدر حکایت از آن دارد که ایشان عطف به نگاه هستی‌شناسانه مذهبی خود انسان را در پناه این عقیده بازتعریف می‌کند و او را با صفاتی چون بهره‌مند از فطرت پاک، صاحب اراده مختار و آزاد معرفی می‌کند؛ از نظر اسلام، انسان در جهان آفرینش امتیاز به خصوصی دارد؛ او در اسماء و صفات الهی بر صورت خالق آفریده شده و خیر محض است زیرا سرشت او پاک است و فطرت او به دین حق می‌کشاند؛ او تنها موجودی است که می‌تواند راه راستی را که برای او ترسیم شده برود یا از این راه منحرف و گمراه



صدر نشان می‌دهد که او برخلاف اومانیسیم و مکتب کاپیتالیسیم، فردگرایی صرف را بر نمی‌تابد و در عین حال هوشمندانه از سقوط در دامان اندیشه سوسیالیسم و مشی جمع‌گرایی مطلق پرهیز می‌نماید و در این راه نگرشی معطوف به فرهنگ اسلامی را عرضه می‌دارد که در سایه آن فرد و جمع هیچ‌گاه به قربانگاه دیگری فرستاده نمی‌شود. حقیقت این است که اسلام، اجتماعی را ترسیم می‌کند که در آن به فردیت فرد با تمامی جوانب شخصی و اجتماعی وی توجه شایسته شود. (۹)

با چنین نگرشی به انسان و جامعه، امام موسی صدر به لبنان رفت تا اوضاع کشور لبنان را که به دلیل تشتت اقوام و آرا به جامعه‌ای از هم‌گیسخته تبدیل شده بود، بسامان کند و در عین حال هویت شیعی فراموش شده اهل آن دیار را بازخوانی و در عین حال محل اثر نماید.

بدیهی است که شناسایی و معرفی آسیب‌های هویتی از یک سو و قوام بخشیدن به مؤلفه‌های هویتی مردم لبنان به ویژه شیعیان از سوی دیگر هدف اساسی ایشان از سفر

در تفسیر آیه ۱۸ سوره حج «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالذَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ...» آیا ندانستی که خداست که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و [تمام] ستارگان و کوهها و درختان و جنبنندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند... و نیز آیه ۴ سوره اسراء «...وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ...» و... هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش تسبیح او می‌گوید... بیان می‌دارد که این جهان بینی چه اثر بزرگی در روحیه انسان می‌گذارد زیرا او احساس می‌کند که دستگاه عظیم آفرینش دست به دست او داده با وی در راه حق همکاری و از جهاد و فعالیت‌های مثبت او پشتیبانی می‌کند. (۶) با چنین نگاهی به انسان است که امام موسی صدر هدف غایی خود را بازگردانیدن کرامت نفس انسان به انسان معرفی می‌کند؛ نخستین گام در راه تربیت انسان و ارتقای اندیشه وی در طریق تکامل عبارت است از قرار دادن انسان در مسیری که کرامت خویش را درک کند و نسبت به بزرگی انسان و ارجمندی مقام خود آگاهی درخور داشته باشد و بر همه شئون خویشتن خویش اهتمام شایسته بورزد. (۷)

در سایه نگاه ویژه امام موسی صدر به انسان، جامعه مورد نظر او نیز شکل خاص خود را می‌یابد و عطف به هستی‌شناسی مذهبی او رنگی انسانی و در عین حال به دور از فردیت متداول در اندیشه غربی به خود می‌گیرد. جامعه نیز در اسلام مفهوم خاصی دارد؛ جامعه در این تفسیر از واقعیت انسان سرچشمه گرفته است؛ انسانی که اساس اجتماع و غایت آن است، به همین دلیل جامعه اسلامی رنگ انسانی دارد، نه رنگ فردی یا احسان فرد که همه سازمان‌ها مقررات برای فرد تنظیم شده باشد و نه رنگ اجتماعی یا اصالت جامعه که به کلی فرد در آن فراموش شده باشد. (۸) تأملی در این فراز از سخنان امام موسی

شود؛ او آفریده شده تا در کسب کمال آزاد و مختار باشد، نه آنکه راهی را جز تسبیح خدا نشانسد.

انسان در نظر اسلام به مقام شامخ نمایندگی خدا در زمین مفتخر و کلید آفرینش به او سپرده شده و راه کشف حقایق و وسیله دست یافتن به همه چیز به او تعلیم داده شده است، فرشتگان در برابر او سجده کرده‌اند و مقرر شده است که همه نیروهای طبیعی هستی مسخر او شوند. (۴) بدیهی است که لازمه انسان با فطرت پاک و متصف به خیر محض آن است که بتواند از سویی به خود به دیده کرامت نگاه کند و از دیگر سو، دیگر انسان‌ها را کریم داند؛ انسان مختار آزاد از این قابلیت برخوردار است که سرنوشت خویش را در دست گیرد و بالاخره انسان مسجود فرشتگان از این ظرفیت بهره‌مند است که اهداف غایی انسانیت را پی‌جویی کند.

محوریت دعوت امام موسی صدر، نیل به اهداف غایی انسان است؛ انسانی که مظهری از مظاهر خداوند است. او اهداف انسانی را محور قرار داد تا انسان را از ماده پرستی، افسار گسیختگی غرایز و پرستش بت‌های انسانی برهاند؛ او با پایه‌ریزی «حرکه المحرومین» در برابر ستم‌ها و طغیان‌ها و سرکوب‌ها ایستاد و در راه تحقق عدالت و مساوات جهاد نمود. (۵) انسان کرامت‌مدار، خلیفه‌الله و طالب تحقق اهداف غایی انسانی در نگاه امام موسی صدر، انسانی تنها و رمیده از اغیار نیست، بلکه موجودی است که به دلیل قداست هدف و مقصد، دستگاه عظیم آفرینش را در امر حرکت پشتیبان خود قلمداد می‌کند و از این حیث تمام فعالیت‌ها و اقدامات خویش را مستظهر به لطف خداوند از یک سو و قرین توفیق از سوی دیگری می‌یابد و بدیهی است که در سایه چنین نگرشی هیچ امری بر او سخت و دشوار نمی‌نماید؛ امری که در کلام امام موسی صدر از یک طرف و سیره، سلوک و عملکرد ایشان از طرف دیگر - چنانکه خواهد آمد - امری یقین می‌نماید؛ امام موسی صدر

این دیار به عنوان نخله‌ای حاکم پیشتاز بود؛ امام موسی صدر در اوضاعی به لبنان آمد که به گفته خود او مسیحیت، وهابیت و اهل سنت، اعتقادات شیعیان را به چالش کشیده بودند و رفته رفته سست‌ایمانان شیعه را به خود می‌خواندند. (۱۰)

امام موسی صدر و بازگرداندن هویت سیاسی - مذهبی به لبنان امام موسی صدر در حالی به تنظیم اوضاع بحرانی لبنان مبادرت ورزید که روز به روز بر عمق تجاوزات و توسعه‌طلبی‌های اسرائیل افزوده می‌شد. در سایه چنین شرایطی، وی یگانه مشکل فراروی جامعه لبنان را تضعیف مقومات هویتی ایشان قرائت نمود و با اتخاذ راهکارهایی به ترسیم نقاط آسیب‌پذیر مبادرت نمود.

چنان که پیش‌تر گذشت، تضعیف ارکان هویتی فرد یا جامعه به منزله گسست ملاط پیوست من و ما و سقوط در ورطه موسوم به بی‌هویتی محسوب می‌شود و حاصل آن فرور یختن شاکله اساسی من فردی و مای جمعی در برابر اولین تندبادهاست؛ بر این مبنا امام موسی صدر پیش از تشخیص درد مزمن جامعه لبنان که در قالب بی‌هویتی از زاویه دید ایشان معرفی می‌شد، کوشید تا با اتخاذ راهکارهایی بر این معضل غلبه نماید و در این راه اولین گام حرکت خویش را معطوف به احیای هویت تاریخی لبنان برای فرد فرد ملت لبنان صرف نظر از کیش و عقیده ایشان نمود.

«لبنان صاحب واقعیتی است تاریخی که تا قدیم‌ترین اعصار امتداد دارد؛ تاریخ بلند لبنان بسیاری از تمدن‌ها، عظمت‌ها، رسالت‌ها و فرهنگ‌ها را در خود جای داده است. این تاریخی است که اگر فرد لبنانی از آن مطلع باشد، نسبت به آن احساس سربلندی می‌کند؛ چرا که این تاریخ برای او یادآور عظمت‌ها و تمدن‌ها و رسالت‌های بزرگی است که همواره هر لبنانی را واداشته و امروز هم وامی‌دارد تا نقش خود را ایفا کند؛ از طرفی لبنان صاحب فرهنگ و تمدنی است که از تمدن‌های متنوع و



آن معرفی شده است.

افزون بر موارد مذکور نابسامانی اوضاع شیعه در این سرزمین، بزرگان مرجعیت شیعه را بر آن داشت تا شخصیتی عارف به مسائل اسلامی و روشن‌اندیش در مسائل سیاسی و اجتماعی را به این سرزمین گسیل دهند و در این میان وصیت مرحوم شمس‌الدین نیز حجت را بر انتخاب مراجع تقلید تمام نمود و امام موسی صدر بهره‌مند از تحصیلات عالی حوزوی و دانشگاهی مسلط بر زبان‌های انگلیسی، فرانسه و عربی و بالاخره با دغدغه‌دنیای مردم از منظر دینی به لبنان وارد شد.

امام صدر در شرایطی به لبنان گام می‌گذاشت که علی‌رغم حاکمیت روحیه طائفه‌گری و تشقت و تفرقه در میان ادیان و مذهب و اقوام مختلف، سکولاریسم در

را تشکیل می‌داد.

امام موسی صدر و آسیب‌شناسی هویت سیاسی، مذهبی به روایت تاریخ، لبنان زادگاه شیعه معرفی شده و دلیل این امر در این نکته است که پس از آنکه خلیفه سوم ابوذر غفاری را به شام فرستاد، معاویه که در آن زمان فرمانروایی شام را عهده‌دار بود، این شخصیت اصیل اسلامی شیعی را به لبنان تبعید کرد و حاصل این تبعید ترویج و تعمیق شیعه در منطقه جبل عامل لبنان شد؛ در کنار شیعه در لبنان از دیرباز فرقه و نخله‌های مذهبی مختلف اعم از مسیحی (کاتولیک، ارتدوکس، مارونی و ...) و مسلمان (سنی، دروزی) نیز حضور داشته‌اند و از این منظر، لبنان، در طول تاریخ بستر جغرافیایی تلاش‌های عقیدتی و فرهنگی پیامبرانی چون موسی، عیسی، سلیمان، یحیی، داود (علیهم‌السلام) و نبی معظم اسلام (ص) معرفی شده است و به همین دلیل تنوع و تعدد ادیان و به تبع آن مذاهب از یک سو و تحولات جمعیتی و اعتقادی از دیگر سو است که بحران در لبنان همواره به عنوان یکی از اجزای لاینفک

زور و اجبار یا در نتیجه غلبه دشمن خارجی تا هنگامی که آن مردم در کنار یکدیگر بوده‌اند و وحدت کلمه داشته‌اند و به مسئولیت‌های خود، آگاه بوده‌اند، از بین رفته باشند؛ مهم خطر داخلی است خطر تفرقه (۱۳).

افزون بر مقولات فوق که جملگی رویکرد حرکت امام موسی صدر در احیای هویت سیاسی لبنان را نشان می‌دهد و مقولاتی چون هم‌سرزمینی، هم‌تاریخی، هم‌قانونی، هم‌نژادی، هم‌زمانی، هم‌زبانی و هم‌خطی را در صدر توجهات قرار می‌دهد ایشان هم‌کیشی و هم‌آئینی را در دو سطح کلان و جزء ملحوظ نظر قرار داده است؛ در سطح کلان، امام موسی صدر با نفی هرگونه فرقه‌گرایی به عنوان «ام‌الآفات تحقق هویت لبنان» به دسته‌بندی نخله‌های اندیشگی موجود در لبنان زمان خود همت می‌گمارد و بر عنصری والاتر تأکید می‌کند و خاطر نشان می‌سازد «در نظر من تدین غیر از فرقه‌گرایی است. در حال حاضر سه شعار وجود دارد؛ سکولاریسم، فرقه‌گرایی و اعتدال دینی که ما اعتدال دینی را تدین می‌نامیم. تدین و ایمان به خدا که پروردگار همه است و هیچ دینی پیروانش را به کنار نهادن و حقیر شمردن دین دیگر فرارخوانده است.» (۱۴)

در سطحی خردتر امام موسی صدر وضعیت شیعیان و بسامان کردن اوضاع ایشان را چنانکه انتظار از اعزام ایشان به لبنان نیز همین بود، در صدر توجهات خویش قرار داد که حاصل آن تأسیس جمعیت خیریه «البر و الإحسان» در اولین سال‌های ورود به لبنان و به منظور مبارزه با فقر و تأمین نیازهای مالی نیازمندان و همچنین تأسیس ده‌ها مؤسسه خیریه و فرهنگی - آموزشی در سال‌های بعد بود. در همین راستا و بدان جهت که در کنار طوایف دیگر جماعت شیعه از مرکزی برای برآوردن مطالبات و منویات خود در عین حال هم‌طرز با سایرین محروم بودند، امام موسی صدر مجلس اعلا‌ی اسلامی شیعیان لبنان را بنیان نهاد؛ مجلسی که به زعم ایشان تنظیم امکانات موجود در نزد شیعیان و ایجاد نوعی هماهنگی و مذاکره و همکاری با دیگر طوایف و تحقق عدالت همسنگ با سایرین را برای شیعه لبنان موجب می‌شد.

کلام آخر در این باب توجهات بلیغ امام موسی صدر به دشمن مشترک اهل لبنان و نیز جهان اسلام است؛ دشمنی که در قالبی غصبی و موجودیتی تحمیلی هویت اسلامی مسلمانان را به چالش کشیده بود و تمام مقدمات و مؤلفه‌های هویتی ایشان را نشان رفته بود؛ در مقابله با این دشمن امام موسی صدر ضمن هشدار نسبت به تعدیات و توسعه‌طلبی‌های آن به شکلی عملی پرچمدار مبارزه‌ای

چنانکه مشاهده می‌شود، امام موسی صدر حرکت خود را دقیقاً از جایی آغاز می‌کند که دیگران هر حرکتی را از آن نقطه پایان یافته و در عین حال ابتر یافته‌اند و این هیچ معنایی ندارد جز خلع سلاح کردن دشمن از درون انبار تسلیحاتی آن

روند سازش طبعاً موجب غلبه یک طرف بر طرف دیگر می‌شود و برای آنکه بخواهند طرف غالب را ساکت کنند، باید حق و حقوق بیشتری به او بدهند؛ این سازش‌پذیری‌ها نادرست و خطرناک است. خطر دوم آن است که سازش‌ها دائماً میان سران و بر ضد مردم انجام می‌پذیرد اما اگر قبول کنیم که گوناگونی تفکرات و فرهنگ‌ها مسئله تعاون میان مردم را آسان می‌کند، بی‌شک این تنوع وسیله‌ای برای تحکیم ارتباط میان افراد این کشور خواهد شد. (۱۲)

چنانکه مشاهده می‌شود، امام موسی صدر حرکت خود را دقیقاً از جایی آغاز می‌کند که دیگران هر حرکتی را از آن نقطه پایان یافته و در عین حال ابتر یافته‌اند و این هیچ معنایی ندارد جز خلع سلاح کردن دشمن از درون انبار تسلیحاتی آن. به اعتقاد امام موسی صدر هیچ ملتی در طول تاریخ مورد هجوم قرار نگرفته است مگر آنکه پیش از حمله دشمن خود را تسلیم محض ننموده باشد؛ تسلیمی که در ادبیات وی فروگذاری مؤلفه‌های هویتی در صدر ابعاد و اضلاع آن قرار دارد.

«من برای لبنان و حتی کشورها و امت‌ها خطر خارجی قابل ذکری سراغ ندارم، بلکه خطر اساسی همان خطر داخلی است. من بدین واقعیت اعتقاد دارم که امکان ندارد یک ملت بر اثر خطر خارجی و دشمنان بسیاری از میان برود؛ هرگز تاریخ، هیچ ملت و امتی را نشان نداده است که به دلیل

فرهنگ‌های مختلف و اندیشه‌های گوناگون بهره گرفته است. در آینده لبنان می‌توان تجربه میلیون‌ها و میلیاردها نفر از افراد بشر را دید و می‌توان از این دستاوردهای بشری که اکنون در لبنان فراهم آمده به گونه‌ای جدی بهره‌برداری کرد.» (۱۱)

نکته قابل تأمل آنکه در احیای این مقوله معقول هویتی و برخلاف اندیشه رایج، امام موسی صدر کوشید تا از بحران موسوم به طایفه‌گری و اختلافات اقوام و ادیان به بهترین وجه استفاده نموده، ضمن بهره‌گیری از آن به عنوان یک فرصت، به آشتی مجدد ملت لبنان و فراخوانی ایشان به انسجام و یگانگی بر مقوله تاریخ مشترک به عنوان بُعدی اساسی از ابعاد هویتی مبادرت ورزد.

در رویکردی دیگر و عطف به انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی خاص خویش، امام موسی صدر موفق شد با تأکید بر کرامت انسانی و ضرورت احترام متقابل ادیان، لبنانی‌ها را بر محور ملیت به عنوان رکن دیگر هویت‌بخش ایشان منسجم و متحد سازد؛ «اصل، به رسمیت شناختن طرف مقابل است سپس اطمینان به یکدیگر داشتن برای ایجاد تعاون و همیاری و این همه از احترام متقابل ناشی می‌شود؛ با کمال تأسف چهره این حقیقت در لبنان مسخ شده است و می‌خواهند آن را با تحمیل سازش بر دیگری و سکوت و انزوای طرف مقابل درمان کنند؛ اما این سازش اگر عملی شود، دارای خطرهایی است، زیرا



جدی با این موجودیت شد و در زمانی با شعار ضرورت محافظت از کرامت وطن، در دیگر زمان با تهدید به اعتکاف تا سر حد مرگ در مسجد و بالأخره اعتصابی تاریخی، تلاش برای برقراری کنفرانس ریاض در سال ۱۹۷۶، تشکیل جنبش امل به منظور مقابله با اسرائیل و ... روح هویتی جدید را در کالبد پژمرده لبنان دمید؛ هویتی که در سال‌های بعد موفق شد اسباب شکست اسطوره شکست‌ناپذیری اسرائیل را فراهم آورد و حماسه‌ای را خلق کند که پیش از این اعراب علی‌رغم برخورداری از جماعتی ۳۰۰ میلیونی در مقابل موجودیتی ۴ میلیونی از خلق آن عاجز بودند و بی‌گمان زیننده‌ترین کلام در حق او آن است که خود در حق دیگری می‌گفت که:

«لَوْ جِئْتُه لَرَأَيْتَ النَّاسَ فِي رَجْلِ وَالدَّهْرُ فِي سَاعَةٍ وَ الْأَرْضُ فِي دَارٍ» (اگر نزد او حاضر می‌شدی، همه مردم را در یک مرد و همه دهر را در یک ساعت، و همه زمین را در یک خانه می‌یافتی)



پی‌نوشت‌ها:

- ۱- داوود شیخاوندی، ناسیونالیسم و هویت ایرانی. مرکز بازشناسی اسلام و ایران. ۸۰ ص ۹۰
- ۲- شاپور رواسانی، زمینه‌های اجتماعی هویت ملی. مرکز بازشناسی اسلام و ایران. ۸۰ ص ۹۰.
- ۳- فرهنگ رجایی، مشکل هویت ایرانیان امروز. نشر نی. ۸۳ ص ۴۱.

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/sokhanrani/anso17.htm> -۴

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/sokhanrani/anso17.htm> -۵

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/sokhanrani/anso17.htm> -۶

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/sokhanrani/anso17.htm> -۷

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/sokhanrani/anma7.htm> -۸

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/sokhanrani/anso16.htm> -۹

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/sokhanrani/anma5.htm> -۱۰

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/sokhanrani/anma5.htm> -۱۱

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/sokhanrani/anma5.htm> -۱۲

<http://www.imamsadr.ir/Andishe/sokhanrani/anma5.htm> -۱۳



امام موسی صدر بر این باور بود که شهروند صالح بودن، واجب شرعی است

ر بوده شدنش را انداختند؛ در حالی که گرگ، مهربان تر از آنان می نماید.

نماینده جنبش امل در تهران ادامه داد: در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امام موسی صدر به وسیله معمر قذافی ناپدید شد و بدین ترتیب برای مدت ۳۲ سال یک متفکر مسلمان روشنفکر را از دست دادیم؛ هیچ گاه نمی توانیم حق امام موسی صدر را ادا کنیم؛ ایشان مردا مأموریت های سخت و چراغ نور و هدایت در شب های تاریخ بود و مرد شفاف و صریح در روزهای نفاق سیاسی؛ متعهدی مبارز بود در برابر آنان که وجدان های خویش را فروختند؛ آزاد در زمان وابستگی و پاک در زمان پلیدی.

عادل عون در پایان تأکید کرد: امام موسی صدر مرد بزرگی است و بزرگ می ماند؛ هر که در برابر خداوند فروتنی کند، خداوند شأن و منزلت او را بالا می برد؛ او صفت تواضع و فروتنی را با خود داشت، چنانچه شخصیت و حضورش را بارز جلوه می داد و این سرنوشت مردان بزرگ در هر زمان و هر مکان است.

وی افزود: امام موسی صدر به گفت و گوی تمدن ها و اعتماد به یکدیگر اعتقاد داشت؛ وی به توطئه ها قبل از به وقوع پیوستن آنها پی می برد؛ او مقاومت را بنیان گذاری کرد و اجتماعش را برای دفاع از جنوب لبنان و سرزمین مقدس فلسطین ایجاد کرد که آزادی آن مگر به دست مؤمنان میسر نخواهد شد.

عادل عون تصریح کرد: امام موسی صدر نباید خوایش را نزد برادرانش بازگو می کرد؛ زیرا همانند برادران یوسف (ع) به حیله گری پرداختند و همچنانکه هر گاه پیامبری با پیام الهی نزدشان می آمد، گروهی انکار و تکذیب می کردند و گروهی دیگر به قتل می پرداختند، پس امام موسی صدر را در چاهی انداختند و بر پیراهنش خون دروغین بستند (!) و بر گرگ، تهمت

امام موسی صدر بر این باور بود که شهروند صالح بودن، واجبی شرعی و حس وطن دوستی و دفاع از آن واجبی مقدس است و بر این عقیده بود که معامله کردن با دشمن مطلقاً حرام است.



«عادل عون»، نماینده جنبش امل در تهران، در نخستین کنگره بین المللی «نقش امام موسی صدر در بیداری جهان اسلام» که به همت جبهه بین المللی آزادی امام موسی صدر برگزار شد، ضمن بیان این مطلب گفت: امام موسی صدر رهبری بی نظیر و استثنایی در گفتار و کردار بود؛ کسی که دنیا را دگرگون کرد؛ امامی که در معنویت، سیاست و اجتماع ممتاز و اصلاح طلب بود.



امام موسی صدر بی حجابی را نماد تحقیر بانوان می داند

امام موسی صدر بر خلاف نمادهای فرهنگ غرب، بی حجابی را نماد تحقیر بانوان می داند و معتقد است که این مسئله عامل حقارت زن و انکار توانمندی های اوست و باعث از بین رفتن عمر، وقت و فرصت های گرانبهای او می شود.



ناهید مشائی، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد و صاحب مقاله «امام موسی صدر و نقش نوین زنان در جامعه لبنان»، با بیان این مطلب گفت: از تاریخ شیعه و مردان بزرگ و تاریخ ساز این مکتب در لبنان و منطقه جبل عامل، کم و بیش در کتب تاریخی مطالب قابل توجهی ثبت شده است؛ گرچه در این موضوع تردیدی نیست که نیمی از افراد این جامعه را زنان تشکیل می دهند، اما نقش زنان در جامعه قدیم لبنان به گواه اسناد تاریخی آنان کم رنگ بوده است و آنان را با جامعه کاری نبوده و حتی سطح سواد زنان در جامعه قدیم لبنان بسیار پایین و اندک بوده است.

وی افزود: البته در تمامی این اعصار تا قرن ۱۹ میلادی حجاب زنان جامعه لبنان کامل بوده و «فیلیپ حتی» محجوبه بودن آنان را جزء خصوصیات زنان لبنان اعم از مسیحی و مسلمان دانسته است؛ این نوع حجاب که حتی در اوایل قرن بیستم در اکثر زنان شهر نشین به صورت چادر و در زنان روستایی در قالب لباس های محلی بوده است، پس از رخدادها و تحولات متعدد قرن بیستم از جامعه لبنان رخت پرست تا آن جا که حتی در جامعه زنان مسلمان نیز تنها برای پوشش ۳ درصد از آنان استفاده می شود و تغییر نوع حجاب و حتی کنار گذاشتن کامل آن از ویژگی های این دوره به شمار می آید.

مشائی تأکید کرد: تحولات و رخداد های قرن بیستم میلادی، وقوع جنگ های جهانی و فشار های اقتصادی ناشی از آن ها و وقوع بی بند و باری های فرهنگی چنان در

درباره زنان می پردازد و در خلال این سخنان برخی مسائل مبتلابه زنان جامعه را که ریشه فرهنگی داشته از ساحت مقدس تعالیم اسلام جدا ساخته و آن ها را ناشی از عادات اشتباه موروثی رایج طی قرون مختلف می داند که به اسلام نسبت داده شده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد ادامه داد: امام موسی صدر همچنین روش قرآن را چنین بیان می کند «آیاتی که در بیان احکام یا قانون گذاری یا پند و اندرزها، زن را به مرد ملحق می سازد، بس فراوان است بدون آن که مقام زن را تنزل دهد یا او را تحقیر کند و شأن او را کم تر از مرد بداند».

مشائی گفت: موضوع حجاب از دیگر

جامعه لبنان و حتی زنان شیعه آن ديار تأثیر عمیق گذاشت که از آن به اوضاع اسفبار یاد شده است.

اکنون پس از ترسیم اجمالی سیمای وضعیت زنان در آن جامعه، وارد مرحله ای از تغییرات اوضاع زمان می شویم که به دست منجی جامعه لبنان، امام موسی صدر انجام گرفت.

وی گفت: اقدامات علمی ایشان در این زمینه با نگارش مقاله «الاسلام والمرأة» آغاز شد و با نگارش مقدمه ای بر کتاب «فاطمه الزهراء» نوشته «ادیب سلیمان کتانی»، به ثمر رسید؛ این مقدمه اکنون با عنوان «زهرا(س)؛ فصلی از کتاب رسالت» چاپ و در دسترس عموم قرار گرفته است. ایشان در این کتاب ابتدا به ایراد مسائلی



بود، به کار و کوشش پرداختند؛ یکی از آن‌ها مدرسه‌ای به نام «بیت الفتاة» (خانه دختران) بود؛ در این مکان به دختران بی‌سرپرست و فقیر، خیاطی و هنرهای دستی دیگر آموزش می‌دادند؛ امام موسی صدر مرکز دیگری نیز برای بانوان با عنوان «آموزشگاه پرستاری» دایر کرد. مشائی یادآور شد: البته نباید فراموش کرد که در تأسیس بسیاری از این مؤسسات زنان و حتی مدیریت آن‌ها تا کنون «ربابه صدر»، خواهر بزرگ امام موسی صدر، نقش برجسته‌ای داشته‌اند و هنوز هم ایشان به عنوان الگو برای یک زن مسلمان مورد احترام به فعالیت در لبنان مشغول هستند.

وی در پایان گفت: امام موسی صدر کوشش‌های بسیار دیگری به منظور ارتقای سطح اجتماعی زنان انجام داده است که از جمله می‌توان به تأسیس مدرسه‌ای به منظور سوادآموزی و یا مدرسه آموزش صنایع دستی و آموزش خیاطی، «سازمان زنان» و «مدرسه دختران» اشاره کرد؛ روش و منش متعادل امام موسی صدر درباره زنان چنان مؤثر افتاد که اکنون ۹۰ درصد از زنان شیعه در لبنان محجبه هستند و به ویژه در مناطقی که در تصرف رزمندگان حزب‌الله است، زنان لبنانی با حجاب اسلامی ظاهر می‌شوند.

جامعه لبنان همت گماشت؛ همچنان که پیش‌تر اشاره شد، اوضاع آشفته زنان و دختران در لبنان بسیار اسفبار گشته و مسئله برهنگی یا به تعبیر عرب‌ها «خلاعة» - فراتر از بی‌حجابی و یا بدحجابی - به عنوان مشکلی برای جامعه تبدیل شده بود و این وضع با هیچ‌یک از کشورهای شرقی قابل مقایسه نبود.

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد تأکید کرد: امام موسی صدر به خاطر اهمیت، ظرافت و حساسیت مسئله حدود یک سال به دنبال تحقیق و بررسی راه‌های مبارزه با این آفت خانمان‌برانداز بود تا این که سرانجام به روشی نوین و ابتکاری دست یافت که بهتر است از زبان خود ایشان بشنویم: «پس از یک سال مطالعه، عامل اصلی این بی‌بندوباری را در بی‌سوادی، تهی مغزی و دور بودن این قبیل زنان از تعالیم اخلاقی و دینی یافتیم و فهمیدیم که نخست باید سطح فکری و تربیتی آنان از جهت دینی و اخلاقی تقویت شود؛ نتیجه مطالعات این شد که دعوت را غیرمستقیم شروع کنیم، بدین صورت که نخست جمعیت «بَرّ و الاحسان» اعلام کرد که برای عضویت زنان هم در این جمعیت مانعی نیست و آنان می‌توانند در فعالیت‌های جمعیت حضور فعال داشته باشند.

مشائی همچنین به نقل از خود امام موسی صدر خاطر نشان کرد: «رضایت روحی‌ای که به واسطه رسیدگی و ملاحظت با مستمندان در این زنان به وجود آمد، شخصیت اصلی، یعنی روح انسانی را در آنان تا حدودی زنده کرد و به خوبی درک کردند که به جز «مدرستی» و «لباس خوب پوشیدن» می‌توان شخصیت دیگری هم داشت که این شخصیت عظمت، ثبات و لطف بیشتری دارد.

وی گفت: زنان و دختران علاوه بر فعالیت در بخش بانوان جمعیت «بَرّ و الاحسان»، در سه مؤسسه مهم دیگر که باز به همت امام موسی صدر برای آنان راه‌اندازی شده

موضوعاتی است که در رهنمودهای امام موسی صدر نسبت به زنان بسیار مورد تأکید قرار گرفته است؛ ایشان در دفاع از این اصل مسلم اسلام می‌گوید: «اما موضوع حجاب در اسلام به منظور تحقیر زن یا حبس یا بزرگداشت و تمجید بیش از حد او صورت نگرفته است - آنچنان که نزد برخی از ملل چنین دیدگاهی متعارف است - بلکه حجاب، سلاح زن در جلوگیری از طغیان حالت زنانگی اوست تا مبادا این حالت و این جنبه زن بر دیگر توانایی‌های او غلبه کند. این مقصود در آیات قرآنی که زنان را از نرمش در سخن گفتن یا پای کوفتن به هنگام راه رفتن یا زینت‌نمایی بازمی‌دارد، به خوبی و روشنی آشکار است؛ حقیقت این است که آشکار کردن زیبایی‌های زن به طغیان و سرکشی جنبه زنانگی او بر وجود زن منجر می‌شود و زن را تنها به یک تابولوی هنری بدل می‌سازد». صاحب مقاله «امام موسی صدر و نقش نوین زنان در جامعه لبنان» خاطر نشان کرد: امام موسی صدر بر خلاف نمادهای فرهنگ غرب، بی‌حجابی را نماد تحقیر زن می‌داند و بیان می‌کند: «این مسئله عامل حقارت زن و انکار توانمندی‌های اوست و باعث از بین رفتن عمر، وقت و فرصت‌های گرانبهای او می‌شود؛ به ویژه این مسئله به محرومیت زن و جامعه از خدمت مادری او می‌انجامد».

مشائی یادآور شد: امام موسی صدر به منظور ترسیم نگاه حقیقی اسلام نسبت به زنان، به ترسیم نمونه راستین زن مسلمان - حضرت فاطمه زهرا (س) - می‌پردازد و با بیان ابعاد مختلف زندگی ایشان به طور مستقیم الگویی برای همه زنان مسلمان جهان ارائه می‌نماید؛ امام موسی صدر پس از بیان مختصری از زندگی آن حضرت، ابعاد مختلف زندگی ایشان را که در بردارنده تمام جنبه‌های کامل یک زن است، به رشته تحریر درمی‌آورد.

وی ادامه داد: امام موسی صدر به جز اقدامات علمی به امور دیگر برای زنان

همراه با مقدمه و توضیحاتی از مرحوم حجت الاسلام والمسلمین علی حجتی کرمانی، بارها و بارها به چاپ رسیده بود. فصل دوم کتاب، گفتارهای اقتصادی امام موسی صدر در لبنان است. بخش عمده این فصل، درس گفتارهای وی برای اعضای ارشد جنبش امل است. امام موسی صدر در این درس گفتارها بر آن بود تا اعضای جنبش امل را با روح اسلامی آشنا کند؛ از این رو بخشی از این درس‌ها را به مباحث اقتصادی اختصاص داد.

فصل سوم کتاب نیز شامل دو مقاله جامعه‌شناختی - اقتصادی است که در یکی مسئله اختلاف طبقاتی و راه حل اسلام برای آن و در دیگری مبحث عدالت اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

«اصول روش اسلام در توزیع ثروت»، «سه‌م کار و سرمایه و ابزار تولید در اسلام»، «ویژگی‌های حقوق مالکیت در اسلام»، «تفکیک ناپذیری احکام اقتصادی اسلامی»، «دین و کارگر» و «اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی» از جمله سرفصل‌های این کتاب است.

امام موسی صدر افزون بر تحصیلات حوزوی تا درجه اجتهاد، فارغ‌التحصیل رشته حقوق در اقتصاد از دانشگاه تهران است؛ او اگر چه هیچ‌گاه خود را متخصص علم اقتصاد نمی‌دانست، اما آگاهی وی از نظریه‌های اقتصادی رایج، که از تحصیل در دانشگاه فراهم آورده بود و شناخت ژرف او از احکام اسلامی باعث شد که میان نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و مارکسیسم و آموزه‌های اسلام مقایسه‌ای صورت دهد و در این میان، رهیافت‌های اقتصادی اسلام را روشن سازد.

او خود در این باره می‌گوید: «من کارشناس اقتصادی نیستم؛ مدرک دانشگاهی من در رشته اقتصاد است و فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق در رشته حقوق در اقتصاد هستم اما با همین اندازه تحصیلات، یعنی لیسانس، می‌توانم مسائل کلی اقتصاد را دریابم و درباره جزئیات مسئله ادعایی ندارم؛ ما برای تبیین ایدئولوژی به اصول کلی اقتصاد نیاز داریم.»

در پیش‌گفتار کتاب «رهیافت‌های اقتصادی اسلام» که در بردارنده مجموعه مقالات و گفتارهای اقتصادی امام موسی صدر بوده و در این گزارش در صدد معرفی آن برآمدیم، ضمن بیان مطلب فوق آمده است: دوروش دیگر، نگاه‌هایی افراطی و تفریطی به احکام اسلامی است که یکی بر آن است که ما همه علوم را در اسلام داریم و دیگری می‌گوید علوم جدید و احکام اسلامی متعلق به دو دنیای کاملاً متمایز سنت و تجدد هستند؛ در واقع باید گفت که امام موسی صدر با نگرش جامع خود، نه راه افراط پیموده و نه راه تفریط، بلکه پیوندی میان سنت و مدرنیته برقرار ساخته است و با توجه به اصول اسلامی، پاسخ‌هایی به مسائل جدید جامعه می‌دهد.

در مقدمه این کتاب که به قلم «سید کاظم صدر» نگاشته شده، آمده است: از نظر امام موسی صدر، اسلام دین عبادی صرف نیست، بلکه فرهنگ، آئین و رسالتی است برای زندگی؛ مکتب اقتصادی اسلام مکتبی است که از جهان‌بینی اسلام سرچشمه می‌گیرد و راه‌حلی که برای شکوفائی زندگی اقتصادی بشر ارائه می‌کند، مستقل و متفاوت با مکاتب مادی و ادیان دیگر است. به نظر می‌رسد که امام موسی صدر، دست‌کم از هنگامی که به تحصیل علم اقتصاد در دانشگاه پرداخت، در پی کشف، تدوین و عرضه این مکتب بوده و هرگاه در ایران و لبنان فرصت مقتضی یافته، به معرفی آن پرداخته است.

[...] تفاوت نظریات اقتصادی در مکتب اقتصادی اسلام با مکاتب سرمایه‌داری و اشتراکی، موضوعی است که امام موسی صدر تلاش کرده تا با قلم و قدم خود از ایران تا لبنان به شیعیان مولای خود بنمایاند.

کتاب حاضر در سه فصل فراهم آمده است؛ فصل نخست مجموعه مقالات فارسی امام موسی صدر است که به قلم خود او در مجله «مکتب اسلام» به چاپ رسیده است؛ مجله‌ای که او همراه با جمعی از دیگر حوزویان تأسیس کرده بود و در نوع خود حرکتی بدیع در تاریخ حوزه‌های علمیه به شمار می‌آید. گفتنی است که این مقالات،



امام موسی صدر برای دریافت احکام اقتصادی اسلام روشی میانه در پیش‌گرفت

از نگاه امام موسی صدر، ما در اسلام علم اقتصاد نداریم، اما این سخن بدین معنا نیست که اسلام را با مسائل اقتصادی کاری نیست؛ بلکه به عکس با نگاهی به همه ابواب فقه، می‌توان رهیافت اقتصادی اسلام و جهت‌گیری اقتصادی آن را دریافت؛ در واقع او روشی میانه را برای دریافت احکام اقتصادی اسلام در پیش‌گرفت.



محمد باقر صدر (ره)، معتقد است که امام موسی صدر در تحقیقات علمی خود توانست به خوبی میان مطالعات حوزوی و دانشگاهی پیوند برقرار کند و با این روش، فرصت آشنایی و پذیرش فرهنگ‌های دیگر را برای خود فراهم کرد که به طور حتم در مطالعات حوزوی، به تنهایی فراهم نمی‌شد؛ این در حالی بود که حوزه علمیه در آن زمان شاهد فضای جدید فرهنگی بود که منجر به تشکیل طرح‌های فرهنگی جدید شد، که از جمله آن‌ها می‌توان به چاپ مجله «مکتب اسلام» با مشارکت امام موسی صدر اشاره کرد.

امام موسی صدر در تحقیقات علمی خود توانست به خوبی میان مطالعات حوزوی و دانشگاهی پیوند برقرار کند و با این روش، فرصت آشنایی و پذیرش فرهنگ‌های دیگر را برای خود فراهم کرد که به طور حتم در مطالعات حوزوی، به تنهایی فراهم نمی‌شد.



«احمد عبدالله ابوزید العاملی»، محقق و پژوهشگر لبنانی و نویسنده کامل‌ترین مجموعه زندگینامه آیت‌الله شهید سید

امام موسی صدر میان مطالعات حوزوی و دانشگاهی پیوند برقرار کرد

العالمی تأکید کرد: روشنفکری امام موسی صدر که در فضای جدید حوزه و دانشگاه آن را تجربه کرده بود، در شکل‌گیری شخصیت ایشان تأثیر بسیار زیادی داشته و ثمره آن را به وضوح در تصمیم امام موسی صدر برای رهبری امور شیعیان بعد از وفات «عبدالحسین شرف‌الدین» می‌توان دید. وی یادآور شد: شخصیت امام موسی صدر، شخصیتی پویا و واقع‌بین است که خود را به افق‌های نظری که هیچ سودی برای جهان واقعی ندارد، مشغول نمی‌کند و این عملکرد امام موسی صدر در نتیجه اعتقاد ایشان به این جمله بود که دین اسلام بر کسب علم و دانش سودمند تأکید دارد.

ابوزید العالمی اظهار کرد: امام موسی صدر در دهه ۷۰ از عمر خود، تمامی تقریرات دروس اساتید فلسفه و اصول خود را به منظور حل مشکلاتی که با آن‌ها رو به رو خواهد شد، جمع‌آوری کرد ولی دیری نپایید که متوجه شد این تقریرات پاسخگوی نیازهای او نیست و این اقدام وی، تضعیف تحقیقات علمی - نظری نیست؛ بلکه هشدار می‌دهد که مبنی بر اینکه باید بین دو جنبه علمی و عملی تعادل برقرار شود.

وی ادامه داد: علاوه بر این رویکرد فرهنگی روشنفکرانه، امام موسی صدر دارای اخلاقی بسیار والا و سعه صدر بود که می‌توان گفت این ویژگی اخلاقی را از اجداد خود به ارث برده بود و این اخلاق را در شخصیت پسر عموی وی، آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر هم می‌توان یافت.

این محقق و پژوهشگر لبنانی همچنین توضیح داد: امام موسی صدر در محیطی علمی به دنیا آمد و نزد سید صدرالدین الصدر - پدر بزرگوارشان - که از علمای بزرگ شیعه و فرزند مرحوم سید اسماعیل الصدر العالمی از مراجع شیعی در لبنان بود، پرورش یافت؛ خاندان صدر از خانواده‌های معروف و با فرهنگ و دارای جایگاه اجتماعی و علمی بالایی در جامعه لبنان هستند.

مؤلف کتاب «محمدباقر الصدر؛ السیره و المسیره» با اشاره به اینکه هر مرحله از تاریخ لبنان دربردارنده یک رخداد است، گفت: اگر امام موسی صدر را نقطه عطفی در آغاز دوره جدید تاریخ شیعیان لبنان بدانیم، هیچ اغراق نکرده‌ایم و این رخداد به نوبه خود بعدها جرقه‌های مقاومت را ایجاد کرد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ساختار آن محکم‌تر و قوی‌تر شد.

ابوزید در ادامه، در تبیین تأثیر امام موسی صدر بر وحدت ملی لبنان خاطر نشان کرد: امام موسی صدر به خوبی متوجه شده بود که سرزمین لبنان دارای شرایط خاصی است که

نمی‌توان برای وحدت ملی آن مانند دیگر کشورهای عمل کرد و ایشان به خوبی پی برده بود که لبنان یک کشور چندطایفه‌ای است و تنها با شیوه ارتباط بر اساس شهروندی، می‌توان زندگی کرد. امام موسی صدر با درک صحیحی که از جامعه لبنان داشت، با پذیرفتن همه اقشار لبنانی، چه مسیحی و چه مسلمان، برخوردی برابر و یکسان با آنان داشت و بدون هیچ تفرقه‌افکنی سعی در رفع فاصله طبقاتی و نژادی موجود داشت؛ بنابراین شیوه تقریب عملی امام صدر به میزان قابل توجهی به روند تحکیم همکاری میان طوایف و گروه‌های مختلف در لبنان تأثیر گذار بوده است.

این پژوهشگر لبنانی در پاسخ به سؤالی پیرامون نقش امام موسی صدر در عزت‌بخشی به شیعیان لبنان گفت: نقش امام صدر در ارتقای وضعیت شیعیان لبنان را می‌توان از دو جنبه، دوره کوتاه‌مدت و بلندمدت بررسی کرد که منظور از کوتاه‌مدت، سال‌های بعد از استقرار امام موسی صدر در اوایل دهه ۶۰ است و بلندمدت نیز همین برهه زمانی که اکنون در آن به سر می‌بریم.

وی توضیح داد: نقش امام موسی صدر در تقویت وضعیت شیعیان لبنان در چند جنبه متجلی شد و می‌توان به تأسیس مجلس اسلامی اعلای شیعیان که در پی تشکیل آن، عزت و کرامت شیعیان بازگردانده شد و اثبات اینکه شیعیان از نظر حقوقی هیچ فرقی با مسیحیان یا دیگر اقلیت دینی لبنان ندارند، اشاره کرد.

العالمی در ادامه افزود: ما اکنون به وضوح برکات تأثیر امام موسی صدر را در ارتقای مقام شیعیان لبنانی می‌بینیم؛ نمی‌توان نقش اساسی و مهم امام موسی صدر را در شکل‌گیری وضعیت کنونی شیعیان، نادیده گرفت.

نویسنده کامل‌ترین مجموعه زندگینامه آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر (ره) در ادامه، تأثیر امام موسی صدر در تغییر عملکرد غلط «سنت عدم مداخله رهبران شیعه در سیاست» را تشریح و تأکید کرد: امام موسی صدر بر این اعتقاد بود که دین اسلام به هیچ وجه از واقعیت زندگی جدا نیست و شرکت کردن رهبران دینی در امور سیاسی یک امر بسیار اساسی و واجب است. امام موسی صدر به خوبی پی برده بود که عدم مشارکت شیعیان در امور سیاسی با وجود اینکه اکثریت جمعیت لبنان را شیعیان تشکیل می‌دهند، نتیجه‌ای جز محرومیت و کم‌رنگ شدن نقش شیعیان در جنبه‌های مختلف کشور نخواهد داشت.

وی اظهار کرد: شیعیان لبنان در گذشته شاهد طرح‌های رسمی و سازمانی بوده‌اند و ما نمی‌توانیم از نقش اساسی و بزرگ امام «شرف‌الدین» و پس از او، امام موسی صدر غافل شویم، ولی با این وجود، شیعیان لبنانی در دهه ۵۰ میلادی همچنان از فقر، ظلم و بی‌عدالتی رنج می‌بردند؛ تا اینکه امام موسی صدر اقداماتی جدی و اساسی جهت رفع این بی‌عدالتی‌ها، انجام داد و با استقرار در لبنان به طور رسمی در سال ۱۹۶۰ و با تأسیس مجلس اعلای شیعیان، نشان داد که ایشان توانسته است طی ۹ سال فعالیت‌هایی را انجام دهد که شیعیان طی سال‌های متمادی نتوانسته‌اند به اجرا برسانند.

احمد ابوزید العالمی در پایان خاطر نشان کرد: با وجود اینکه امام موسی صدر از میراث فرهنگی و جایگاه علمی که شرف‌الدین، این علامه فقیه لبنانی، بر جای گذاشته است، بهره برده، اما شخصیتی چنین تأثیرگذار که رهبری گروه را بر عهده بگیرد و بتواند در خلال ۹ سال فعالیت، اقدامات بسیار مؤثری داشته باشد، به ندرت یافت می‌شود.

طرح‌های سیاسی امام موسی صدر نقطه شروعی برای تحول کیفی زندگی در لبنان بود



باشد. جنبش «أمل» مقاومتی است که توانست اسرائیل را برای نخستین بار از زمان تأسیس شکست دهد و بیشترین تأثیر را نیز در شکست نقشه‌های پلیید دشمنان علیه وحدت لبنان، به ویژه شیعیان، داشته باشد.

المصری در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان امام موسی صدر را مؤسس نخستین سازمان‌های سیاسی در لبنان دانست، گفت: مسائل و عناوین سیاسی را که امام موسی صدر از طریق فعالیت‌های مستمر خود مطرح کرد، می‌توان نقطه شروعی برای تحول کیفی در زندگی مردم لبنان دانست.

وی افزود: امام موسی صدر با استعداد درخشان و خصوصیات و شاخصه‌های منحصر به فرد خود و همچنین، تلاش‌هایی که در زمینه فعالیت‌های دینی و تقویت وحدت ملی در جامعه لبنان انجام داد، یک پدیده استثنایی در دوره معاصر به شمار می‌آید. این نویسنده و پژوهشگر لبنانی گفت: امام موسی صدر، زاده ایران و دارای ریشه‌های لبنانی است که تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران و همچنین تحصیلات حوزوی خود را در قم و نجف اشرف تکمیل کرد؛ روابط گسترده امام موسی صدر با قشرهای مختلف جامعه تنها منحصر به ایران و لبنان نبود، بلکه طیف وسیعی از پیروان مذاهب مختلف اسلامی

شیخ «مصطفی محمد

المصری العاملی»، نویسنده و پژوهشگر

لبنانی و استاد حوزه علمیه قم، درباره نقش امام

موسی صدر در لبنان اظهار کرد: از مهم‌ترین و بارزترین

جنبش‌های امام موسی صدر در لبنان «جنبش محرومین» بود که

بیشترین تأثیر را در شکستن دیوار فتودالیسم در لبنان داشته است، به طوری

که می‌توان اوضاع سیاسی لبنان را به دو مرحله تقسیم کرد؛ مرحله قبل از امام

موسی صدر و مرحله بعد از امام موسی صدر. این تقسیم‌بندی نشان از تأثیر عمیق

امام موسی صدر بر اوضاع سیاسی لبنان دارد.



این استاد سطح عالی حوزه علمیه قم گفت: تشکیل بخش نظامی برای این جنبش از جمله

آرمان‌های امام موسی صدر بود که این بخش با عنوان «أفواج المقاومة اللبنانية» با نام اختصاری

«أمل» تشکیل شد و توانست بیشترین تأثیر را در از بین بردن ترس از اسرائیلی‌ها داشته

بسیاری از اقدامات و پیشنهادهای امام موسی صدر، راهبردی برای مخلصان و وفاداران به وطن، جهت تحقق برخی از اصلاحات در قوانین لبنان شد و برخی از طرح‌های امام موسی صدر همچنان هدف دوستداران کشور در لبنان به منظور حفظ کرامت این کشور و دفاع از جنوب لبنان در برابر رژیم صهیونیستی است

میان شهروندان لبنانی در وظایف و حقوق را مطرح و لایحه خواسته‌های بیست‌گانه را هنگام تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان ارائه کرد. وی همچنین، جشنواره‌هایی برای به چالش کشیدن حاکمان سهل‌انگار و بی‌توجه به خواسته‌های عدالت‌طلبانه مردم برگزار کرد که از جمله این جشنواره‌ها می‌توان به جشنواره‌های «بعلبک» و «صور» اشاره کرد.

وی یادآور شد: بسیاری از اقدامات و پیشنهادهای امام موسی صدر، راهبردی برای مخلصان و وفاداران به وطن، جهت تحقق برخی از اصلاحات در قوانین لبنان شد و برخی از طرح‌های امام موسی صدر همچنان هدف دوستداران کشور در لبنان به منظور حفظ کرامت این کشور و دفاع از جنوب لبنان در برابر رژیم صهیونیستی است.

المصری در پایان این گفت‌وگو اظهار کرد: امروزه وجود رهبرانی که نماینده اراده واقعی ملت و امت خود باشند، به ندرت یافت می‌شود؛ بنابراین امام موسی صدر وجدان بیدار و آگاه ملت لبنان بوده است، این در حالی است که حاکمان و رهبران امت‌ها در آن برهه از زمان نماد وابستگی و چاپلوسی بودند و طبیعی است که این دو نماد متفاوت هرگز با هم جمع نمی‌شود و در نتیجه این رهبر آزاده جهان اسلام با توطئه سران برخی کشورها از سوی «معمّر قذافی»، رئیس سفاک لیبی، ربوده شد.

شیعیان لبنانی هیچ طرح خاصی که مغایر با اصول وحدت ملی لبنان باشد و وحدت ملی این کشور را به خطر بیندازد، وجود ندارد و این رویکرد، خود تضمینی برای شیعیان لبنان بود که متأسفانه برخی افراد نادان و کوتاه‌بین از این مسئله مهم غافل ماندند.

وی در پاسخ به پرسشی درباره اهداف و انگیزه امام موسی صدر از سفر به قاره آفریقا گفت: امام موسی صدر لبنانی‌های مهاجر را شاخه‌ای استوار از ملت سرفراز لبنان می‌دانست و با سفر به قاره آفریقا در پی تحقق اهداف مهمی بود که از جمله این اهداف، می‌توان به تقویت پیوند میان ملت لبنان و مهاجران اشاره کرد.

مصطفی المصری العاملی تأکید کرد: امام موسی صدر همچنین در نظر داشت، مهاجران لبنانی را با مشکلات و رنج‌های مردم ساکن در لبنان آگاه کند؛ به‌ویژه در آن زمانی که جنوب لبنان از سختی‌های ناشی از بی‌توجهی دولت، حملات بی‌رحمانه رژیم اشغالگر اسرائیل و فقر اقتصادی رنج می‌برد. نتیجه سفرهای امام موسی صدر به آفریقا، تأسیس مؤسسه‌های آموزشی و تربیتی بود که بارزترین آن‌ها مؤسسه «جبل عامل المهنیه» است که دانش‌آموختگان این مؤسسه در نهضت شیعیان لبنان تأثیر زیادی داشتند و نیز تاکنون این تأثیرات ادامه دارد.

المصری در ادامه اظهار کرد: امام موسی صدر از نخستین کسانی بود که اصل عدالت نزد حاکمان، انصاف نسبت به محرومان و مساوات

در کشورهای مختلف جهان نیز با ایشان روابط دوستانه‌ای داشتند.

المصری تصریح کرد: امام موسی صدر هر گروهی را با زبان خود آنان مخاطب قرار می‌داد و خود را یکی از آنان می‌دانست؛ وی به خوبی توانست اقشار و طبقات مختلف جامعه را درک کند و شایسته است که ایشان به‌عنوان فعال‌ترین و تأثیرگذارترین شخصیت در عصر جدید معرفی شود.

ناظر شبکه ماهواره‌ای «یا حسین» در ادامه این گفت‌وگو، درباره فرآیند همکاری امام موسی صدر با مسلمانان لبنان در زمان بحران‌های سیاسی گفت: امام موسی صدر در دیدار و ارتباط با مسلمانان لبنان بر عناصر مشترک همکاری میان انسان‌ها تکیه می‌کرد و این شیوه اخلاقی امام موسی صدر نمود عملی گفتار امیرالمؤمنین (ع) است که می‌فرماید: «الناس صنفان: اما تخ لک فی الدین و اما نظیر لک فی الخلق».

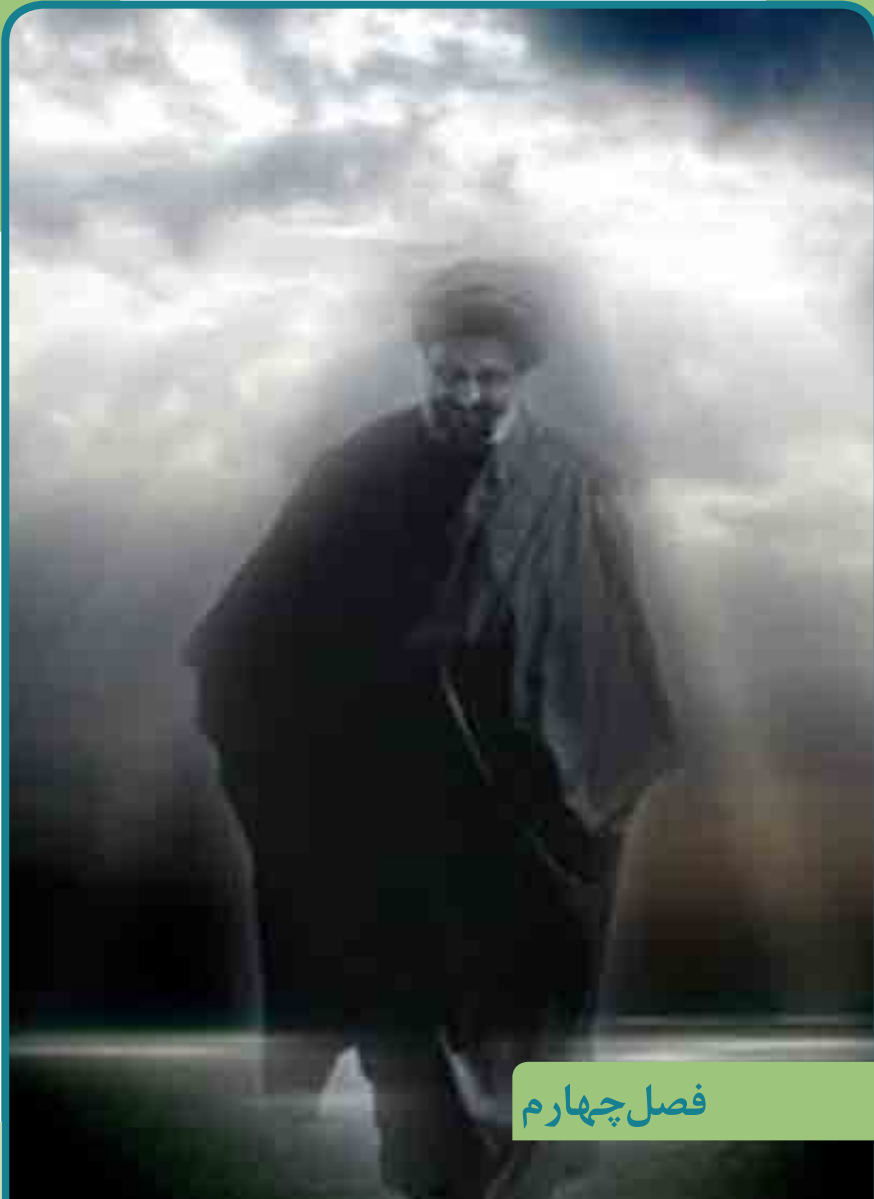
وی اضافه کرد: امام موسی صدر همچنین، در روابط خود با دیگران صادق بوده و بر عناصر همگرایی بیشتر از عناصر اختلاف تمرکز می‌کرد و با اخلاق نیکوی خود توانست که دوستی و احترام و اعتماد همگان را جلب کند.

المصری در بخش دیگری از این گفت‌وگو به حضور و تأثیر فعال امام موسی صدر در وحدت لبنان اشاره کرد و گفت: امام موسی صدر با دیدی مثبت به تنوع فرهنگی جامعه لبنان نگاه می‌کرد و محافظت از عناصر وحدت میان لبنانی‌ها به منظور مقابله با خطرات و چالش‌های پیش‌رو و دفاع از میهن در مقابل توطئه‌های دشمنان را وظیفه تمامی مردم لبنان می‌دانست.

این نویسنده و پژوهشگر لبنانی با تأکید بر نقش اساسی امام موسی صدر در تقویت روابط میان شیعیان لبنان و دیگران گفت: امام موسی صدر به خوبی درک کرده بود که زندگی در انزوا در محدوده مرزی یک کشور بدون هیچ ارتباطی با دیگر ملت‌ها و مذاهب غیر ممکن است؛ بنابراین ایشان وجود یک سری اصول صحیح شهروندی را که در روابط میان گروه‌ها و پیروان مذاهب یک جامعه باید مدنظر قرار داده شود، ضروری می‌دانست.

مصطفی المصری العاملی در ادامه خاطر نشان کرد: امام موسی صدر همچنین بر تقویت عدالت اجتماعی میان شهروندان لبنان و از بین بردن عناصر ترس و شک و تردید میان فرقه‌های مختلف لبنان تأکید داشت و در تلاش بود که وحدت ملی میان شهروندان یک کشور، صرف‌نظر از مذاهب و فرقه‌های آنان حفظ شود؛ بنابراین امام موسی صدر با در پیش گرفتن چنین روشی توانست تمامی موانع موجود در راه رسیدن به وحدت در جامعه لبنان را از بین ببرد.

المصری گفت: امام موسی صدر با این دیدگاه و روشی که در روابط خود با دیگر مذاهب داشت، به زیبایی نشان داد که در نزد



فصل چهارم

رویکرد تقریبی امام موسی صدر



قذافی سی و دو سال جامعه لبنان را از وجود متفکری و وحدت بخش محروم کرد

یکی از بزرگ‌ترین خطاهای قذافی ضرب زدن به امام موسی صدر بود و این از نابخشوده‌ترین گناهان این مرد نادان است؛ زیرا جامعه اسلامی نیازمند لبنان را سی و دو سال از یک متفکر کارساز، وحدت‌آفرین، شورآفرین و سازمان‌دهنده محروم کرد.



سیدیحیی یثربی، استاد بازنشسته دانشگاه علامه طباطبایی، پژوهشگر و صاحب «تفسیر روز»، با بیان این مطلب گفت: امام موسی صدر یکی از معدود برجستگان و فعالان روزگار معاصر مادر کل جهان اسلام و یکی از افرادی است که می‌توانست به وحدت اسلامی و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر سامان دهد؛ قذافی این اندیشمند مسلمان را سی و دو سال از فعالیت‌های اصلی خود دور و معطل کرد.

صاحب کتاب «عرفان عملی در اسلام» ادامه داد: امام موسی صدر جزء انسان‌هایی بود که در اوج فعالیت، پرانرژی و تازه در اول راه بود و اصل فعالیت ایشان ممکن بود در ۶۰ یا هفتادسالگی و یا بعد از آن جلوه‌گر شود، مانند شهید مطهری که فعالیت‌های زیادی انجام داده بود، اما مطمئناً اگر بیست یا سی سال دیگر زندگی می‌کرد، آثار قوی‌تر و پربرتری دیگری ارائه می‌داد.

استاد بازنشسته دانشگاه علامه طباطبایی همچنین در تبیین فعالیت‌های تقریبی امام

موسی صدر چنین گفت: ما از اختلاف بین مذاهب به دو طریق می‌توانیم بهره‌برداری کنیم؛ اختلاف را تبدیل به سنگر کرده، با هم بجنگیم و یا اختلاف را محور ارائه خدمات قرار دهیم. دو نگاه پیرامون اختلاف ادیان و مذاهب وجود دارد؛ یکی همچون صلیبیان مسیحی در قرون وسطی که دین را سنگر کرده بودند برای حمله به هر چه غیر مسیحی است از جمله مسلمانان؛ و دیگری اختلاف بین شیعه و سنی.

وی افزود: روش درست این است که بگوئیم هر دو گروه (شیعه و سنی) پیرو اسلام هستیم؛ یعنی اگر انسان‌ها با مدیریت تشیع به رفاه، آزادی و اعتبار رسیدند، آن دیگری از این اثر می‌پذیرد؛ اگر دیگری خوب اداره کرد، شیعه از او بپذیرد؛ ببینیم معارف اسلام و توحید را شیعه خوب پاسداری می‌کند یا سنی؛ نبوت و قرآن را شیعه خوب ارج می‌نهد یا سنی؛ وجود این اختلاف را وسیله‌ای برای پیش‌بردن اسلام قرار دهیم. امام موسی صدر نیز چنین نگاهی داشت؛ یعنی از اختلافات سنگری برای جنگیدن درست نمی‌کرد. او معتقد بود باید برای پیشرفت و سروسامان دادن به جهان اسلام دست به دست هم داد، اما در عین حال همدیگر را هم نقد کرد.

یثربی ادامه داد: امام موسی صدر هر وقت لازم بود با همان دوست سنی خود روی حقانیت شیعه بحث می‌کرد؛ همان‌طور

که به او اجازه می‌داد درباره حقانیت مذهب و راه خود سخن بگوید. ما باید اختلافات را به رقابتی برای ارائه بهتر اصول و فروع دین و رسیدن به اهداف تبدیل کنیم؛ امام موسی صدر این‌گونه عمل کرد؛ او نمی‌خواست مسیحی شود، بلکه می‌خواست دست در دست مسیحی بگذارد و بگوید ما برای رواج خداشناسی کار می‌کنیم، اما در عین حال به توحید معتقدیم؛ این عین عظمت فکر و فرهنگ یک جامعه است. وی تصریح کرد: من با پلورالیسم شدیداً مخالفم و همه نیز این را می‌دانند و از مقالاتی که از بیست سال پیش منتشر کرده‌ام، هویدا است؛ معتقدم پلورالیسم اصلاً ضد معرفت است، اما باید همه مکاتب را نقد کنیم، هر کدام باطل بود، همه با هم کنار بگذاریم و هر کدام حق بود، همه با هم انتخاب می‌کنیم و مطمئن باشید مکتب حق ضرر نمی‌کند.

این پژوهشگر در بخش پایانی این گفت‌وگو به نحوه ربوده‌شدن امام موسی صدر و نیز فعالیت‌های ایشان در آن زمان اشاره کرد و گفت: در شرف پیروزی انقلاب اسلامی ایران، خبرهایی می‌رسید از لبنان که آن‌ها هم در فکر برپایی سازمان‌های انقلابی هستند و زمزمه‌هایی هست که امام موسی صدر با ایران در ارتباط است، حتی شایع می‌شد که آزادی برخی از زندانیان سیاسی در ایران، در اثر فعالیت‌ها و تلاش‌های امام موسی صدر در واتیکان و برخی انجمن‌های سیاسی و حقوق بشر است؛ برای ملت فلسطین کارهای زیادی کرد و سرانجام پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سفری که به لیبی داشت، ربوده شد.

وی افزود: قذافی که امروز آبروی مسلمانان و فرهنگ اسلام را می‌برد، در آن زمان منکر شد و گفت امام موسی صدر از اینجا به شهر «ژم» در ایتالیا رفته ولی نتایج تحقیقات بین‌المللی نشان داد که ایشان از لیبی خارج نشده است.

آیت‌الله‌العظمی بروجردی پیشنهاد می‌شود که کسی را برای لبنان بفرستند، ایشان با توجه به رشته تحصیلی امام موسی صدر، آشنایی ایشان به زبان عربی و اینکه در نجف بزرگ شده و در لبنان نیز بوده است، وی را برای سرپرستی شیعیان لبنان انتخاب می‌کنند؛ مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی در آلمان و در برخی کشورها نماینده داشتند، بنابراین نماینده ایشان در لبنان نیز امام موسی صدر بود.

دعوتی گفت: در یکی از سفرهای امام موسی صدر به ایران، من محصل بودم و دستی به قلم داشتم و درس‌های دینی هم خوانده بودم؛ ایشان با پدر من آشنایی داشتند، زمانی منزل ما آمدند و من ایشان را دیدم؛ به تهران که آمدند با ایشان آمدم و خاطریم هست که در مجالس بیشتر راجع به ولایت و حکومت صحبت می‌کردند و در تفاسیرشان هم به سیاست یک‌گریزی می‌زدند. آن زمان که طلاب خیلی در سیاست نبودند، ایشان در سخنرانی‌هایشان مسائل اسلامی را از دیدگاه سیاسی مطرح می‌کردند.

وی ادامه داد: امام موسی صدر جزوه‌ها و نوشته‌هایی را در اختیار من گذاشتند و گفتند که خیلی گرفتار هستم و نوشته‌ها را با عکس‌ها به شما می‌دهم و شما آن‌ها را تدوین و مطرح کنید؛ خودشان هم برای من تعریف کردند که وقتی وارد لبنان شدم، شیعیان را ضعیف‌ترین طبقات دیدم؛ البته قبل از امام موسی صدر هم دیگر علما کارهایی کرده بودند، ولی پیشرفتی حاصل نشده بود. ایشان بعد از ورود به لبنان، فعالیت‌های مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین (روحانی شیعی و آغازگر حرکت سیاسی و جنبش استقلال طلبانه در لبنان) را پیگیری می‌کنند و ابتدا در کارهای فرهنگی وارد می‌شوند و هم‌زمان کارهای اقتصادی را هم مدنظر قرار می‌دهند؛ در کنار آن هم، اعانت به شیعیان را (از قبیل کارهای تعاونی، بیمه، صندوق‌های خیریه و ...) را دنبال می‌کنند؛ به دلیل اینکه در جنگ با اسرائیل بیشتر، شیعیان کشته می‌شدند، بیشتر صحبت ایشان این بود که شیعیان لبنان با اینکه جمعیت عظیمی بودند، اما به همان اندازه در دولت این کشور حضور نداشتند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دعوتی یادآور شد: با توجه به فعالیت‌ها و قابلیت‌های شخصی امام موسی صدر - سخنرانی‌ها، ملاقات‌ها، رفت و آمدها در میان قباایل، احزاب و جمعیت‌ها - ایشان وارد فعالیت‌های سیاسی می‌شوند و در مجلس وقت لبنان تصرفاتی می‌کنند و در واقع در مسئله سیاست لبنان سهمی پیدا می‌کنند.

وی افزود: یکی از کارهای ایشان - که من از ایشان نشنیدم و شاید مصلحت نبود تا برای من بگویند - فعالیت‌های نظامی بود و چون شیعیان در جنوب لبنان که هم‌مرز اسرائیل است،



امام موسی صدر فطرت‌های انسانی را کشف کرد

سید صدرالدین صدر، در قم فوت می‌کند، از آنجا که مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی مرحوم صدر را می‌شناختند، خیلی مراقب امام موسی صدر بودند که چه می‌خواهد بکند.

وی افزود: برادر امام موسی صدر، سیدرضا صدر، که بزرگ‌تر بود، در حوزه درس می‌خواند، ولی امام موسی صدر جوان‌تر بود و اهل معاشرت و سیاست و ...؛ لذا آیت‌الله‌العظمی بروجردی به ایشان توجه بیشتری داشت؛ ایشان امام موسی صدر را می‌بینند و ضمن تسلیت فوت پدر، می‌گویند که شما باید درس طلبگی را بخوانید؛ امام موسی صدر هم تعهد و پیشرفت‌هایی در این زمینه حاصل می‌کنند. زمانی که به مرحوم

فطرت همه انسان‌ها یکسان و کشف این فطرت‌ها وظیفه ما است، امام موسی صدر از جمله کسانی بود که این کار را کرد، او با فطرت‌ها سخن می‌گفت بدون آنکه به اختلافات اعتقادی و مذهبی توجه کند؛ زیرا امام موسی صدر فرقه‌گرا نبود.



حجت‌الاسلام والمسلمین میرابوالفتح دعوتی، مشاور قرآنی و محقق و پژوهشگر علوم اسلامی، با بیان این مطلب گفت: امام موسی صدر سال‌های ابتدایی عمرشان را در قم گذرانده و درس‌های جدید را در مدارس قم به پایان رساندند و تا مقطع کارشناسی ادامه دادند. پس از اینکه پدر ایشان، آیت‌الله

سکونت داشتند، ایشان با شهید چمران و اشخاص دیگری که از ایران، مصر و دیگر کشورها آمده بودند، تمرین‌های نظامی را به شیعیان ارائه می‌دادند و یک بنیه نظامی و قدرتی را برای آنان فراهم می‌کردند که به دنبال آن حزب‌الله به وجود می‌آید و رشته‌ها و قدرت‌های نظامی و اندیشه‌های سیاسی از سوی امام موسی صدر پیگیری می‌شود.

دعوتی گفت: مرحوم شرف‌الدین زیاد در این رشته نبودند چون موقعیت مناسب نبوده است، ایشان بیشتر به این فکر بودند که لبنان تثبیت شود زیرا موقعیتش در خطر بود؛ اما امام موسی صدر بعد از تثبیت لبنان برای تمام لبنانی‌ها کار می‌کند، به ویژه برای شیعیان و مخصوصاً در رشته‌های نظامی هم ایشان غفلت نمی‌کند و تیره‌های نظامی راه می‌افتند که بعدها منجر به پیدایش حزب‌الله می‌شود و در واقع حزب‌الله مدیون کارهای امام موسی صدر است.

وی خاطر نشان کرد: امام موسی صدر بالاخره برای کارهای خود به سرمایه نیاز داشتند؛ امدادهایی می‌شد ولی کفایت نمی‌کرد. ایشان مسافرت‌های گوناگونی هم به کشورهای آفریقایی داشتند و با سران عرب برای دریافت کمک ملاقات می‌کردند؛ «معمّر قذافی» در عین اینکه وابسته به اسرائیل و آمریکا بود، ولی خود را یک شخص مبارز و ضد یهودیت معرفی می‌کرد و مردم، قذافی را به عنوان سرهنگ قذافی مبارز می‌شناختند ولی نمی‌دانستند که او خود را فروخته است و فقط از آن سابقه مبارزه‌ای استفاده می‌کند؛ همینطور که «یاسر عرفات» هم به این مشکل مبتلا بود؛ بنابراین قذافی مثل «جمال عبدالناصر» که داعیه سروری کشورهای عربی را داشت، کمک مفصلی هم به امام موسی صدر داده بود (!) که امام موسی صدر و افرادش را شناسائی کنند.

دعوتی ادامه داد: در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) و نگرانی اسرائیل از قیام شخصی همچون ایشان در لبنان، امام موسی صدر در جریان رفت‌وآمد به لیبی، با هماهنگی قذافی، روبرو شده و در لیبی زندانی شد و بعد از آن، دو نفر را به نام امام موسی صدر و دوستشان که در واقع آن‌ها مشابه این افراد و بلکه مزدور بودند، به ایتالیا فرستادند و امام موسی صدر را در همان لیبی زندانی می‌کنند.

وی گفت: امیدواریم در این حرکت‌های مردمی در لیبی و انشاءالله سقوط نظام قذافی لاقابل اخبار صریحی از وضعیت امام موسی صدر به دست ما برسد و دعا کنیم که ایشان به سلامت از زندان بیرون بیاید و همانطور که مرحوم آیت‌الله طالقانی سقوط شاه را ملاحظه کردند، امام موسی صدر نیز، خود شاهد سقوط قذافی باشند و ما نیز آزادی ایشان را جشن بگیریم.

گردآورنده و مترجم کتاب «مسلمین شیعه در لبنان» (مجموعه خاطرات امام موسی صدر که به سفارش خود ایشان و برای نخستین بار در سال ۱۳۵۴ در ایران به چاپ رسید) در بخش دیگری از این گفت‌وگو به فعالیت‌های تقریبی امام موسی صدر اشاره و تصریح کرد: امام موسی صدر از تقریبی که ما از آن سخن می‌گوئیم نیز پیش‌تر رفته است؛ زیرا با مسیحیت هم همکاری داشت؛ مستضعفان مسیحی، مسلمان (اعم از سنی و شیعه) و حتی خود یهودی‌ها در یک چیز مشترک هستند و آن هم این است که حقوق آن‌ها را به تاراج می‌برند؛ اکنون اسرائیل بدترین ظلم را در حق یهودیت انجام می‌دهد؛ خود یهودی‌های اصیل راضی به این کار نیستند.

وی توضیح داد: فطرت همه انسان‌ها یکی است؛ فطرت‌های یکسان را ما باید کشف کنیم؛ امام موسی صدر این کار را کرده؛ او با فطرت‌ها سخن می‌گفت؛ در عین حال که با شیعه صحبت می‌کرد اما فرقه‌گرا نبود که مثلاً این حق را برای شیعه قائل شویم ولی برای دیگران نه، سفارش ائمه (ع) است که شما با پیروان دیگر ادیان رفت‌وآمد داشته باشید و برای ما زینت باشید؛ بنابراین دستور مذهبی ما این است که با دیگران معاشرت کنیم؛ در دوره صفوی و عثمانی که هنوز اروپا قدرت نداشت، ما قدرت را به دست گرفتیم ولی جنگ شیعه و سنی را راه انداختند و بالاخره هم ما زمین خوردیم و هم عثمانی‌ها، ما از اینکه اختلاف داشته باشیم در طول تاریخ هیچ سودی ندیدیم؛ مشکلات ما یکی است و در این که به ما ظلم می‌شود با پیروان دیگر ادیان شریک هستیم و از این ظلم، شیعه و سنی و مسیحی یکسان رنج می‌برند و این رنج‌های مشترک باعث می‌شود که بدانیم باید با یکدیگر همکاری داشته باشیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین دعوتی افزود: امام موسی صدر هم به آن ملاکی که امام خمینی (ره) می‌فرماید که باید تقریب وجود داشته باشد و هم به آن ملاکی که مرحوم

آیت‌الله العظمی بروجردی که مستحکم در تشیع است ولی می‌داند که باید تقریب وجود داشته باشد، پایبند بوده و در این مکتب پرورش پیدا کرده است.

وی تأکید کرد: امام موسی صدر به عنوان معلم تفسیر عمل نمی‌کرد و اصلاً فرصت این کار را نداشت و تفاسیرشان هم سخنرانی‌هایی بود که در جلسات مناسبتی مثلاً در ماه رمضان ایراد می‌کردند؛ مثل مرحوم علامه طباطبائی ریشه‌های لغت و علوم متداوله تفسیر را بررسی نمی‌کردند. ایشان در حین سخنرانی، بحث‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی و نیازهای روز را نیز مطرح می‌کردند؛ مثل تفاسیری که استاد شهید مطهری دارند؛ شهید مطهری هم تفسیر برخی سوره‌ها را دارند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دعوتی گفت: تفاسیر امام موسی صدر هم تفاسیری نیست که به اصلاح همچون دیگر تفاسیرها وارد شوند یا آیه را بخوانند و معنا کنند؛ مخاطب ایشان تمام مردم هستند و بنابراین به صورت ساده از این آیات عبور و مسائل اجتماعی و اعتقادی را به صورت همه‌فهم مطرح می‌کنند؛ بحث‌های تفسیری ایشان حوزوی نیست به آن ترتیبی که یک نفر مثل مرحوم آیت‌الله العظمی خوئی وارد می‌شود؛ با توجه به اینکه به مسائل تفسیری آشناسان ولی در میدان حرف‌های تفسیری سنگین وارد نمی‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین میرابوالفتح دعوتی، نویسنده و قرآن‌پژوه، در پایان تأکید کرد: تفاسیر امام موسی صدر حاوی نکات مهم و اجتماعی است؛ تفاسیر ایشان هر کدام برای یک هدف بوده است و بعد از سخنرانی، آن هدف محقق می‌شده است؛ امام موسی صدر غافل از تعلیم قرآن نبوده است؛ در لبنان مؤسساتی وجود دارد که با نام ایشان اداره می‌شود و طبیعتاً با توجه به جو خود لبنان که قرآنی است، وقتی ایشان مدرسه‌ای را افتتاح کرده یا ساخته‌اند، مسئله قرآنی حتماً در آن ملاحظه شده است.

امام موسی صدر تفکر مهم مبارزه ضد صهیونیستی را در لبنان پایه گذاری کرد



امام موسی صدر، شخصیتی روی کار آمد که هم علمی بود و هم اجتماعی و با تیزبینی دریافته بود که اگر فضای وحدت آمیز را حاکم نکند، نمی تواند وضعیت شیعیان را از تقاد دهد. بنابراین با مصاحبه و گفت و گو با صاحب نظران برای دستیابی به اهداف خویش تلاش کرد.

وی با بیان اینکه امام موسی صدر شخصیتی نادر بود، گفت: ایشان «حرکت المحرومین» را تأسیس کرد که چنین حرکتی را در کشورهای عربی آن زمان کمتر شاهد بودیم؛ امام موسی صدر حرکتی چندوجهی انجام داد: یکی کاهش دخالت قدرت های منطقه در لبنان بود و دیگری مبارزه با شرارت اصلی یعنی صهیونیست ها؛ تا شیعیان هویت پیدا کرده و همزمان در برابر این رژیم قدرت نمایی کنند.

رئیس مجلس شورای اسلامی توضیح داد: امام موسی صدر با تیزبینی و دقت نظر توانست از لابلای فشارهای ابر قدرت ها، مسلمانان و به ویژه شیعیان را سازماندهی کند؛ تشکیل جنبش امل از آن جمله است که فلش اصلی آن به سوی صهیونیست ها بود.

وی افزود: اگر آمریکائی ها فکر می کنند می توانند این دستاورد قیام مردمی منطقه را به مزایده بگذارند، اشتباه بزرگی است زیرا بزرگانی همچون امام خمینی (ره) و امام موسی صدر آن را پایه گذاری کرده اند.

لاریجانی در پایان سخنان خود با ابراز امیدواری نسبت به بازگشت امام موسی صدر گفت: همانگونه که پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه نگیینی در خشنده برای مجاهدان فی سبیل الله بود، خیزش مردمی کشورهای عربی، دژ درخشان برای حرکت مسلمانان در آینده خواهد شد که دست غربی ها نمی تواند آن را الوده کند.

سیاستمداران زمان خود را تحت تأثیر قرار می دادند.

لاریجانی همچنین به ارائه مطالبی پیرامون خاستگاه و وضعیت شیعه در کشورهای ایران، عراق و لبنان پرداخت و گفت: پیش از ورود امام موسی صدر به لبنان در آن زمان وضعیت عراق و ایران نسبت به لبنان روشن تر بود؛ زیرا چه در زمانی که فشار عثمانی ها و چه زمانی که حضور استبداد را شاهد بودیم، حوزه های علمیه، سنگر و پناهی برای شیعیان بودند؛ در زمان صفویان نیز با توجه به نوع حکومت شیعی، ما چنین گرفتاری نداشتیم؛ در عراق هم پایگاه نجف و کربلا تا حد زیادی از شیعیان دفاع می کردند.

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: در لبنان وضع دشوار تر بود؛ شیعیان در جنوب، قرن ها تحت فشار عثمانی ها بودند و با روی کار آمدن فرانسوی ها و مسیحیان - مارونی ها - به قدرت رسیدند؛ اهل تسنن هم قدرتمند بودند و هم ثروتمند اما وضعیت شیعیان بسیار بد بود و آنان پائین ترین طبقه جامعه محسوب می شدند؛ بنابراین کاملاً در حاشیه فعالیت های سیاسی و اجتماعی قرار داشتند.

لاریجانی ادامه داد: در آن زمان از جمله مصلحان «سید شرف الدین» بود که درک درستی از شرایط داشت و در سه دهه تأثیرات زیادی بر جای گذاشت؛ با آغاز مجاهدت و قیام

رئیس مجلس شورای اسلامی در همایش «شرح فراق» ویژه گرامیداشت ۱۲ هزارمین روز اسارت امام موسی صدر، تأکید کرد: امام موسی صدر تفکر مهم مبارزه ضد صهیونیستی را در لبنان پایه گذاری و مبارزات استعماری خود را آغاز کرد.



علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، ۱۸ اسفندماه سال ۸۹ در مراسم سیزدهمین همایش «شرح فراق» ویژه گرامیداشت ۱۲ هزارمین روز اسارت امام موسی صدر، با اشاره به بزرگداشت روز «سیدجمال الدین اسدآبادی» گفت: با توجه به اینکه در سالروز بزرگداشت سید جمال الدین اسدآبادی هستیم، باید بگویم وی و امام موسی صدر نقش بزرگی در اصلاحات سیاسی کشورهای اسلامی داشتند که هر دو به عنوان عالم دینی با اندیشه های نو و تحصیل کرده حوزه های علمیه برای بازگشت عزت اسلام به کشورهای اسلامی مبارزات وسیعی با استعمار داشتند.

وی افزود: سید جمال الدین اسدآبادی نیز همچون امام موسی صدر با استبداد و استعمار مبارزه کرد؛ امروز انقلاب های مردمی منطقه قطعاً متأثر از حرکت این دو مصلح است که از نظر نفوذ کلام و رفتار، عالمان و



رقابت سازنده اساس گفتمان امام موسی صدر در کاهش منازعات دینی بود

در شرایطی که رهبران دینی قبل از امام موسی صدر در امور سیاسی و اجتماعی دخالت نمی‌کردند و اساساً این عرصه در دست فئودال‌ها بود و شیعیان زیر دست آنان بودند، امام موسی صدر گفتمان خود را بر اساس رقابت سازنده بین گروه‌های مختلف لبنان قرار داد.



حسین رویوران، کارشناس مسائل خاورمیانه و رئیس کمیسیون سیاسی و بین‌المللی جمعیت دفاع از ملت فلسطین، درباره نقش امام موسی صدر در کاهش منازعات حاد دینی در لبنان با بیان این مطلب گفت: در چنین شرایطی که فئودال‌ها روی کار بودند، امام موسی صدر سعی کرد این شرایط برده‌داری و فئودالی را در مناطق شیعه‌نشین از بین ببرد و موفق شد تغییراتی در این مناطق ایجاد کند.

وی افزود: امام موسی صدر هم ایرانی تبار و هم لبنانی تبار است زیرا ایشان اصالتاً اهل صور هستند؛ اجداد ایشان در دوران صفویه به ایران آمدند و دوباره به لبنان بازگشتند؛ ایشان جایگاه ویژه‌ای در میان شیعیان لبنان دارند و شیعیان این کشور از ابتدای حضورشان در لبنان یعنی از زمان تبعید ابوذر غفاری تا قبل از ورود امام موسی صدر به لبنان به جز در دو دوره، یعنی دولت بنی‌عمار و بنی‌عقیل، هیچ‌گونه تشخیص و حضور سیاسی و نقش سیاسی نداشتند؛ متأسفانه در دوران دولت عثمانی شیعیان تا حد زیادی تحت فشار قرار گرفتند که منجر به کمرنگ شدن هویت آنان شده بود، زمانی که امام موسی صدر به لبنان رفت، تقریباً

صدر فکر وحدت و وحدت مسلمانان فقط از سوی او مطرح شد و مسیحیان در پی یک نقش وابسته بودند یعنی اکثر احزاب مسیحی با قدرت‌های غربی به ویژه فرانسه در اتحاد و ارتباط بودند در حالی که امام صدر سعی می‌کرد در جهت استقلال طلبی لبنان یک مبارز سیاسی باشد به همین دلیل او تلاش و «حرکت‌المحرومین» را ایجاد کرد و سپس «جنبش امل» و نیز حمایت‌های گسترده از فلسطین را مطرح کرد که در نهایت این نوع گرایش‌های جدید در صحنه لبنان تحولاتی انجام داد که شاید تأسیس «حزب‌الله» با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران با استفاده از این گونه بسترها بود.

رئیس کمیسیون سیاسی و بین‌المللی جمعیت دفاع از ملت فلسطین گفت: نظام سیاسی در لبنان مبتنی بر سلطه فئودال‌ها بر مردم بود؛ یعنی بحث وحدت ملی و مشارکت مردم در قدرت مطرح نبود اما امام موسی صدر با مبارزه با رژیم سلطه‌طلب و

شیعیان هیچ جایگاهی در ساختار سیاسی نداشتند؛ گرچه آنان یکی از سه رکن اصلی دولت لبنان - مسیحیان مارونی، سنی‌ها و شیعیان - هستند اما جایگاه خاصی نداشته و در تقسیم ساختار دولت، در حاشیه قرار داشتند.

رویوران ادامه داد: شیعیان در لبنان بین احزاب مختلف سنی و مسیحی تقسیم شده بودند؛ امام موسی صدر اولین کاری که کردند، این بود که به شیعه تشخیص داد؛ شیعیان را سازماندهی کرد و آنان را به سمتی حرکت داد که نقشی ایفا کنند و این تحول در نتیجه حضور امام موسی صدر اتفاق افتاد و برای اولین بار در تاریخ لبنان، شیعیان این کشور از یک وحدت نسبی برخوردار شدند.

این کارشناس مسائل خاورمیانه تأکید کرد: تفکر «امت» اساساً در جامعه لبنان وجود نداشت؛ سنی‌ها جدا عمل می‌کردند و شیعه‌ها هم جایگاهی نداشتند و تفکر امتی وجود نداشت، اما با ورود امام موسی

ایشان سعی کرد با این رفتارها یک نوع شرایط صلح، برادری و انسانی بین گروه‌های مختلف دینی و سیاسی برقرار شود. امام موسی صدر سعی کرد با رفتار رژیم صهیونیستی که مبتنی بر تجاوز است، مبارزه و این شرایط را دگرگون کند و لذا ایشان یکی از مهم‌ترین پیش‌آهنگان نهضت صلح در خاورمیانه به شمار می‌آید.

کارشناس مسائل خاورمیانه ادامه داد: امام موسی صدر تلاشش بر این بود که با دفاع از بحث فلسطین و دفاع از وحدت امت، یک نوع فرهنگ‌سازی کند. فلسطین مدخل شیعه بود برای اینکه اختلافات با برادران اهل سنت از بین برود و فرهنگ «امت واحده» بین شیعه و سنی به وجود آید؛ امام موسی صدر سعی کرد این تضاد را به یک رقابت سازنده و همکاری و همبستگی در خدمت اهداف امت، تبدیل کند و نوع نگاه اهل تسنن نسبت به مذهب اهل بیت (ع) را تغییر دهد؛ ایشان زمینه‌هایی را فراهم آورد و انقلاب اسلامی ایران از این زمینه‌ها استفاده کرد و موفق شد فرهنگ مقاومت را در این منطقه گسترش دهد.

روپوران تصریح کرد: متأسفانه زمان حضور امام موسی صدر در لبنان مصادف بود با جنگ‌های داخلی و اختلافات بین لبنان و فلسطین؛ وابستگی شدید سیاسی به غرب وجود داشت و امام موسی صدر سعی می‌کرد با حضور در صحنه و آگاه‌سازی جامعه تا حدی جنگ داخلی را متوقف، تضاد بین لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها را حذف و وابستگی به خارج را تا حدودی تضعیف کند؛ طی سال‌هایی که امام موسی صدر در لبنان حضور داشتند، تأثیرگذاری‌هایی را داشتند اما به دلیل غیبت ایشان و ناپدید شدنشان در لیبی این پروژه ناتمام ماند که انقلاب اسلامی ایران آن را تا حد زیادی ادامه داد و به سرانجام رساند.

وی گفت: در سال ۱۹۴۳ نظام سیاسی لبنان از سوی فرانسه طوری طراحی شده بود که قدرت در اختیار مسیحیان بود، اهل سنت هم بخشی از قدرت را در اختیار داشتند و شیعه‌ها هم اصولاً هیچ نقشی نداشتند؛ جنگ داخلی هم به‌عنوان اعتراض علیه این تقسیم قدرت شروع شده بود؛ امام موسی صدر سعی می‌کرد با ارائه راه‌حل‌هایی در جهت توزیع مناسب قدرت به این شرایط تنش پایان دهد؛ این تلاش‌ها از زمان شروع جنگ یعنی از سال ۱۹۷۵ آغاز و امام موسی صدر در سال ۱۹۷۸ ناپدید شد، ولی خط امام موسی صدر ادامه پیدا کرد تا اینکه در سال ۱۹۸۹ منجر به توزیع مجدد قدرت شد و جنگ‌های داخلی هم به پایان رسید. رئیس کمیسیون سیاسی و بین‌المللی جمعیت دفاع از ملت فلسطین ادامه داد: یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که امام



تأسفانه زمان حضور امام موسی صدر در لبنان مصادف بود با جنگ‌های داخلی و اختلافات بین لبنان و فلسطین؛ وابستگی شدید سیاسی به غرب وجود داشت و امام موسی صدر سعی می‌کرد با حضور در صحنه و آگاه‌سازی جامعه تا حدی جنگ داخلی را متوقف، تضاد بین لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها را حذف و وابستگی به خارج را تا حدودی تضعیف کند



داخل و بقیه مهاجر در خارج هستند و در این میان، از ۳ میلیون مهاجر لبنانی در آفریقا، ۲ میلیون نفر از آنان شیعه هستند، لذا وجود دو میلیون شیعه لبنانی در آفریقا سرمایه بزرگی برای لبنان به ویژه شیعیان این کشور است. امام موسی صدر با سفر به آفریقا و دیدار با بزرگان و ثروتمندان شیعه سعی می‌کرد به نوعی امکانات داخل و خارج شیعه را در کنار یکدیگر قرار دهد و شیعیان لبنان را از محرومیت آن زمان خارج کند زیرا شیعیان محروم‌ترین قشر اجتماعی در این کشور بودند؛ اما با این ارتباطی که امام موسی صدر ایجاد کرد، بخشی از این محرومیت از بین رفت و یک نوع وحدت و همبستگی بین لبنانی‌های داخل و خارج ایجاد شد.

وی یادآور شد: امام موسی صدر یکی از افراد صلح‌طلبی بود که سعی می‌کرد با ریشه‌های جنگ، سلطه‌طلبی و تجاوز مبارزه کند؛ وی در جریان جنگ داخلی لبنان بارها دست به اعتصاب غذا زد. امام موسی صدر زمانی که شیعیان یک منطقه مسیحی را در «وقوع» محاصره کرده بودند، در کلیسا دست به اعتصاب غذا زد تا شیعیان دست از محاصره منطقه بردارند.

فتودال لبنان سعی می‌کرد میزان مشارکت مردم را افزایش دهد و یک نوع وحدت بین گروه‌های مختلف سیاسی ایجاد کند؛ بنابراین امام موسی صدر را یک روز در کلیسا، یک روز در کنار اهل سنت، یک روز در کنار شیعه و یک روز در کنار دروژی‌ها می‌دیدید که سعی می‌کرد با یک وحدت ملی، لبنان را از سلطه‌پذیری دور و تا حدی نسبت به قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مستقل کند.

وی افزود: در جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵، برای مثال اگر حزب سوسیالیست دروژی با حزب فالانژ مسیحی درگیر شده و در این میان، ۱۰ نفر کشته می‌شدند، هشت نفر از این تعداد، شیعه بودند؛ شیعیان، مزدوران مسیحی‌ها، سنی‌ها و دروژی‌ها بودند و جایگاهی نداشتند؛ در حالی که پس از ورود امام موسی صدر به لبنان، ایشان سعی کرد به شیعه احساس شخصیت بخشیده و حقوقش را مطالبه کند؛ ایشان جایگاه شیعه را به کلی دگرگون کرد.

روپوران گفت: بخش اعظم لبنانی‌ها در خارج از این کشور هستند؛ لبنان حدود ۱۶ میلیون جمعیت دارد؛ سه میلیون در



جلوگیری از قدرت شیعیان در لبنان؛ مهم ترین دلیل ربودن امام موسی صدر

«من امام موسی صدر را دارم.»

مهدتی افزود: همه می دانستند ارتباط امام موسی صدر با امام خمینی (ره) ارتباطی قوی بود به طوری که امام موسی صدر مقاله ای با نام «راه پیامبران» درباره انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب انسانی به چاپ رساند و از همه جهات خواست تا از آن حمایت کنند؛ بنابراین محروم کردن انقلاب اسلامی ایران از چنین شخصیتی، نظریه نخست درباره انگیزه ربودن امام موسی صدر است. کارشناس مسائل خاورمیانه و لبنان ادامه داد: دوم اینکه احزاب لبنانی پس از تأسیس جنبش امل نیروهایشان را که اکثراً جوان بودند از دست دادند زیرا آنان جذب امام موسی صدر و جنبش امل شدند؛ بنابراین اوج گرفتن قدرت امام موسی صدر و جنبشی که در لبنان ایجاد کرد نظریه دوم به عنوان انگیزه ای برای ربودن ایشان است.

مهدتی در پایان شواهد و دلالتی را مبنی بر زنده بودن امام موسی صدر برای حاضران ارائه کرد و گفت: امام موسی صدر و همراهانشان زنده اند مگر اینکه شواهدی عکس این موضوع را اثبات کند.

«محمدعلی مهدتی»: کارشناس مسائل خاورمیانه، محروم کردن انقلاب اسلامی ایران و جلوگیری از قدرت شیعیان در لبنان را دو انگیزه مهم برای ربودن امام موسی صدر عنوان کرد.



«محمدعلی مهدتی»: کارشناس مسائل خاورمیانه و لبنان ۱۸ اسفندماه ۸۹ در سیزدهمین همایش «شرح فراق» به مناسبت گرامیداشت ۱۲ هزارمین روز اسارت امام موسی صدر، در میزگردی با حضور «عادل عون» نماینده جنبش امل در تهران و «مهدی فرخیان»؛ به نمایندگی از سوی خانواده «صدر»، ضمن بیان این مطلب، به تشریح علل و انگیزه های ربودن امام موسی صدر پرداخت.

وی گفت: دو نظریه درباره ربودن امام موسی صدر مطرح شده؛ اول، جایگاهی است که امام موسی صدر قرار بود در انقلاب اسلامی ایران داشته باشد که نقل شده وقتی از حضرت امام خمینی (ره) سؤال می کنند که برای مملکت داری چه کار کنیم؟ امام (ره) می فرمایند

موسی برای اصلاح موقعیت سیاسی و اجتماعی لبنان، انجام داد، نهادسازی بود یعنی مجلس اعلای شیعیان لبنان را تأسیس و افراد تحصیلکرده و علمای شیعه را در این مجلس جمع کرد؛ نهاد «حرکه المحرومین»، «جنبش امل» و مدارسی برای سوادآموزی و بالا بردن سطح فرهنگ شیعیان ایجاد کرد و موفق هم شد این نهادها را در جامعه شیعه لبنان جا بیندازد؛ نهضتی شکل گرفت که شیعیان از پائین ترین سطح گروه های قومی لبنان به بالاترین گروه ها رسیدند و اکنون شیعیان لبنان از جایگاه بسیار بالایی برخوردارند و این مرهون نهادسازی هایی است که امام موسی صدر آغاز کرد و حزب الله این راه را تا حد زیادی ادامه داد و مرحوم علامه سیدمحمدحسین فضل الله (مرجع فقیه شیعیان در لبنان) نیز همین راه را رفت و نهادسازی را ادامه داد.

این کارشناس مسائل خاورمیانه یادآور شد: تا پیش از امام موسی صدر نهاد شیعی در لبنان وجود نداشت بلکه فتوای های شیعه وجود داشتند و اگر زمان قبل از ورود امام موسی صدر به لبنان را بررسی کنیم، می بینیم که یک شیعه رئیس پارلمان می شد که سهم شیعه هم همین بوده و بیش از این نبوده؛ از یکی از فتوای های شیعه لبنان بوده و غیر از آن اتفاق خاصی هم نمی افتاده در حالی که امام موسی صدر کار تشکیلاتی انجام داد؛ ایشان با نهادسازی سعی کرد فرهنگ شیعه را دگرگون کند و قطعاً فرهنگ سیاسی اش هم متناسب با آگاه سازی دگرگون می شد.

حسین رویوران در پایان تأکید کرد: متأسفانه بسیاری از رهبران کشورهای اسلامی از حضور امام موسی صدر احساس تهدید می کردند و سعی شان بر این بوده که اصلاً امام موسی صدر نباشد و شاید قذافی با ربودن امام موسی صدر، درخواست مجموعه ای از رهبران منطقه را انجام داد؛ تنها کشوری که جای امام موسی صدر را خالی می دید و همواره بر بازگشت ایشان اصرار می کرد، ایران بود؛ به دلیل اینکه ایران درک خوبی از امام موسی صدر و نقشی که ایشان ایفا کرده است، داشت؛ به ویژه که ایشان یکی از مبلغان اندیشه امام خمینی (ره) بود و در نهایت اصرار امام خمینی (ره) مبنی بر این که هیچ رابطه ای با لیبی انجام نگیرد تا وضعیت امام موسی صدر روشن شود، نشان می دهد که تا چه حد ایران بر خلاف کشورهای منطقه نسبت به این مسأله حساس بوده و دنبال حل این مشکل بوده است و امیدواریم با تحولاتی که هم اکنون در لیبی اتفاق می افتد، این گره باز و وضعیت امام موسی صدر هم روشن شود.



امام موسی صدر عدم تشکیلات منسجم را دلیل عقب ماندگی مسلمانان می دانست

توجه به تحولات اخیر منطقه همه منتظر هستند که اخبار نویدبخشی را درباره آزادی ایشان بشنوند.

وی افزود: امام موسی صدر، اصول را نزد آیت الله العظمی خوئی، شیخ مرتضی آل یاسین، سید عبدالهادی شیرازی و شیخ حسین حلی فراگرفت و فلسفه را نزد آیت الله شیخ صدرا یادکوبه‌ای. در نجف با مرحوم آیت الله شهید سید محمدباقر صدر و مرحوم آیت الله ابطحی هم‌درس بود؛ در حوزه علمیه قم دوستان و هم‌مباحثه‌ای‌های ایشان، آیت الله موسوی اردبیلی، شهید بهشتی، سید مهدی روحانی و آیت الله العظمی مکارم شیرازی را می‌توان نام برد؛ این عالم جلیل‌القدر هم دروس حوزوی و هم دروس دانشگاهی را در محضر اساتید بزرگ آموخته بود.

نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: امام موسی صدر در هر مقطعی از زندگی، راه‌اندازی یک مؤسسه فرهنگی، اجتماعی و تربیتی را در دستور کار داشت؛ در سال‌هایی که در ایران بودند در سال ۱۳۳۷ بعد از اینکه از نجف برمی‌گردند، نشریه‌ای را در حوزه علمیه قم تأسیس می‌کنند که درس‌هایی از مکتب اسلام است؛ خود امام موسی صدر، مرحوم دوانی، آیات عظام سبحانی، مکارم شیرازی، موسوی اردبیلی، نوری همدانی و آیت الله واعظ

۸۹، به همت جبهه بین‌المللی آزادی امام موسی صدر برگزار شد، ضمن بیان این مطلب و با استناد به آیه ۲۳ سوره احزاب «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند، برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز] عقیده خود را [تبدیل نکردند]) گفت: نزدیک به ۳۲ سال از ربه‌بودن شدن امام موسی صدر می‌گذرد و با

امام موسی صدر علت عقب‌ماندگی مسلمانان را عدم تشکیلات منسجم و عدم شکل‌گیری حکومتی مقتدر می‌دانست و سازماندهی مسلمانان به خصوص شیعیان و نیز رفع فقر و فساد از دغدغه‌های اصلی ایشان پس از ورود به لبنان بود.

سید شهاب‌الدین صدر، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی، در نخستین کنگره بین‌المللی «نقش امام موسی صدر در بیداری جهان اسلام» که ۲۱ اسفندماه



موضوع امام موسی صدر و ربوده شدن ایشان، مسئله کوچکی نیست که مربوط به یک خانواده و یا یک کشور باشد؛ این موضوع مربوط به جهان اسلام و همه آزادگان جهان است و لذا نظام جمهوری اسلامی ایران نیز همچون همه کشورهای اسلامی دیگر باید نسبت به این موضوع با حساسیت بیشتری به ویژه در این زمان برخورد کند



زاده خراسانی از جمله اعضای هیئت مؤسس این نشریه بودند؛ امام موسی صدر همچنین یک دبیرستان ملی در قم تأسیس می‌کند و مدیریتش را برعهده می‌گیرد که با همکاری شهید بهشتی و آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی برای اصلاح نظام آموزشی حوزه تلاش می‌کنند.

وی ادامه داد: تشکیلات و هماهنگی جزء رئوس مطالبی است که دغدغه امام موسی صدر بعد از ورود به لبنان است؛ ایشان عنوان می‌کنند که «در این دنیای سازمانی اگر ما بخواهیم تک‌روی کنیم نهایت سادگی است؛ اگر امروز عمل دسته‌جمعی نداشته باشیم کلاهمان پس‌معرکه است برای اینکه همه چیز منظم، تشکیلاتی و سازمانی است».

سیدشهاب‌الدین صدر همچنین، ساخت مؤسسه صنعتی جبل عامل، راه‌اندازی جمعیت خیریه احسان و نیکوکاری، تأسیس خانه دختران و پسرپرست، راه‌اندازی کارگاه‌های قالی‌بافی و نیز مرکز بررسی‌ها و مطالعات اسلامی را که شهید سیدعباس موسوی از تربیت‌شدگان این مرکز است، از جمله اقدامات امام موسی صدر برشمرد. وی در بخش دیگری از سخنان خود به اهداف تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان توسط امام موسی صدر اشاره و تصریح کرد: امام موسی صدر اهداف هفت‌گانه‌ای را برای تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان برشمرده و اولین هدف را «موضوع‌گیری کامل اسلامی» عنوان کرده است؛ رفع مشکلات داخلی لبنان و نیز تلاش برای آزادی سرزمین‌های اشغالی و دفاع از حقوق ملت فلسطین از دیگر اهداف تأسیس این مجلس است.

نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه گفت‌وگو، تفاهم و هم‌زیستی اساس حرکت امام موسی

صدر بود، گفت: امام موسی صدر حرکتی را در جهت تعامل با پیروان ادیان مختلف دنبال می‌کردند و قائل بودند که باید با موحدین و پیروان ادیان الهی گفت‌وگو کنیم و لذا با رهبران مسیحی جلسات متعددی داشتند؛ به طوری که بعد از مدتی و پس از جلب اعتماد مسیحیان، آنان به امام موسی صدر لقب مسیح لبنان را اعطا می‌کنند. ایشان در سال ۱۳۴۴ اولین دور گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت را پایه‌گذاری و در سال ۱۳۴۶ و بعد از جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل نزد پاپ رفته و با ایشان مذاکره می‌کنند. در سال ۱۳۵۷ نیز جبهه فراگیر ملی با رهبران مسیحی و مسلمان را چند ماه قبل از ربوده شدن تأسیس می‌کنند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به دلایل مختلف مطرح شده درباره ربودن امام موسی صدر اشاره و اظهار کرد: با توجه به نفوذ گسترده‌ای که امام موسی صدر در جهان اسلام و محبوبیتی که نزد پیروان همه ادیان الهی پیدا کرده بود، تحرک و تلاش ایشان در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) می‌توانست تهدید جدی برای منافع ابرقدرت‌ها باشد و لذا این اقدام که یک طراحی گسترده و جنایتکارانه

است، توسط آن‌ها انجام گرفت. سید شهاب‌الدین صدر تأکید کرد: امام موسی صدر شخصیتی ممتاز است که در لبنان برای ترویج اسلام و تشیع مستقر شده بود؛ مشی اعتدالی ایشان زبانزد است و بر اساس آموزه‌هایی که آموخته بود و رفتار و منش‌های که داشت، جذابیت بسیار زیادی پیدا کرده بود.

نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در بخش پایانی سخنانش یادآور شد: موضوع امام موسی صدر و ربوده شدن ایشان، مسئله کوچکی نیست که مربوط به یک خانواده و یا یک کشور باشد؛ این موضوع مربوط به جهان اسلام و همه آزادگان جهان است و لذا نظام جمهوری اسلامی ایران نیز همچون همه کشورهای اسلامی دیگر باید نسبت به این موضوع با حساسیت بیشتری به ویژه در این زمان برخورد کند.

وی گفت: مجلس شورای اسلامی نیز احساس وظیفه و تکلیف می‌کند که این موضوع را با حساسیت بیشتری پیگیری کند و امیدواریم که انشاءالله دستگاه دیپلماسی کشور نیز با تدابیری که می‌اندیشد، بتواند در اسرع وقت با برنامه‌ریزی مناسبی که لازم است، کار را به بهترین شکل به پیش ببرد.



جلوگیری از تحریف عملی قرآن از فعالیت‌های مهم امام موسی صدر بود

فعالیت‌های امام موسی صدر طی مدت حضور در لبنان، قابل تأمل است، خاطر نشان کرد: بیشترین محوری که ایشان در فعالیت‌ها و حرکت‌های خود از آن بهره می‌برد، محورهای قرآنی است.

وی تأکید کرد: یکی از فعالیت‌های مهم امام موسی صدر در لبنان، جلوگیری از تحریف در قرآن کریم بود؛ متأسفانه در کشورهای عربی قرائت آیه جهاد را منع کرده‌اند؛ یا در کشورهای همجوار ما پخش آیه «قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا» (نمل/ ۳۴) از رادیو و تلویزیون ممنوع است. حرکت امام موسی صدر در این زمینه، یک حرکت واقع‌آرزشی و اسلامی بود و امروز ما نتیجه آن را به خوبی می‌بینیم.

النعیمی همچنین با تأکید بر دخالت صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها در ربودن امام موسی صدر به عنوان یکی از پایه‌های انقلاب اسلامی ایران گفت: آنان دیدند که انقلاب اسلامی در شرف پیروزی است، لذا یکی از سگوها را برداشتند تا جایش خالی بماند؛ زیرا حرکتی که امام موسی صدر شروع کرده بود، در راستای اهداف انقلاب اسلامی بود. وی یادآور شد: «عالم عامل» صفت بارز امام موسی صدر بود. ما عامل داریم و عالم هم داریم؛ علمایی هستند که عمل نمی‌کنند، اما ایشان هم عالم بود و هم عامل. ایشان در مرحله‌ای وارد لبنان شد و واقعاً هم همه‌جانبه کار کرد و هیچ چیز جز ایمان و اعتقاد به یک منطق نمی‌تواند انسان را قانع کند که برود و همه چیز را از صفر آغاز کند.

النعیمی با اشاره به اینکه امروز تنها بخشی از فعالیت‌های امام موسی صدر برای ما روشن است، گفت: ترکیب مجلس اعلای اسلامی شیعیان در لبنان، به عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات امام موسی صدر، ترکیبی بسیار هوشمندانه است؛ ایشان مجلسی تشکیل داد و گفت «هر قاضی، نماینده و وزیر شیعه در آن عضو است و نیاز به ثبت نام ندارد»؛ مجلسی که جزء مؤسسات رسمی دولت و وابسته به نخست‌وزیری لبنان است.

وی توضیح داد: امروز می‌بینیم در لبنان قوانین مدنی تابع مقررات مجلس اعلای اسلامی شیعیان است؛ یعنی مسئله «ارث» بر اساس قوانین تشیع است (اهل سنت قوانینشان بر اساس مذهب حنبلی است که طبق آن، به دختر ارث نمی‌رسد)؛ امام موسی صدر کارهای زیربنایی انجام داد که آثارش را بعدها شاهد خواهیم بود.

مصیب النعیمی در پایان یادآور شد: امام موسی صدر همچنین با مدیریت و برنامه‌ریزی، کانون و کلا را تشکیل داد و دانشگاه‌ها را سهمیه‌بندی کرد که چه تعداد دانشجوی در چه رشته‌ای مشغول تحصیل شوند؛ در واقع ایشان با این کار برای بُعد علمی لبنان نیز در آینده نیروسازی کرد.

و شخصیت‌های برجسته‌ای را به جهان عرضه کرده است.

وی افزود: با توجه به اینکه حدود چهل درصد مردم لبنان شیعه هستند، ولی تا پیش از ورود امام موسی صدر هیچ هویتی نداشتند، با وجود اینکه یک اقلیت برتر بودند و در نقاط بسیار حساسی ساکن بودند. امام موسی صدر این جمع بزرگ و مهم را که مغفول مانده بودند، هویت داد و بعد از آن هم، خود لبنانی‌ها هم شایستگی خود را به خوبی نشان دادند.

النعیمی گفت: امام موسی صدر با ورود به لبنان چند حرکت کلیدی انجام داد؛ تشکیل مجلس اعلای شیعیان، ایجاد تشکیلات نظامی برای دفاع از شیعیان (جنبش امل) و پایه‌گذاری ساختاری موازی با بقیه طوائف.

مدیر مسئول روزنامه الوفاق با بیان اینکه

متأسفانه در بیشتر کشورهای عربی قرائت آیه جهاد را منع کرده‌اند؛ یکی از فعالیت‌های مهم امام موسی صدر در لبنان که حرکتی واقعاً ارزشی و اسلامی به شمار می‌رود، جلوگیری از چنین تحریفی در قرآن کریم بود و امروز ما نتیجه آن را به خوبی می‌بینیم.

«مصیب النعیمی»، مدیر مسئول روزنامه «الوفاق»، ضمن بیان این مطلب گفت: شاید بتوان امام موسی صدر را یکی از پایه‌گذاران نهضت اسلامی در لبنان نامگذاری کرد؛ اگرچه تشیع در لبنان تاریخ بسیار طولانی دارد و به زمان ابودر، صحابه پیامبر اکرم (ص)، بازمی‌گردد و از آن پس هم شاید از معدود نقاطی بوده که علاوه بر گرایش و حفظ این ارزش‌ها، علما



امام موسی صدر موجب توجه مثبت پیروان ادیان به آموزه‌های دینی یکدیگر شد

تأکید امام موسی صدر بر همبستگی مبانی تربیتی مدنظر پیامبران مختلف الهی، زمینه را برای توجه مثبت پیروان ادیان مختلف به آموزه‌های دینی یکدیگر فراهم می‌کند؛ در این زمینه او تأکید دارد که مسلمانان به تمامی پیامبران پیشین ایمان و توجه دارند.

مقاله «بررسی رویکرد تربیتی امام موسی صدر» به کوشش محمود سعیدی رضوانی، حسین باغلی و مرضیه نامخواه به رشته تحریر در آمده و در همایش بین‌المللی «امام موسی صدر؛ انسان عقل و اخلاق» در سال ۱۳۸۸ در مشهد ارائه شده است. مطالب پیش رو متن این مقاله است که از نظر می‌گذرد:

در این مقاله، به منظور بررسی رویکرد تربیتی امام موسی صدر، از روش تحلیل محتوای آثار موجود او استفاده شده است؛ از آنجا که امام موسی صدر به عنوان یک مربی تربیتی (با مختصات عملگرایانه) تلقی می‌شود، لذا نمی‌توان انتظار داشت که او به صورت مستقیم به طراحی نظام آموزشی و تربیتی مبادرت کرده باشد؛ بنابراین روش تحلیل محتوا می‌تواند وسیله مناسبی برای شناسایی موارد مورد توجه

او در عمل تربیت و همچنین تشخیص راهبردها و راهکارهای تربیتی او باشد. به این منظور تعداد ۱۰ عنوان از کتاب‌هایی که عمدتاً سخنرانی‌های پیاده‌سازی شده ایشان بود، با هدف شناسایی عناصر اصلی دیدگاه تربیتی او مورد تحلیل قرار گرفت؛ نتایج این تحقیق نشان داد که یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های امام موسی صدر (به عنوان یک رهبر دینی و سیاسی) بحث کادرسازی بوده است؛ او در تمام فعالیت‌های خود تلاش کرده است، با تأسی به پیامبران الهی و ائمه معصومین (ع)، زمینه مناسبی را برای تحول و فعال‌سازی انسان جامعه تحت رهبری خود (لبنان) فراهم کند. در این مقاله موارد به دست آمده از تحلیل آثار امام موسی صدر در قالب پنج عنوان ذیل دسته‌بندی و مورد تبیین و تدقیق قرار گرفته است: ۱- نگرش امام موسی صدر به جایگاه انسان در هستی و دلالت‌های تربیتی آن، ۲- نگاه امام موسی

صدر به تأثیر ویژگی‌های فطری انسان در تربیت، ۳- دیدگاه امام موسی صدر به نقش محیط در تربیت، ۴- دیدگاه امام موسی صدر درباره تعامل ایمان و عمل در تربیت، ۵- راهبردها و راهکارهای تربیتی از منظر امام موسی صدر. امام موسی صدر به عنوان یک عالم دینی در اواخر سال ۱۳۳۸ و به دنبال توصیه‌های حضرات آیات بروجردی، حکیم و شیخ مرتضی آل یاسین، وصیت مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین، رهبر متوفی شیعیان لبنان، را لبیک گفت و به عنوان جانشین آن مرحوم، سرزمین مادری خود ایران را به سوی لبنان ترک کرد. اصلاح امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه شیعیان لبنان از یک سو و استفاده از ظرفیت‌های منحصر به فرد لبنان جهت نمایاندن چهره عاقل، عادل، انسان دوست و همگام با زمان مکتب اهل بیت (ع) به جهانیان از سوی دیگر، اهداف اصلی این هجرت را تشکیل می‌داد.



امام موسی صدر برای نیل به این اهداف و با توجه به جغرافیای اجتماعی و سیاسی لبنان در منطقه و جهان، از همان بدو ورود فعالیت‌های خود را در سه حوزه موازی سازماندهی نمود: ۱- بازسازی هویت، انسجام و عزت تاریخی شیعیان لبنان، ۲- پرچمداری حرکت گفت‌وگوی ادیان و تقریب مذاهب در لبنان، تأسیس جامعه مقاوم و مقاومت لبنانی در برابر تجاوزات اسرائیل.

باید توجه داشت که تدوین یک نظام تربیتی (به مفهوم آکادمیک آن) دغدغه اصلی امام موسی صدر نبوده است، بلکه او تلاش می‌کند تا با استفاده از آموزه‌های تربیتی اسلام تحول لازم در مردم لبنان را به وجود آورد؛ نکته قابل توجه در تمام فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی امام موسی صدر این است

که او - براساس تعالیم الهی دین اسلام - تربیت انسان را به عنوان اصل و بنیاد این فعالیت‌ها قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر وی هدف غایی همه فعالیت‌های انسان را در این هستی (اعم از فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و ...) ایجاد زمینه‌ای برای تعالی او تلقی می‌کند؛ بر این اساس تلاش می‌کند با ایجاد تحول در زیربنای فکری متریبان خود، افق‌ی را در دید آن‌ها باز نماید که منجر به گسترش معنای زندگی شود؛ هدف از این اقدام، ایجاد حرکت، تلاش، پویایی و امید در مردم لبنان است؛ چیزی که امام موسی صدر در سال‌های حضور در لبنان به خوبی توانست آن را در میان مردم لبنان توسعه دهد. در این مقاله، تلاش شده است رویکرد تربیتی امام موسی صدر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و در این زمینه مسائل

مورد توجه امام موسی صدر (که در سخنرانی‌ها و نوشته‌ها بر آن‌ها تأکید شده) استخراج و سپس راهبردها و راهکارهای امام موسی صدر در زمینه تربیت اسلامی مورد تدقیق قرار گیرد. از آنجا که هدف این پژوهش بررسی اندیشه‌های تربیتی امام موسی صدر بود و با توجه به اینکه ایشان به صورت جداگانه اندیشه‌های تربیتی خود را ارائه ننموده و همچنین به عنوان یک رهبر سیاسی دارای ابعاد فکری مختلفی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ...) است، لذا برای شناسایی اندیشه‌های تربیتی ایشان، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

به منظور تحلیل محتوای اندیشه‌های امام موسی صدر، آثار منتشر شده از سخنرانی‌ها و مقالات ایشان (که اکثر آن‌ها توسط مؤسسه امام موسی صدر تهیه شده بود) جمع‌آوری شد؛ سپس این آثار مورد مطالعه پژوهشگران قرار گرفت و تمام مواردی که حاوی مسائل تربیتی بودند، کدگذاری شد؛ پس از اتمام کدگذاری، مطالب به دست آمده (که به حوزه تربیتی مربوط بودند) در پنج دسته کلی شامل: «نگرش به جایگاه انسان در هستی و دلالت‌های تربیتی آن»، «تأثیر

ویژگی‌های فطری انسان در تربیت»، «نقش محیط در تربیت»، «تعامل ایمان و عمل در تربیت» و «راهبردها و راهکارهای تربیتی» قرار گرفت.

نگرش امام موسی صدر به جایگاه انسان در هستی و دلالت‌های تربیتی آن

در ادامه، متون موجود در علوم تربیتی مورد بررسی قرار گرفت و رویکردهای موجود در زمینه مسائل مورد توجه امام موسی صدر (در حوزه تعلیم و تربیت) بازایی و با نظرات امام موسی صدر مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفت؛ در انتخاب محتوا در پژوهش حاضر این نکته مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت که تنها سخنان مستقیم امام موسی صدر به عنوان محتوای مورد پژوهش مدنظر قرار گیرند و لذا از سخنان و نظرات افراد در مورد ایشان و اندیشه‌هایشان صرف نظر شد؛ همچنین تنها به نظرات منتشر شده ایشان (که به زبان فارسی موجود و یا ترجمه شده است) بسنده شد.

از دیدگاه اسلام، جهان خارج از ذهن وجود واقعی دارد؛ اصل اصیل در هر چیز وجود هستی اوست و «هستی» بدیهی‌ترین بدیهیات محسوب می‌شود. جهان فقط در بُعد مادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه به‌طور غیر قابل اجتناب، ماده هم واقعیت دارد؛ جهان و هستی خارج از ذهن واقعی است اما واقعیت هستی در عین اینکه گوناگون و مختلف است، یکی است؛ به عبارت دیگر تمام هستی و جهان، معلولی است که علت و خالق آن خدای یکتا است؛ خدا، وجود مطلق و کاملی است که سراسر عالم و جهان را فرا گرفته و اینجاست که تمام هستی، وجود خالق را متجلی می‌سازد و هر ذره‌ای از عالم وجود، تجلی‌گر وجود خداست؛ جهان مجموعه‌ای هدفدار است؛ معاد یا زندگی جاوید به‌عنوان یک اصل مسلم در کل نظام هستی وجود دارد.

از آنجا که نگرش امام موسی صدر مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام است، لذا او در هستی‌شناسی، نگرشی یکپارچه و به‌هم پیوسته دارد؛ در نگاه امام موسی صدر اعمال انسانی در تعامل مستقیم با هستی معنا پیدا می‌کند؛ در این زمینه معتقد است: «عملی از خارج، حیات انسان را دگرگون نمی‌کند، بلکه تحول یعنی کنش و واکنش میان انسان و هستی»؛ او با پذیرش این مقدمه که همه هستی، مخلوق آفریدگاری واحد و یگانه است، بر این باور است که تعلیم اسلام با نگاهی کامل به روابط انسان و هستی، قوانین تربیتی را مطرح می‌کند؛ امام موسی صدر در بحث وسعت نگرش اسلام در تعلیم تربیتی پیشنهادی می‌گوید: «پروردگار، قوانینی را در مسیر بهره‌وری از جهان و احیای حیاتی طیب و پاک و پاکیزه و کامل وضع فرموده است؛ درست مثل اینکه

کارخانه‌های ماشین‌سازی برای حفظ خودروها و استفاده کامل از آن‌ها قوانین و مقررات و ضوابطی وضع نموده‌اند، زیرا سازنده ماشین‌ها به چگونگی ساختمان آن‌ها، مشخصات و ویژگی‌های آن‌ها و بالاخره راه‌های استفاده کامل از آن‌ها آگاه است».

یکی از نکات قابل توجه در اندیشه تربیتی امام موسی صدر، در بُعد نگرش به هستی، این است که او وقایع موجود در هستی را منقطع و جدا از یکدیگر نمی‌بیند، بلکه با توجه به اعتقاد به یکپارچگی هستی، بر این باور است که وقایع هستی دائماً در دل تاریخ حیات انسانی در حال جریان و سیلان هستند؛ به عنوان مثال او در پرداختن به مسئله شیطان نشان می‌دهد که تقابل باطل و حق مربوط به زمان تمرّد شیطان در برابر فرمان الهی نیست، بلکه نبرد حق و باطل امری دائمی و جاری در حیات انسان است. در این زمینه می‌گوید: «شیطان، به منزله یک ذات مشخص، تبلور و تجسمی است از وحدت نیروهای شر که در برابر نیروهای خیر قرار گرفته‌اند؛ حضور شیطان یک نبرد ازلی و ابدی را میان حق و باطل از هر نوع، وصف، قدرت و اندازه موجب شده است».

بر اساس این نگرش، امام موسی صدر تلاش می‌کند تا وقایع موجود در تاریخ حیات انسان را به گونه‌ای در پیوند با شرایط روز خود تحلیل نماید و از همه این وقایع، تعلیم تربیتی استنتاج نماید؛ او درباره واقعه عاشورا می‌گوید: «... واقعه کربلا، نبردی منفک و پدیده‌ای یگانه در تاریخ انسان نیست، البته حلقه‌ای ویژه است و به‌طور طبیعی با دیگر حلقه‌های تاریخ نبرد، تفاوت دارد و همچنان که این حلقه با گذشته پیوند دارد، با آینده نیز در پیوند است؛ ما با این یادکردها و عذارای‌ها و برپایی مجالس سوگ، می‌کوشیم تا این واقعه را همچون رویدادی تازه، تجربه کنیم؛ پدران و نیاکان و رهبران و علمای ما نیز چنین کرده‌اند».

همچنین در جایی دیگر درباره امر به معروف و نهی از منکر و حرکت امام حسین (ع) در این زمینه می‌گوید: «آیا امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح مردم مخصوص ایام امام حسین (ع) بود و پایان یافت، یا اینکه ما نیز از آن آمت هستیم؟ پس در زمانه ما و بنا بر تجزیه و تحلیل خود او، اگر منکر، ترک و به معروف، عمل و جامعه اصلاح شود، امام حسین (ع) به هدفش از شهادت رسیده است و امروز هر اندازه که معروف ترک و به منکر عمل شود و فساد میان مردم رواج یابد، بدین معناست که در این برهه از زمان این نسل از آمت، خون امام حسین (ع) را به هدر داده

و اهداف او را از میان برده است». امام موسی صدر با پیوند دادن وقایع تاریخی به زمان حال، به گونه‌ای انسان را در یک جریان مستمر و از گذشته تا آینده قرار می‌دهد و بنابراین عظمت او و مسئولیتش را متذکر می‌شود؛ یکی از پیامدهای نگرش یکپارچه و یگانه‌نگر امام موسی صدر به پدیده‌های موجود در هستی این است که عنصر زمان را در حیات معنوی انسان، از میان برمی‌دارد و به انسان بینشی می‌دهد که او در عین احساس پیوند و مسئولیت نسبت به وقایع گذشته، با نگاه به شرایط خود، وضعیت آینده‌اش را نیز مجسم می‌کند؛ به عنوان نمونه او در تحلیل معاد و پاداش و جزای مطرح شده در معاد عبارت است از نفس عمل که متناسب با عالم جاوید ظهور می‌کند و از جهت دیگر، معاد، روز به روز، نتیجه عمل و هنگام کشف حقیقت عمل است؛ پس جزا، بنابر تعریف قرآن کریم، همراه با عمل است، ولی از چشم‌ها پنهان».

از دیگر نکات قابل توجه در نگرش یکپارچه و پیوسته با هستی، از منظر امام موسی صدر، تأکید او بر یگانگی دعوت پیامبران الهی است؛ او تأکید می‌کند که «رسالت همه انبیا یکی است و اختلافشان تنها به ادوار زندگی بسته است، ادوار زندگی با توجه به تکامل و تکوین؛ جوهر انقلاب

پیامبران بر ضد بت پرستی، به هر شکلی که باشد، در مراحل و ادوار مختلف تفاوتی نمی‌کنند، زیرا که آنان رهبرانی رهایی‌بخش‌اند.»

تأکید امام موسی صدر بر همبستگی میانی تربیتی مدنظر پیامبران مختلف الهی، زمینه را برای توجه مثبت پیروان ادیان مختلف به آموزه‌های دینی یکدیگر فراهم می‌کند؛ در این زمینه او تأکید می‌کند که مسلمانان به تمامی پیامبران پیشین ایمان و توجه دارند: «یکی از باورهای قرآنی، عقیده‌مندی به کتاب‌ها و پیامبران الهی است؛ قرآن کریم بسیار می‌کوشد تا قرآن تأکید دارد که اعتقاد به حضرت محمد(ص) به تنهایی بسنده نیست؛ مسلمانان همچنین باید به همه پیامبران پیشین ایمان داشته باشد.»

نگاه امام موسی صدر به تأثیر ویژگی‌های فطری انسان در تربیت

از رویکرد هستی‌شناسانه امام موسی صدر در زمینه تربیت می‌توان برداشت کرد که او در تلاش است با معرفی پیوستگی و هماهنگی امور عالم، ضمن اثبات خالق یگانه برای این هستی، زمینه را برای ایجاد وسعت بینش در انسان‌های عصر خویش فراهم نماید، به گونه‌ای که آنها خود را در پیوند با گذشته و آینده احساس نمایند و خود را در این رود جاری حیات منشعب از روح هستی‌بخش، موجودی اثرگذار و مسئول تلقی کنند؛ امام موسی صدر با یکپارچه‌نگری هستی و پیوند آموزه‌های ادیان تلاش می‌کند تا از اختلافات ظاهری ادیان عبور و زمینه‌ای را برای پیوند ادیان در تحقق حیات طیبه انسان فراهم کند؛ به نظر می‌رسد که او به خوبی درک کرده بود که اگر مردم لبنان حیات خود را مقطعی و محدود تلقی کنند، با توجه به شرایط آن روز خود را محکوم تلقی نموده و می‌پذیرند که در این مقطع و حدود نمی‌توان کاری کرد، اما امام موسی صدر با روشنگری

شرایط گذشته و تعمیم آن به زمان خود و تشریح نقش هر انسان در شکل‌گیری آینده، زمینه را برای تحول نسل خود فراهم می‌کند.

امام موسی صدر همسو با تعالیم اسلامی (و صاحب‌نظران تربیت اسلامی) به شدت معتقد به وجود فطرت پاک در همه انسان‌ها است؛ چنانچه می‌گوید: «از نظر اسلام، انسان‌ها همه خوب و بر فطرت پاک خلق شده‌اند؛ چه بسا منافع شخصی و فساد محیط از بروز آثار این فطرت جلوگیری می‌کند و انسان مرتکب ظلم یا فساد می‌شود ولی حتی در همان حالت، «فطرت» وی او را به اصلاح دعوت می‌کند.»

امام موسی صدر برای اثبات مدعای خویش علاوه بر استفاده از آیاتی که مستقیماً افاده‌کننده بحث فطرت هستند، از استدلال ظریفی استفاده می‌کند؛ وی معتقد است به کار بستن اصطلاح طیب و خبیث نشان‌دهنده طهارت نفس آدمی است که در واقع حرام برای او خبیث است و حلال برای او طیب. وی می‌گوید: «اسلام از حلال و حرام به طیبات و خبائث تعبیر می‌کند و این امر در حقیقت پاک‌دانستن انسان است و تکریم او»؛ بر این اساس، وی بر این باور است که شعاع دعوت به صراط مستقیم الهی باید دربرگیرنده همه افراد باشد. امام موسی صدر می‌گوید: «این باور مرا بر آن می‌دارد تا همه مردم را برای پذیرش دعوت دینی درست آماده بدانم.»

جالب آن که امام موسی صدر از مسئول و مکلف بودن انسان‌ها، به جای آن که با قضاوت ظاهری، تعبیر نوعی تحقیر کند، استنباط «تکریم انسان» می‌نماید، چنانچه تصریح می‌کند: «مقام والای انسانی، مسئولیت همه کارهای کوچک و بزرگ، فعالیت‌های پنهان و آشکار و مسئولیت همه گفته‌ها و ناگفته‌های انسان را بر عهده خودش می‌گذارد و انسان را در برابر همه اعمال و افکارش مسئول می‌کند؛ مسئولیت

عبارت است از تأثیر انسان بر خود یا بر دیگران، بنابراین مسئولیت جایگاهی بلندمرتبه برای انسان و به مثابه تکریم اوست.»

تکریم انسان از نظر امام موسی صدر اولاً بر اساس ارتباط انسان با خداوند و ثانیاً مطابق اهدافی است که خداوند برای او مقرر کرده است: «انسان اساساً مخلوق خداوندی است که آفریننده جهان و هستی است؛ همین نسبت او با خداوند، خود دارای ابعاد است که بر شخص انسان و همه پیوندهای او تأثیر می‌گذارد»؛ و همچنین می‌گوید: «اسلام برای انسان، هدفی قرار داده که فراتر از چارچوب محدود نفس اوست؛ در او آرمان‌های بی‌انتهایی آفریده است و او را تا آخرین لحظات به سوی آن آرمان‌ها سوق می‌دهد.»

دیدگاه امام موسی صدر اسباب آن را فراهم می‌آورد که انجام عبادات را نه تنها تحمیل و تکلفی برای انسان تلقی نکنیم، بلکه آن را تنها راه رسیدن به آزادی بدانیم. «من از این اصل کلی دفاع می‌کنم و می‌گویم همه عبادات انسان را برای رسیدن به آزادی یاری می‌کنند، زیرا به انسان برای متخلق شدن به اخلاق الهی کمک می‌کنند؛ همچنین انسان را به کمال نزدیک می‌سازند و به آزادی فرامی‌خوانند»؛ از این رو با جهان‌بینی امام موسی صدر، عبادت در خدمت آزادی و آزادی، رستن از قیودات نفسانی است و در گام بعدی، این موجود مخلوق الهی، به قدرت الهی، صاحب امتیاز ویژه‌ای است که او را از سایر موجودات کاملاً ممتاز می‌کند؛ «انسان موجودی است عینی که با موجودات عینی دیگر، از نظر آزادی انتخاب، متفاوت است؛ بدین معنا که رفتار و اعمال او ناشی از تعقل و اراده اوست، گرچه به صورت نسبی.»

در تبیین بیشتر موضوع اختیار انسانی امام موسی صدر تصریح می‌کند: «انسان میان خیر و شر مخیر است، نه اینکه مجبور و ناچار باشد و به آن هدف و مقصود و هدایتی رهنمون شود که نقش تکوینی او برایش مقرر داشته است»؛ با این نگاه به انسان و نیروی نفسانی و شیطانی، امام موسی صدر تعریفی از آزادی ارائه می‌دهد که در عین حال که نامحدود است، مزاحم آزادی دیگران نیست (!) وی می‌گوید: «آزادی حقیقی عبارت است از رها شدن از دیگران و رها شدن از خویشتن؛ با چنین تعبیری از آزادی، می‌توان آزادی را نامحدود دانست، زیرا آن نوع آزادی که با آزادی دیگران تداخل پیدا می‌کند «نفس پرستی» و پیروی از هواهای نفسانی است (و در واقع آزادی نیست)» و با این تصور از آزادی از نظر امام موسی صدر: «آزادی برترین ساز و کار فعال کردن همه توانایی‌ها و ظرفیت‌های انسانی است.»

آلبوم تصاویر







